

عصر ظهور

مترجم : عباس جلالی

مؤلف : علی کورانی

بسم الله الرحمن الرحیم

عصر ظهور

نویسنده:

علی کورانی

ناشر چاپی:

سازمان تبلیغات اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عصر ظهور

مشخصات کتاب

سرشناسه:کورانی، علی، ۱۹۴۴ - م.

Kurani,Ali

عنوان قراردادی:عصرالظهور. فارسی.

عنوان و نام پدیدآور:عصر ظهور / مولف علی الکورانی ؛ مترجم مهدی حقی.

مشخصات نشر:تهران: الهدی، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری:۴۰۰ص.

یادداشت:این کتاب در سالهای مختلف توسط ناشران و مترجمان متفاوت منتشر شده است.

یادداشت:کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع:محمدبن حسن عجّل الله فرجه الشّریف ، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -، امام دوازدهم

موضوع:Muhammad ibn Hasan, Imam

موضوع:مهدویت -- انتظار

موضوع:مهدویت

شناسه افزوده:حقی، مهدی، ۱۳۳۹ - مترجم

رده بندی کنگره:BP۲۲۴/ک ۹ع ۶۰۴۱ ۱۳۸۳

رده بندی دیویی:۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی:۱۰۷۳۸۹۱

ص: ۱

اشاره

مقدمه مترجم

یملأ الله الأرض قسطا وعدلا بعد ما ملئت ظلما وجورا

چه با شکوه است تصور ایامی که تنها حاکم عالم، دادگستری چون قائم آل محمد صلی الله علیه و آله باشد.

و چه زیباست زندگی در روزگاری که پرچمی جز پرچم توحید در اهتزاز نباشد و ندائی جز ندای حق به گوش جهانیان نرسد، دورانی، سرشار از عطوفت، مهربانی، عدالت، آزادگی و کرامت انسانی.

ایامی که در آن آسمان نیز از بارش پی در پی باران رحمتش بر زمین دریغ نورزد و زمین گنجینه های نهفته در دل خویش را سخاوتمندانه بر آدمیان تقدیم دارد. چرا که عرشیان و فرشیان چنان از دولت بر حق آن عدالت گستر جهان به شور و وجد آیند که هر کس هر چه در توان دارد در طبق اخلاص خویش عرضه کند تا شاید سهمی از آن همه شکوه و جلال بی پایان بر عهده گیرد.

آرزوی دستیابی به آن دنیای بی بدیل، چشمان میلونها انسان خسته از ظلم دوران را، در انتظار نگه داشته و بیان اوصاف دولت حق توسط عالمان و دانشمندان، این انتظار مقدس را شوق انگیزتر کرده است.

ص: ۵

در سال های نخست انقلاب اسلامی در ایران بار دیگر مسأله پیروزی مسلمانان بر قدرت های ستمگر جهانی و مسأله ظهور قائم آل محمد علیه السلام بر افکار عمومی سایه افکند. و در همین ایام بود که محقق و دانشمند معروف لبنانی جناب حجه الاسلام والمسلمین آقای علی کورانی کتاب عصر ظهور را منتشر کرد و تصویری نسبتا جامع از دورنمای حکومت جهانی آن منجی بزرگ عالم، به منتظران ظهورش ارائه نمود.

کتاب حاضر به جهت تکیه بر آیات و احادیث، تحلیل هنرمندانه حوادث دوران ظهور و شیوائی قلم، امید به بازگشت قریب الوقوع مهدی موعود را در دل و جان آدمی زنده میکند و پیروان راستین آن منجی را برای یاری و جانفشانی در رکابش، آماده باش نگه میدارد.

با توجه به این ویژگی های جذاب، کتاب عصر ظهور بلافاصله به زبان فارسی و سپس به زبانهای انگلیسی و اردو ترجمه و در طول ۲۰ سال گذشته بیش از ۵۰ بار به چاپ رسید و در سراسر جهان در اختیار مشتاقان ظهور قرار گرفت.

مدتی قبل سر اسقف کلیساهای لبنان پس از مطالعه کتاب عصر ظهور، اقدام به چاپ و توزیع پنج هزار نسخه از آن در میان جوانان مسیحی کرد، چرا که معتقد بود آنچه در کتاب مذکور درباره بازگشت عیسی مسیح و همکاری او با مهدی موعود در دوران ظهور آمده، باعث رشد معنویت و امید در میان مسیحیانی میگردد که ظهور دوباره مسیح و حاکمیت او را انتظار میکشند.

همزمان با استقبال گسترده از کتاب عصر ظهور و انتشار آن در کشورهای مختلف، نویسنده پر تلاش، با همکاری گروهی از محققان حوزه علمیه قم اقدام به تألیف " دائره المعارف احادیث امام مهدی علیه السلام " نمود که گنجینه ای از مجموعه احادیث

شیعه و سنی در ارتباط با آن حضرت است. این دائره المعارف در پنج جلد منتشر و

در دسترس عموم قرار گرفت.

ص: ۶

با توجه به استقبال عمومی از کتاب عصر ظهور و دستیابی به منابع فراوانی که در مدت تحقیق و تألیف دائره المعارف احادیث امام مهدی علیه السلام بدست آمده بود، نویسنده در سال جاری تصمیم گرفت تا کتاب عصر ظهور را بازنگری کامل کرده و با حذف برخی مطالب و افزودن مطالبی دیگر، جایگاه علمی کتاب را مستحکم سازد.

اکنون نسخه جدید با ترجمه جدید آن در اختیار علاقه مندان قرار دارد، بدان امید که رضایت آن قطب دائره امکان فراهم گردد. انشاء الله...

مهدی حقی - حوزه علمیه قم بهار ۱۳۸۳

ص: ۷

مقدمه

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نشانه های اعتقاد به حضرت مهدی عجّل الله فرجه الشّریف در میان ملل اسلامی و حتی غیر اسلامی در قالب پرسش، گفتگو، مطالعه و تألیف اوج گرفت، تا آنجا که شایع شد وزارت اطلاعات آمریکا پرونده ای برای امام زمان علیه السلام تنظیم نموده که تمام اطلاعات مربوط به ایشان را در بر دارد و تنها نقص آن، تصویر حضرت است!

شاید بزرگترین رویداد سیاسی مرتبط با اعتقاد به آن حضرت در سالهای اخیر، حادثه ای باشد که در آغاز سال ۱۴۰۰ هجری قمری به رهبری " محمد عبد الله العتیبی " در مسجد الحرام اتفاق افتاد. در آن واقعه، یاران محمد به مسجد الحرام مسلط شد و معاون وی " جهیمان " با صدور اطلاعیه ای از داخل حرم، مسلمانان را به بیعت با " محمد " دعوت کرد و مدعی شد که او همان مهدی منتظری است که پیامبر صلی الله علیه و آله ظهورش را بشارت داده است.

اشغال و مقاومت این گروه، چند روز ادامه داشت تا آنکه حکومت سعودی برای شکست آنان، مجبور به استفاده از " نیروهای ویژه " شد.

همچنین بزرگترین فعالیت تبلیغاتی که اخیرا توسط دشمنان انجام گرفت، و در ارتباط مستقیم با اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام قرار داشت، ساخت فیلم

" نوستر آداموس " بود که به مدت سه ماه پی در پی در شبکه های مختلف تلویزیونی آمریکا به نمایش گذاشته شد!

این فیلم، سرگذشت یک ستاره شناس و پزشک فرانسوی بنام " میشل نوستر آداموس " را بیان میکرد که در حدود ۵۰۰ سال پیش میزیسته و پیشگویی هایی درباره آینده جهان، به رشته تحریر درآورده که مهمترین آنها درباره ظهور یکی از نوادگان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مکه مکرمه است. شخصی که مسلمانان را زیر پرچم خود متحد خواهد ساخت و بر اروپائیان پیروز شده و شهر یا شهرهای بزرگ سرزمین جدید یعنی آمریکا را ویران خواهد نمود!

به نظر میرسد صهیونیست ها در ساخت این فیلم دست داشتند و هدف آنان بسیج مردم آمریکا و اروپا علیه مسلمانان بود، چرا که آنان اسلام را خطری بزرگ برای غرب و تمدن آن میپندارند.

این احتمال وقتی آشکارتر میشود که میبینیم در پایان فیلم، نکته ای را بر پیشگوئی " نوستر آداموس " اضافه نموده اند و آن این که پس از شکست اروپا و نابودی شهرها و سمبل های تمدن آمریکا توسط موشکهای غول پیکری که حضرت در اختیار دارد، آمریکائیان جهت رویارویی با آن حضرت به همکاری نظامی با روسیه متوسل میشوند و سرانجام بر وی پیروز میگردند!

محتوای این کتاب از اعتبار علمی برخوردار نیست، چرا که حاوی مطالبی است که به زبان قدیم فرانسه و با شیوه رمزی و مبهم نوشته شده و به شکل های گوناگون قابل تفسیر و توجیه است. و ظاهرا نویسنده، بر پاره ای از منابع اسلامی در مورد حضرت آگاهی داشته و یا با بعضی از علمای اسلام ملاقات نموده است. بویژه

آنکه وی مدتی در ایتالیا و جنوب فرانسه و یا شاید در اندلس زندگی کرده است...

ص: ۱۰

به هر حال، کتاب " پیشگوئی های نوستر آداموس " به سرعت پس از پیروزی انقلاب ایران، با شرح و تفسیرهای متعدد منتشر شد و چاپهای آن به صدها هزار و حتی به قولی به میلیونها نسخه رسید، و سپس به فیلم سینمائی تبدیل شد و توسط شبکه های تلویزیونی در معرض دید میلیونها نفر قرار گرفت.

اما مشکل غربی ها این نیست که آنان اعتقاد به ظهور مسیح یا مهدی (علیهما السلام) و یا اعتقاد به صحت پیشگوئی های نوستر آداموس و یا دیگر ستاره شناسان داشته باشند... بلکه آنها از خیزش اسلامی که سلطه غربی ها بر ملتهای مسلمان را پایان بخشد، در هراسند.

به همین جهت غربی ها از هر عنصر تبلیغاتی به سرعت بهره میگیرند تا زنگهای خطر را در گوش ملتهایشان به صدا درآورند. آنها به حرکت های آینده ملتها در ایران، مکه، مصر و سرزمینهای اسلامی چشم دوخته اند، و تلاش میکنند تا افکار عمومی ملتهای خود را برای اجرای تمام نقشه های استعماری و ضربه زدن به این کشورها جلب نمایند...

در این میان هدف یهودیان که پشت ماجرا قرار دارند، افزودن هراس غربی ها از خطر مسلمانان است، تا بدین وسیله به آنان وانمود کنند که تمدنشان مورد هدف قرار گرفته و اسرائیل در خط مقدم دفاع از آنها ایستاده است.

بنابر این، دشمنان اسلام چاره ای جز فعالیت گسترده تبلیغاتی علیه امام زمان علیه السلام ندارند و این اضطرار زمانی افزوده خواهد شد که غربیها در برابر جاذبه های بی پایان رهبر موعود قرار گیرند و یا در صورت اطمینان به ظهورش، خود را رو در روی او مشاهده کنند.

جالب اینکه غربیها با دست زدن به این تلاشها که ناشی از ترس و وحشت آنان از

ص: ۱۱

حضرت مهدی علیه السلام است، زمینه را برای ظهور او مهیا نموده، و شوق ما را به دیدار فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله که از کنار کعبه طلوع خواهد کرد، برمیانگیزند.

آری، این امید و اشتیاق زمانی در دل مسلمانان به اوج میرسد که میبینند آن حضرت در فیلم نوستر آداموس، از مرکز فرماندهی عملیات به کمک ژنرالهای خود (به تعبیر فیلم) صحنه جنگ را اداره میکند و با سردمداران کفر مبارزه مینماید و با پرتاب موشکهای غول پیکر از قلب صحرای حجاز، پایگاههای کفر و ظلم آنان را درهم میکوبد.

آری تمام واکنشهای غرب در برابر اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (ارواحنا فداه) پس از انقلابی آغاز شد که در ایران به نام آن حضرت و با شعار آماده سازی منطقه و جهان برای ظهور او انجام گرفت.

اکنون کارشناسان عالم سیاست علیرغم اختلاف نظری که درباره جایگاه سیاسی انقلاب اسلامی ایران دارند، اما در این دیدگاه متفقند که این نهضت از نظر اعتقادی، حرکتی در راستای آماده سازی ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

در فضای کنونی ایران، احساس میشود که حضور حضرت مهدی علیه السلام حضور اصلی و محوری است و این حضور به مراتب پر رنگ تر از نقش انقلاب و رهبری آن است و در حقیقت اوست که رهبری معنوی انقلاب و نظام را بر عهده دارد.

مسؤولان حکومت در ایران همواره نام آن حضرت را با احترام و قداست فراوان بر زبان جاری میکنند و با صراحت اعلام مینمایند که " جان ما فدای خاک پای آن حضرت باد " و یا " کشور، کشور امام زمان است " و یا میگویند " هدف و آرزوی نهائی ما تسلیم این کشور به صاحب اصلی آن، یعنی امام زمان است " آری در ایران،

امام زمان عجّل الله فرجه الشّریف همان سرور و سالار حاضر و ناظری است که با تمام قداستش در

ص: ۱۲

دلهای پرشور مردم، در فریادها، شعارها، نامگذاری فرزندان، مؤسسات، خیابانها و حتی مراکز تجاری، با شکوه تمام جلوه گر است.

مجاهدان و مبارزان در جای جای ایران، لبنان و... اشک شوق خود را به پای او نثار میکنند. او را در رؤیاهای خود میبینند، با فرشتگان همراهش در بیداری رابطه برقرار میکنند و همواره روحشان به سوی او بال میگشاید.

احترام، محبت و قداستی که حضرت مهدی (ارواحنا فداه) در قلوب شیعیان و عموم مسلمانان دارد، هیچ شخصیتی در روی زمین دارا نیست. این علاقه و توجه به ظهور حضرت همچنان افزایش خواهد یافت تا زمانی که خداوند وعده خود را عملی کند و آئینش را بر تمام ادیان پیروز گرداند.

در حدود بیست سال پیش، کتاب " عصر ظهور " را به رشته تحریر درآوردم تا تصویری کامل از دوران ظهور آن حضرت را به زبانی گویا و با تکیه بر آیات قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام ارائه نمایم. در بیان اسناد و مدارک مطالب آن نوشتار، معمولا به بیان یک یا دو منبع، بسنده کردم، چرا که هدف، ارائه نمای عمومی و تقریبی دوران ظهور و نهضتها و حوادث مربوط به آن زمان بود. اما پس از انتشار کتاب، موفق شدم تا " دایره المعارف احادیث امام مهدی علیه السلام " را در طی پنج سال تهیه و تنظیم نمایم. از آن پس، بر خود لازم میدیدم که در اولین فرصت در مطالب کتاب عصر ظهور نیز بازنگری کنم، تا برخی از نظریه های مربوط به دوران ظهور آن حضرت را به کتاب افزوده و برخی مطالب اضافی که از استواری چندانی برخوردار نبود و یا وجودشان ضروری به نظر نمیرسید را حذف کنم تا بر استحکام مطالب کتاب افزوده شود. اکنون با ارائه نسخه جدید کتاب عصر ظهور این آرزو، برآورده

شده است والحمد لله.

ص: ۱۳

امید است این کتاب، خدمتی برای اسلام و پیروان پاکش باشد، همان کسانی که

تشنه معرفت رهبر موعود خویشند. رهبری که وعده ظهورش از زبان رسول گرامی

اسلام و اهل بیت او به جهانیان داده شده است. آرزو میکنم که خداوند این اثر را

در زمره تلاش هائی قرار دهد که زمینه ساز ظهور آن حجت بر حق و ولی الهی است.

درود خدا بر او و جانمان فدای قدوم مبارکش باد.

علی الکورانی العاملی

۲۵ محرم الحرام ۱۴۲۴

سیمای کلی دوران ظهور

با آنکه قرآن کریم معجزه جاوید پیامبر ما در همه زمانهاست، اما میتوان گفت

پیشگوئی های پیامبر از سرنوشت بشر و تحولات گوناگون اسلام در مسیر تاریخ، و

خبر از مجد و عظمت و پیروزی دوباره اسلام در جهان، از معجزه های دیگر آن

پیامبر عظیم الشأن است.

عصر ظهور اسلام که موضوع این کتاب است، در واقع همان عصر ظهور مهدی

موعود عجّل الله فرجه الشّریف است.

در احادیثی که " صحابه پیامبر "، " تابعین "، نویسندگان " صحاح " و " دایره

المعارف های حدیثی " (۱) مذاهب مختلف اسلامی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند،

هیچ فرقی میان " عصر ظهور اسلام " و " عصر ظهور مهدی موعود " گذاشته نشده

ص: ۱۵

۱- ۱. " صحابه پیامبر " معمولا به افرادی گفته میشود که موفق به درک محضر رسول خدا در زمان حیات آن حضرت شده اند. و " تابعین " به افرادی گفته میشود که سخنان پیامبر خدا را از صحابه شنیده و خود موفق به درک او نشده اند. " صحاح " یعنی دو کتاب معروف بخاری و مسلم و صحاح سته یا کتب سته به کتابهای حدیثی اهل سنت گفته میشود که نزد دانشمندان اهل سنت از اعتبار و صحت بالائی برخوردار است و " دایره المعارفهای حدیثی " شامل کتابهای حدیثی مفصلی است که احادیث پیامبر خدا را جمع آوری کرده اند. مترجم

است، در این احادیث که به " احادیث بشارت نبوی " معروف است، به ظهور مهدی موعود مژده داده شده و تعداد آنها بالغ بر صدها حدیث است و چنانچه احادیث امامان معصوم را بر آنان اضافه کنیم، تعداد احادیث بشارت نبوی به هزاران حدیث خواهد رسید. چرا که ائمه هدی آنچه برای ما نقل میکنند از رسول خدا بیان میکنند.

بر پایه احادیث، منطقه عمومی ظهور حضرت، شامل کشورهای یمن، حجاز، ایران، عراق، منطقه شام و فلسطین، مصر و مغرب عربی است. سیمایی که این احادیث از اوضاع جهان و اوضاع منطقه ظهور در آن دوران ارائه میکنند سیمایی کلی ست که بسیاری از حوادث بزرگ را همراه با جزئیات آن در کنار نام اشخاص و مکان ها بیان نموده و من تلاش کرده ام تا تصویر شفاف دوران ظهور را به شکل دقیق و بهم پیوسته از میان احادیث، استخراج و در دسترس عموم مسلمانان قرار دهم.

در این فصل، ابتدا، نگاهی به فضای عمومی عصر ظهور میافکنیم:

احادیث ما بیانگر آن است که ظهور حضرت مهدی علیه السلام پس از یک رشته حوادث مقدماتی منطقه ای و بین المللی از شهر مکه آغاز خواهد شد. در سطح منطقه ظهور، ابتدا دو دولت هوادار آن حضرت در ایران و یمن تشکیل میگردد. یاوران ایرانی حضرت، دولت خود را سالها قبل از ظهور برپا میکنند و پس از قرار گرفتن در یک جنگ طولانی، آن را با پیروزی به پایان میبرند. اندکی قبل از ظهور، در بین ایرانیان دو شخصیت برجسته بر مسند قدرت تکیه میزنند، یکی مردی خراسانی ست که در قالب یک چهره سیاسی و دیگری شخصی به نام شعیب فرزند صالح که در قالب یک چهره نظامی بروز میکنند. ایرانیان به رهبری آنان، نقش

مهمی در حرکتهای ظهور حضرت بر عهده میگیرند.

و اما یاران یمنی حضرت، نهضت خود را تنها چند ماه قبل از ظهور آغاز

ص: ۱۶

میکنند. به نظر میرسد که یمنیها علاوه بر آماده کردن مقدمات ظهور، در

حوادث آن روز حجاز که با خلأ سیاسی روبرو خواهد بود ایفای نقش خواهند کرد.

در حجاز، پادشاهی به نام عبد الله که از خاندان معروف آن سرزمین است، به

قتل میرسد، او آخرین پادشاه سرزمین حجاز خواهد بود. در پی این حادثه بر سر

جانشینی او اختلافات فراوانی ایجاد میشود. این اختلافها به خلأ سیاسی در

منطقه حجاز منتهی گشته و تا ظهور حضرت ادامه مییابد:

" آنگاه که عبد الله بمیرد، مردم در انتخاب جانشین او به توافق نرسند، اختلاف ها آغاز شود و این

اختلاف به خواست خداوند، تا ظهور مولایتان تداوم یابد. بطوری که دوران سلطنتهای طولانی به پایان

رسد و عمر حکومت حاکمان به چند ماه و چند روز کاهش یابد. ابو بصیر میگوید: عرض کردم: آیا این

دوران طولانی خواهد بود؟ فرمود: هرگز. "

پس از قتل عبد الله، اختلافها به درگیری میان قبائل حجاز تبدیل میگردد:

" از نشانه های ظهور، حادثه ای است که بین مکه و مدینه رخ میدهد. به امام عرض کردم حادثه

چیست؟ فرمود: بر اثر تعصبهای قبیله ای، میان مکه و مدینه فلانی پانزده نفر از سران قبیله فلان را خواهد

کشت ".

در حدیثی از عبد الرحمان بن سیابه آمده است:

" امام صادق علیه السلام فرمود: چگونه خواهید بود روزگاری که شما را نه دسترسی به امامی هدایتگر باشد و

نه دانشی روشنگر. در حالی که گروهی از شما از گروه دیگر متنفر و گریزانید. در آن آزمایش خوبان و

مخلصان از دیگران شناخته شوند. جنگ و اختلاف بالا گیرد بطوری که قدرت، در آغاز روز به دست کسی

افتد و در پایان همان روز از او گرفته شده و به قتل رسد (۱) ".

در همین حال نشانه های ظهور آشکار میگردد و شاید بزرگترین نشانه، همان

۱- ۱. الامامه والتبصره ص ۱۳۰.

ندای آسمانی است که به نام حضرت در روز بیست و سوم ماه رمضان به گوش

جهانیان میرسد.

سیف پسر عمیره چنین میگوید:

" نزد منصور (خلیفه عباسی) بودم. او بی مقدمه خطاب به من گفت: ای سیف بن عمیره، به یقین منادی

از آسمان ندا خواهد داد و نام مردی از فرزندان ابو طالب را خواهد خواند. گفتم: ای امیر المؤمنین جانم فدای

شما باد! آیا به این سخن ایمان دارید؟ گفت: آری، سوگند به کسی که جانم در دست اوست، این همان

چیزی است که به گوش خود شنیده ام.

گفتم: ای امیر مؤمنان، این حدیث را پیش از این نشنیده بودم.

گفت: ای سیف، آنچه شنیدی حق است. وقتی آن حادثه به وقوع پیوندد، نخستین کسانی که ندای

آسمانی را پاسخ دهند مائیم، چرا که آن ندا، مردی از عموزادگان ما را میطلبد!

گفتم: مردی از فرزندان فاطمه علیها السلام؟

گفت: آری ای سیف. اگر این سخن را از محمد بن علی (امام محمد باقر علیه السلام) نشنیده بودم، اگر تمام

مردم روی زمین هم برایم نقل میکردند، نمیپذیرفتم. اما گوینده این خبر، محمد بن علی است "

با این ندای آسمانی، حضرت ارتباط با برخی از یاران خود را آغاز میکند و پس

از آن، در همه جای عالم سخن از " مهدی موعود " بر زبانها جاری میگردد. سینه ها

مالامال از مهر و محبت او میشود. دشمنان از ظهورش بیمناک و جستجو برای

دستیابی به آن وجود مبارک را آغاز میکنند.

میان مردم شایع میشود که او در شهر مدینه است. حکومت حجاز یا نیروهای

خارجی، از سپاه سفیانی که در سوریه مستقر است یاری میطلبد تا شاید بتواند بر

اوضاع داخلی مسلط شده و جنگهای قبیله ای حجاز را پایان دهد.

سپاهیان سفیانی وارد مدینه میشوند. آنها هر مرد هاشمی را که مظنون به نظر برسد دستگیر و زندانی و بسیاری از آنان و هوادارانشان را به قتل میرسانند. بر

اساس روایت حماد، در این حوادث، سفیانی، لشکر ویژه ای را برای تعقیب و بازداشت فرزندان زهرا علیها السلام گسیل میکند. این لشکر تمامی فرزندان آل محمد را شناسائی و روانه زندان کرده و به کوچك و بزرگ آنان ترحم نمیکند. مردی بدست این لشکر ویژه کشته میشود، اما حضرت به همراه شخصی به نام منصور، نگران و هراسان – همچون خروج موسی هنگام تعقیب فرعونیان – از مدینه خارج میگردند، لشکر ویژه سفیانی در تعقیب آنان به تلاش خود ادامه میدهد. اما حضرت به سلامت وارد مکه میشود.

در شهر مکه حضرت فعالیت خود را بار دیگر آغاز و ارتباطات گسترده ای با یاران خود برقرار میکند تا آنکه شب دهم محرم فرا میرسد. شامگاهان پس از نماز عشا، نهضت مقدس آن حضرت از حرم شریف و از کنار بیت الله الحرام با صدور بیانیه ای برای اهالی مکه آغاز میگردد. بلافاصله، دشمنان حضرت برای نابودی او وارد عمل میشوند. اما یاران مهدی عجّل الله فرجه الشّریف پیرامونش حلقه زده و بشدت از او محافظت میکنند. پس از ساعاتی، یاران حضرت بر مسجد و بر شهر مکه مسلط میشوند.

صبح روز دهم محرم، حضرت با صدور بیانیه ای به زبانهای مختلف مردم عالم، جهانیان را به یاری خود دعوت میکند. او در این پیام اعلام میکند که مدتی در شهر مکه میماند تا معجزه ای که جد بزرگوارش حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وعده داده عملی گردد. معجزه ای که طی آن لشکری از دشمنان حضرت که به تعقیب او پرداخته و برای مقابله با وی رهسپار مکه هستند ناگهان ناپدید میشوند گوئی که زمین دهان گشوده و همه را یک جا بلعیده است! دیری نمیپاید که این معجزه عملی میگردد و سپاه سفیانی که از مدینه بسوی مکه در حرکت است، ناپدید میشود!

" سپاه سفیانی چون به بیابانهای مدینه رسد خداوند ناپدیدشان سازد و این حادثه همان است که در

کلام خداوند آمده است: ای کاش میدیدی که آنان وحشت زده اند و راه گریزی (برایشان) نیست و از

جایی نزدیک گرفته شوند (۱) ".

هنگامی که آنان به بیابان برسند، ناپدید گردند. کسانی که پیشاپیش رفته اند، باز گردند تا از ماجرا

باخبر شوند اما خود نیز به همان سرنوشت گرفتار شوند و آنان که در پشت لشکر میآیند، خود را به محل

حادثه رسانند و آنان نیز به سرنوشت محتوم دیگران بپیوندند (۲). "

پس از این معجزه، حضرت با سپاهی بیش از ده هزار نفر رهسپار مدینه میشود

و پس از نبردی کوتاه با نیروهای دشمن، شهر را آزاد میکند. با آزادی دو حرم

شریف (مکه و مدینه) آزادی سرزمین حجاز و کنترل آن به پایان میرسد، حضرت

از مدینه به سوی عراق روان میگردد. در این مسیر سپاه ایرانیان و مردم آن دیار به

رهبری مرد خراسانی و شعیب بن صالح به امام علیه السلام پیوسته و با آن حضرت بیعت

میکنند.

امام به سرزمین عراق وارد میشود. ابتدا اوضاع داخلی را سامان میبخشد.

سپس گروههای باقیمانده از لشکر سفیانی را شکست داده و شورشیان متفرقی را که

در گوشه و کنار تلاش های بیثمری علیه امام دارند، سرکوب میکند. آنگاه عراق را

به عنوان مرکز حکومت و شهر کوفه را پایتخت آن قرار میدهد.

با این اقدام حضرت، کشورهای یمن، حجاز، ایران، عراق و دولتهای خلیج،

یکپارچه تحت فرماندهی و رهبری آن وجود مبارک قرار میگیرد.

بر اساس برخی روایتها پس از فتح عراق، نخستین جنگ حضرت با ترک ها

خواهد بود:

" اولین پرچمی که برای جنگ برافراشته شود، جهت مقابله با ترکان است که به شکست آنان منتهی

١- ١. سبأ / ٥١.

٢- ٢. مسند احمد: ۶ / ٢٨٧.

گردد (۱). "

ترک در احادیث ما به تمام ساکنان مشرق زمین گفته شده است، از این رو ممکن

است منظور از این گروه ترکهای عثمانی یا حتی روسها باشند.

سپس، حضرت سپاه بزرگ و مجهز خود را آماده کرده و به سوی قدس شریف

حرکت میکند. سفیانی که هنوز در دمشق مستقر است، در برابر حضرت موضع

میگیرد. سپاه امام در نزدیک دمشق در منطقه ای به نام " مرج عذراء " فرود میآید.

سرانجام حضرت و سفیانی وارد گفتگو میشوند. اما با توجه به حمایتهای گسترده

مردم شام از حضرت، سفیانی از موقعیت ضعیفی برخوردار است به طوری که

سفیانی بر اساس بعضی روایتها آماده واگذاری قدرت به حضرت میگردد، ولی

گروهی از یهودیان و رومیان که از حامیان پشت پرده سفیانی اند به همراه معاونانش

وی را سرزنش کرده و از این تصمیم برحذر میدارند. سرانجام سفیانی با بسیج تمام

نیروهای خود و حامیانش وارد نبردی سنگین و بزرگ با حضرت میگردند. نبردی

که جبهه ساحلی آن از عکا در فلسطین تا انطاکیه در ترکیه و جبهه داخلی آن از طبریه

تا دمشق و قدس امتداد مییابد.

اما در این نبرد، خداوند، دشمنان حضرت را به خشم و غضب خود گرفتار و آن

سپاه بزرگ و مجهز را به دست توانای یاران مهدی موعود، تار و مار میکند، به

گونه ای که اگر یکی از افراد دشمن، پشت سنگی مخفی گردد، سنگ به سخن

میآید و میگوید: ای مسلمان! این یهودی پشت من پنهان شده، او را بکش!

با این نصرت و یاری آشکار الهی، امام مهدی موعود عجّل الله فرجه الشّریف پیروزمندانه بر

قدس شریف وارد میشود.

۱- ۱. معجم أحاديث الإمام المهدی: ۱ / ۳۲۸.

با شکست سنگین یهود و حامیانشان بدست حضرت، آتش خشم غربیهای

مسیحی شعله ور میشود و آنها با سرعت علیه حضرت و مسلمانان اعلان جنگ

میکنند. اما خبر حادثه غیر منتظره بزرگی، همه نقشه ها را، نقش بر آب میسازد:

فرود حضرت عیسی مسیح از آسمان به زمین! این واقعه که یکی از نشانه های

بزرگ عصر ظهور، برای جهانیان است، شادی و سرور همه مسلمانان و مسیحیان

را فراهم میآورد.

از احادیث ما میتوان حدس زد که احتمالا حضرت مسیح همان کسی است که

بین حضرت مهدی و غربیها میانجیگری میکند تا قرارداد صلحی برای مدت

هفت سال میان طرفین بسته شود:

" بین شما و رومیان چهار پیمان صلح بسته شود. چهارمین پیمان بدست مردی از فرزندان " هرقل "

صورت گیرد و هفت سال پایدار ماند. مردی از قبیله عبد القیس به نام مستور فرزند غیلان از رسول خدا

پرسید: چه کسی در آن روز امام و پیشوای مردم خواهد بود؟ حضرت فرمود: مهدی از فرزندان من، مردی

که چهل ساله مینماید، چهره ای همچون ستاره درخشان، خالی بر گونه راست، دو عبای قطوانی (۱) بر

دوش و از جلوه و شکوهی همچون مردان بزرگ بنی اسرائیل برخوردار است، او گنجهای زمین را بیرون

کشد و شهرهای شرک را آزاد سازد " (۲)

بر پایه احادیث، این پیمان صلح پس از دو، سه یا هفت سال از طرف غربیها

شکسته میشود و شاید دلیل آن وحشت فراوان آنها از موج عظیمی است که

مسیح علیه السلام در میان غربی ها ایجاد میکند، بگونه ای که بسیاری از آنان پذیرای اسلام

گشته و از هواداران امام زمان عجّل الله فرجه الشّریف میگردند. از همین رو اروپائیان پیمان صلح را

۱- ۱. عبای قطوانی عبائی است سفید که در محلی به نام قطوان در کوفه بافته میشود.

۲- ۲. المعجم: ۱ / ۳۳۸.

نقض کرده و با جمع آوری امکانات خود، در قالب یک میلیون نیروی نظامی،

دست به هجوم غافلگیرانه و گسترده ای به منطقه شام و فلسطین میزنند:

" آنان دست به مکر و حیله زنند و با هشتاد لشکر، هر لشکر مرکب از دوازده هزار نفر به سوی شما

آیند " (۱).

در این نبرد بزرگ، مسیح علیه السلام آشکارا موضع خود را در دفاع از مهدی موعود

عجّل الله فرجه الشّریف اعلام میکند و پشت سر آن حضرت در قدس شریف به نماز میایستد.

جنگ اروپائیان با حضرت در همان محورهای جنگ قبلی حضرت با سفیانی و نبرد

فتح قدس به وقوع میپیوندد یعنی از عکا در فلسطین تا انطاکیه در ترکیه و از دمشق

تا قدس و مرج دابق. اما سرانجام شکست سنگین، نصیب رومیان و فتح و پیروزی

از آن مسلمانان میگردد.

پس از این پیروزی، دروازه های اروپا و غرب مسیحی به روی حضرت گشوده

میشود.

به نظر میرسد که پس از این حوادث، مردم بسیاری از کشورهای اروپائی با

شورش علیه دولتهای خود که مخالف حضرت مسیح و حضرت مهدیند، اقدام به

تشکیل حکومتهائی با هواداری از آن دو فرستاده خدا میکنند.

بعد از فتح اروپا و فرمانروائی حضرت بر آن سرزمین و مسلمان شدن بیشتر

مردم، مسیح علیه السلام رحلت میکند و حضرت مهدی علیه السلام همراه مسلمانان بر پیکر او

نماز میگزارند. روایات میگویند: امام علیه السلام مراسم دفن و نماز را آشکارا و در حضور

مردم انجام میدهد، تا همچون بار اول درباره اش سخن ناروا نگویند. سپس پیکر

پاک او را در پارچه ای که دستباف مادرش مریم صدیقه علیها السلام است کفن نموده و در

۱- ۱. البخاری: ۴ / ۱۲۳.

جوار مزار شریف او در قدس و بر اساس روایتی دیگر، در جوار پیامبر خدا در مدینه به خاک میسپارد.

پس از فتح جهان و تشکیل دولت واحد، امام علیه السلام جهت تحقق اهداف الهی در میان ملت های مختلف دست به اقدامات گوناگون میزند. او برای تعالی و شکوفائی زندگی مادی و تحقق رفاه همگان اقدام نموده و در گسترش فرهنگ و دانش، و بالا بردن سطح آگاهی دینی و دنیایی مردم میکوشد.

طبق برخی روایات، نسبت دانشی که آن حضرت بر علوم مردم میافزاید، نسبت ۲۵ به ۲ است، یعنی اگر مردم تا آن زمان دو بخش از دانش را دارا باشند، ۲۵ بخش دیگر را بر آن افزوده و در مجموع دانش بشر به ۲۷ درجه ارتقاء مییابد.

همچنین در زمان حضرت، ساکنان زمین به کرات دیگر آسمان راه مییابند و حتی مرحله ای از درهای عالم غیب به روی این جهان مادی، گشوده میشود، و افرادی از بهشت به زمین بازمیگردند تا برای مردم آیت و نشانه ای الهی باشند، علاوه بر آن شماری از پیامبران و امامان علیهم السلام به زمین بازگشته و تا زمانی که خداوند اراده کند، به حکمرانی میپردازند.

* *

در این زمان جنبش دجال ملعون و فتنه و آشوب او که یک حرکت فریبنده و انحرافی ست آغاز میگردد، او با بهره گیری از پیشرفت رفاه و علومی که در زمان امام علیه السلام صورت گرفته برای فریب پسران، دختران و زنان که بیشترین پیروانش را تشکیل میدهند، از ابزار و روش های مدرن شعبده استفاده میکند.

دجال با بهره گیری از نیرنگ های خود موجی از فتنه و آشوب در جهان بوجود

میآورد و بسیاری از مردم، فریبکاری های او را باور میکنند، اما حضرت

نیرنگ های وی را آشکار ساخته و به زندگی او و هوادارانش خاتمه میدهد.

ص: ۲۴

این دورنمائی از آغاز حرکت و انقلاب جهانی حضرت مهدی موعود علیه السلام بود.

اما آشکارترین حوادث و رویدادهای قبل از ظهور چنین است:

ابتدا، فتنه ای بر امت اسلام وارد میشود که احادیث ما، آن را آخرین و

سخت ترین فتنه توصیف میکنند این فتنه با ظهور امام علیه السلام بر طرف میگردد.

نکته قابل توجه آن است که ویژگیهای کلی این فتنه با توطئه سلطه غربی ها بر

کشورهای مسلمان و کشورهای شرقی هم پیمان آنان در آغاز این قرن، تطبیق

میکند، فتنه ای که تمام کشورهای اسلامی و اعضاء خانواده آنان را در برمیگیرد:

" هیچ خانه ای و هیچ مسلمانی از شر آن فتنه در امان نماند. " (۱)

ملت های کفرپیشه بر کشورهای مسلمان هجوم میآورند آنچنانکه گرسنگان

آزمند بر سفره چرب و رنگین حمله میکنند:

" به هنگام آن فتنه و آشوب، گروهی از غرب و گروهی از شرق وارد شده و سرنوشت امت مرا بدست

گیرند. " (۲) یعنی بر کشورهای مسلمان حکومت کنند.

این فتنه از سرزمین شام، سرزمینی که دشمنان ما سلطه استعماری سیاه خویش

را از آنجا آغاز نموده، و آن را کانون پرتو تمدن مینامند، شروع میشود و در پایان

به فتنه ای تبدیل میگردد که در احادیث ما به " فتنه فلسطین " معروف است،

سرزمین شام در آن زمان به آب درون مشک تشبیه شده که لحظه ای آرام و قرار ندارد:

" چون فتنه فلسطین برپا شود منطقه شام آشفته و بی قرار گردد، همچون آب درون مشک! سپس فتنه

بر طرف شود در حالی که شما اندك و پشیمانید. " (۳)

۱- ۱. المعجم: ۱ / ۸۱.

٢- ٢. المعجم: ٢ / ٢١٨.

٣- ٣. ابن حماد ص ١٣٩.

یعنی آنقدر به دست دشمنان و به دست یکدیگر کشته میشوید که اندک میشوید.

بر پایه احادیث در آن زمان، فرزندان مسلمانان چنان با فرهنگ این فتنه آمیخته

و تربیت میشوند که فرهنگی جز فرهنگ فتنه گران را نمیشناسند. و حکومت های

ستمگر با احکام کفر بر مسلمانان حکمرانی نموده و آنان را به فجیع ترین وضع

شکنجه میکنند.

در احادیث، بانیان این فتنه، رومیان (غربیها) و ترک ها که ظاهرا مراد از آن

روسها هستند، معرفی شده اند.

وقتی حوادث بزرگ سال ظهور رخ میدهد، فتنه گران نیروهای خود را در منطقه

رمله فلسطین و در سمت انطاکیه در ساحل ترکیه، سوریه و در سمت عربستان، در

مرزهای سوریه، عراق و ترکیه مستقر میکنند:

" زمانی که روم و ترک (غرب و روسیه) علیه شما به پا خیزند و آنان با یکدیگر نیز درگیر شوند، جنگ و

کشتار در جهان رو به افزایش رود، هواداران ترک ها، پیشروی کرده و در جزیره العرب مستقر گردند و

افراطیون غربی در منطقه رمله فلسطین موضع گیرند " (۱).

بر اساس این احادیث، آغاز ظهور آن بزرگوار از مشرق زمین خواهد بود:

" نقطه آغاز ظهور او از سوی مشرق است و چون آن هنگام فرا رسد، سفیانی خروج کند. " (۲)

یعنی، فراهم ساختن زمینه ظهور آن حضرت، به دست نژاد سلمان فارسی

است. همانها که به دارندگان پرچم های سیاه معروفند و نهضت آنان به رهبری

مردی از قم برپا میگردد:

" مردی از قم مردم را به حق دعوت کند. گروهی گرد او جمع شوند که دلهاشان چون قطعه های آهن

١- ١. المعجم: ١ / ٣٢٦.

٢- ٢. المعجم: ٥ / ٢٣٥.

استوار و پولادین و در برابر تندبادها و طوفانها استوارند. از نبرد، خسته و افسرده نشده و ترس و وحشت برایشان مفهومی ندارد. همواره بر خدا توکل کنند و فرجام نیکو از آن تقوا پیشگان است. " (۱)

آنان پس از قیام و نهضتشان، از دشمنان (ابرقدرتها) میخواهند که در امورشان دخالت نکنند ولی نمیپذیرند:

" حق را میجویند، اما به آنان سپرده نمیشود، بار دیگر خواستار آن شوند، اما راه به جائی نبرند، با مشاهده این وضع سلاح بر دوش گرفته، و به مبارزه روی آورند. آنگاه حقوقشان را به رسمیت شناسند، اما این بار، آنها نپذیرند، تا دست به قیام زنند. و پرچم نهضت را رها نکنند تا به دست صاحب شما (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) بسپارند. کشته های آنان شهیدند (۲). "

به گفته روایات دو شخصیت موعود به نامهای خراسانی که فقیه یا رهبر سیاسی است و شعیب بن صالح، جوانی گندم گون، با ریش کم پشت از اهالی ری، که فرمانده نظامی است ظهور میکنند و پرچم خود را به امام علیه السلام تسلیم و در حرکت ظهور حضرت، با سپاه او مشارکت کرده و شعیب بن صالح به فرماندهی کل نیروهای حضرت منسوب میشود.

همچنین روایات حرکتی را به تصویر میکشند که در سوریه و توسط عثمان سفیانی آغاز میشود. او از هواداران غرب و هم پیمان یهودیان است و تمام سوریه و اردن را تحت فرمان خود قرار میدهد:

" خروج سفیانی حتمی است، این خروج از آغاز تا پایان، پانزده ماه به طول انجامد. شش ماه آن را به جنگ و کشتار پردازد و وقتی پنج منطقه را به تصرف خود درآورد، تنها میتواند نه ماه بر آن مناطق فرمانروائی کند، نه یک روز بیشتر! " (۳)

۱- ۱. بحار: ۶۰ / ۲۱۶.

۲- ۲. المعجم: ۳ / ۲۶۹.

۳- ۳. المعجم: ۳ / ۴۶۲.

طبق احادیث، مناطق پنجگانه علاوه بر سوریه و اردن، احتمالا لبنان را نیز در

بر گیرد، ولی وحدتی که سفیانی ایجاد میکند، وحدت نامبارکی است که هدف آن

ایجاد یک خط دفاع عربی در برابر اسرائیل و پایگاهی برای مقابله با ایرانیانی است

که زمینه ساز حکومت حضرت مهدی علیه السلام هستند.

به همین خاطر سفیانی اقدام به اشغال عراق نموده و نیروهایش را وارد آن میکند:

" او تعداد یکصد و سی هزار نیرو به طرف کوفه اعزام و در محلی بنام " روحاء " و " فاروق " مستقر

سازد، سپس شصت هزار تن از آنان روانه کوفه شده و در محل مقبره حضرت هود علیه السلام در " نخیله " فرود

آیند...

گویا من، سفیانی (یا همراه و یار او) را میبینم که میان خانه های شما در کوفه است و منادی او بانگ

برمیآورد که هر کس سر یک شیعه علی را بیاورد هزار درهم جایزه دارد! در این هنگام، همسایه به

همسایه اش حمله ور شده و میگوید او از شیعیان علی است. " (۱)

منطقه حجاز به خاطر درگیریهای داخلی از داشتن یک حکومت قدرتمند

بی بهره میشود. به همین خاطر سفیانی مأموریت مییابد تا عازم حجاز شده و

دولت ضعیف آنجا را تقویت نماید تا آمادگی لازم برای سرکوبی نهضت حضرت

مهدی عجّل الله فرجه الشّریف بدست آید، چرا که علامتهای ظهور آن حضرت آشکار و زبانزد مردم

میشود و همه در انتظار نهضت رهائی بخش او چشم به راه حوادث مکه میدوزند.

نیروهای سفیانی وارد مدینه میشوند و با دست زدن به یک رشته عملیات،

موجب فساد و تباهی گسترده در شهر میگردند.

" قیام قائم آل محمد عجّل الله فرجه الشّریف از شهر مکه آغاز میگردد " این خبر به سرعت در تمام نقاط

عالم منتشر میشود. لشکر سفیانی بلافاصله به سمت مکه حرکت میکند، اما

۱- ۱. المعجم: ۳ / ۴۸۱.

معجزه ای که پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد سپاه سفیانی وعده داده، به وقوع میپیوندد: سپاه

او قبل از رسیدن به مکه در زمین فرو میرود و نابود میشود:

" پناهنده ای به خانه خدا پناه برد، آنگاه سپاهی به سوی او رهسپار شود، اما همین که به بیابان مدینه

رسند، در زمین فرو روند. " (۱)

سفیانی پس از تحمل دو شکست خود، یکی در عراق به دست ایرانی ها و

یمنی ها، و دیگری در حجاز بواسطه معجزه، عقب نشینی کرده و باقیمانده

نیروهای خود را داخل سرزمین شام جمع میکند تا برای مقابله با پیشروی سپاه

امام به طرف دمشق و قدس، آماده شود.

احادیث ما، نبرد یاران امام زمان عجّل الله فرجه الشّریف با سپاه سفیانی را حماسه ای بزرگ

توصیف میکنند که از عکا تا صور و انطاکیه در ساحل دریای مدیترانه و از دمشق تا

طبریه و قدس در جبهه داخلی امتداد دارد. در این نبرد بزرگ، غضب الهی بر

سفیانی و هم پیمانان یهودی و رومیاش (غربی ها) فرود آمده و پس از شکستی

سخت و کوبنده، سفیانی اسیر و کشته میشود.

امام زمان علیه السلام به همراه مسلمانان وارد قدس میگردد.

* *

روایات از نهضت دیگری خبر میدهند که زمینه ساز حکومت حضرت بوده و

در یمن پدید میآید. رهبر آن نهضت مورد ستایش قرار گرفته و یاری او بر مسلمانان

واجب شمرده شده است:

" هیچ پرچمی همچون پرچم یمانی هدایتگر نیست، پس از خروج او فروش سلاح به مردم حرام شود

پس به یاری او بشتابید، سرپیچی از او بر هیچ مسلمانی جایز نیست و هر کس چنین کند اهل آتش خواهد

۱- ۱. المعجم: ۱ / ۴۸۱.

بود، چرا که او، مردم را بسوی حق و راه راست فرا خواند. " (۱)

یک حدیث، از ورود نیروهای یمنی به عراق خبر میدهد که جهت یاری

ایرانیان در برابر نیروهای سفیانی دست به کار میشوند و ظاهرا سپاه یمانی در یاری

حضرت علیه السلام در حجاز نیز نقش مهمی ایفاء میکنند.

* *

حضرت علیه السلام از کشور مصر بعنوان یک پایگاه مهم فرهنگی و تبلیغی در سطح

جهان بهره میگیرد، ورود آن حضرت و یارانش به مصر چنین بیان شده است:

" آنگاه آنان (مهدی علیه السلام و یارانش) وارد مصر شوند و حضرت بر فراز منبر با مردم سخن گوید. زمین بر اثر عدل و داد رونق و نشاط تازه ای گیرد، و آسمان باران رحمت خود را فرو بارد، درختان بارور شده و زمین گیاهانش را برویاند و زینت بخش ساکنان خود گردد، حیوانات وحشی بگونه ای در آرامش و امنیت بسر برند که همچون حیوانات اهلی، همه جا آسوده به چرا پردازند. علم و دانش دل مردم با ایمان را چنان روشن کند که هیچ مؤمنی از نظر علمی به برادر دینی اش نیاز پیدا نکند. آری، آن روز، این آیه قرآن همه جا جلوه گر شود که میفرماید " یغنی الله کلا من سعته " (خداوند همگان را از غنای بیکران خویش توانگر سازد) " (۲)

احادیث دوران ظهور میگویند که یهودیان در آخر الزمان روی زمین فتنه و فساد

میکنند و به طغیان و برتری جوئی کشیده میشوند، همانطور که خداوند در قرآن

بیان نموده اما سرانجام به دست پرچمدارانی از خراسان نابود میگردند:

" چیزی نمیتواند آنان را از تصمیم خود بازگرداند تا آنکه درفش های خود را در ایلیاء به اهتزاز

درآورند. " (۳) منظور از ایلیاء، همان قدس است.

۱- ۱. المعجم: ۳ / ۲۵۵.

۲- ۲. المعجم: ۵ / ۸۳ - آیه قرآن: نساء / ۱۳۰.

۳- ۳. مسند احمد: ۲ / ۳۶۵.

این بار، شیعیان و ایرانیان هستند که خداوند متعال آنان را علیه یهودیان برخواهد انگیخت:

" ما بندگان نیرومندی از خود را علیه شما برانگیزیم " (۱).

شاید منظور این باشد که ایرانیان و شیعیان بخش قابل توجهی از سپاه حضرت عجّل الله فرجه الشّریف را در فتح قدس تشکیل خواهند داد.

احادیث، جزئیات سرکوب یهودیان را معین نکرده اند و نگفته اند که این حادثه در یک مرحله اتفاق خواهد افتاد یا در چند مرحله؟ قبل یا بعد از ظهور؟ ولی سرانجام کار یهودیان را چنین توصیف میکنند که نابودی آنان به دست توانای حضرت و سپاهیانش در یک درگیری شدید اتفاق میافتد، و این در زمانی ست که " عثمان سفیانی " حاکم سرزمین شام، پیش مرگ یهودیان و رومی ها شده و در خط مقدم دفاعی آنها قرار گیرد.

بنا به نقل روایات، امام زمان علیه السلام نسخه های اصلی تورات را از درون غاری در انطاکیه و کوهی در فلسطین و دریاچه طبریه بیرون میآورد و با استناد به آن یهودیان را محکوم و نشانه ها و معجزاتی را برای آنان آشکار میسازد. برخی از یهودیان که پس از آزادی قدس زنده مانده اند، به حضرت ایمان میآورند و کسانی که ایمان نمیآورند از سرزمین های عربی اخراج میگردند (۲).

به طوری که از احادیث برمیآید، کمی قبل از ظهور حضرت، جنگی جهانی رخ میدهد که ریشه در منطقه شرق عالم دارد " جنگها در زمین فراوان شود " از بعضی احادیث چنین فهمیده میشود که این جنگ به صورت جنگهای منطقه ای است و در سال ظهور اتفاق میافتد و خسارتهای آن نیز متوجه آمریکا و اروپا میشود:

۱- ۱. اسراء / ۵.

۲- ۲. المعجم: ۱ / ۳۴۴.

" آتش، در مغرب زمین همچون شعله ای که از هیزم فراوان زبانه کشد، بالا رود " (۱) " بین مردم شرق و غرب و حتی میان مسلمانان ایجاد اختلاف شود، و مردم در اثر هراس و وحشتی که دارند با رنج و گرفتاری سختی روبرو شوند " (۲)

همچنین روایات خبر میدهند که زیانهای جانی این جنگ که با بیماری طاعون، پیش از جنگ و بعد از آن همراه است، دو سوم ساکنان زمین را در برمیگیرد، این خسارتها به شکل مستقیم گریبانگیر مسلمانان نمیشود:

" حادثه ظهور، رخ ندهد مگر آنکه دو سوم مردم جهان از بین روند، پرسیدیم: وقتی دو سوم مردم از بین روند چه کسی باقی میماند؟ فرمود: آیا شما نمیخواهید جزء یک سوم باقیمانده باشید؟ " (۳)

پاره ای از روایات، اشاره دارند که این نبرد در چند مرحله انجام میپذیرد، و آخرین مرحله آن بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و آزاد سازی حجاز و ورود حضرت به عراق خواهد بود.

البته آزاد نمودن حجاز مربوط به نابسامانی و خلأ سیاسی و بحران حکومت آن دیار و حوادث دیگری است که مشروح آن در فصلهای بعد خواهد آمد. انشاء الله

* *

۱- ۱. المعجم: ۵ / ۲۲۳.
۲- ۲. المعجم: ۳ / ۲۱۴.
۳- ۳. المعجم: ۳ / ۴۴۰.

فتنه شرق و غرب علیه مسلمانان

واژه " فتنه " در قرآن کریم و احادیث به دو معنی عام و خاص آمده است.

معنی عام آن عبارت از هر امتحان و آزمایشی است که برای انسان پیش آید، خواه از ناحیه خود انسان باشد یا از ناحیه شیطان و یا از سوی مردم و خواه انسان از امتحان، کامیاب و روسفید بیرون آید و از گرفتاری برهد و یا در آن سقوط کند.

اما معنی خاص آن عبارت از حوادث و پیشامدهایی است که مسلمانان را از زاویه اعتقادی در بوته امتحان قرار دهد. فتنه هائی که پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به آن هشدار داده به همین معناست.

اصحاب پیامبر و تابعین (۱) علیرغم اختلاف های اعتقادی، روایات متعددی نقل کرده اند که بر اساس آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردم را از فتنه ها و دسیسه های بعد از خود برحذر داشته است.

در میان صحابه " حذیفه بن یمان " با احادیث مربوط به این فتنه ها بیش از دیگران آشنا است، چرا که او تمام سعی خود را به کار بست تا وقایع مربوط به آن را از رسول خدا سؤال کرده و ثبت و ضبط نماید. به همین خاطر بسیاری از روایات

۱- ۱. تابعین به مسلمانانی گفته میشود که در صدر اسلام موفق به درک محضر رسول خدا نشدند و مطالب اسلام را از صحابه پیامبر گرفته اند.

مربوط به " فتنه ها " توسط حذیفه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یا از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده

است. حذیفه از اصحاب خاص امیر المؤمنین نیز به حساب میآمد. او میگوید:

" تا روز قیامت هیچ گروه توطئه گری نیست که تعدادشان به سیصد تن برسد مگر آنکه اگر بخواهم نام

سردستگان و نام پدران و محل سکونتشان را بیان کنم، همه این اطلاعات، از آموخته های رسول خدا صلی الله علیه و آله

به من است. "

و میگوید:

" اگر تمام آنچه را که میدانستم برای شما بازگو میکردم، مرا تا شب مهلت نمیدادید " (۱)

یعنی مرا فورا میکشتید و منتظر تاریکی شب نمیشدید.

از این حدیث روشن میشود که مردم بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله گرفتار فتنه

میشوند.

توجه فراوان مسلمانان به احادیث فتنه ها، به جایی رسید که گاهی احادیث

مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را تحت الشعاع خود قرار داد، زیرا پیامبر خبر داده که

امت از فتنه رها نخواهد شد مگر بدست حضرت مهدی علیه السلام. از این رو نویسندگان

کتابها و مجموعه های حدیثی، فصلهایی را تحت عنوان " فتنه ها و جنگ های مهم "

که پیامبر از وقوع آنها خبر داده، تدوین نموده اند.

همچنانکه عده ای از راویان و دانشمندان اسلامی کتابهائی را به صورت مستقل

در این باره تألیف نموده و روایات مربوط به آن را گرد آورده اند.

تعداد این فتنه ها در کلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، متفاوت است. در بعضی پنج فتنه و در

برخی چهار یا شش یا هفت و یا بیشتر ذکر شده است.

علت این اختلاف، آن است که حضرت، گاهی فتنه های داخلی را میشمردند

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۱ - ۲.

و گاهی فتنه های خارجی را. یا آنکه فتنه ها را بر اساس تأثیری که بر مسلمانان میگذارد توصیف میکردند.

بررسی تعداد فتنه ها و یا انطباق آنها با تاریخ مسلمانان مهم نیست بلکه مهم، شناخت آخرین فتنه ای است که همه معتقدند با ظهور حضرت مهدی علیه السلام آشکار خواهد شد. در احادیث، ویژگی های این فتنه بسیار شبیه به توطئه اخیر غربی ها است که در ابتدای قرن حاضر دشواری ها و مصیبت های بسیاری را بر ملل مسلمان وارد کرده است، چرا که غربی ها در داخل سرزمین های اسلامی با ما جنگیده و بر ثروت و سرنوشت ما مسلط گشته اند و شرقی ها نیز در این توطئه با آنان همکاری کرده و بخشی از سرزمین مسلمانان را تصرف و آثار اسلام را از آن محو ساخته و آن را تحت فرمانروائی خود درآورده اند.

اینها نمونه هایی از احادیث است:

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: " چهار فتنه و آشوب بر امت من وارد شود که در فتنه اول، خونها جاری و در دومی، خونها جاری و اموال پایمال و در فتنه سوم، خونها جاری، اموال پایمال و نوامیس مردم هتک شوند. اما فتنه چهارم فتنه ای کور و کر و فراگیر است و همچون کشتی گرفتار در دریای متلاطم راهی برای نجات آن دیده نشود و مردم پناهگاهی نیابند. آن فتنه از شام آغاز شود و عراق را فرا گیرد. سرتاسر جزیره را درهم کوبیده و بلا و گرفتاری، مردم را همچون پوست دباغی شده کند، هیچ کس نمی تواند بگوید: بس کنید و دست نگهدارید! اگر آن فتنه را از ناحیه ای بر طرف سازند از ناحیه ای دیگر سربرآورد " (۱)

و در روایتی آمده است:

" زمانی که فتنه فلسطین رخ دهد، وضع شام همچون آب درون مشک آشفته شود و چون وقت پایانش فرا رسد، پایان پذیرد. در حالی که شما جماعتی پشیمان و اندکید. " (۲)

۱- ۱. الملاحم والفتن ص ۱۷.

۲- ۲. ابن حماد ص ۶۳. به این ماجرا در بخش " نقش یهود در عصر ظهور " خواهیم پرداخت.

و در روایتی دیگر میگوید:

" آن فتنه و آشوب، شام را احاطه میکند و عراق را در برمیگیرد، و جزیره را در هم میکوبد. " (۱)

و در روایتی چنین آمده:

" آنگاه فتنه ای پدید آید که هر چه سخن از پایان آن رود ادامه یابد، هیچ خانه ای باقی نماند مگر آنکه فتنه داخل آن شود، و هیچ مسلمانی نماند مگر آنکه سیلی آن را بر صورت خود لمس کند تا آنکه مردی از خاندان من ظهور نماید " (۲)

برای این فتنه که به گفته تمام احادیث، آخرین فتنه قبل از ظهور است،

ویژگی های گوناگونی بیان شده که توجه به آنها از اهمیت خاصی برخوردار است:

اول: روایات فتنه قبل از ظهور در منابع شیعه و سنی به شکلی مطرح شده که به آن " تواتر اجمالی " گفته میشود. یعنی اگر چه الفاظ در این روایتها با یکدیگر متفاوتند اما همه آنها با وجود راویان متعدد، معنی و منظور واحدی را بیان میکنند بطوری که با کمی دقت و تأمل، این اطمینان حاصل میشود که محتوای این احادیث را پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت وی علیهم السلام بیان فرموده اند.

دوم: این فتنه، همه زوایای فرهنگی و اقتصادی مسلمانان را دربرمیگیرد تا جائی که تمام چیزهای حرام، حلال شمرده میشود و در روایت دیگر مردم آن زمان به " صماء، عمیاء " یعنی کر و کور توصیف شده اند، یعنی سخنی نمیشنوند تا بتوان با گفتگو آنها را از کاری دور کرد، و نمیبینند که بین این و آن فرق بگذارند، این فتنه عمومی وارد هر خانه ای شده و بر شخصیت هر مسلمانی ضربه میزند، و جامعه مسلمین را همچون کشتی گرفتار شده در طوفان دستخوش امواج شدید

۱- ۱. ابن حماد ص ۹.

۲- ۲. ابن حماد ص ۱۰.

حوادث میکند. کسی در برابر خطر این فتنه نسبت به دین خود و خانواده اش پناهگاهی نمییابد و از جور فرمانروایان ستم پیشه و دار و دسته شان محل امنی باقی نمیماند!

سوم: نقطه شروع این فتنه، منطقه شام است. به همین جهت دشمنان، آنجا را " مهد گسترش تمدن " مینامند و سنگ بنای کشور اسرائیل را در آن ایجاد میکنند.

در روایتی دیگر از عبارت " احاطه بر شام " استفاده شده یعنی این فتنه ابتدا شام را در برمیگیرد و سپس به دیگر سرزمینهای اسلامی کشیده میشود.

روایتی دیگر نام " فتنه فلسطین " بر آن نهاده که موج این فتنه، بر ساکنان منطقه شام بیش از دیگران تأثیرگذار خواهد بود.

چهارم: این فتنه مدت طولانی ادامه مییابد و راه حلها برایش سودمند واقع نمیشود زیرا فتنه، فتنه ای است با ابعاد فرهنگی و عمیق تر از آن که از طریق ترمیم و اصلاح، چاره جوئی شود. از سوی دیگر موج مقاومت مردم و موج دشمنی دشمنان سبب از هم گسیختن تمام راه های مسالمت آمیز میگردد.

چنان که در روایت آمده:

" از ناحیه ای دست به کار اصلاح آن نشوند مگر آنکه از سوی دیگر گسسته شود ".

و در روایت دیگر آمده:

" از جانبی چاره جوئی نکنند مگر آنکه از سوی دیگر گسسته شود ".

معنای هر دو روایت یکی است، زیرا این فتنه فقط با قیامی که زمینه ساز حکومت حضرت مهدی علیه السلام است و سپس با ظهور آن حضرت ارواحنا فداه خاتمه خواهد یافت.

تعداد زیادی از روایات با صراحت بیان کرده اند که آن فتنه، آخرین فتنه قبل از

ظهور و متصل به ظهور حضرت است و برخی روایات آن را بطور واضح فتنه متصل

ص: ۳۷

به ظهور معرفی نکرده اند، بلکه از آن بعنوان آخرین فتنه تعبیر نموده اند، اما مشخصاتی که برایش شمرده اند، همان ویژگیهای فتنه متصل به ظهور حضرت است.

حال اگر این دو گروه از احادیث را کنار هم قرار دهیم به خوبی روشن میشود که منظور احادیث گروه دوم نیز همان فتنه ای است که در احادیث دسته اول بیان شده است.

فتنه قبل از ظهور با ویژگی های خاص خود، نه با فتنه ها و توطئه های داخلی سالهای اولیه ظهور اسلام تطبیق میکند و نه با حمله مغول ها و نه با جنگ های صلیبی که هجومهای اولیه آن ۹۰۰ سال قبل آغاز شد و فراز و نشیبهای مختلفی را در بر داشت. آری این ویژگی ها تنها بر بخشی از هجوم غربی ها بر امت اسلام منطبق است که در این اواخر اتفاق افتاد و طی آن غربی ها توانستند با هجوم همه جانبه، نیروهای نظامی خود را به سرزمینهای اسلامی کشانده و به سرعت آنان را در یک فتنه و توطئه گرفتار نمایند و در قلب سرزمین های اسلامی، ریشه یهودیان هم پیمان خود را استوار سازند.

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود:

" سوگند به آن که جانم در دست اوست، بر امت من قومی فرمانروایی کنند که اگر دم برآورند آنها را بکشند و اگر سکوت نمایند همه چیز آنها را مباح شمرند، اموالشان را از آن خود کرده و حرمت نوامیس آنان را زیر پا گذارند. خونشان را ریخته، و دلهاشان را مالامال از کینه و وحشت گردانند، آنان را پیوسته هراسان، پریشان و بیمناک بینی. در آن روزگار گروهی از مشرق و جمعی از مغرب وارد شوند و بر امت من فرمانروائی کنند، پس وای بر حال ضعیفان امت من از دست آن ستم پیشگان، و وای بر ستمگران از عذاب

الهی، چرا که آنها نه به کوچک رحم نمایند، و نه حرمت بزرگ و پیر را نگاه دارند، و از هیچ کاری روی گردان

ص: ۳۸

نیستند. اندامشان اندام آدمیان، اما دلهاشان دلهای شیاطین است " (۱)

این روایت از ارتباط دو جانبه استبداد داخلی و استعمار خارجی پرده برداشته و

علت سلطه کفار شرق و غرب بر امت اسلامی را، تجاوز حکام داخلی بر ملتهای

مسلمان و وجود جو اختناق و سلب آزادیهای آنان میداند. زیرا رفتار ظالمانه،

مردم را در صدد انتقامجوئی از حاکمان برمیآورد و درگیری های داخلی، آنان را از

مقابله با دشمن خارجی بازمیدارد، و در نتیجه دشمن فرصت را غنیمت شمرده،

و به بهانه رها کردن آنان از چنگ فرمانروایان ستمگر، به سوی کشورهای اسلامی

لشکرکشی میکند. همچنانکه ناپلئون در جنگ با مصریان عمل کرد. وقتی

کشتی های او به ساحل مصر نزدیک شد نامه ای برای مصریان فرستاد و در آن اسلام

را ستود و نسبت به آن اظهار علاقه و دوستی کرد و انگیزه آمدن خود را نجات

مصریان از ستم پادشاهان اعلام نمود.

ناپلئون این سیاست حیله گرانه را بعد از اشغال مصر نیز همچنان ادامه داد، تا

جائی که با پوشیدن لباس مصری، خود را مسلمان اعلام کرد و عید میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله

را جشن گرفت!

پس از آن کشورهای انگلیس، آمریکا و روسیه نیز شیوه های مشابهی را به کار

گرفته و ادعا کردند که آنها فقط به منظور آزاد سازی ملتهای مسلمان میآیند. آنان

پیوسته جهت ادامه سلطه بر سرزمینهای اسلامی و دخالت در سرنوشتشان این

ترفند را به کار میبرند.

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

" فتنه ها ادامه یابد و افرادی در دوران فتنه و ستم متولد شوند که جز آشوب چیزی نشناسند، و زمین

۱- ۱. بشاره الاسلام ص ۲۵، به نقل از روضه الواعظین.

چنان آکنده از ستم شود که هیچ کس جرأت نکند نام خدا را به زبان آورد. آنگاه خداوند مردی را از ذریه من برانگیزد، تا سرتاسر زمین را مهد عدل و داد گرداند، همان سان که پیشینیان آن را از ظلم و جور آکنده بودند. " (۱)

این حدیث شریف بیانگر آن است که فتنه و آشوب قبل از ظهور، در طول نسل های مختلف ادامه مییابد، تا آنکه نسلی از مسلمانان متولد شوند که هیچ اندیشه ای جز انحراف از دین و هیچ سیاستی جز جور و ستم در پیش نگیرند. و این تعبیر دقیقی از ترسیم فضای فرهنگ سلطه است که کودک مسلمان در سایه آن رشد میکند و از فضای تعالیم اسلامی و فرهنگ و عدالت آن چیزی نمیداند، مگر کسی که خداوند وسیله هدایت و نگهداری او را از انحراف فراهم سازد.

و معنی سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: " زمین آن چنان از ستم و جور آکنده شود که کسی قادر بر گفتن " الله " نباشد. " این است که قوانین ظالمانه و سیاستهای ستمگرانه، تمام زوایای زندگی مردم را دربرمیگیرد; بگونه ای که کسی نمیتواند بگوید: ما مسلمانیم، پروردگار ما خداست و او دستور داده تا ستم و بیداد را نپذیریم.

از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده که فرمود:

" حکومت اهل بیت پیامبر شما در آخر الزمان است و برپائی آن نشانه هائی دارد، از جمله آنکه رومیان و ترکان، بی دلیل بر شما بشورند، و نیروها علیه شما بسیج گردند و ترکها با رومیان به مخالفت برخیزند، و جنگ ها در زمین گسترش یابد. " (۲)

سخن امام علیه السلام بیانگر آن است که فتنه رومیها و ترکها و یورش آنان علیه سرزمینهای اسلامی، از نشانه های ظهور حضرت است.

۱- ۱. بحار: ۵۱ / ۶۸.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۰۸.

امام در بیان نشانه های آخر الزمان از واژه های خاصی بهره گرفته است از جمله کلمه " استثارت ". که تعبیر دقیقی است، یعنی هجوم آنها بیمنطق و با هدف سلطه و استثمار سرزمین های اسلامی انجام میشود.

و همچنین تعبیر " ترک ها و رومیها با هم اختلاف میکنند " بدان معنی است که آنها بر سر تقسیم نفوذ و میزان سیطره بر کشورهای اسلامی کشمکش میکنند ولی در دشمنی مشترکشان با ما همچنان متحد میمانند.

جمله دیگر حدیث یعنی " جنگ و درگیری در زمین فزونی یابد " است. چنان که هم اکنون میبینیم قاره ای نیست که جنگ و ستیز در آن نباشد، و هیچ جنگی پایان نمییابد، مگر اینکه جنگ دیگری آغاز گردد، همه اینها ریشه در تحریک غربی ها دارد که با حمایت و پشتیبانی یهودیان به اجرا درمیآید. آری آنان هر چه بتوانند آتش جنگ را شعله ورتر میکنند.

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

" امت من توسط حاکمانش گرفتار بلایی سهمگین خواهد شد. بلایی که نظیر آن را کسی نشنیده است بگونه ای که زمین پهناور بر آنان تنگ شود و چنان ظلم و جور فراگیر گردد که مؤمن جائی برای پناه بردن پیدا نکند تا آنکه خداوند مردی از خاندان مرا مبعوث و در زمین قسط و عدل را بگسترد، همانگونه که از ظلم و جور پر شده است، ساکنان آسمان و زمین از وی خشنود گردند. در آن زمان، نه زمین گنجهای درون خود را پنهان سازد و نه آسمان از بارش پی در پی باران رحمت خویش دریغ نماید. " (۱).

حذیفه بن یمان از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله میگوید:

" وای بر این امت از پادشاهانی ستمگر! چگونه مسلمانها را میکشند و آنها را از خانه و دیارشان آواره میکنند، مگر کسی که به اطاعتشان تن در دهد. در آن زمان مؤمن با تقوا به زبان، با آنان مدارا و به دل از

۱- ۱. بشاره الاسلام ص ۲۸ از عقد الدرر سلمی.

آنان گریزان است. و چون خداوند اراده فرماید که عزت اسلام را بازگرداند، پشت هر ستمگر ستیزه جو را خواهد شکست و اوضاع امت اسلامی را بعد از فساد اصلاح خواهد کرد که او بر هر کاری اراده کند، قادر و تواناست.

ای حذیفه: اگر از عمر دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند آن را بقدری طولانی گرداند تا مردی از خاندان من زمام امور را بدست گرفته و اسلام را پیروز گرداند. خداوند از وعده خود تخلف نمیکند و او بر هر چیزی تواناست " (۱)

آن حضرت در جایی دیگر میفرماید:

" به سرعت زمانی فرا رسد که ملت ها را علیه شما فرا خوانند، همچون فراخواندن گرسنگان برای بلعیدن. در آن حال تعداد شما بسیار اما همچون کف روی سیلابید. خداوند به یقین هیبت و شکوه شما را از دل دشمنانتان بردارد، و در اثر دل بستن به دنیا و بیزاری از مرگ، ضعف و سستی را به دل شما افکند. " (۲)

اینها روایات روشن و رسائی است که نور نبوت از آنها جلوه گر است و حال و روز

امت اسلام و دشمنان سلطه گرش را به تصویر میکشد و مردم را به گشایش کار

بوسیله ظهور حضرت مهدی علیه السلام بشارت میدهد.

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

" مشرکان، مسلمانان را به خدمت خویش گمارده و آنان را در شهرها به فروش رسانند، و هیچ کس بر این کار ناپسند اعتراض نکند. این بلا و آزمایش همچنان تداوم یابد تا همه ناامید، مأیوس و بدبین شده و تصور کنند که گشایشی بر آنان نخواهد بود، در این هنگام خداوند مردی از پاکان عترت من و از نیکان ذریه ام برانگیزد، مردی دادگستر، خجسته و پاک که ذره ای (از دستورات اسلام) فروگذار نکند و خداوند دین، قرآن، اسلام و مسلمانان را به وسیله او عزیز و سربلند و شرک و مشرکین را ذلیل و زبون سازد، وی

۱- ۱. بشاره الاسلام ص ۲۹ به نقل از ینابیع الموده.

۲- ۲. الملاحم والفتن ص ۱۲۹.

پیوسته از خدا پروا دارد و در اجرای حکم او فریب خویشاوند را نخورد، سنگ روی سنگ نگذاشته، و عمارتی برای خویش بنا نکند و در زمان فرمانروایی خود بر کسی تازیانه نزند مگر جهت اجرای حد شرعی. خداوند متعال تمام سنت های غلط و نامشروع را بوسیله او محو و نابود ساخته و تمام فتنه ها را از بین برد، درهای حق به وسیله او گشوده و درهای باطل بوسیله او بسته شود. خداوند هر مسلمان دربندی را در هر کجا توسط او به دیارش بازگرداند. " (۱)

این حدیث فضائی دردناک از استضعاف، خرید و فروش و اسارت مسلمانان در دیگر سرزمین ها را ترسیم مینماید. و این تصویر به مسلمانانی اختصاص ندارد که با حقارت در خدمت مشرکان و برای آنها کار میکنند، بلکه نمایشگر فاجعه بزرگ خرید و فروش و اسارت و کوچاندن مسلمانان بدست مشرکان عالم است!

اما همین روایت در اوج یأس و درماندگی مسلمانان، ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود ارواحنا فداه را بشارت میدهد.

* *

۱- ۱. الملاحم والفتن ص ۱۰۸.

نقش رومی ها در دوران ظهور

منظور از روم در احادیث مربوط به آخر الزمان و ظهور حضرت مهدی علیه السلام، ملت های اروپا و به دنبال آن آمریکاست، چرا که آمریکائی ها همان فرزندان و وارثان امپراطوری تاریخی رومیانند که در چند قرن اخیر بدانجا مهاجرت کرده اند.

ممکن است گفته شود، رومیانی که خداوند در سوره روم از آنان سخن گفته و پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از او مسلمانان با آنها پیکار نمودند، غیر از اروپائیان امروزیند، چرا که رومیان آن زمان همان بیزانس ها بودند که پایتختشان ابتدا شهر " رم " در ایتالیا و سپس شهر قسطنطنیه بود، تا آنکه مسلمانان حدود ۵۰۰ سال پیش آن را فتح و به " اسلام بول " تغییر نام دادند که مردم آن را استانبول تلفظ مینمایند.

در پاسخ این سخن باید گفت: درست است که رومیان هنگام نزول قرآن و صدور احادیث همان طرفداران امپراطوری معروف روم یا بیزانس بودند. اما اروپائیان امروز، ملت و نژادی غیر از آنها نبوده و نیستند. بلکه میتوان گفت که اینها تداوم بخش همان خطوط سیاسی و فرهنگی و جزئی از آن امپراطوری سابقند. ملت های فرانسه، بریتانیا، آلمان و چند کشور دیگر، از لحاظ فرهنگ، سیاست و دین، از اجزاء حقیقی امپراطوری روم به حساب میآیند به خصوص که این کشورها در آن زمان از مستعمرات امپراطوری روم شمرده میشدند.

سرداران بیزانس و روم که دو هزار سال در رم و قسطنطنیه حکومت کردند، همه از نژادهای متعدد اروپائی بودند، حتی پس از الحاق یونان به امپراطوری، گاهی در میان زمامداران روم، یونانیان نیز به چشم میخوردند.

شاید به همین دلیل است که وقتی امپراطوری روم باستان به ضعف گرائید و در قسطنطنیه و پیرامون آن محدود شد و در محاصره دریای خروشانی از ملتهای مسلمان قرار گرفت، سایر کشورهای اروپائی به ادعای میراث خواهی به پا خاستند، و شاید به همین دلیل، لقب قیصر که مخصوص پادشاهان امپراطوری روم بود در بسیاری از کشورهای غربی از جمله آلمان، برای سران این کشورها، به کار میرفته است.

باید توجه داشت که این گونه تغییر و تحول در امپراطوری ها و دولتها امری طبیعی است، چرا که ممکن است حکومت از منطقه ای به منطقه دیگر و از ملتی به ملت دیگر انتقال یابد، اما شالوده های اساسی و ویژگی های اصلی آن حکومت همچنان پابرجا بماند.

بنابراین، احادیث باارزشی که از آینده رومیان یا به تعبیر عرب ها " بنی اصفر " (مو طلائی ها) خبر میدهد، منظور فقط رومیان بیزانس ایتالیائی تبار نیست تا سایر نژادها و قبائل فرنگی و اروپائیان چشم آبی را در بر نگیرد.

به همین دلیل مسلمانان در کتابهای تاریخی خود از اروپائیان گاهی به نام روم فرنگی نام برده اند اما در عین حال به همه آنها رومی گفته، و از آنان با کلمه رومی ها یاد کرده اند.

علاوه بر آن، از آیات ۳۱ و ۳۲ سوره روم، و آیات ۱۲ و ۲۱ سوره کهف و

احادیث مربوط به آن که از شرک رومی ها و پیروانشان سخن به میان آورده چنین

استفاده میشود که منظور از رومیان در این منابع، احزاب و ملت هائی است که

ص: ۴۶

ادعای پیروی از حضرت مسیح علیه السلام را دارند. و روشن است که رهبری ملت های مسیحی در ابتدا به دست رومیان ایتالیائی و قسطنطنیه ای بوده، و سپس به سایر ملت های غربی ارث رسیده است.

* *

نام " روم " در بسیاری از احادیث زمان ظهور مطرح شده است. از جمله، احادیث فتنه رومیان و تسلط آنها بر مسلمانان که شرح آن در بخش قبلی کتاب گذشت.

روایات دیگری درباره حرکت کشتی های غربی به سواحل سرزمین های عربی، اندکی پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام، وجود دارد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

" وقتی در سرزمین شام فتنه را مشاهده کنی، پس مرگ است و مردن، تا آنکه " مو زردها " روانه سرزمین های عربی گردند و حوادثی بین آنان رخ دهد. " (۱)

فتنه شام در احادیث ظهور، به درگیرهائی گفته میشود که پس از سیطره بیگانگان بر امت اسلامی، در منطقه شام روی میدهد.

یعنی غربی های مو طلائی بخاطر پایداری مردم، از تسلط بر منطقه پیرامون فلسطین ناتوان شده، به ناچار به دخالت مستقیم نظامی دست میزنند، این دخالت نظامی به زودی با مقاومت مسلمانان کشورهای عربی مواجه میشود.

از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده که فرمود:

" در سپیده دم ماه رمضان از مشرق ندا دهنده ای بانگ برآورد که: ای اهل هدایت گردهم آیید. و پس از ناپدید شدن شفق از مغرب، ندا کننده ای بانگ زند که: ای اهل باطل گردهم آیید... آنگاه رومیان به ساحل

۱- ۱. الملاحم والفتن ص ۱۰۷.

دریا نزدیک غار اصحاب کهف روی آورند و خداوند جوانان اصحاب کهف را با سگشان از غار برانگیزد، بین

آنها دو مرد وجود دارد بنام ملیخا، وخملاها، آن دو، شاهد و تسلیم اوامر حضرت قائم علیه السلام خواهند بود. " (۱)

شاید این جنبش نظامی ادامه حرکت گذشته و یا همان حرکت باشد، و طبق

روایت این جریان نزدیک زمان ظهور آن حضرت خواهد بود، چرا که به دنبال ندای

آسمانی در ماه رمضان حوادثی، پی در پی بوجود میآید و تا محرم ادامه مییابد،

ظهور آن بزرگوار در شب و روز دهم ماه محرم به وقوع خواهد پیوست.

به نظر میرسد که نیروهای غربی آهنگ سرزمین شام کرده و در عکا و صور، و

طبق بعضی روایات نزدیک غار اصحاب کهف، یعنی در انطاکیه منطقه ساحلی بین

سوریه و ترکیه، فرود میآیند.

درباره جوانان اصحاب کهف روایاتی وارد شده که خداوند متعال آنان را در آخر

الزمان ظاهر مینماید تا برای مردم علامت و نشانه ای باشد، آنها از اصحاب امام

زمان عجّل الله فرجه الشّریف خواهند بود. در فصل مربوط به یاران حضرت عجّل الله فرجه الشّریف درباره آنها

مطالبی خواهیم گفت.

حکمت ظاهر شدن آنان به هنگام فرود نیروهای غربی و در آن برهه حساس،

این است که نشانه ای خاص برای مسیحیان باشند، چرا که طبق روایات، یاران

حضرت مهدی، نسخه های اصلی تورات و انجیل را از غاری در انطاکیه بیرون

آورده و به وسیله آن با رومی ها و یهودیان به بحث و گفتگو خواهند پرداخت.

احتمال دارد این غار، همان غاری باشد که امروز به نام اصحاب کهف معروف

است و شاید هم غار دیگری باشد.

در بعضی احادیث، از شورشیان روم نام برده شده که در سال ظهور حضرت

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۷۵.

مهدی علیه السلام در سرزمین رمله فرود میآیند.

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل میکند که فرمود:

" به زودی شورشیان روم در رمله فرود آیند، ای جابر! در آن سال، در هر منطقه ای از غرب اختلاف

فراوان بوجود آید " (۱)

در این رابطه، مطالبی که از اهل بیت علیهم السلام، در تفسیر آیات ابتدای سوره مبارکه

روم وارد شده قابل توجه است:

" الف، لام، میم، رومیان شکست خوردند، در نزدیکترین سرزمین و آنان بعد از مغلوب شدن به

زودی غالب میگردند، در اندک سالی. امر و فرمان از آن خداوند است پیش (از غلبه) و پس از آن، و آن روز

ایمان آورندگان، شاد میگردند به یاری خداوند. او هر کس را بخواهد یاری فرماید، و اوست عزیز و

مهربان " (۲)

از امام باقر علیه السلام روایت شده که آن حضرت " یاری خداوند نسبت به مؤمنین " در

این آیه را به ظهور حضرت مهدی علیه السلام تفسیر نموده اند، و گویا خداوند آن حضرت را

بر رومیان پیروز میگرداند. (۳)

روایات دیگر در این زمینه، روایات مربوط به فرود حضرت عیسی علیه السلام و دعوت

آن حضرت از مسیحیان به اسلام و پیروی از حضرت مهدی علیه السلام است که در تفسیر

این آیه شریفه وارد شده است:

" او (حضرت عیسی علیه السلام) نشانه ای از علامتهای قیامت است که شکی در آن نیست، از او اطاعت کنید

که این صراط مستقیم است. " (۴)

۱- ۱. بشاره الاسلام ص ۱۰۲.

۲- ۲. روم / ۱ – ۵.

۳- ۳. محجه بحرانی ص ۱۷۰.

۴- ۴. زخرف / ۶۱.

" همه اهل کتاب قبل از وفات ایشان (حضرت عیسی علیه السلام) به او ایمان میآورند، و او در روز رستاخیز گواه بر آنهاست " (۱)

یعنی آن بزرگوار یکی از علائم رستاخیز بوده و هنگامی که خداوند او را فرود آورد، تمام مسیحیان و یهودیان به او ایمان آورده و خود و معجزه هایش را قبل از آنکه از دنیا رحلت کند، میبینند و تصدیق میکنند.

در روایت آمده است که حضرت عیسی علیه السلام در بحث خود با رومیان به حضرت مهدی علیه السلام و معجزاتی که خداوند در اختیارش نهاده استدلال میکند. (۲)

آن حضرت در دگرگونی اوضاع سیاسی و آگاه کردن ملتهای غربی در مقابل حکومتهایشان، نقش مهمی خواهد داشت که در جریان بازگشت مسیح بیان خواهیم کرد.

از جمله روایاتی که به این حوادث ارتباط دارد، احادیث مربوط به آتش بس میان مسلمانان و رومیان است که حضرت مهدی، قرارداد عدم تجاوز با آنان امضاء میکند. ظاهرا این قرارداد بعد از نبرد بزرگ قدس بین سپاه حضرت و لشکریان سفیانی و بعد از پیروزی حضرت و ورودش به قدس و فرود حضرت عیسی علیه السلام واقع خواهد شد.

به نظر میرسد که حضرت مسیح علیه السلام در برقراری پیمان صلح، نقش وساطت و میانجیگری را بر عهده دارد.

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

" ای عوف! پیش از رستاخیز شش حادثه را شماره کن... از جمله، فتنه ای که خانه هیچ عربی خالی از

۱- ۱. نساء ۱۵۹

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۲۶.

آن نخواهد ماند، و صلحی که میان شما و بنی اصفر (غربیها) برقرار خواهد شد، سپس با شما پیمان شکنی کرده، و با هشتاد لشکر که هر یک متشکل از ۱۲ هزار سرباز است به شما حمله خواهند کرد. " (۱)

همچنین از آن حضرت روایت شده که فرمودند:

" بین شما و رومیان چهار پیمان صلح بسته شود، که چهارمین آنها به دست مردی از خاندان هرقل است که چند سال (دو سال) دوام خواهد یافت، در این هنگام مردی از قبیله عبد القیس به نام سؤدد بن غیلان پرسید: در آن روز پیشوای مردم کیست؟ حضرت فرمود: مهدی از فرزندانم. " (۲)

در برخی از روایات مدت پیمان نامه صلح هفت سال ذکر شده، اما غربی ها تنها پس از دو سال عهد شکنی نموده و پیمان خود را بر هم میزنند و با سپاهی متشکل از هشتاد پرچم و نزدیک به یک میلیون سرباز به مسلمانان حمله ور میشوند و جنگی در سواحل فلسطین و سرزمین شام اتفاق میافتد که در پی آن حضرت رهسپار فتح اروپا و جهان غیر مسلمان میشود که شرح آن در فصل " حرکت ظهور " خواهد آمد.

از جمله احادیث ظهور، ارتباط سفیانی با رومیان است که هواداران سفیانی پس از شکست او به طرف کشور روم فرار کرده و توسط یاران حضرت مهدی علیه السلام تعقیب میشوند.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

" زمانی که قائم علیه السلام قیام نماید و سپاه خویش را به سوی بنی امیه (سفیانیان) گسیل دارد آنها به سوی روم گریزند، رومیان به آنان گویند: تا به کیش ما درنیائید شما را نپذیریم، آنها بپذیرند و رومیان پناهشان

---

۱ – ۱. بشاره الاسلام ص ۲۳۵ – از عقد الدرر سلمی و به گفته او بخاری آن را در کتاب خود از روایت عوف بن مالک،

آورده است.

۲- ۲. بحار: ۵۱ / ۸۰ دوازدهمین روایت از اربعین حافظ ابی نعیم.

دهند. آنگاه یاران حضرت مهدی علیه السلام با رومیان مواجه شوند، رومیان تقاضای صلح و امان نمایند، پیروان حضرت پاسخ دهند که تا هم کیشان ما را آزاد نکنید به شما امان نخواهیم داد، سپس آنها را آزاد نموده و به یاران حضرت تحویل دهند " (۱)

روایات دیگری نیز وجود دارد که نشان میدهد فرهنگ سفیانی، فرهنگ غربی است، او ابتدا در منطقه روم بوده، سپس راهی منطقه شام میگردد و حرکت خود را از آنجا آغاز میکند، چنان که به بیان آن خواهیم پرداخت.

در کتاب غیبت طوسی (رحمه الله) ص ۲۷۸ آمده است:

" سفیانی که سرکرده قوم است از کشور روم به حرکت درآید، در حالی که صلیب به گردن دارد. " (۲)

از جمله دیگر روایات، احادیث آزادی سرزمین روم توسط حضرت و اسلام آوردن رومیان بدست او است، البته احتمال دارد این امر به دنبال شکستن پیمان صلح و حمله نظامی رومی ها به ساحل فلسطین و سرزمین شام باشد که به شکست آنها منجر خواهد شد. چنان که ممکن است این درگیری سخت ترین نبرد رومیان با حضرت مهدی علیه السلام باشد، نبردی که در پی آن گرایشی بین ملتهای اروپائی نسبت به اسلام پیدا میشود.

و در برخی از روایات، آمده است که:

" یکی از شهرهای غربی با تکبیر فتح گردد، با حضور هفتاد هزار مسلمان ". (۳)

بعید نیست که سقوط این پایتخت غربی با تظاهرات غربی ها و تکبیر آنان، در حالی که حضرت مهدی علیه السلام و یارانش آنان را همراهی میکنند، انجام شود.

۱- ۱. بحار: ۵۱ / ۸۸.

۲- ۲. غیبت طوسی ص ۲۷۸.

۳- ۳. بشاره الاسلام ص ۲۹۷.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند:

" آن گاه اهل روم بدست مهدی علیه السلام اسلام آورده و حضرت برای آنان مسجدی بنا کند، سپس با

جانشین قرار دادن یکی از یارانش در آنجا، بازگردد " (۱)

ظاهرا حضرت مسیح علیه السلام در خلال چند سالی که بین امام علیه السلام و غرب پیمان

صلح برقرار است، در تحول ملتهای غربی تأثیر بسزایی دارد و ظاهرا در این برهه،

او در غرب بسر میبرد یا بیشترین حضورش در غرب است.

* *

۱- ۱. بشاره الاسلام ص ۲۵۱.

نقش ترک ها در دوران ظهور

به نظر میرسد منظور از ترک ها در روایات جنبش خجسته ظهور حضرت،

روس ها و ملت های اروپای شرقی اطراف آنانند، آنها گرچه مسیحی و از لحاظ

تاریخی از ملتهای مستعمره امپراطوری روم بشمار میروند، بطوری که مدعی

وراثت آنها نیز شده اند، و شاهان خود را مانند آلمان ها و دیگران، قیصر (سزار)

نامیده اند اما اولا: از قبیله های مناطق گوناگون شرق و از نژاد آسیا - اروپا هستند که

در روایات و تاریخ "قبیله ها و ملتهای ترک " نامیده شده اند، و این نام علاوه بر

ترکهای ترکیه و ایران، شامل قبیله های تاتار، مغول، بلغارستان، روسیه و غیر آنان

نیز میگردد.

ثانیا: مسیحیت، در بین آنها اصیل نبوده و بعدها به آن مناطق وارد شده و

به صورت یک لایه سطحی درآمده و وضعی بدتر از ملت های اروپای غربی مادی گرا

و شرک آمیز یافته است و شاید به همین دلیل بود که تسلیم نظریه الحادی کمونیسم

شده و در برابر نفوذ آن، مقاومت نکردند.

ثالثا: اگر چه برخی روایات مربوط به جنبش ترکان علیه مسلمانان، بر یورش

ترک های مغول به سرزمین ما در قرن هفتم هجری منطبق است. اما برخی روایات،

بیانگر جنبش آنان در حوادث ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. و بیانگر همکاری

آنها با رومیان علیه ما و اختلافشان با یکدیگر است و این ماجرا جز بر روسها منطبق نیست، و اگر ماجرای ظهور به درازا کشیده شود، بر وارثان دولت روس از اقوامی که ریشه و تبار ترکی دارند منطبق است.

اینک به چند نمونه از این روایات که نقش آنان را بیان میکند، توجه کنید:

الف: روایات مربوط به آخرین فتنه ای که بدست آنها و رومیان علیه مسلمانان به پا میشود و شرح آن قبلا گذشت و آن را جز بر هجوم غربی ها و روس ها به سرزمین های اسلامی در اوایل این قرن، نمیتوان تفسیر کرد، فتنه ای که پیوسته ادامه خواهد داشت تا خداوند آن را با حرکت زمینه ساز ظهور حضرت، و سپس با ظهور مبارک او بر طرف میسازد.

ب: روایات مربوط به جنگ سفیانی با ترک ها نیز از جمله این روایات است.

من، روایتی که دلالت بر جنگ سفیانی با ترک ها، در دمشق یا اطراف آن داشته باشد، نیافتم، اما روایات بسیاری به دست ما رسیده که حاکی از درگیری بزرگ سفیانی با آنان در قرقیسیا، واقع در مرز سوریه، عراق و ترکیه است و علت آن درگیری، کشمکشی ست که بر سر گنجی که در مجرای نهر فرات و یا نزدیک آن کشف میشود.

بعلاوه، شاید مراد از ترک ها، در این نبرد، ترک های ترکیه باشند نه روسها، ممکن است روسیه در جنگ با ترک ها بطور نهانی با سفیانی بوده و از او پشتیبانی کند که در حوادث مربوط به سرزمین شام و حرکت سفیانی به ذکر آن خواهیم پرداخت. انشاء الله

ج: روایات مربوط به انقلاب آذربایجان در رویاروئی با ترک ها است.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

" آذربایجان برای ما لازم است، چیزی در مقابل آن یارای مقاومت ندارد و چون انقلاب گر ما قیام کند به

ص: ۵۶

سوی او بشتابید، اگر چه با چهار دست و پا رفتن روی برف باشد " (۱)

ممکن است از قول امام صادق علیه السلام که فرمود " ناگزیر از آذربایجان بوده و چیزی در مقابل آن ایستادگی نمیکند " چنین استفاده شود که منظور جنبشی است هدایت گر که در آذربایجان و یا توسط اهالی آن به پا خواهد شد که باید پس از آن، منتظر نشانه های ظهور بود. اما از روایت زیر فهمیده میشود که ممکن است این ماجرا در رویاروئی با روسها باشد:

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

" دو خروج از طرف ترک ها رخ دهد که در یکی آذربایجان ویران و در دیگری که در جزیره واقع شود. عروسان حجله نشین، به وحشت افتند، در آن هنگام خداوند، مسلمانان را یاری نماید. قربانی بزرگ خدا در میان آنان خواهد بود " (۲)

اگر این روایت را به تنهایی مورد بررسی قرار دهیم، میتوان گفت که شاید این روایت مربوط به هجوم ترکان مغول به سرزمینهای اسلامی باشد، که در نخستین مرحله آن، وقتی به آذربایجان رسیدند، آن را ویران ساختند، و سپس در فرات مسلمانان بر آنها پیروز گشتند و در چشمه جالوت و سایر اماکن، قربانی بزرگی در بین آنان بود.

اما اگر این روایت را کنار روایت پیشین قرار دهیم، احتمال دارد که منظور از ترک ها، روس ها باشند و نخستین هجوم آنها اشغال آذربایجان قبل و بعد از جنگ جهانی دوم باشد و هجوم دوم، هجوم به طرف " جزیره " است که نام مکانی در حد فاصل بین عراق و سوریه نزدیک منطقه قرقیسیا است. هجوم آنان به آن منطقه

۱- ۱. غیبت نعمانی ص ۱۷۰.

۲- ۲. الملاحم والفتن ص ۳۲.

هنگام خروج سفیانی است و مفهوم پیروز شدن مسلمانان در آن درگیری پیروزی غیر مستقیمی است که با هلاکت دشمنان اسلام به دست خواهد آمد. در منطقه درگیری قرقیسیا درفش و پرچم هدایت گری یا پرچمی که پیروزی مسلمانان را به همراه داشته باشد وجود ندارد و بشارت پیامبر و امامان علیهم السلام، بدین جهت است که در این کارزار، ستمگران با شمشیرهای یکدیگر به هلاکت میرسند.

د: روایات مربوط به فرود ترک ها در منطقه " جزیره " و " فرات " است که احتمالا مراد از ترک ها، روس ها هستند، زیرا فرود آنها همزمان با فرود رومیان در منطقه رمله فلسطین و سواحل آن است.

قبلا اشاره کردیم که قرقیسیا منطقه ای در نزدیکی " جزیره " است که به " دیار بکر " و " جزیره ربیعه " معروف است، و مفهوم کلمه " جزیره " که در کتاب های تاریخی بیان شده، همین نقطه است، نه جزیره العرب یا جزیره ای دیگر.

این حادثه منافاتی با فرود ترکان مغول در جزیره فرات در قرن هفتم هجری ندارد، که برخی آن را از جمله نشانه های ظهور حضرت به حساب آورده اند، زیرا نشانه ظهور، فرود و سپس نبرد آنان با سفیانی در منطقه قرقیسیا خواهد بود.

روایات آشوب گری ترکان مغول و هجوم آنان به سرزمین های اسلامی در زمره روایات مربوط به حوادث و پیش بینی ها و معجزات نبی اکرم صلی الله علیه و آله است که مسلمانان از آن آگاه بوده و در صدر اسلام نقل میکردند. در زمان حمله مغول ها و پس از آن، این روایات بر سر زبانها افتاد، روایاتی که فرو نشستن آشوب آنان و پیروزی مسلمانان را نیز نوید میداد. بدون آنکه اشاره ای به ظهور حضرت مهدی علیه السلام داشته باشد.

اینک به نمونه ای از روایات مربوط به حمله مغول ها توجه کنید:

از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

" گویا، قومی را میبینم که چهره هایشان همچون سپرهای چکش خورده است، لباسهای حریر و دیبا پوشیده و اسبهای اصیل را یدک میکشند، کشتار آنچنان زیاد است که مجروحان از روی بدن کشتگان عبور کنند، در آن کارزار تعداد فراریان از اسیران کمترند.

یکی از یاران عرض کرد: ای امیر مؤمنان! از علم غیب سخن میگوئی؟ حضرت خندید و به آن مرد که از قبیله بنی کلب بود فرمود: ای برادر کلبی این علم غیب نیست، این دانشی است که از صاحب دانش (رسول الله) آموخته ام زیرا علم غیب تنها علم رستاخیز است و آنچه خداوند در این آیه برشمرده، آنجا که میفرماید: " این خداوند است که به زمان رستاخیز آگاهست و هم اوست که باران را فرو فرستاده، و از آنچه درون رحم هاست خبر دارد و هیچ کس نمیداند که پیمانه عمرش در کجا لبریز خواهد شد.. " (۱) خدا از آنچه درون رحم است، پسر یا دختر، زشت یا زیبا، بخشنده یا بخیل، نیک بخت یا بدبخت باخبر است، او میداند چه کسی هیزم آتش دوزخ و چه کسی در بهشت، همنشین پیامبران است، بنابراین علم غیبی که جز خدا کسی از آن آگاه نیست همین است، و غیر از آنچه گفته شد، علمی است که خداوند به پیامبرش آموخت و پیامبر مرا بر آن آگاه ساخت و در حق من دعا فرمود، تا خدا آن را در دل من جایگزین و درونم را از آن سرشار سازد " (۲)

ه: دسته دیگر، روایات مربوط به جنگ حضرت مهدی علیه السلام با ترک ها است، از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

" نخستین سپاهی که حضرت مهدی تدارک میبیند به سوی ترک ها گسیل میدارد و پس از شکست و به اسارت درآوردن آنها و به غنیمت گرفتن اموالشان راهی شام گردیده و آنجا را فتح مینماید " (۳)

منظور امام صادق علیه السلام، اولین لشکری است که حضرت آن را مجهز و اعزام

۱- ۱. سوره لقمان آیه ۳۴.

۲- ۲. نهج البلاغه خطبه ۱۲۸.

۳- ۳. بشاره الاسلام ص ۱۸۵.

میکند و خودش در آن شرکت ندارد. در برخی روایات آمده که حضرت پس از ورود به عراق و پس از چند جنگ جهت آزادی عراق و حجاز، سپاه خود را به طرف ترکها اعزام میکند.

احتمالا مراد از ترک ها در این روایت، ترک های ترکیه باشند اما این احتمال هم هست که منظور روس ها باشند که سفیانی، در نبرد قرقیسیا با آنان وارد جنگ میشود و هیچیک بر دیگری غلبه نمییابد تا اینکه نابودی آنان توسط حضرت مهدی علیه السلام صورت پذیرد.

و: دسته ای دیگر از این احادیث، روایاتی است که ویرانی سرزمین ترک ها را در اثر صاعقه و زلزله میداند و شاید منظور، جنگ افزارهایی مثل موشک باشد که ویران گری آن مانند صاعقه و زلزله است.

ظاهرا این حادثه، در پی نبرد آنان با حضرت مهدی علیه السلام است که ویرانی گسترده ای در پی خواهد داشت، بطوری که به نابودی و محو قدرت و شوکت آنان میانجامد، زیرا در روایات ظهور، پس از این حادثه، دیگر یادی از ترک ها به میان نمیآید، فقط بعد از دومین خروج آنان این عبارت آمده " فلا ترک بعدها " یعنی دیگر از قدرت ترک ها اثری بر جای نخواهد ماند.

از این رو احتمال فراوان دارد که آنان همان روسها باشند، زیرا در روایات مربوط به ظهور چنین گفته ای در مورد هیچ ملت مسلمانی نیامده است.

* *

نقش یهودیان در دوران ظهور

اشاره

اگر به جز آیات ابتدای سوره " بنی اسرائیل " چیز دیگری پیرامون نقش یهودیان در آخر الزمان و عصر ظهور در اختیار نداشتیم، همان آیات برای ما کافی بود، زیرا این آیات در عین کوتاهی، بسیار رسا و گویا بوده و خلاصه ای از تاریخ را بیان کرده و به شکل معجزه آسا و با دقت تمام، آینده را روشن ساخته است.

در حالی که علاوه بر این آیه ها و آیات دیگر، روایات بسیاری وجود دارد که بعضی مربوط به تفسیر آیات، و برخی دیگر پیرامون وضع یهودیان در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. ما پس از تفسیر آیات به بیان آنها نیز خواهیم پرداخت.

وعده الهی بر نابودی یهود

خداوند میفرماید:

" پاک و منزه است (خدائی) که یک شب، بنده اش (محمد صلی الله علیه و آله) را از مسجد الحرام به مسجد اقصی سیر داد. مسجدی که مبارک کردیم (برکت دادیم) پیرامونش را تا از نشانه های خود به او بنمایانیم. بدرستی که او شنوا و بیناست. و به موسی تورات داده و او را هدایت گر بنی اسرائیل کردیم (که به آنها بگوید) تا غیر از من سرپرستی نپذیرند. (بنی اسرائیل) ای فرزندان کسانی که آنان را با نوح (در کشتی) سوار نمودیم، نوح بنده ای شکرگزار بود " (۱).

۱- ۱. بنی اسرائیل / ۱ – ۸.

" ما در تورات به بنی اسرائیل اعلام نمودیم که شما (بنی اسرائیل) در زمین دو بار فساد خواهید کرد و برتری طلبی و طغیان بزرگی خواهید نمود "

" پس چون زمان وعده (تحقق) اولین فساد فرا رسد بندگانی را از ناحیه خود که توانمند و سخت جنگجویند علیه شما برانگیزیم که در میان خانه ها به جستجوی (شما) بپردازند و این وعده ای قطعی و انجام شدنی است ".

" سپس پیروزی بر آنان را به شما بازگردانیم و شما را با ثروتها و پسران یاری نمائیم و تعداد شما را بیش از آنان قرار دهیم ".

" اگر خوبی کردید، خوبی به خود نموده اید و اگر بدی کردید به خود بدی نموده اید و چون وعده (کیفر طغیان) بار دوم فرا رسد، (مخالفانتان) چهره های شما را غم بار و سیاه گردانند و وارد مسجد اقصی گردند همانگونه که نخستین بار داخل شدند و بر آنچه دست یافتند به کلی نابود کنند. "

" (اگر توبه کنید) امید است که پروردگارتان بر شما ترحم کند و اگر (به فساد) بازگردید ما نیز (به کیفر شما) بازمیگردیم و جهنم را برای کافران زندانی تنگ قرار دادیم. "

توضیح بخشهائی از آیات فوق چنین است، در آیه ۴ فرمود:

" وقضینا إلی بنی اسرائیل فی الکتاب لتفسدن فی الأرض مرتین ولتعلن علوا کبیرا ".

(ما در تورات به بنی اسرائیل اعلام کردیم که شما در زمین دو بار فساد خواهید کرد و برتری طلبی و طغیان بزرگی خواهید نمود)

یعنی ما در توراتی که بر آنان فرستادیم حکم قطعی کردیم که شما به زودی از راه راست منحرف شده و دو بار در جامعه فساد و تبهکاری میکنید، همچنانکه به زودی بر دیگران برتری جوئی و طغیان بزرگی خواهید نمود.

" فإذا جاء وعد أولاهما بعثنا علیکم عبادا لنا أولی بأس شدید... "

یعنی چون وقت مجازات شما بر نخستین فساد و تبهکاریتان رسید، بندگانی که منسوب به ما هستند به سویتان میفرستیم، بندگانی با صلابت و سر سخت که بر

ص: ۶۲

سرتان فرود آیند.

" فجاسوا خلال الدیار وکان وعدا مفعولا "

این جمله کنایه از سهولت فتح اول فلسطین به دست مسلمانان است، که سپاه اسلام به جستجوی خانه به خانه بقایای دشمنان یهودی خود میپردازند و این وعده ای قطعی است.

" ثم رددنا لکم الکره علیهم وأمددناکم بأموال وبنین وجعلناکم أکثر نفیرا ".

سپس شما را بر مسلمانانی که علیه شما برانگیختیم، پیروز گردانیم و به شما ثروت و فرزندانی عطا کنیم و از یاوران بیشتری برخوردار سازیم تا به کمک شما علیه آنان بستیزند.

" إن أحسنتم أحسنتم لأنفسکم وإن أسأتم فلها.. "

و آنگاه وضع شما مدتی بدین گونه ادامه مییابد و چنانچه توبه نموده و به شکرانه نعمت ثروت و اولادی که به شما بخشیدیم، نیک عمل نمودید به سود خودتان بوده و اگر به بدی و طغیان و خود بزرگ بینی پرداختید فرجام بد آن، مربوط به خودتان خواهد بود.

" فإذا جاء وعد الاخره لیسوءا وجوهکم ولیدخلوا المسجد کما دخلوه أول مره ولیتبروا ما علوا تتبیرا "

اما شما در آینده نه تنها عمل نیک انجام نمیدهید بلکه به اعمال بد روی میآورید. ما شما را مهلت میدهیم تا روزی که وقت مجازات و کیفر شما بر دومین فسادتان فرا رسد، آنگاه بندگانی از سوی خراسان را که به مراتب سخت تر از مرحله اول رفتار مینمایند، بر شما مسلط میکنیم تا آنچه را از آن بیمناک و گریزانید بر شما تحمیل کنند و چهره هایتان را غمبار و افسرده سازند. و فاتحانه وارد مسجد الاقصی

گردند، همانطور که در زمان تعقیب خانه به خانه شما در مرحله اول، وارد گردیده و

برتری جوئی و فسادگرائی شما را از بین بردند.

ص: ۶۳

" عسی ربکم أن یرحمکم وإن عدتم عدنا وجعلنا جهنم للکافرین حصیرا "

شاید پروردگارتان شما را بعد از دومین کیفر با هدایت خویش مورد رحمت قرار دهد و چنانچه بعد از آن دوباره به انحراف و فساد روی آورید، ما نیز مجازات شما را آغاز میکنیم و شما را در تنگنای دنیوی قرار داده و در آخرت دوزخ را زندان و حصار شما گردانیم.

* *

نخستین نتیجه ای که از آیات مذکور گرفته میشود آن است که تاریخ یهود بعد از حضرت موسی در ایجاد فتنه و فساد در جامعه خلاصه میشود، تا آنگاه که مجازاتشان فرا رسد و خداوند افرادی را برانگیزد که به سهولت بر آنان چیره شوند.

سپس خداوند بنا بر حکمت و مصلحت خود، یهودیان را بر آنان پیروز گرداند، و به آنها مال و اولاد فراوان دهد و یاری کنندگان آنها را در دنیا فزونی بخشد. اما یهودیان نه تنها از این اموال و یاران در جهت صلاح استفاده نمیکنند بلکه برای بار دوم در زمین به فساد و فتنه روی میآورند، البته این بار علاوه بر فساد، گرفتار خوی تکبر و برتری طلبی شده و خود را بسیار بهتر و برتر از سایر مردم جهان میپندارند. و زمانی که لحظه کیفرشان فرا رسد خداوند بار دیگر آن قوم را بر یهود چیره ساخته، و مجازات شدیدتری را در سه مرحله بر آنها فرو میفرستد.

نتیجه دوم این که، گروهی که خداوند بار اول بر ضد یهودیان برمیانگیزد، به آسانی بر آنها چیره میشوند، آنگاه داخل مسجد الاقصی شده و به تعقیب خانه به خانه یهودیان میپردازند، و نیروی نظامی آنها را متلاشی میکنند.

آنگاه خداوند برای بار دوم آنها را به سراغ یهودیان میفرستد و با وجود غلبه

یهودیان بر آنها و زیادی یاران و هوادارانشان، ضربات شدیدتری را در سه نوبت از

ص: ۶۴

مسلمانان دریافت میکنند، که در اولین نوبت، چهره های پلید آنان را آشکار و آنها را رسوا ساخته و همانند نبرد سابق، فاتحانه وارد مسجد الاقصی میشوند. و سپس خوی تکبر و برتری جوئی آنان را، درهم میشکنند. این نکته را از نظر ادبیات زبان عرب از حرف " لام " در سه جمله " لیسوؤا وجوهکم " و " لیدخلوا المسجد.... و لیتبروا " میتوان فهمید.

حال، سؤال اساسی که مفسران مطرح میکنند این است که آیا این دو نوع فساد که در یکی از آنها حس خودخواهی وجود دارد، تمام شده و آن دو کیفر وعده داده شده بر آنان به وقوع پیوسته یا هنوز چنین حوادثی رخ نداده است؟

برخی از مفسران بر این عقیده اند که این دو پیش بینی، عملی شده است، بدین ترتیب که کیفر فتنه و فساد اول به دست " بخت النصر " و مجازات دوم بدست " تیتوس " رومی عملی شده و بعضی دیگر معتقدند که هنوز آن دو کیفر رخ نداده است.

اما نظریه درست این است که: اولین کیفر در برابر نخستین فساد، در صدر اسلام، بدست مسلمانان انجام گرفت، اما وقتی مسلمانان از اسلام فاصله گرفتند، خداوند یهودیان را بر آنان چیره ساخت، و یهودیان بار دیگر در زمین فساد و طغیان نمودند و هرگاه که مسلمانان دوباره به اسلام روی آورند زمان کیفر دوم فرا رسیده و به دست آنان انجام خواهد شد.

بر اساس همین تفسیر، از امامان معصوم علیهم السلام روایاتی رسیده و قومی که خداوند در مرحله دوم علیه یهودیان برمیانگیزد، به حضرت مهدی علیه السلام و یاران او تطبیق شده است. این افراد، اهل قم بوده و خداوند آنها را قبل از ظهور حضرت

برمیانگیزد.

در تفسیر عیاشی از امام باقر علیه السلام روایت شده که حضرت بعد از آنکه آیه شریفه

ص: ۶۵

" بعثنا علیکم عبادا لنا أولی بأس شدید " را قرائت نمود، فرمود:

" مراد از این آیه حضرت قائم علیه السلام و یاران اویند که نیرومند و باصلابت اند ".

و در تفسیر نور الثقلین از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت در تفسیر همین آیه

شریفه فرمود:

" خداوند قومی را قبل از خروج حضرت قائم، برانگیزد که به قاتلی از قاتلان آل محمد صلی الله علیه و آله دست

نیابند، مگر اینکه او را به هلاکت رسانند. "

و از امام صادق علیه السلام روایت شده که وقتی آن حضرت این آیه را قرائت فرمود،

عرض کردیم " فدایت گردیم آنها چه کسانی هستند؟ امام سه بار فرمودند: به خدا سوگند اهل قم

هستند. " (۱)

این سه روایت از نظر مفهوم یکسان بوده و تعارضی بین آنها نیست، چرا که اهل

قم یعنی شیعیان ایران. روایت شده که آنها با حضرت قیام کرده و یاریش خواهند

کرد.

به نظر میرسد که مقاومت یهودیان در مقابل پیروان حضرت در چند نوبت

انجام میگیرد، تا آنکه امام مهدی علیه السلام ظهور کند و نابودی نهائی یهودیان به رهبری

وی و به دست با کفایت او (ارواحنا فداه) تحقق یابد.

از جمله مطالبی که دلالت دارد دومین کیفر یهودیان بدست مسلمانان انجام

خواهد گرفت، این است که قومی که خداوند در هر دو مرحله علیه یهودیان

برمیانگیزد، یک امت بوده و صفاتی که برای آنان یاد شده و ویژگیهای جنگ آنان با

یهود جز بر مسلمانان تطبیق نمیکند. پس پادشاهان مصر، بابل، یونان، ایران، روم

و دیگران که در طول تاریخ بر یهودیان تسلط یافتند، هیچکدام با صفت " عبادا لنا "

۱- ۱. بحار: ۶۰ / ۲۱۶.

(بندگان ما) که در قرآن آمده، سازگاری ندارند، وانگهی بعد از کیفر اول یهودیان بر هیچیک از آنان چیره نگشتند. در حالی که پس از مجازات اول یهودیان در صدر اسلام، بار دیگر یهودیان بر مسلمانان غلبه کردند، و خداوند آنها را با اموال و فرزندان یاری کرد، و طرفداران آنها را نیز با حمایت ابرقدرت ها بیش از ما قرار داد. اینک آنها هستند که در زمین فساد نموده، و بر ما و سایر ملت ها، برتری طلبی میکنند و این مجاهدان و کفر ستیزان اسلام هستند که ضربات خود را بر پیکر آنها وارد ساخته و چهره آنان را در غم و اندوه فرو میبرند.

با بررسی تاریخ یهود بعد از حضرت موسی علیه السلام روشن میگردد که فتنه گری و فسادانگیزی در گذشته و حال یهود وجود داشته، اما برتری وعده داده شده آنها تنها در زمان ما بوجود آمده است و البته کیفر موعود خداوند نیز در پی آن خواهد آمد.

این مطلب برای تمام کسانی که از تاریخ یهود آگاهی دارند، کاملا واضح و آشکار است.

وعده خداوند به تسلط دائم بر یهود

خداوند متعال در قرآن کریم میفرماید:

" آنگاه که پروردگارت اعلام نمود که حتما تا روز قیامت بر آنان (یهود) کسانی را برخواهد انگیخت که پیوسته عذابی سخت بر آنها روا دارند، همانا پروردگار تو زود کیفر و (در عین حال) بسیار آمرزنده و مهربان است * و آنها (یهود) را روی زمین به صورت گروه هایی پراکنده کردیم، برخی از آنان نیکوکار و برخی ناصالحند و آنان را با خوشی و ناخوشی آزمودیم، شاید که (بسوی حق) باز گردند " (۱).

معنی دو آیه شریفه این است که خداوند اعلان و مقدر فرموده که در آینده،

۱- ۱. اعراف ۱۶۷ - ۱۶۸.

افرادی را بر یهود مسلط میگرداند که تا روز رستاخیز آنان را به عذابی سخت گرفتار سازد. او خدائی است که به سرعت کیفر میدهد و بسیار آمرزنده و مهربان است.

از جمله مجازاتهای خداوند درباره یهودیان این است که آنها را در زمین پراکنده و دسته دسته میگرداند، گروهی از آنان نیکوکار و گروهی بدکارند و آنها را با خیر و شر آزمایش میکند شاید توبه نموده و هدایت شوند.

ما اجرای این وعده الهی در کیفر یهود را، در تمام دورانهای تاریخی آنان به استثنای دوران حکومت پیامبرانی چون موسی، یوشع، داود و سلیمان علیهم السلام مشاهده میکنیم و خداوند همواره اقوام و ملتهای مختلفی را بر آنها مسلط گردانده که آنان را به عذابی دردناك گرفتار نموده اند.

ممکن است گفته شود که پادشاهان مصر، بابل، یونان، فارس، روم و دیگران بودند که بر یهودیان تسلط یافته و آنان را مجازات سختی نمودند اما مسلمانان چنان رفتاری با آنها نکرده اند، بلکه تنها بر نیروهای نظامی آنها پیروز گشتند و سپس زندگی در سایه دولت اسلامی را از آنان پذیرفتند، تا با برخورداری از آزادی و حفظ حقوق خود در سایه قوانین اسلامی زندگی کرده و جزیه بپردازد.

اما پاسخ این است که معنی عذاب سخت این نیست که پیوسته آنها را کشته یا آواره و زندانی نمایند، آن چنان که بیشتر حکومتهایی که پیش از اسلام بر آنان تسلط یافتند، این گونه عمل کردند، بلکه به این معنی است که آنها از لحاظ نظامی، سیاسی، تسلیم آن حکومتی میگردند که خداوند بر آنان مسلط ساخته است.

اگر چه مسلمانان در کیفر دادن یهودیان، از دیگران ملایم تر بودند، اما همان سیطره مسلمانان، مصداق تسلط بر یهودیان، و کیفر نمودن آنان است.

گاهی نیز گفته میشود: تاریخ یهود تطبیق این وعده خدا را بر آنها گواهی

میدهد ولی در یک و یا حداقل نیم قرن اخیر، کسی که آنان را مجازات و کیفر دهد

ص: ۶۸

بر آنان مسلط نشده، بلکه آنان از سال ۱۹۳۶ میلادی بدترین شکنجه ها را در فلسطین و دیگر مناطق به مسلمانان روا میدارند این قضیه را چگونه میتوان تحلیل نمود؟

پاسخ این است که: این دوره از تاریخ زندگی یهودیان استثناست، زیرا این همان دوره بازگشت قدرت آنهاست که خداوند در سوره اسراء به آنان وعده فرموده است:

"سپس پیروزی شما را بر کسانی که آنان را علیه شما برانگیختیم برگردانده و به شما اموال و فرزندانی عطا کرده، و شما را از یارانی بیش از تعداد آنان برخوردار سازیم تا با همکاری شما بر ضد آنها بستیزند " (۱).

بنابراین، دوره مذکور خارج از وعده کلی تسلط بر آنهاست تا اینکه وقت کیفر و مجازات دوم بدست مسلمانان فرا رسد.

در این زمینه روایاتی از ائمه علیهم السلام رسیده که وعده سرکوب مجدد یهود نیز بدست مسلمانان انجام میپذیرد، صاحب مجمع البیان، در ارتباط با سرکوب یهود در طغیان دوم آنان، اتفاق نظر مفسران را بیان کرده و میگوید: مراد از آن نزد تمام مفسرین، امت پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، و همین معنی از امام باقر علیه السلام نقل شده، وعلی بن ابراهیم قمی، در تفسیر خود آن را از ابی الجارود، از امام باقر علیه السلام بیان کرده است.

وعده خدا بر فرونشاندن آتش جنگ یهود

خدای متعال در قرآن مجید میفرماید:

"یهودیان گفتند دست خدا بسته است، دست های خودشان بسته باد. و به سزای این گفته از رحمت خدا دور باشند. بلکه دستهای (قدرت) خدا گشوده است و هرگونه بخواهد انفاق میکند. آنچه از ناحیه

۱- ۱. اسراء / ۶.

پروردگار بر تو فرود آمده، بر سرکشی و کفر بسیاری از آنان میافزاید و ما میان آنان تا روز رستاخیز، کینه و دشمنی انداختیم، و هر وقت آتش جنگی را برافروختند، خداوند آن را خاموش کرد، آنان در زمین راه فساد میپیماند و خداوند فساد کنندگان را دوست ندارد " (۱)

این وعده الهی بر فرو نشاندن آتش جنگ هایی است که یهودیان میافروزند.

خواه مستقیما خود آنان جنگ افروزی نمایند و یا دیگران را به جنگ تحریک کنند و

این وعده الهی بدلیل لفظ " کلما اوقدوا " یعنی " هر وقت آتش افروزی نمایند " بدون

استثناء است.

تاریخ گذشته و حال یهود گواهی میدهد که آنها همواره در پشت پرده بسیاری از

آشوب ها و جنگ ها حضور داشته اند، اما خداوند با لطف و عنایت خویش وعده

خود را نسبت به مسلمانان و بشریت تحقق بخشیده، و مکر و حیله یهود را باطل و

نقشه هایشان را خنثی و آتش جنگ آنان را فرو نشانده است.

شاید بزرگترین آتش جنگ و آشوبی که آنان علیه مسلمانان و جهانیان

برافروخته اند، همین نبرد فعلی باشد که جهت دامن زدن به آن، شرق و غرب را

تحریک نموده و خودشان در فلسطین بطور مستقیم، و در اکثر کشورهای جهان

بطور غیر مستقیم طرف درگیری اند، و آنچه باقی مانده وعده خداوند است که با

فرو نشاندن این جنگ تحقق میبابد.

از آیه شریفه یاد شده چنین استفاده میشود که دشمنی و درگیری داخلی خود

آنها، یکی از الطاف الهی جهت فرو نشاندن آتش جنگ آنها است:

" و ما میان آنان تا روز قیامت دشمنی و کینه توزی افکندیم و هرگاه آتش جنگی را برافروختند، خداوند

آن را فرو نشاند. "

۱- ۱. مائده / ۶۴.

حال به روایاتی میپردازیم که از نقش یهود در عصر ظهور سخن میگویند:

برخی از روایات عصر ظهور، مربوط به گرد آمدن یهودیان در فلسطین قبل از

جنگی ست که نابودی آنها را در پی دارد که تفسیری بر این آیه شریفه است: "... به

بنی اسرائیل گفتیم در زمین ساکن شوید و زمانی که وعده آخرت فرا رسد شما را با همدیگر میآوریم " (۱)

چنان که در تفسیر نور الثقلین آمده یعنی شما را از هر ناحیه ای گردهم میآوریم.

حدیث دیگر درباره اجتماع و کارزار یهودیان در عکا است، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت

شده که فرمود:

" آیا شنیده اید نام شهری را که بخشی از آن درون دریاست؟ عرض کردند: آری، فرمود: قیامت به پا

نمیشود مگر آنکه هفتاد هزار تن از فرزندان اسحاق به این شهر یورش برند. " (۲)

و از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده است که فرمود:

" در مصر منبری را بنا نموده و دمشق را قطعا تخریب خواهم کرد و یهودیان را از شهرهای عربی

بیرون میرانم و با عصایم عرب ها را به پیش میبرم، راوی این حدیث (عبایه اسدی) میگوید: پرسیدم

ای امیر مؤمنان، شما بگونه ای خبر میدهید که به یقین پس از مردن زنده خواهید شد؟ فرمود: هیهات ای

عبایه که متوجه نشدی! مردی از تبار من یعنی مهدی علیه السلام این امر را بر عهده دارد. " (۳)

روایت این نکته را میفهماند که یهودیان بر بسیاری از شهرهای عرب تسلط و یا

در آن حضور مؤثر خواهند داشت. ما پیرامون نبرد حضرت مهدی علیه السلام با سفیانی و

یهودیان، در بیان حوادث سرزمین شام، و حوادث حرکت ظهور، سخن خواهیم

گفت.

۱- ۱. إسراء / ۱۰۴.

۲- ۲. مستدرك حاكم: ۴ / ۴۷۶.

۳- ۳. بحار: ۵۳ / ۶۰.

از جمله روایاتی که در ارتباط با یهودیان است، حدیث کشف معبد توسط

آنهاست، تعبیر " کشف هیکل " (معبد) در شمار نشانه های ظهور آمده، که ظاهرا

کشف معبد حضرت سلیمان علیه السلام است، از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده که فرمودند:

" ظهور آن حضرت نشانه ها و علاماتی دارد: نخست محاصره کوفه با کمین و پرتاب سنگ، و ایجاد

شکاف و رخنه در زوایای کوچه های کوفه و تعطیلی مساجد به مدت چهل شب و کشف معبد و به اهتزاز در

آمدن پرچمهایی گرداگرد مسجد بزرگ (مسجد الحرام) است. قاتل و مقتول در این ماجرا، در آتش اند " (۱)

احتمال دارد که آن معبد، یک اثر تاریخی غیر از معبد حضرت سلیمان بوده و یا

در محل دیگری غیر از قدس باشد، چون عبارت " کشف معبد " بطور کلی مطرح

شده و نامی از کاشف آن به میان نیامده است.

بخش های اول این روایت نشانگر حالت جنگ در کوفه است که در روایات،

گاهی از آن به عراق یاد میشود، اما در این جا به معنی همان شهر کوفه و محدوده

آن و درهم کوبیدن شهر و ایجاد موانع دفاعی در گوشه و کنار آن است.

اما پرچم های گوناگون در اطراف مسجد الحرام، اشاره به درگیری و کشمکش

قبایل بر سر حکومت دارد که اندکی پیش از ظهور حضرت پدید خواهد آمد و در

این زمینه روایات فراوانی وارد شده است.

دسته ای دیگر از احادیث، روایاتی است که به معرفی افرادی میپردازد که

خداوند بعد از فسادآفرینی و تکبرجویی یهودیان بر آنان مسلط میگرداند، که

تعدادی از آنها در تفسیر آیات قرآن مجید گذشت، و برخی دیگر درباره ایران و

شخصیتهای ایرانی در زمان ظهور است، مانند حدیث " پرچم های سیاه " که توسط

راویان متعدد نقل شده و در آن چنین آمده است:

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۷۳.

" درفش های سیاه، از خراسان ظهور کنند. هیچ چیز قادر به بازگرداندن آنها نیست، تا سرانجام در قدس برافراشته شوند ".

روایات مربوط به بیرون آوردن تورات اصلی از غاری در انطاکیه و کوهی در شام و فلسطین و دریاچه طبریه، توسط حضرت مهدی علیه السلام و استدلال آن حضرت بر یهودیان، بوسیله تورات نیز از جمله همین روایات است.

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

" تورات و انجیل را از سرزمینی که انطاکیه نامیده میشود بیرون آورد. " (۱)

و نیز از آن بزرگوار نقل شده که فرمودند:

" صندوق مقدس را از غاری در انطاکیه و بخش هایی از تورات را از کوهی در شام بیرون آورده و به وسیله آن با یهودیان به استدلال پردازد و سرانجام بسیاری از آنها اسلام آورند. " (۲)

همچنین از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

" صندوق مقدس از دریاچه طبریه به وسیله او آشکار شود و آن را در حضورش در بیت المقدس قرار دهند و چون یهودیان آن را مشاهده نمایند، به جز اندکی بقیه ایمان آورند. " (۳)

تابوت سکینه یا صندوق مقدس، همان است که در فرموده خدای متعال آمده است:

" پیامبرشان گفت: دلیل و نشانه بر پادشاهی او (طالوت) این است که آن صندوق (صندوقی که موسی را در آن به آب افکندند) که در آن سکینه و آرامشی از جانب پروردگارتان و بازمانده ای از آنچه آل موسی و آل هارون باقی گذاشته اند، در حالی که آن را فرشتگان حمل میکنند به سوی شما خواهد آمد، به راستی در آن نشانه ای (از صداقت حاکمیت طالوت) برای شماست چنانچه مؤمن باشید. " (۴)

۱- ۱. بحار: ۵۱ / ۲۵.

۲- ۲. منتخب الأثر ص ۳۰۹.

۳- ۳. الملاحم والفتن ص ۵۷.

۴- ۴. بقره / ۲۴۸.

در تفسیر آیه آمده که این صندوق که در آن میراث پیامبران علیهم السلام وجود دارد، دلیل و نشانه ای برای بنی اسرائیل است تا بدانند چه کسی شایستگی فرمانروائی دارد، از این رو فرشتگان آن را آورده و از میان جمعیت بنی اسرائیل عبور داده و آنگاه در پیش روی طالوت علیه السلام قرار میدهند، سپس طالوت علیه السلام آن را به داوود و او به سلیمان و او به وصی خود آصف بن برخیا تسلیم میکند، اما بنی اسرائیل بعد از وصی حضرت سلیمان چون از دیگری اطاعت میکنند آن صندوق را از دست میدهند.

و منظور از جمله " فیسلم کثیر منهم " (بسیاری از آنان ایمان میآورند) و یا " اسلمت إلا قلیلا منهم " (بجز اندکی از آنان بقیه ایمان میآورند) ممکن است کسانی باشند که صندوق مقدس را میبینند و یا کسانی که حضرت مهدی علیه السلام بوسیله تورات اصلی با آنان استدلال مینماید و یا افرادی که حضرت آنان را پس از آزاد سازی فلسطین در آنجا باقی میگذارد.

در روایتی دیگر آمده که تعداد سی هزار نفر از یهودیان به حضرت ایمان میآورند که نسبت به کل جمعیت آنان، رقم اندکی است.

از جمله روایت های مربوط به یهود، روایت های درگیری حضرت و یارانش با یهودیان است. همچون حدیث بیرون راندن آنان از جزیره العرب توسط حضرت که قبلا گذشت. این اقدام حضرت با پیروزی بر یهودیان و بیرون راندن آنان از فلسطین به پایان میرسد، علماء شیعه و سنی روایات مربوط به نبرد بزرگ حضرت مهدی علیه السلام با سفیانی را نقل کرده اند، نبردی که از پشتیبانی یهودیان و رومیان برخوردار است. این نبرد در جبهه ای از انطاکیه تا عکا امتداد دارد، یعنی در طول

ساحل سوریه، لبنان و فلسطین و از آنجا تا طبرستان، دمشق و قدس ادامه مییابد.

شکست بزرگ وعده داده شده یهود در آنجا اتفاق میافتد بگونه ای که سنگ و

درخت به سخن میآیند که ای مسلمان! این شخص یهودی است، او را بکش.

شرح این مطلب در فصل نهضت ظهور حضرت مهدی علیه السلام (ارواحنا فداه) خواهد آمد.

حدیث دیگر مربوط به نبرد " مرج عکا " است که شاید جزئی از جنگ بزرگ پیشین باشد، هر چند احتمال آن هست که جزئی از دومین نبرد حضرت مهدی علیه السلام با غربیها و پشتیبانان یهودی آنها باشد، که پس از گذشت دو یا سه سال از آزادی فلسطین و شکست یهودیان و غربی ها به وقوع میپیوندد.

به گفته روایات، حضرت مهدی علیه السلام پس از آن نبرد، پیمان صلح و عدم تجاوزی را به مدت ۷ یا ۱۰ سال با روم یعنی غربی ها منعقد میکند که ظاهرا حضرت عیسی علیه السلام میانجی و واسطه آن پیمان است، اما آنان پس از دو یا سه سال پیمان شکنی نموده، و با هشتاد لشکر که هر یک متشکل از ۱۲ هزار تن میباشد، به نبرد میپردازند. در این نبرد بزرگ، بسیاری از دشمنان خدا به هلاکت میرسند تا جائی که این نبرد را به کشتار عظیم و ضیافت " مرج عکا " توصیف میکنند، یعنی ضیافتی که درندگان زمین و پرندگان آسمان از گوشت بدن ستمگران استفاده میکنند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

" شهر روم را با تکبیر ۷۰ هزار مسلمان میگشاید، آنان شاهد این کشتار عظیم و خوان گسترده خدا در مرج عکا خواهند بود. " (۱)

از جمله این روایتها، احادیث مربوط به موقعیت نظامی شهر عکا در زمان ظهور حضرت است که حضرت، آنجا را پایگاه دریائی برای فتح اروپا قرار میدهد.

۱- ۱. بشاره الاسلام ص ۲۹۷.

در روایات آمده است:

" آن حضرت تعداد چهار صد کشتی را در ساحل عکا تدارک دیده و با یاران خویش به سرزمین رومیان

روی آورده و آنجا را فتح مینماید " (۱)

ما در فصل حوادث نهضت ظهور حضرت مهدی علیه السلام، پیرامون این حادثه بیشتر

سخن خواهیم گفت.

نگاهی به تاریخ یهود

اشاره

در این جا نگاهی گذرا میاندازیم بر اوضاع کلی یهودیان از دوران حضرت

موسی علیه السلام تا زمان پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله. مطالب این بخش با

استناد بر دایره المعارف " کتاب مقدس " از انتشارات " جامعه کنیسه های خاور

نزدیک " و کتاب " تاریخ یهود از زبان تورات " تألیف محمد عزت دروزه، آورده

شده است.

تاریخ یهود در این مدت به ده دوره تقسیم میشود:

۱ - دوره حضرت موسی و یوشع (علیهما السلام) ۱۲۷۰ ق. م ۱۱۳۰ ق. م

۲ - دوره داوران ۱۱۳۰ ق. م ۱۰۲۵ ق. م

۳ - دوره حضرت داود و سلیمان (علیهما السلام) ۱۰۲۵ ق. م ۹۳۱ ق. م

۴ - دوره تجزیه و کشمکش های داخلی ۹۳۱ ق. م ۸۵۹ ق. م

۵ - دوره تسلط آشوریان ۸۵۹ ق. م ۶۱۲ ق. م

۶ - دوره تسلط بابلیها ۵۹۷ ق. م ۵۳۹ ق. م

۷ - دوره سلطه ایرانیان ۵۳۹ ق. م ۳۳۱ ق. م

۱- ۱. الزام الناصب ص ۲۲۴.

۸ – دوره تسلط یونانیها ۳۳۱ ق. م ۶۴ ق. م

۹ – دوران تسلط رومیان ۶۴ ق. م ۶۳۸. م

۱۰ – دوران تسلط اسلام ۶۳۸. م ۱۹۲۵. م

* *

دوران حضرت موسی و یوشع (علیهما السلام)

حضرت موسی علیه السلام، یک صد و بیست سال زندگی کرد، از این مدت، نزدیک به سی سال در کاخ فرعون مصر، و ده سال نزد شعیب پیامبر علیه السلام در " قادش برنیع " واقع در انتهای صحرای سینا از سمت فلسطین نزدیک دره " عربه " سپری کرد.

در تورات فعلی، تعداد افراد بنی اسرائیل (بجز کودکان) که همراه موسی علیه السلام حرکت کردند ششصد هزار مرد پیاده اعلام شده (۱). اما برخی تاریخ نگاران این نظر را برمیگزینند که خروج آنها از مصر در اوایل قرن سیزدهم قبل از میلاد، یعنی حدود سال ۱۲۳۰ ق. م در زمان فرعون " منفتاح " بوده و حضرت موسی علیه السلام نیز در کوهی نزدیک " قادش " بود و وصی او یوشع بن نون علیه السلام وی را در آنجا دفن و قبرش را پنهان ساخت. در حالی که حضرت انواع آزار و اذیت را از بنی اسرائیل در زمان حیات و پس از مرگش تحمل نمود!

تورات، درباره او و هارون (علیهما السلام) میگوید: " خدا به موسی گفت: در این کوه بمیر همانگونه که برادرات هارون در کوه هور جان سپرد. زیرا شما دو تن به من خیانت ورزیدید، و مرا در کنار چشمه صحرای " مریبه قادش " در بیابان سینا تقدیس نکردید. پس براستی تو به سرزمینی که من به بنی اسرائیل عطا کردم داخل نمیشوی ". (۲)

۱- ۱. سفر خروج باب ۱۲: ۳۷ و سفر عدد، باب ۳۳: ۳۶
۲- ۲. کتاب دوم، باب ۳۳: ۵۰ - ۵۳.

و میگویی: " یوشع بن نون وارد آنجا خواهد شد " (۱)

پس از موسی علیه السلام رهبری بنی اسرائیل را وصی او یوشع بر عهده گرفت و آنها را

به کرانه غربی رود اردن برد و فعالیت خود را از شهر " اریحا " آغاز نمود و ۳۱ شهر از

شهرها و آبادی های اطراف را که هر یک دارای روستاهای کشاورزی بودند، فتح

نمود. ساکنین آن مناطق بت پرستان کنعانی بودند.

یوشع آن منطقه را میان فرزندان بنی اسرائیل که نسبت به یکدیگر حسادت

میورزیدند، تقسیم نمود. فصل های ۱۵ تا ۱۹ از سفر یوشع، شهرها و شهرکهای

منطقه را که طبق برآورد خود ۲۱۶ پارچه بودند، نام میبرد.

یوشع علیه السلام حوالی سال ۱۱۳۰ ق. م در سن نزدیک به یک صد و ده سالگی بدرود

حیات گفت.

دوره داوران و سلطه فرمانروایان محلی

رهبری بنی اسرائیل پس از یوشع علیه السلام به داوران و قاضیان انتقال یافت، آنها شبیه

خلفاء در میان قبایل قریش بودند و پانزده تن از آنان به فرمانروائی رسیدند.

دوره داوران با دو ویژگی شناخته میشود، این دو ویژگی را پیوسته در طول

تاریخ با بنی اسرائیل مشاهده مینمائیم:

یکی انحراف آنان از خط پیامبران علیهم السلام و دیگری تسلط افرادی از طرف خداوند

که عذاب دردناکی به آنان بچشانند، همچنانکه در قرآن بدان اشاره شده است.

در تورات از انحراف بنی اسرائیل بعد از یوشع علیه السلام چنین میگوید: " (آنان) در میان

کنعانیان و حیثی ها و اموریها و فرزیها و حیوی ها و یبوسیها (۲)، ساکن شده و دختران آنها را همسران خود

۱- ۱. کتاب دوم، باب ۱: ۳۸.

۲- ۲. اینها اقوام منطقه فلسطین بودند.

قرار داده و دختران خود را به پسران آنها داده و خدایان آنها را پرستیدند. " (۱)

و در فصل دیگر میگوید: " نخستین کسی که بر آنها سلطه یافت و آنها را به مدت هشت سال

تحت فرمان خود درآورد " کوشان رشتعایم " فرمانروای آرام در منطقه نهرین بود " (۲).

" آن گاه بنی عمون و عمالقه بر آنها هجوم برده و بر شهر اریحا استیلاء یافتند " (۳)

" سپس یا بین فرمانروای کنعان به مدت ۱۰ سال در حاصور بر آنان مسلط شد " (۴)

" بعد از آن بنی عموم و فلسطینیان ۱۸ سال آنان را به بردگی خود درآوردند. " (۵) " و پس از آن

فلسطینی ها آنها را کیفر نموده و مدت چهل سال بر آنان مسلط گشتند " (۶).

فرمانروائی داوران پس از یوشع علیه السلام تا زمان صموئیل پیامبر علیه السلام ادامه یافت،

همان پیامبری که خداوند متعال در قرآن وی را چنین یاد نموده است:

" آیا ندیدی آن گروه بنی اسرائیل را که پس از موسی از پیامبر خود درخواست کردند که فرمانروائی برای ما

برانگیز تا (به سرکردگی او) در راه خدا جهاد کنیم پیامبرشان گفت: " آیا اگر جهاد بر شما فرض شود

نافرمانی میکنید؟ گفتند: چگونه میشود که ما در راه خدا مبارزه نکنیم در حالی که ما و فرزندانمان از

دیارمان رانده شده ایم. اما چون جهاد بر آنان مقرر گردید بجز اندکی همه روی گرداندند و خداوند از کردار

ظالمان آگاه است. " (۷)

تاریخ نویسان این دوره را حدود یک قرن یعنی از ۱۱۳۰ ق. م تا دوران طالوت و

۱- ۱. سفر داوران در فصل سوم و پنجم.

۲- ۲. باب ۸: ۳

۳- ۳. داوران، باب ۳: ۱۳.

۴- ۴. داوران، باب ۴: ۲.

۵- ۵. داوران، باب ۱: ۸.

۶- ۶. داوران، باب ۱۳: ۱.

۷– ۷. بقره ۲۴۶.

داود (علیهما السلام) یعنی ۱۰۲۵ ق م تخمین میزنند، ولی از سفر داوران در تورات مدت این دوره بیش از این مقدار فهمیده میشود.

دوره داوود و سلیمان (علیهما السلام)

دوران طالوت (شاول) را بخشی از دوران داود و سلیمان (علیهما السلام) قرار دادیم، زیرا او اگر چه پیامبر نبود اما فرمانروائی بود در خط انبیاء. مورخین مدت فرمانروائی وی را پانزده سال از ۱۰۲۵ تا ۱۰۱۰ قبل از میلاد ثبت کرده اند. پس از او داود و سلیمان (علیهما السلام) از سال ۱۰۱۰ ق. م تا ۹۳۱ ق. م یعنی سال وفات حضرت سلیمان فرمانروائی کردند.

متأسفانه گردآورندگان تورات موجود، نسبت به حضرت موسی، داود و سلیمان علیهم السلام ستم روا داشته و تهمتهای بزرگ اخلاقی، سیاسی و اعتقادی به آنان نسبت داده ا ند و بسیاری از تاریخ نویسان غربی مسیحی نیز از آنان پیروی نموده و مطالبی را هم بر گفته های آنان افزوده اند. و متأسفانه مسلمانانی که پیرو فرهنگ غرب بودند نیز از این گروه تبعیت کرده اند. درود و سلام خدا بر تمام پیام آوران الهی. ما در پیشگاه خداوند از کسانی که نسبت به آن بزرگواران بهتان روا داشتند بیزاری میجوئیم.

حضرت داود علیه السلام بنی اسرائیل را از ورطه بت پرستی و سلطه بت پرستان نجات داد و نفوذ دولت الهی خود را به مناطق مجاور خویش کشید. و با ملتهایی که تحت فرمانروائی او درآمدند به شایستگی رفتار کرد، بگونه ای که خداوند متعال این ویژگی داوود را در کتاب خود و از زبان پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله ستوده است.

حضرت داوود علیه السلام تصمیم گرفت در محل عبادت جدش ابراهیم علیه السلام در قدس و

بر بلندای کوه " مریا " مسجدی بنا کند اما آنجا خرمنگاه یکی از ساکنان قدس از

قبیله یبوسها به نام " اورنا " بود بطوری که در تورات فعلی آمده، داوود علیه السلام آن قطعه

زمین را به پنجاه شاقل نقره خرید، و مسجدی ساخت و در آن اقامه نماز کرد. در

کنار آن حیواناتی برای خداوند قربانی میشد. " (۱)

حضرت سلیمان وارث سلطنت و فرمانروائی پدر بزرگوارش داوود علیه السلام گردید و

دولت او به همان گستردگی و عظمتی رسید که در قرآن و احادیث رسول گرامی

اسلام صلی الله علیه و آله بیان شده است. سلیمان مسجد پدرش داوود و جد اعلای خود ابراهیم

را به شکل باشکوهی بازسازی کرد. این بنا به معبد سلیمان علیه السلام معروف گشت!

دوره فرمانروائی حضرت سلیمان علیه السلام دوره ای استثنائی در تاریخ انبیاء علیهم السلام

است. خداوند در این دوره نمونه ای از امکانات شگفت آور و متنوع را که

میتوانست در تسخیر انسانها باشد ظاهر ساخت چرا که ملتها موجودیت سیاسی

خود را به رهبری پیامبران خدا و جانشینان آنان بر پا داشتند و توان خود را در

طغیان و نبرد علیه یکدیگر به کار نبردند. خداوند در قرآن میفرماید:

" اگر خداوند روزی را بر بندگانش گسترش میداد، بی تردید در زمین ستم و طغیان میکردند، اما

خداوند به مقداری که بخواهد، فرو میفرستد، و او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست " (۲)

حضرت سلیمان علیه السلام طبق فرمایش قرآن، در حالی که بر تخت خود نشسته بود

جان به جان آفرین تسلیم کرد. مورخان وفات او را در سال ۹۳۱ ق. م میدانند. با

درگذشت حضرت سلیمان انحراف در میان بنی اسرائیل آغاز شد و دولت وی

تجزیه گشت. سپس خداوند کسانی را بر بنی اسرائیل مسلط کرد تا آنان را به عذابی

دردناک گرفتار سازد.

۱- ۱. سفر صموئیل، اصحاح ۲۴: ۲۴ و سفر اخبار اول، اصحاح ۲۱: ۲۲، ۲۸.

۲- ۲. شوری / ۲۷.

تورات فعلی پس از آنکه در سفر اول فرمانروایان، به سلیمان علیه السلام افترا میبندد که او دست از بندگی خدا برداشته و به پرستش بتها پرداخت، میگوید: " و به سلیمان گفت: به خاطر آنکه پیمان مرا رعایت نکردی و دستورات مرا پاس نداشتی، ملك و مملکت را از دست تو گرفته و آن را جزء جزء میگردانم. " (۱)

دوران تجزیه و کشمکش داخلی

اختلاف های داخلی اسرائیلیان تا آنجا پیش رفت که از نیروهای بت پرست باقی مانده پیرامون خود و نیز از فراعنه و آشوریان و بابلیان علیه یکدیگر یاری گرفتند.

یهودیان پس از درگذشت حضرت سلیمان علیه السلام در شکیم (نابلس) گرد آمده و بیشتر آنان با " یربعام بن نباط " بیعت کردند. او از دشمنان حضرت سلیمان در زمان حیاتش بود و از دست آن حضرت به سوی فرعون مصر گریخته بود. و پس از وفات سلیمان دوباره بازگشت و مورد استقبال یهودیان قرار گرفت و در ساحل غربی رود اردن دولتی به نام اسرائیل تأسیس کرد و پایتخت آن را شکیم یا سامره قرار داد. و تعداد اندکی از آنان با " رحبعام " پسر حضرت سلیمان بیعت نموده و پایتخت خود را قدس قرار دادند و این دولت به نام یهودا معروف گردید.

اما آصف بن برخیا وصی حضرت سلیمان که خداوند او را در قرآن با جمله " عنده علم من الکتاب " (نزد او دانشی از کتاب بود) وصف نموده، از بنی اسرائیل جز تکذیب، بهره ای نبرد.

تورات بیان میکند که کفر و بت پرستی امری آشکار در میان پیروان یربعام بوده و میگوید:

۱- ۱. سفر اول (فرمانروایان) فصل ۱۱: ۱ - ۱۳.

" او دو گوساله از طلا ساخته یکی را در قدس و دیگری را در " دان " قرار داد و در کنار آنها حیواناتی را

قربانی کرد و به مردم گفت: این ها خدایان شما هستند که از مصر شما را به سوی (شکیم) روانه ساختند،

بنابراین در پیشگاه آنها قربانی کنید و به طرف اورشلیم نروید. پس مردم خواسته او را پذیرفتند " (۱)

در کنار پرستش گوساله، یربعام آنان را به پرستش خدایانی دیگر، از جمله

" عشتروت " خدای صیدونیها و " کموش " خدای مو آبی ها و " مکلوم " خدای

عمونی ها، فرمان داد. (۲)

بعد از سه سال کشور یهودا به همین سرنوشت گرفتار شد و مردم به بت پرستی

روی آوردند. (۳)

" شیشق " فرعون مصر فرصت را غنیمت شمرد و در سال ۹۲۶ ق. م به منظور

پشتیبانی از یربعام و پایان دادن به دولت پسر حضرت سلیمان و طرفداران وی،

طی هجومی قدس را اشغال نمود " و خزانه های خانه خدا و کاخ فرمانروا و حتی سپرهای زرینی را

که حضرت سلیمان علیه السلام ساخته بود با خود به غارت برد " (۴)

ظاهرا شرایط عمومی جامعه، فرعون مصر را برای تداوم سلطه خود یا سلطه

هم پیمانش یربعام یاری نکرد بنابراین پس از عقب نشینی او، این کشور کوچک

اندکی از موجودیت خود را بازیافت ولی نبردها با یربعام همچنان ادامه یافت.

چنان که " آرامی ها " نیز از ضعف دو دولت موجود در منطقه استفاده نموده و با

هجوم به کشور یهودا پس از به اسارت درآوردن سرانشان، آنان را به سوی پایتخت

۱- ۱. سفر (فرمانروایان) فصل ۱۲: ۲۶ - ۳۳.

۲- ۲. سفر اخبار فرمانروایان فصل ۱۲: ۳۱ و سفر دوم فرمانروایان فصل ۱۱: ۱۳ - ۱۵ و فصل ۱۳: ۹.

۳- ۳. سفر اول اخبار فرمانروایان فصل ۱۴: ۲۱ - ۲۴ و سفر دوم فصل ۱۱: ۱۳ - ۱۷ و فصل ۱۲.

۴- ۴. سفر اخبار فرمانروایان فصل ۱۴: ۲۵ - ۲۶.

خود دمشق آورده و برای آنها جزیه و مالیات مقرر داشتند. این ماجرا در زمان فرمانروایی آرامی ها یعنی ابن هدد (سال ۸۷۹ – ۸۴۳ ق. م) اتفاق افتاد. (۱)

سپس در زمان پادشاهی " آخاب بن عومری " در سالهای ۸۷۴ – ۸۵۳ ق. م بر کشور یربعام جزیه مقرر نموده و آن را تحت الحمایه خود قرار دادند.

همچنین تورات، نبرد فلسطینیها با عرب هائی را یادآور میشود که در اطراف " کوشسیین " از کشور یهودا در زمان فرمانروائی " یهورام " زندگی میکردند. آنان قدس را اشغال نموده و بر اموال موجود در قصر فرمانروا استیلاء یافته و زنان و فرزندان وی را به اسارت درآوردند. (۲)

تورات میگوید که لشکر " آرامی ها " در بیت المقدس به نبرد پرداخته و سران آنجا را هلاک کردند و تمام گنجینه ها را برگرفته و به حزائیل پادشاه آرامی ها تقدیم نمودند. (۳)

همچنین " یوآش " فرمانروای اسرائیل بر کشور یهودا یورش برد و حصار شهر را ویران ساخت و تمام زر و سیم و ظروف موجود در خانه خدا و نیز خزانه های سلطان را به یغما برد. (۴)

این کشمکش و تسلط کشورهای مجاور بر یهودیان تا زمان اشغالگری آشوریان، ادامه داشت!

ص: ۸۴

۱– ۱. سفر دوم فرمانروایان فصل ۱۳: ۳ – ۱۳.
۲– ۲. سفر دوم فرمانروایان فصل ۲۱:. ۱۶ – ۱۷.
۳– ۳. سفر دوم فرمانروایان: فصل ۲۴: ۳ و فصل ۱۲ – ۱۷ – ۱۸.
۴– ۴. سفر دوم فرمانروایان فصل ۱۴: ۱۱ – ۱۴ و فصل ۲۵: ۲۱ – ۲۴.

دوره استیلای آشوریان

سلطه آشوری ها بر یهود، با هجوم شلمنصر سوم فرمانروای آشوریان در سالهای ۸۵۹ ق. م تا ۸۲۴ ق. م به کشور آرامی ها و قلمرو اسرائیل آغاز گردید. بگونه ای که تمام منطقه، تحت فرمان او و فرمانروایان آشوری پس از او در آمد. به نظر میرسد که در آن زمان کشور یهودا، بر خلاف کشور اسرائیل هوادار آشوریان بود. زیرا به گفته تورات فرمانروای یهودا " آحاز بن یوثام " از فرمانروای آشور " تغلث فلاسر " خواست که دست به حمله ای علیه کشور اسرائیل و آرامی ها بزنند. او این درخواست را پذیرفت و در سال ۷۳۲ ق. م دست به حمله زد. و جانشین او شلمنصر پنجم نیز کار او را دنبال کرد، اما هنگام محاصره شکیم (نابلس) یعنی پایتخت اسرائیل، درگذشت و جانشین وی " سرجون دوم " اشغال نابلس را به پایان برد و بر آن تسلط یافت. آشوریان در حمله بر اسرائیل اخراج یهودیان از آن مکان را مطرح و " تغلث فلاسر " تمامی آنان را اسیر و به سرزمین خود بازگرداند و آشوریان را جایگزین آنها نمود. (۱)

پس از او " سلطان فقح " به تکمیل آن نقشه پرداخت و بسیاری از بنی اسرائیل از جمله افراد شاخه " منسی " را به اسارت گرفت. (۲)

سرجون دوم، نزدیک به سی هزار تن از یهودیان را به سوی حران و کرانه خابور و میدیا کوچ داد، و آرامی ها را جایگزین آنان نمود. (۳)

در دوران فرمانروائی حزقیا که ظاهرا میکوشید با مصری ها ارتباط برقرار کند،

۱- ۱. سفر دوم اخبار فرمانروایان، فصل ۱۵: ۲۹.

۲- ۲. سفر اخبار روزها، فصل ۵: ۲۹.

۳- ۳. سفر دوم فرمانروایان، فصل ۱۷: ۵ و ۶ و ۱۸.

کشور یهودا از سلطه آشوریها خارج گردید. اما " سنحاریب " فرمانروای آشور از این

ماجرا به خشم آمد و در حدود سال ۷۰۱ ق. م برای تسلط بر کشور یهودا، دست به

حمله زد و قدس را به تصرف خود درآورد و بر منطقه مسلط شد. و " حزقیا " تمام

نقره های موجود در خانه خدا و خزانه های قصر فرمانروا را به وی تسلیم کرد. " (۱)

این آخرین هجوم آشوریان برای سیطره بر یهودا بود.

تورات فعلی علاوه بر پادشاهان قبلی آشور، از اسرحدون، و آشور بانیبال

آخرین فرمانروای آنها یاد کرده و میگوید: این دو، اقوامی را از آشور کوچانده و در

سامره (نابلس) اسکان دادند. (۲)

دوران استیلای بابلیان

نینوا، پایتخت آشوریان، در سال ۶۱۲ ق. م بدست مادها و بابلی ها (کلدانیها)

سقوط کرد و سرزمین آنها توسط این دو نیروی جدید تقسیم شد. عراق و منطقه

شام و فلسطین نصیب بابلیان شد. بخت النصر مشهورترین فرمانروای آنان، برای

سیطره بر سرزمین شام و فلسطین دو بار، به آنها حمله کرد ابتدا در سال ۵۹۷ ق. م و

سپس به سال ۵۸۶ ق. م.

او در نخستین هجوم، قدس را محاصره و فتح کرده و خزانه های قصر فرمانروا را

از آن خود نمود، و شمار زیادی از یهودیان از جمله سلطان " یهویاکین " و مدافعان او

را به اسارت درآورد، وصدقیا عموی یهویاکین را بر باقیمانده یهودیان گماشت و

اسیران را در منطقه نیبور نزدیک رود خابور در بابل اسکان داد. (۳)

۱- ۱. سفر اخبار فرمانروایان، فصل ۱۸: ۱۳ - ۱۵.

۲- ۲. سفر عزرا، فصل ۴: ۱۰.

۳- ۳. سفر دوم اخبار فرمانروایان، فصل ۲۴: ۱ - ۶.

علت حمله دوم، کشمکش میان بخت النصر و فرعون مصر برای نفوذ در منطقه فلسطین بود، فرعون فرمانروایان شام و فلسطین و از جمله صدقیا فرمانروای قدس را بر هم پیمانی با خود و علیه بابلیان تشویق کرد. آنان نیز پذیرفتند. او حمله خود را به منطقه آغاز کرد، اما بخت النصر به سرعت دست به هجومی دیگر زد که منجر به شکست مصریان و تصرف تمام منطقه گردید. لشکر بابلیان وارد قدس شدند و معبد سلیمان را به آتش کشیده و ویران کردند و خزانه های آن را به غارت بردند. خانه بزرگان یهود را نیز چنین کرده و قریب به ۵۰ هزار تن از یهودیان را به اسارت گرفتند و فرزندان صدقیا را پیش روی او سر بریده و چشمهایش را از حدقه بیرون آوردند و سپس همراه با اسیران بردند، و بدین گونه کشور یهودا را منقرض ساختند. (۱)

دوران استیلای ایرانیان

کوروش فرمانروای ایران، در سال ۵۳۹ ق. م سرزمین بابل را اشغال و حکومت آن را سرنگون کرد و با حمله به منطقه شام و فلسطین آنجا را نیز فتح نمود و به اسرای بخت النصر و یهودیانی که در بابل بسر میبردند اجازه بازگشت به قدس و بازسازی معبد را صادر کرد و گنجهای معبد را به آنان بازگرداند و " زر بابل " را بعنوان فرمانروای آنان برگزید. (۲)

حاکم یهودی منصوب کوروش، بازسازی معبد سلیمان را آغاز نمود، اما اقوام مجاور از این کار، به هراس افتاده و به کمبوجیه جانشین کوروش شکایت کردند، وی دستور داد از ادامه ساخت معبد جلوگیری شود، اما مجددا " دارای اول "،

۱- ۱. سفر دوم فرمانروایان، فصل ۲۴: ۱۷ - ۲۰ و ۲۵ و سفر دوم اخبار، فصل ۳۶: ۱۱ - ۲۱ و سفر ارمیا، فصل ۳۹: ۱ - ۴.

۲– ۲. کتاب عزرا، باب ۶: ۳ – ۷ و باب ۱: ۷ – ۱۱.

اجازه تکمیل بنا را صادر کرد و ساختمان معبد در سال ۵۱۵ ق. م به اتمام رسید. (۱)

سلطه ایرانی ها بر یهودیان از سال ۵۳۹ ق. م تا ۳۳۱ ق. م ادامه یافت. در این مدت، کوروش، کمبوجیه، داریوش اول (دارا)، خشایارشا، و اردشیر (که معاصر عزیر پیامبر علیه السلام بود) و سپس داریوش دوم و اردشیر دوم و سوم قدرت را بدست گرفتند.

داریوش سوم آخرین فرمانروای ایرانی بود که بدست اسکندر مقدونی از پای درآمد. در تورات فعلی پیرامون بسیاری از این فرمانروایان سخن گفته شده است.

دوران استیلای یونانی ها

اسکندر مقدونی به مصر و منطقه شام و فلسطین لشکرکشی کرد و آن مناطق را فتح نمود. او هواداران ایرانی و قدرتهای محلی را که رو در روی وی ایستاده بودند در هم شکست و وارد قدس گردید و آنجا را که کاملا تحت فرمان خود درآورد.

سپس بسوی ایران رفت و در جنگی که در " اربیل " شمال عراق رخ داد، داریوش سوم و لشکر او را نابود کرد و ایران را فتح نمود. بدین وسیله یهودیان از سال ۳۳۱ ق. م تحت سیطره یونانی ها درآمدند.

پس از مرگ اسکندر، بین فرماندهان ارتش، بر سر امپراطوری بزرگ او کشمکش و اختلاف شد. پس از این اختلاف که بیست سال به طول انجامید، بطالسه (منسوب به بطلمیوس) در مصر، بر بیشتر بخش های آن، استیلا یافتند و سلوکی ها (منسوب به سلوکوس) در سوریه بر بخش هائی دیگر از آن مسلط شدند. سرانجام قدس در سال ۳۱۲ ق. م تحت سیطره بطلمیوسیان قرار گرفت. سپس انتیوکوس،

۱- ۱. کتاب عزرا، باب ۶: ۱ – ۱۵.

سلوکی سوم، در سال ۱۹۸ ق. م قدس را از تصرف آنان خارج کرد اما بار دیگر بطالسه بر قدس غلبه کرده و تا فتح روم، یعنی سال ۶۴ ق. م در آنجا ماندند.

تورات فعلی شش تن از بطالسه را به نام بطلمیوس اول و دوم... تا آخر یاد کرده و میگوید: بطلمیوس اول روز شنبه داخل اورشلیم شد و شماری از یهودیان را دستگیر و به مصر روانه کرد. (۱)

همچنین پنج تن از سلوکیها به نام های " انتیوکوس " اول و دوم... تا آخر را یاد نموده و میگوید: چهارمین آنها به سال ۱۷۵ ق. م تا ۱۶۳ ق. م، به قدس لشکرکشی کرد و تمام اشیاء گرانبهای معبد را به غارت برد و پس از دو سال ضربه بزرگی به قدس وارد کرد و آنچه داشت به یغما برد و خانه ها و دیوارهای آن را ویران ساخت و زنان و کودکان را به اسارت درآورد و مجسمه خدای خود زفس (زئوس) را در معبد نصب و یهودیان را به پرستش آن فرمان داد، که عده بسیاری پذیرفتند. این در حالی بود که در اثر جنبش یهودیان مکابی، در سال ۱۶۸ ق. م، برخی از آنان به مخفیگاه ها و غارها پناه برده بودند. (۲)

این جنبش، که یهودیان به آن افتخار میکنند، شباهت زیادی به جنگ گروهها و دسته هایی دارد که یهودیان معتقد، علیه یونانیان بت پرست برپا کردند و در دوران مختلف پیروزی های محدودی بدست آوردند، جنبش مذکور تا سلطه رومیان همچنان ادامه یافت.

۱- ۱. کتاب دانیال، باب ۱۱: ۵.

۲- ۲. کتاب مکابیان، باب ۱: ۴۱ – ۵۳.

دوره استیلای رومیان

بومبی، فرمانروای روم ابتدا در سال ۶۴ ق. م با اشغال سوریه، آن را به امپراطوری روم ملحق نمود و در سال دوم، قدس را تصرف کرد و آن را تابع فرمانروای رومی سوریه قرار داد.

در انجیل متی آمده است: در سال ۳۹ ق. م قیصر روم، " اگوست هیرودیس ادومی " را فرمانروای یهودیان قرار داد و بنای معبد سلیمان را به شکل وسیع و زیبا بازسازی کرد و در سال ۴ ق. م درگذشت. (۱)

به گفته انجیل، پسر او " هیرودیس دوم " از سال ۴ ق. م تا سال ۳۹ م، فرمانروائی کرد و حضرت مسیح علیه السلام در زمان او دیده به جهان گشود و او بود که یحیی بن زکریا (علیهما السلام) را به قتل رساند و سر او را بر طبقی زرین، برای سالومه یکی از افراد بد کاره بنی اسرائیل هدیه فرستاد. (۲)

انجیل ها و تاریخ نویسان، آشفتگی ها و آشوب هایی که در عهد نرون به سالهای ۵۴ – ۶۸ م در قدس و فلسطین به وقوع پیوسته و ماجراهایی که میان یهودیان و رومی ها و میان خود یهودیها اتفاق افتاده را بیان میکنند. " فسبسیان " قیصر روم، در سال ۷۰ م فرزند خود " تیطس " را به عنوان فرمانروای منطقه منصوب کرد. او به قدس یورش برد، یهودیان در آنجا تحصن کردند تا آنکه آذوقه شان تمام شد و ضعیف گردیدند، تیتوس دیوار شهر را خراب کرد و آن را به اشغال خود درآورد و با کشتن هزاران یهودی، خانه های آنها را ویران و معبد را درهم کوبیده و آن را به آتش کشید و بگونه ای آن را از بین برد که مردم حتی جای آن را نیافتند. او باقیمانده مردم را به روم فرستاد.

۱- ۱. انجیل متی، ص ۲.

۲- ۲. انجیل مرقس: ۶ / ۱۶ - ۲۸.

مسعودی تاریخ نگار معروف میگوید (۱): در این حمله شمار کشته های یهودیان

و مسیحیان به سه هزار هزار یعنی سه میلیون تن رسید که ظاهرا در این رقم مبالغه

وجود دارد.

پس از این حوادث، رومیان با یهودی ها شدت عمل بیشتری نشان دادند و اوج

آن، زمانی بود که کنستانتین و قیصرهای پس از وی، آئین خود را بر اساس اعتقاد به

مسیحیت بنا نهاده و یهودیان را مورد آزار و اذیت قرار دادند و از همین رو یهودیان،

جنگ کسری با رومیان و شکست روم را در سال ۶۲۰ م یعنی دوران ظهور پیامبر

اسلام صلی الله علیه و آله، مژده دادند و یهودیان حجاز خوشحال شده و برای مسلمانان آرزوی

پیروزی کردند، پس خداوند آیه ای بر پیامبر نازل کرد که میفرماید:

" الف، لام، میم، رومیان مغلوب شدند در نزدیکترین سرزمین (به حجاز) و آنان پس از مغلوب

شدنشان به زودی غالب میگردند، در چند سال آینده. فرجام کار در گذشته و آینده از آن خداست و آن روز

ایمان آورندگان شاد میگردند. خدا هر کسی را بخواهد یاری میکند و اوست غالب و مهربان " (۲)

به گفته مورخان، پس از پیروزی ایرانیان، یهودی ها، شمار زیادی از اسرای

مسیحی رومی را که بالغ بر ۹۰ هزار نفر میشدند از ایرانیان، خریداری کرده و آنها را

سر بریدند!

پس از چند سال که هراکلیوس بر ایرانیان پیروز شد، یهودیان را مجازات و

باقیمانده آنها را از قدس اخراج و این شهر را بر یهودیان ممنوع الورود کرد. به همین

علت رومیان با عمر بن خطاب شرط کردند که هیچ یهودی در قدس اقامت نکند.

عمر پذیرفت و آن را در عهد نامه صلح نوشت (۳).

۱- ۱. التنبیه والإشراف ص ۱۱۰.

۲- ۲. روم: ۱ – ۵.

۳- ۳. تاریخ طبری: ۳ / ۱۰۵.

این واقعه در سال ۶۳۸ م یعنی سال ۱۷ هجری اتفاق افتاد و قدس و فلسطین از

آن پس جزء دولت اسلامی محسوب شد و این وضعیت تا سال ۱۳۴۳ ه ق ۱۹۲۵

م، یعنی وقتی که حکومت عثمانی به دست غربی ها سقوط کرد، ادامه داشت.

* *

این نگاه گذرا به تاریخ یهود، امور متعددی را برای ما روشن میکند از جمله

تفسیر آیات سوره اسراء پیرامون یهودیان که فرمود " شما دو بار در زمین فساد

میکنید " یکی از این دو فساد مربوط به پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگری مربوط به

پس از آن است و این تنها تقسیم بندی مناسب، درباره تبهکاری های فراوان یهود

است که سراسر تاریخ آنان را پوشانده است.

مراد از این جمله خداوند که میفرماید: " بندگانی از خود را که پر صلابت

هستند علیه شما (یهودیان) برانگیزیم " (۱) مسلمانان هستند، چرا که خداوند در

صدر اسلام مسلمانان را بر آنان مسلط ساخت. بگونه ای که درون خانه های آنها به

جستجویشان پرداخته و سرانجام وارد مسجد الاقصی شدند.

اما وقتی مسلمانان از اسلام فاصله گرفتند، خداوند قدرت یهود را به آنها

بازگرداند و آنان را به وسیله اموال و فرزندان یاری رساند و طرفداران آنها را بیش از

ما قرار داد.

اما بار دیگر در نهضت زمینه ساز حکومت حضرت مهدی علیه السلام و حرکت ظهور آن

بزرگوار، خداوند، مسلمانان را بر آنها مسلط خواهد ساخت. ما در تاریخ، غیر از

مسلمانان قومی را نمییابیم که خداوند، ابتدا آنها را بر یهود چیره ساخته، سپس

یهود را بر آنها مسلط کرده باشد.

۱- ۱. اسراء / ۵.

اما برتری جوئی یهودیان، بر ملتها که در روایت از آن خبر داده شده، تنها یک بار

اتفاق میافتد نه دو بار، که آن هم همزمان با دومین فتنه گری یهود و یا نتیجه آن است.

این برتری طلبی را در هیچ دوره ای از تاریخ یهود بجز دوره پس از جنگ جهانی دوم

نمیتوان دید.

پس امروز، به حکم صریح قرآن، یهودیان در مرحله دوم تبهکاری و برتری

جوئی بزرگ خود هستند. و ما در آغاز سلطه الهی خویش بر یهود و رسوا شدن

چهره کریه آنان قرار داریم. تا زمانی که خداوند، فتح و پیروزی را به ما عنایت

نموده و قبل از ظهور حضرت و یا همراه آن حضرت، همچون نیاکان خود، وارد

مسجد اقصی شویم و برتری جوئی آنها را در جهان درهم کوبیده و ریشه کن سازیم.

اما این سخن خداوند که فرمود: " امید است خداوند بر شما رحم کند و اگر بازگردید باز

میگردیم و ما جهنم را برای کافران زندان قرار دادیم. " (۱) دلالت دارد که پس از نابودی

اسرائیل بسیاری از یهودیان باقی میمانند و حضرت، کسانی را که اسلام نمیآورند

از سرزمین های عربی اخراج میکند و طبق روایات، آنها دوباره دست به تبهکاری

میزنند که منجر به حرکت دجال یک چشم میشود. این بار حضرت مهدی علیه السلام و

مسلمانان به زندگی بسیاری از آنان خاتمه میدهند و خداوند دوزخ را برای آنان

حصار قرار میدهد و مسلمانان نیز در این دنیا با بازداشت آنان، از تبهکاریشان

جلوگیری میکنند.

* *

۱- ۱. اسراء / ۸.

نقش عرب ها در دوران ظهور

اشاره

روایات بسیاری در مورد اوضاع و احوال عرب ها و حاکمانشان در زمان ظهور و نهضت قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام به دست ما رسیده است که در اینجا فهرستوار به این روایتها اشاره میکنیم:

۱ - احادیثی که از تشکیل حکومتی در یمن خبر میدهند که زمینه ساز ظهور آن حضرت میگردد. در احادیث از این حرکت ستایش شده، و ما بطور جداگانه آنها را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲ - روایات جنبش مصریان است که از این روایات، تأیید جنبش مذکور استفاده میشود، بویژه روایاتی که میگویند برخی از یاران حضرت و معاونان برگزیده ایشان از کشور مصرند و نیز روایاتی که مصر را بعنوان منبر و سخنگاه حضرت مهدی علیه السلام یعنی مرکز نشر اندیشه و تبلیغات جهان اسلام معرفی میکند، این روایات میگویند که حضرت وارد مصر شده و بر فراز منبر سخنرانی میکند.

از همین رو، ممکن است جنبش مصریان در شمار حرکتهای زمینه ساز ظهور حضرت و بخشی از نهضت ظهور به حساب آید. توضیح آن جداگانه خواهد آمد.

۳ - روایات مربوط به " گروههای اهل عراق " و " نیکان و بزرگان اهل شام " است که در بخش یاران حضرت مهدی علیه السلام به آن خواهیم پرداخت.

۴ - روایات مربوط به غربی هاست که از نقش نیروهای نظامی غرب در مصر، سوریه، اردن و عراق در مقاطع مختلف سخن میگوید. این روایات با روایت های مربوط به حرکت فاطمیون مخلوط شده است و از این احادیث، نکوهش نیروهای مذکور استفاده میشود.

همچنین در منابع شیعه و سنی روایاتی در نکوهش فرمانروایان عرب به شکل کلی آمده است، از جمله این روایت که به صورت مستفیض (۱) بدست ما رسیده است:

" وای بر عرب ها و یا وای بر طاغیان عرب ها از شری که به زودی گریبان گیر آنان خواهد شد. "

و از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده است که فرمود:

" به خدا سوگند گویا میبینم که مردم بین رکن و مقام (۲) با او با کتابی نوین بیعت میکنند، در حالی که این امر بر عرب گران است، وای بر سرکشان عرب از شری که به زودی دامنگیر آنان خواهد شد " (۳) و در کتاب مستدرک حاکم چنین آمده است: " وای بر عرب ها از شری که به زودی دچار آن میشوند. " (۴)

مراد از کتاب نوین، قرآن است که متروک میشود و حضرت دوباره حیاتی نو به آن میبخشد. از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده که فرمود:

" چون قائم قیام نماید، مردم را از نو به اسلام دعوت کند و آنان را به امری که متروک مانده و عموم

۱- ۱. روایت مستفیض روایتی است که سلسله اسناد راویان آن تا رسیدن به معصوم علیه السلام بیش از سه گروه باشند.

۲- ۲. منظور از رکن یکی از چهار زاویه خانه خدا و منظور از مقام، مقام ابراهیم در مسجد الحرام است. مترجم

۳- ۳. بحار: ۵۲ / ۱۱.

۴- ۴. مستدرک حاکم: ۴ / ۲۳۹.

مردم از آن جدا شده و به گمراهی رفته اند رهنما شود. او را مهدی نامیده اند زیرا مردم را به سوی امری گم

شده هدایت کند و قائم نامیده اند، چرا که قیام به حق نماید. " (۱)

دلیل سختی و دشواری اسلام بر حاکمان و بسیاری از مردم آن است که آنها

فاصله زیادی از حقیقت اسلام پیدا میکنند و بازگشت به قرآن و اسلام راستین و

بیعت با حضرت مهدی علیه السلام و عمل به احکام اسلام برای آنان دشوار است. و شاید

منظور از کتاب جدید، همین قرآن، به ترتیب جدید سوره ها و آیاتش باشد. در

روایت آمده است که نسخه قرآن یاد شده، همراه با میراث باز مانده از پیامبر صلی الله علیه و آله و

سایر انبیاء علیهم السلام نزد حضرت مهدی علیه السلام محفوظ است که به املاء رسول الله صلی الله علیه و آله و خط

علی علیه السلام است و هیچ اختلافی با قرآنی که در دسترس ماست ندارد، حتی یک

حرف. فقط در ترتیب سوره ها و آیات متفاوت است و جدید بودن قرآن با توجه به

این دو معنی (یعنی یا ترتیب سوره ها و آیات و یا اجرای دستورات فراموش شده

قرآن) صحیح است.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

" وای بر گردنکشان عرب از شری که نزدیک است. گفتم فدایت شوم: چه تعدادی از میان عرب ها با

حضرت قائم خواهند بود؟ فرمود: تعدادی اندک، گفتم: به خدا سوگند از میان عرب ها کسانی که از قیام قائم

توصیف میکنند، بسیارند، فرمود: البته مردم باید امتحان شوند و از یکدیگر جدا و غربال گردند و بسیاری

از غربال امتحان میگذرند. " (۲)

۵ - روایاتی بیانگر اختلاف عرب ها در زمان ظهور است که منجر به نبرد میان

برخی از آنان میشود. از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

۱- ۱. ارشاد مفید ص ۳۶۴.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۱۴.

" قائم قیام نکند مگر در حالی که ترسی شدید و فتنه و بلائی عظیم بر مردم فرا رسد و قبل از آن گرفتار طاعون شوند، آنگاه شمشیر برنده میان عرب ها حاکم گردد و اختلاف میان مردم و پراکندگی در دین و دگرگونی در حال آنان بوجود آید به گونه ای که مردم با مشاهده درنده خوئی برخی نسبت به برخی دیگر، صبح و شام آرزوی مرگ کنند. " (۱)

روایت های دیگری از این دست وجود دارد که جملگی بیانگر آن است که عرب ها از عقاید و ارزشهای خود فاصله میگیرند و هر صاحب اندیشه ای، دیگران را به تبعیت از اندیشه خود فرا میخواند. و این به نوعی هرج و مرج فکری در میان مردم منتهی میگردد.

همچنین روایاتی بیانگر آنند که همه عرب ها بجز انقلابیون یمن و حرکت های اسلامی زمینه ساز ظهور، با عجم یعنی ایرانیان، یا با فرماندهان آنها اختلاف پیدا میکنند و این اختلاف تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه مییابد.

دسته ای دیگر از احادیث، بیانگر نبرد حضرت مهدی علیه السلام با عرب هاست، در این روایات جنگ حضرت با اندک باقیمانده های رژیم حجاز، بعد از آزاد سازی مکه و مدینه و چه بسا هنگام آزاد سازی آن صورت میگیرد. سپس نبردهای متعدد آن حضرت با سفیانی در عراق و جنگ بزرگ امام علیه السلام با سفیانی در فلسطین به وقوع میپیوندد.

در برخی از روایات آمده که آن حضرت با شورشیان مخالف خود در عراق مبارزه میکند و خون هفتاد قبیله را مباح میشمارد.

از امام صادق علیه السلام روایت شده:

" وقتی قائم ظهور کند، میان او و عرب ها و قریش چیزی جز شمشیر (حاکم) نخواهد بود. " (۲)

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۳۱.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۳۵۵.

از جمله روایات مربوط به این موضوع احادیث فرو رفتن زمین و زمین لرزه در جزیره العرب، شام، بغداد، بابل و بصره و پدیدار شدن آتش در حجاز یا در شرق حجاز است که سه یا هفت روز ادامه مییابد. مجموعه این حوادث از نشانه های ظهور حضرت به حساب میآیند.

* *

ص: ۹۹

سرزمین شام و جنبش سفیانی

شام و سرزمین آن، در منابع تاریخ اسلام و حدیث شامل سوریه و لبنان فعلی است. به لبنان، بیابان شام و جبل لبنان نیز میگویند. همچنین شام، کشور اردن و چه بسا فلسطین را نیز دربرگیرد. هر چند به تمام این مناطق، سرزمین های شام و فلسطین گفته میشود. اما شام، در عین حال به دمشق پایتخت سرزمین شام نیز گفته میشود.

روایات مربوط به سرزمین شام و حوادث و شخصیت های آن در عصر ظهور فراوان است و محور اساسی این روایات جنبش سفیانی است که بر سرزمین شام مسلط میشود و آن را بطور یکپارچه تحت فرمان خود درمیآورد، لشکر سفیانی، نزدیک ظهور حضرت مهدی علیه السلام و در زمان ظهور، نقش مؤثری دارد، زیرا سفیانی پس از تصفیه دشمنان خود در شام، دست به نبرد بزرگی با ترک ها در قرقیسیا (۱) میزند و سپس وارد عراق میگردد. سفیانی در حوادث حجاز نیز نقش داشته و میکوشد به منظور از بین بردن قیام حضرت مهدی علیه السلام نیروهای خود را به یاری فرمانروای حجاز گسیل دارد، تا اینکه معجزه موعود یعنی فرو رفتن لشکر سفیانی

۱- ۱. قرقیسیا منطقه ای بین مرزهای سوریه، ترکیه و عراق و معروف به خابور است.

در زمین، نزدیک مدینه و در مسیر مکه به وقوع میپیوندد.

بزرگترین جنگ سفیانی، نبرد فتح فلسطین با حضرت مهدی علیه السلام است که در این نبرد یهودیان و رومیان، سفیانی را پشتیبانی میکنند. این نبرد با شکست و کشته شدن سفیانی به پایان میرسد و حضرت با فتح فلسطین وارد قدس شریف میگردد.

ما این حوادث را با شرحی اندک بیان میکنیم:

حوادث شام پیش از خروج سفیانی

ارائه تصویری از حوادث جنبش سفیانی از آغاز تا پایان و شکست او در نبرد آزادی قدس از احادیث، کار نسبتا آسانی است ولی در مقابل، شفاف کردن حوادث قبل از سفیانی، کار دشواری است، زیرا احادیث مربوط به آن، غالبا به اختصار بیان شده و روایات در بیان ترتیب حوادث پس و پیش است. اما نتیجه همه آنها را میتوان چنین بیان کرد:

۱ - پدید آمدن فتنه ای برای همه مسلمانان و استیلای روم و ترک (یعنی غربیها و روسها) بر آنان.

۲ - بوجود آمدن فتنه خاصی در سرزمین شام که باعث اختلاف، ضعف و تنگناهای اقتصادی میگردد.

۳ - کشمکش و درگیری بین دو گروه اصلی قدرتمند در شام.

۴ - زلزله دمشق و ویرانی سمت غربی مسجد شهر و بعضی از گوشه های آن.

۵ - درگیری سه نفر از سران، بر سر قدرت در شام (أبقع، اصهب و سفیانی) و چیره شدن سفیانی بر آن دو و استیلای وی بر سوریه و اردن و یکپارچه شدن منطقه تحت فرمان او.

۵ - ورود نیروهای بیگانه به سرزمین شام.

ص: ۱۰۲

اما ظهور مردی یمانی که در روایت ها وعده داده شده، همزمان با خروج

سفیانی یا نزدیک به آن است، و خواهیم گفت که خروج مردی خراسانی (رهبرایرانی ها) نیز به همین ترتیب خواهد بود.

فتنه سرزمین شام

روایات، فتنه ویژه ای را در سرزمین شام یادآوری میکنند که قبل از خروج

سفیانی اتفاق میافتد. این فتنه همان فتنه عمومی غربی و شرقی است که

مسلمانان گرفتار آن میشوند و قبلا درباره اش سخن گفتیم.

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود:

" دیری نپاید که به مردم شام، دینار و پیمانه ای نرسد، پرسیدیم این امر از طرف کیست؟ فرمود: از

جانب رومیان. آنگاه اندکی سکوت کرد، سپس فرمود: در آخر الزمان خلیفه ای آید که به مردم اموال بسیار

کمی دهد که به حساب نیاید " (۱)

باعث این فشار اقتصادی، مالی و غذائی، رومیان یعنی همان غربی ها هستند.

از جابر جعفی نقل شده است که از امام باقر علیه السلام درباره این گفته خدای سبحان

سؤال شد که فرموده است " ولنبلونکم بشيء من الخوف والجوع ونقص من الأموال والأنفس

والثمرات وبشر الصابرين " (۲) (براستی ما شما را با چیزهایی همچون ترس، گرسنگی و کاهش مال،

جان و میوه ها مورد آزمایش قرار میدهیم. صبر پیشگان را بشارت ده). حضرت فرمود:

گرسنگی بر دو گونه است: عام و خاص. گرسنگی خاص در کوفه است که خداوند آن را ویژه دشمنان

آل محمد گرداند و آنان را هلاك سازد. اما گرسنگی عام در شام خواهد بود و آن گرسنگی و ترسی است که

تا آن زمان هرگز بدان گرفتار نشده اند، گرسنگی، قبل از قیام قائم و وحشت و اضطراب، بعد از قیام آن

۱- ۱. بحار: ۵۱ / ۹۲.

۲- ۲. بقره / ۱۵۵.

حضرت خواهد بود. " (۱)

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

" پیش از ظهور قائم، بطور حتم سالی فرا رسد که مردم در آن دچار قحطی و ترس شدید از کشته شدن و کمبود اموال و میوه ها گردند و این مطلب در قرآن به روشنی دیده میشود، آنگاه این آیه را تلاوت فرمود: " براستی ما شما را با چیزهایی همچون ترس، گرسنگی، کاهش مال، جان و میوه ها مورد آزمایش قرار میدهیم و صبر پیشگان را بشارت ده " (۲)

پدیدار شدن فشار اقتصادی در سال ظهور، با این سخن که این وضع مدتی قبل از ظهور وجود داشته و سپس در سال ظهور شدیدتر گشته و آنگاه ظهور به وقوع بپیوندد، منافاتی ندارد.

اما فتنه سرزمین شام بر اساس روایات، دورانی طولانی دارد و هر گاه تصور شود که رو به پایان است، استمرار مییابد. " مردم از آن، راه فرار میجویند اما نمییابند " (۳).

طبق روایات این فتنه داخل تمام خانه های مردم عرب و مسلمان خواهد شد و " هر گاه آن را از سوئی اصلاح کنند از سوی دیگر گسیخته شود و یا از جانب دیگر آشوب برخیزد " (۴).

پاره ای از روایات نیز این حوادث را " فتنه فلسطین " مینامند، چنان که قبلا از نسخه خطی ابن حماد برمیآمد. (۵)

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۲۹.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۲۹.

۳- ۳. بحار: ۵۲ / ۲۹۸.

۴- ۴. نسخه خطی ابن حماد ص ۹ و ۱۰.

۵- ۵. نسخه خطی ابن حماد ص ۶۳.

زمین لرزه ای در شهرهای شام

برخی روایات محل وقوع زلزله و حتی زمان آن را مشخص میسازند و بیانگر

آنند که این حادثه، هنگام اختلاف دو گروه بر سر قدرت اتفاق خواهد افتاد.

احادیث از این حادثه با کلماتی همچون " تکان شدید، فرو رفتن و زلزله " یاد

کرده اند. مانند روایتی که از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده که فرمود:

" وقتی دو گروه نظامی در شام اختلاف کنند، نشانه ای از نشانه های الهی آشکار شود، پرسیدند: ای

امیر مؤمنان آن نشانه چیست؟ فرمود: زمین لرزه ای در شام که صد هزار نفر در اثر آن هلاک گردند و

خداوند آن را رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران قرار دهد. در آن هنگام، نظاره گر سوارانی با

اسب های سفید و درفشهای زرد باشید که از مغرب زمین روی آورند تا وارد شام شوند. این حوادث با

مصیبت بزرگ و مرگ سرخ همراه شود. پس بنگرید فرو رفتن روستائی از دمشق را که به آن حرستا گویند.

آنگاه فرزند جگرخوار (سفیانی) از سرزمین خشکیده خروج کرده و بر منبر دمشق قرار گیرد، پس از آن در

انتظار خروج مهدی علیه السلام باشید. " (۱)

منظور از " اسبهای سفید ": اسبهای ابلق غربی هاست که گوشهای آنها بریده شده و

وسیله سواری آنهاست.

و مقصود از پسر جگرخوار: یعنی فرزند هند، زن ابو سفیان است، زیرا سفیانی

از فرزندان معاویه است. و " سرزمین خشکیده " همان منطقه حوران نزدیک اذرعان

(درعا) است که در مرز سوریه و اردن قرار دارد.

کشمکش بر سر قدرت بین اصعب و ابقع

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

" در آن سال همه سرزمین های اسلامی که در سمت غرب قرار دارند، دچار اختلاف شدید شوند،

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۵۳.

نخستین سرزمینی که ویران شود شام است. در آنجا سه گروه یعنی طرفداران اصهب، ابقع، و سفیانی، با یکدیگر اختلاف کنند " (۱)

به نظر میرسد که فرمانده ابقع، در پایتخت قرار دارد. (ابقع کسی است که پوست بدنش سیاه و سفید باشد) چون روایات دلالت دارند که قیام اصهب از خارج پایتخت یا مرکز آغاز میشود. هیچیک از این دو فرمانده نمیتوانند بر دیگری پیروزی قاطعی بدست آورند. سفیانی از این فرصت استفاده کرده و از خارج پایتخت دست به یورش میزند و هر دو نفر را تار و مار میکند.

احتمالا أصهب غیر مسلمان است زیرا برخی از روایات او را با صفت " علج " معرفی کرده اند. و این تعبیر معمولا درباره سربازان کافر به کار میرود.

از سوی دیگر مروانی، که در منابع معتبری همچون کتاب غیبت نعمانی از او یاد شده، همان ابقع است و رقیب سفیانی محسوب نمیگردد.

اما از روایاتی که ابقع و اصهب را نکوهش کرده اند چنین برمیآید که مواضع سیاسی آنان مخالف اسلام و طرفدار دشمنان دین و کفارند.

بنابراین، معنی اختلاف و درگیری دو گروه نظامی در سرزمین شام که در روایات آمده، همان اختلاف دو زمامدار بر سر زمامداری منطقه است. در روایتی که قبلا از امام باقر علیه السلام نقل شد، حضرت به جابر جعفی فرمود:

"پیوسته بر جای خود باش و بی حرکت بمان تا علامتهایی که بر تو بیان میکنم مشاهده کنی: اختلاف بین خاندان فلانی و ندای آسمانی و صدائی که از ناحیه دمشق بیاید که مژده بخش ظهور است و فرو رفتن آبادی ای از شام که آن را جابیه نامند. و روی آوردن هواداران ترکها برای ماندن در جزیره (موصل) و مستقر شدن سرکشان روم در رمله. در آن سال در تمام سرزمین های اسلامی که در ناحیه غرب واقع شده اند،

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۱۲.

اختلاف بسیار شود، نخستین سرزمینی که نابود گردد شام است که میان سه لشکر أصهب، أبقع و سفیانی

اختلاف شود ".

مراد از اختلاف بین خاندان فلانی، چنان که در مبحث حرکت ظهور گفتیم،

کشمکش بین اعضاء خاندان حاکم بر حجاز یا غیر آن است که مقدمه ظهور حضرت

مهدی علیه السلام است.

و صدایی که از ناحیه دمشق میآید، احتمالا صدایی است که آغازگر

فتنه هاست نه آن صدای آسمانی موعود که در ماه رمضان شنیده خواهد شد.

در روایتی دیگر چنین آمده است:

" شورشیانی از جانب ترکها دست به طغیان میزنند و در پی آن فتنه روم اتفاق میافتد. " (۱)

منظور از شورشیان ترک شاید خود ترک ها و یا اقوام دیگری مانند روسها باشند

که از سمت ترکها میآیند.

حالا به روایتی میپردازیم که درباره سه گروهی است که در شام با یکدیگر

اختلاف میکنند. این گروهها لشکریان حسنی، اموی و قیسی اند که سفیانی آنها را

شکست میدهد. چنان که در بحار از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

" ای سدیر! از خانه ات جدا نشو همچون گلیم فرش شده بر آن آرام باش، مادام که شب و روز آرام

است، پس همین که فهمیدی سفیانی خروج کرد بسوی ما بیا و لو با پای پیاده.

گفتم: فدایت شوم آیا پیش از آن، حادثه ای خواهد بود؟ فرمود: آری. و با سه انگشت دست خود به

شام اشاره نمود و فرمود: سه درفش (لشکر) حسنی، اموی و قیسی با هم اختلاف کنند. وقتی سفیانی

خروج کند، آنها را چنان درو کند که نظیرش را ندیده ام ".

قبول این روایت کمی مشکل است، زیرا با روایات بسیاری که گروههای سه گانه

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۳۷.

را ابقع، اصهب و سفیانی میداند، در تعارض است بعلاوه مرحوم کلینی این

روایت را فقط تا " ولو با پای پیاده " نقل کرده و احتمال دارد قسمت آخر، اضافه یا

تفسیر بعضی راویان باشد که با اصل روایت آمیخته شده است. (۱)

جنبش سفیانی

اشاره

سفیانی از چهره های اصلی در نهضت حضرت مهدی علیه السلام است. او دشمن

سرسخت و رو در روی حضرت است. هر چند که امام علیه السلام در حقیقت با نیروهائی

که از سفیانی پشتیبانی میکنند روبروست، همچنانکه بیان خواهد شد.

روایات با صراحت میگویند که خروج سفیانی از وعده های حتمی خداوند

است.

در همین رابطه از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده که فرمود:

" ظهور قائم و خروج سفیانی از امور حتمی خداوند است و قائم ظهور نمیکند مگر پس از آمدن

سفیانی " (۲)

روایاتی که با الفاظ مختلف بیانگر خروج سفیانی ست فراوانند و تعدادی از آنها

از الفاظ و تعابیر یکسانی برخوردارند. اینک ما به ویژگیهای شخصیت و جنبش او

میپردازیم، سپس روایات پیرامون سفیانی را مورد بررسی قرار میدهیم.

اسم و نسب سفیانی

دانشمندان اسلامی اتفاق نظر دارند که نامگذاری او به " سفیانی " بخاطر نسبت

او با ابوسفیان است چرا که وی از تبار ابو سفیان است، همچنانکه به او فرزند زن

۱- ۱. کافی: ۸ / ۲۶۴.

۲- ۲. بحار: ۵۳ / ۱۸۲.

جگرخوار نیز گفته میشود که اشاره به جد مادری او، هند، زن ابو سفیان دارد که در جنگ احد، پس از شهادت حمزه سید الشهداء، تلاش کرد تا جگر او را به دندان بکشد.

از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل شده که فرمود:

" فرزند جگرخوار از وادی یابس (بیابان خشک) خروج کند. او مردی است میان قامت، بد قیافه، دارای سری بزرگ، با صورتی آبله گون، وقتی او را ببینی پنداری که یک چشم دارد، نامش عثمان و پدرش عیینه (عنبسه) و از فرزندان ابو سفیان است. او وارد سرزمینی آرام با آب گوارا شود و بر منبر آن قرار گیرد " (۱)

ابو سفیان پنج پسر داشت: عتبه، معاویه، یزید، عنبسه و حنظله. در حدیثی، سفیانی از فرزندان عتبه معرفی شده است. (۲) در یکی از نامه های امیر مؤمنان علیه السلام به معاویه، بطور صریح آمده که سفیانی از فرزندان معاویه است. متن نامه چنین است:

" ای معاویه، مردی از فرزندان تو خواهد آمد که شوم، ملعون، سبک سر، خشن، بد دل، سختگیر و عصبانی است و خداوند مهر و عطوفت را از قلب او برده، دائی های او (همچون) سگ خون آشام اند. گویا او را میبینم و اگر میخواستم او را نام میبردم و اوصافش را بیان میکردم و سن او را میگفتم. او لشکری به سوی مدینه گسیل میدارد. آنها بیش از اندازه دست به کشتار و فحشاء میزنند، در این حال مردی پاک و پرهیزکار از چنگ آنها فرار میکند، همان کسی که زمین را از عدل و داد سرشار خواهد ساخت همانگونه که از ظلم و ستم لبریز شده است و من نام او را میدانم و میدانم که در آن روز چند ساله است و نشانه اش چیست. "

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

" سفیانی از فرزندان خالد پسر یزید پسر ابو سفیان است " (۳)

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۰۵.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۱۳.

۳- ۳. نسخه خطی ابن حماد ص ۷۵.

در هر حال جد او عنبسه یا عتبه یا عیینه یا یزید است که جملگی از نسل معاویه

بن ابی سفیان اند و در این صورت جائی برای اشتباه و خطا باقی نمیماند.

بین علمای سنی، مشهور است که نام وی عبد الله است و در نسخه خطی ابن

حماد ص ۷۴ نامش عبد الله پسر یزید است و نیز در روایتی از منابع ما نام او عبد الله

آمده است (۱) ولی همچنانکه گفتیم، مشهورترین نام او، عثمان است.

مواضع سفیانی در برابر اهل بیت علیهم السلام و شیعیان

راویان حدیث، در نفاق، بدرفتاری و دشمنی او با خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت

مهدی علیه السلام اتفاق نظر دارند و روایاتی که در منابع شیعه و سنی درباره شخصیت و کردار

او نقل شده یکسان یا نزدیک به هم است. از ابی قبیل روایت شده است که گفت:

" سفیانی بدترین فرمانرواست، دانشمندان و اهل فضل را میکشد و از وجود آنها برای مقاصد خود

استفاده میکند. هر کس سرباز زند به قتل میرسد " (۲)

و در جائی دیگر میگوید:

" سفیانی تا شش ماه کسانی را که نافرمانی کنند میکشد. با اره سر میبرد و در دیگها میپزد " (۳)

و از ابن عباس روایت شده است که گفت:

" سفیانی خروج کند و دست به کشتار زند او شکم زنان را به درد و اطفال را در دیگ های بزرگ

بجوشاند. " (۴)

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۰۸.

۲- ۲. نسخه خطی ابن حماد ص ۷۶.

۳- ۳. نسخه خطی ابن حماد ص ۸۰.

۴- ۴. نسخه خطی ابن حماد ص ۸۴.

" اگر سفیانی را ببینی، پلیدترین انسان را دیده ای. او دارای رنگی بور و سرخ و بسیار کینه ای است، هرگز سر به بندگی خدا فرو نیاورده و مکه و مدینه را ندیده است میگوید: پروردگارا انتقام من با آتش است. " (۱)

طبق روایات، کینه او نسبت به اهل بیت علیهم السلام، از بارزترین ویژگیهای اوست، بلکه از روایات چنین برمیآید که نقش سیاسی او ایجاد فتنه مذهبی میان مسلمانان و تحریک اهل تسنن علیه شیعیان تحت شعار یاری سنی ها است. در حالی که او مزدور زمامداران کفر غربی و یهودیان است.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

" ما و ابو سفیان دو خاندانیم که دشمنی ما بر سر خداست. ما گفتیم خداوند راست گفت و آنها گفتند خدا دروغ گفت. ابو سفیان به جنگ پیامبر برخاست و معاویه فرزند ابو سفیان به جنگ علی بن ابی طالب رفت و یزید پسر معاویه به نبرد با حسین بن علی علیه السلام پرداخت و سفیانی به مصاف با قائم علیه السلام برخیزد " (۲)

همچنین نقل شده که فرمود:

" گویا من سفیانی (یا رفیق او) را میبینم که در زمینهای سرسبز شما در کوفه اقامت گزیده و منادی او ندا میدهد، هر کس سر یک تن از شیعیان علی را بیاورد هزار درهم پاداش اوست، در این هنگام همسایه بر همسایه حمله برده و میگوید این شخص از شیعیان است. پس گردن او را میزند و هزار درهم جایزه میگیرد، آگاه باشید که در آن روز، فرمانروائی شما بدست حرامزادگان خواهد افتاد. و گویا هم اینک " شخص نقابدار " را میبینم. پرسیدم: شخص نقابدار کیست؟ فرمود: مردی است از شما که سخن شما را میگوید، نقاب میپوشد، شما را گرد آورده و میشناسد اما شما او را نمیشناسید و مردان شما را یکایک با عیب جوئی بدنام میکند، آگاه باشید که او زنازاده ای بیش نیست. " (۳)

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۵۴.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۱۹۰.

۳- ۳. بحار: ۵۲ / ۲۱۵.

ما در لبنان، نمونه هایی از این نقابداران را که مزدور یهودیانند، دیده ایم که به

مناطق مسلمان نشینی که تحت نفوذ آنهاست وارد شده و در حالی که چهره های سیاه

خود را زیر ماسکهای سیاه رنگ یا رنگهای دیگر مخفی نموده اند مؤمنان را شناسائی

و به همدستان خود معرفی و آنها را به قتل رسانده، یا دستگیر و زندانی میکنند.

و سفیانی دست آموز آنهاست و نقابداران وی از نوع نقابداران همین گروه هایند.

در روایت دیگری آمده است:

" سواران سفیانی به جستجوی اهل خراسان میآیند و شیعیان آل پیامبر صلی الله علیه و آله را در کوفه میکشند،

آنگاه اهل خراسان در جستجوی حضرت مهدی علیه السلام بیرون میآیند " (۱).

برخی از روایات رنگ پرچم سفیانی را سرخ عنوان کرده اند که نشانه سیاست

خونین او است، همچنانکه از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: " برای آن

نشانه هایی است... خروج سفیانی با پرچم سرخ، که فرمانده اش مردی از قبیله " بنی کلب " است ". (۲)

خط و مشی سیاسی و فرهنگ سفیانی

روایات، نشان میدهند که سفیانی دارای فرهنگ و آموزش غربی است و چه

بسا بزرگ شده همانجا باشد. در کتاب " غیبت " شیخ طوسی از بشر بن غالب

به صورت مرسل (۳) روایت شده که گفت:

" سفیانی در حالی که نصرانی شده، صلیب بر گردن، از سرزمین رومیان میآید. او رئیس گروه

است. " (۴)

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۸۲.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۷۳.

۳- ۳. روایت مرسل به روایتی گفته میشود که سند آن ذکر نشده باشد.

۴- ۴. غیبت طوسی ص ۲۷۸.

یعنی او در اصل مسلمان بوده، سپس مسیحی شده و از سرزمین غرب وارد شام گشته و حرکت خود را آغاز میکند.

خط و مشی سیاسی او به غرب و یهودیان گرایش دارد و با حضرت که دشمن غربی هاست به نبرد میپردازد و با ترکان یا هواداران ترکها که احتمالا روسها هستند وارد جنگ میشود. سفیانی در حین نبرد با حضرت، از دمشق به رمله فلسطین جایی که شورشیان رومی در آنجا فرود میآیند، پناه میبرد.

و آشکار است که او بعنوان خط مقدم دفاع از یهودیان و رومی ها وارد پیکار با حضرت مهدی علیه السلام میشود. روایات از شکست یهودیان که با شکست سفیانی ایجاد خواهد شد سخن گفته اند.

نشانه دیگر گرایش وی به غربی ها این است که باقیمانده نیروهای سفیانی، پس از شکست و کشته شدن او به سوی غرب میگریزند، آنگاه یاران امام مهدی علیه السلام آنها را بازگردانده و به قتل میرسانند.

از ابن خلیل ازدی، روایت شده است که گفت: از ابو جعفر (امام باقر علیه السلام) شنیدم که درباره این آیه شریفه که میگوید: (وقتی آنان عذاب ما را احساس کردند به ناگاه از آن گریختند. (به آنان گفته شود) فرار نکنید و به سوی آنچه در آن متنعم بودید و به سوی خانه هایتان بازگردید. شاید از شما سؤال شود (۱) " فرمود: " وقتی قائم قیام کند و سپاهی بسوی بنی امیه به شام گسیل دارد، آنان به سوی روم (غرب) گریزند رومیان به آنها گویند: ما، شما را به سرزمین خود راه ندهیم مگر اینکه به آئین مسیحیت درآئید، آنگاه صلیب به گردن خود آویزند و رومیان آنان را بپذیرند. وقتی یاران قائم علیه السلام به قصد نبرد با رومیان، رویاروی آنان فرود آیند، رومیان از آنها درخواست امان و صلح کنند اما یاران قائم گویند: امان ندهیم مگر افرادی که از ما نزد شماست به ما برگردانید. سپس رومیان آنها را به

۱- ۱. انبیاء / ۱۲ - ۱۳.

یاران قائم علیه السلام باز گردانند و این است معنی فرموده خداوند: " فرار نکنید و به سوی آنچه در آن متنعم بودید و به سوی خانه هایتان بازگردید. شاید مورد سؤال واقع شوید " سپس فرمود: او (حضرت) از آنها از گنج ها سؤال کند. در حالی که بهتر از هر کس از آنها آگاه است، آنها این آیه را میخوانند: " وای بر ما که سخت ستمکار بودیم، پیوسته این گفتارشان بود تا آن که ما همه را طعمه درو شده بی جان ساختیم، با شمشیر ". (۱)

و معنی این جمله که " هنگامی که یاران قائم رویاروی آنان قرار گیرند، آنها امان طلبند " این است که یاران حضرت، نیروهای خود را در مقابل رومیان آماده میکنند و آنان را مورد تهدید قرار میدهند و مراد از بنی امیه یاران سفیانی است که در روایات دیگر بدان تصریح شده است.

ظاهرا غربی ها مشاوران و فرماندهان سپاه سفیانی اند که دارای موقعیت سیاسی خوبی هستند، از این رو ماجرا تا آنجا کشیده میشود که حضرت مهدی علیه السلام و یارانش، رومیان را در صورت تسلیم نکردن این افراد، تهدید به جنگ میکنند.

تلاش سفیانی برای مذهبی جلوه دادن جنبش خود

با توجه به گسترش و عظمت آئین اسلام قبل از ظهور حضرت و با توجه به اینکه جنبش سفیانی در حقیقت یک طرح غربی - یهودی برای مواجهه با آئین اسلام است، تلاش سفیانی برای مذهبی جلوه دادن جنبش خود، امری طبیعی است.

هر پژوهشگری که روایات مربوط به سفیانی را بررسی نماید، نشانه های این تلاش سفیانی را مشاهده میکند. از جمله عبارتی که میگوید: " سفیانی در اثر عبادت، بسیار زرد رنگ به نظر میرسد " (۲) از این عبارت چنین برمیآید که او خود را به ظاهر

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۷۷ و آیه مذکور: انبیاء / ۱۵.

۲- ۲. نسخه خطی ابن حماد ص ۷۵.

متدین نشان میدهد و البته طبق روایات این حالت تنها در آغاز جنبش او دیده میشود.

ممکن است این رفتار دو گانه سفیانی که گاهی با ژستهای اسلامی و گاهی با ظاهری مسیحی و صلیب بر گردن ظاهر میشود سؤال برانگیز باشد ولی با رفتاری که از سیاستمداران مزدور غرب سراغ داریم این سؤال، پاسخ داده میشود چرا که برخی از آنها به گونه ای با مسیحیان زندگی میکنند که نمیتوان میان آنها و مسیحیان فرق گذاشت، این مزدوران چنان به مسیحیان نزدیک میگردند که صلیب زرین به گردن یا به ساعت خود میآویزند و هنگام مراسم در کلیسا حضور مییابند. تا اینکه او را فرمانروای مسلمانان گردانند. سپس با تظاهر به نماز و دیانت، مسلمانان را فریب میدهند.

در روایتی که قبلا مطرح کردیم آمده بود که سفیانی اهل فضل و دانش را میکشد و برای نیل به مقاصد خود، از آنها یاری میخواهد و هر کس سرباز زند، به قتل میرساند. (۱) روایت مذکور حاکی از این است که وی به شدت مایل است که به جنبش و حکومت خود رنگ اسلامی و شرعی بدهد، از این رو علماء را بر مشروع دانستن حرکت خود وادار میسازد و شاید عبارت " یفنیهم یعنی آنان را نابود میسازد " بجای کلمه " یفتنهم یعنی آنان را گرفتار میکند " اشتباه ذکر شده باشد.

مراحل گوناگون جنبش سفیانی

بر پایه احادیث، جنبش سفیانی، حرکتی سریع و خشن است، زیرا اوضاع جهانی به خاطر کشمکش بین ابرقدرتها تا سر حد جنگ، وخیم میشود و سرزمین

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۷۶.

شام که فتنه فلسطین آن را " همچون آب درون مشک " متزلزل ساخته، گرفتار رنج و افسردگی میگردد.

از همین رو، غربیها در صدد انتخاب زمامداری مقتدر برمیآیند تا بتواند مناطق اطراف اسرائیل را برای سلطه این کشور، تحت فرمان درآورد و بتوانند نقش مؤثری در دفاع از اسرائیل و غرب، بر عهده گیرد. به همین جهت غربی ها دست او را در جنگ عراق و اشغال آن باز میگذارند همچنانکه دست او را در یاری به حکومت ضعیف حجاز و درهم شکستن جنبش نوینی که نهضت امام مهدی علیه السلام در مکه مکرمه ایجاد میکند، باز میگذارند.

این نکات، که در روایات مربوط به جنبش سفیانی بدان اشاره شده بیانگر آن است که سفیانی برای موفقیت خود نیاز به سرعت عمل و خشونت شدید دارد. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

" سفیانی از نشانه های حتمی ظهور است. خروج او از آغاز تا انجام، پانزده ماه طول میکشد، شش ماه کارزار میکند، همین که بر پنج شهر تسلط یافت نه ماه فرمانروائی میکند بی آنکه یک روز بر آن افزوده شود " (۱)

آن پنج شهر عبارتند از: دمشق، اردن، حمص، حلب و قنسرین که مراکز فرمانروائی منطقه، سوریه، اردن و لبنان است. روایات بر وجود اردن میان آنها تصریح میکنند، اما لبنان که جزئی از سرزمین شام و تابع پنج شهر به حساب میآید، بعید نیست که در قلمرو حکومت سفیانی قرار گیرد. ولی برخی روایات، گروههایی را از سیطره سفیانی جدا کرده اند چرا که آنان ملازمان حق اند و خداوند آنها را از شر همراهی با سفیانی حفظ میکند. ممکن است مردم لبنان از آن دسته باشند.

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۴۸.

بعضی روایات زمان جنبش وی را در ماه رجب میدانند، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

" از نشانه های حتمی ظهور، خروج سفیانی در ماه رجب است ". (۱)

این حوادث نشان میدهد که خروج سفیانی شش ماه قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. چرا که حضرت در شب یا روز دهم محرم همان سال (سال خروج سفیانی) در مکه ظهور خواهد کرد. همچنین معلوم میشود که تسلط سفیانی بر منطقه شام و لشکرکشی به عراق و حجاز، قبل از ظهور و با انگیزه پیروزی بر یاران امام و نهضت او انجام میپذیرد.

بنابراین جنبش سفیانی در سه مرحله به اجرا درمیآید. نخست: مرحله تثبیت سلطه وی در شش ماهه اول، سپس هجوم و پیکار او در عراق و حجاز. و سر انجام عقب نشینی از توسعه طلبی در عراق و حجاز و دفاع در برابر سپاه حضرت مهدی علیه السلام، جهت حفظ باقیمانده حکومتش در سرزمین شام، اسرائیل و قدس.

روایات مربوط به سفیانی، جنگ های شش ماهه اول وی را به اختصار ترسیم میکنند، جنگ های داخلی او با اصهب و ابقع و سپس با نیروهای اسلامی و غیر اسلامی مخالف خود، تا تسلط او بر سرزمین شام.

ولی با توجه به نوع جنبش او، طبیعی است که این شش ماه، مملو از عملیات متراکم نظامی خواهد بود تا بتواند سیطره خود را استوار و نیروهای زیادی را برای نبردهای گسترده نه ماه آینده تجهیز و آماده نماید. و ممکن است سفیانی در کنار جنگهای مهم شش ماهه اول خود، علاوه بر ابقع و اصهب با فرمانروایان اردن و لبنان و دیگر نیروهای مخالف درگیری هایی داشته باشد.

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۴۹.

روایتی، به شدت جنگ های سفیانی با ابقع و اصهب اشاره میکند و آن را

موجب نابودی شام میداند. از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

" از نشانه های ظهور، فرو رفتن یک آبادی به نام جابیه از روستاهای شام، فرود آمدن ترک ها در

جزیره و رومیها در رمله و درگیری های فراوان در سراسر زمین است تا آنکه شام ویران گردد " و در

روایتی آمده است: " نخستین سرزمینی که ویران شود شام است، علت ویرانی شام، اجتماع

طرفداران سه پرچم (نیرو) در آنجاست، نیروهای اصهب، ابقع و سفیانی. " (۱)

اما خرابی دمشق که در کلام امیر مؤمنان علیه السلام بدان اشاره شد که فرمود: " دمشق را

قطعا تخریب خواهم کرد.. آن را مردی از خاندان من انجام خواهد داد " ظاهرا ویرانی ای است که

در نبرد بزرگ آزادسازی قدس اتفاق میافتد. نبردی که میان امام مهدی علیه السلام با

سفیانی، یهودیان و رومی ها به وقوع میپیوندد.

اما سفیانی در نه ماهه پایانی حکومت خود، دست به نبردهای بزرگی میزند که

مهمترین آنها با ترک ها و هوادارانشان در قرقیسیا و سپس نبردهای او در عراق با

ایرانی ها است که زمینه سازان ظهوراند. طبق برخی روایات یمنی ها نیز با ایرانیان

همراهی میکنند.

ممکن است سفیانی در مدینه منوره نیز دارای نیروهایی باشد که در کنار

نیروهای حکومت حجاز در نبردی که احتمالا توسط حضرت مهدی علیه السلام برای

آزادی مدینه انجام میپذیرد وارد پیکار شوند.

سفیانی پس از شکست در عراق و حجاز، به شام و فلسطین بازمیگردد تا در

بزرگترین نبرد خود با حضرت مهدی یعنی نبرد بزرگ فتح قدس به مصاف بپردازد.

۱- ۱. ارشاد مفید ص ۳۵۹.

آغاز جنبش سفیانی

تقریبا همه روایات در اینکه سفیانی جنبش خود را از خارج دمشق از منطقه حوران یا درعا در مرز سوریه و اردن آغاز میکند، متفقند، البته روایات، منطقه خروج وی را " وادی یابس و اسود " (دره خشک و سیاه) مینامند.

از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده است که فرمود:

" پسر (هند) جگرخوار از وادی یابس (دره خشك) خروج کند. او مردی است میان قامت، با چهره ای ترسناك، سری بزرگ و صورتی آبله گون، به قیافه اش که بنگری، یك چشم به نظر میرسد، نامش عثمان و نام پدرش عنسبه (عیینه) و از فرزندان ابو سفیان است.. تا اینکه به سرزمینی آرام که دارای آبی گواراست میرسد، آنگاه بر منبر آنجا قرار میگیرد. " (۱)

البته سر زمین آرام با آب گوارا که در قرآن آمده، به دمشق تفسیر شده است.

در نسخه خطی ابن حماد از محمد بن جعفر بن علی نقل شده که گفت:

" سفیانی از فرزندان خالد پسر یزید پسر ابو سفیان است، مردی با سری درشت و چهره ای آبله گون، در چشمش نقطه ای سفید پیداست، او از سمت دمشق که وادی یابس (دره خشك) نامیده میشود، با هفت نفر که یکی از آنها درفشی آماده اهتزاز با خود دارد، خروج میکند. " (۲)

و در ص ۷۴ همین کتاب آمده است که " آغاز حرکت او از قریه ای در غرب شام به نام اندرا همراه با ۷ نفر است " و در صفحه ۷۹ از قول " ارطاه بن منذر " آمده که گفت: " مردی بد سیما و ملعون از مندرون در شرق بیسان در حالی که بر شتری سرخ سوار و تاجی بر سر نهاده، خروج میکند ".

قابل توجه است که ابن حماد و دیگران روایات متعددی از قول تابعین آورده اند

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۰۵.

۲- ۲. نسخه خطی ابن حماد ص ۷۵.

ولی آنها را به پیامبر صلی الله علیه و آله یا اهل بیت علیهم السلام نسبت نداده اند، این روایات درباره سفیانی

و آغاز جنبش او مطالبی بیان کرده اند که شبیه افسانه هاست. مانند اینکه: " او در عالم

خواب دیده میشود به او میگویند برخیز و قیام کن، وی سه چوب نی در دست دارد، به هر کس که آنها را

بزند مرگ او حتمی است. " (۱)

این روایات از افکار بنی امیه متأثر شده که در شخصیت و نقش سفیانی مبالغه

کرده و میخواستند به او شخصیتی الهی بدهند.

ولی صرف نظر از روایات مبالغه آمیز، روایات دیگر، جنبش او را سریع میدانند،

شدت یورش وی نزد راویان شیعه امری شناخته شده است، بطوری که یکی از

راویان، درباره اینکه شیعیان هنگام خروج سفیانی چه باید بکنند از امام صادق علیه السلام

سؤال میکند.

از حسین بن أبی العلاء حضرمی چنین روایت شده که گفت:

" از ابو عبد الله (امام صادق علیه السلام) پرسیدم: وقتی سفیانی خروج کند ما چه کنیم؟ حضرت فرمود: مردان

چهره خود را از او پنهان سازند، بر زنان و فرزندان مشکلی نیست. پس چون بر پنج شهر، یعنی شهرهای

شام مسلط شد، شما به سوی ولی امر خود (حضرت مهدی علیه السلام) کوچ کنید. " (۲)

به نظر میرسد که سرسخت ترین رقبای سفیانی ابقع و هوادارانش باشند و مراد از

بنی مروان در روایت ابن حماد نیز همین ها هستند آنجا که میگوید:

" بر مروانی چیره شده و او را به قتل رساند، سپس تا سه ماه به کشتار بنی مروان پردازد، آنگاه روی به

اهل مشرق (ایرانیان) آورد تا این که وارد کوفه شود " (۳)

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۷۵.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۷۲.

۳- ۳. نسخه خطی ابن حماد ص ۷۷.

برخی روایات نشانگر این معنی است که شیعیان منطقه شام هنگام خروج

سفیانی، از دشمنان عمده وی شمرده نمیشوند، بلکه طرفداران ابقع و اصهب

هستند که دشمن شیعه و سفیانی هر دو هستند، از امام باقر علیه السلام روایت شده که

فرمود:

" سفیانی، برای انتقام گرفتن از دشمنانتان، برایتان کافی است. او برای شما یکی از نشانه هاست.

آن فاسق اگر خروج کند، یکی دو ماه بعد از خروج او آرام میمانید و از سوی او به شما زیانی نرسد تا آنکه

جمعیت زیادی از غیر شما را به قتل رساند. بعضی از یاران حضرت پرسیدند: در آن وقت زنان و

فرزندانمان را چه کنیم؟ امام فرمود: مردان شما خود را از او پنهان دارند زیرا هراس و شرارت او متوجه

شیعیان ماست، اما زنان ان شاء الله مشکلی نیابند. پرسیدند: مردان کجا بروند و به کجا بگریزند؟ امام

فرمود: هر کس بخواهد به مدینه یا مکه و یا شهری دیگر برود. ولی شما را به مکه توصیه میکنم چرا که

آنجا محل اجتماع و وعده گاه شماست. مدت این فتنه به مدت بارداری زن، نه ماه طول کشد و بخواست خدا

بیش از آن نخواهد شد. " (۱)

این روایت حاکی از آن است که هجوم سفیانی بر شیعیان شام، پس از خروج

وی و در ماه رمضان رخ میدهد. همچنین روایات یادآور میشوند که سلطه او بر

منطقه، مقتدرانه و مطلق است بگونه ای که بر تمام مشکلات داخلی پیروز میگردد.

" مردم شام از او اطاعت کنند بجز دسته هایی از رهروان حق که خداوند آنها را از شر همراهی سفیانی

حفظ کند. " (۲)

برخی از علما، از این روایت این گونه برداشت میکنند که شیعیان لبنان و شام در

قلمرو حکومت سفیانی نبوده و از او اطاعت نمیکنند که احتمال آن نیز هست. و

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۱۴۱.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۵۲.

میتوان گفت دست کم، گروههایی از اهل شام از گردن نهادن به فرمان او خودداری خواهند کرد. و گروه هایی آگاه، از شیعیان و غیر شیعیان عراق و حجاز را خداوند از مشارکت در جنبش سفیانی و عملیات نظامی سفیانی بر کنار میدارد. و بعید نیست که آنها از شرایط سیاسی ویژه ای نسبت به هموطنان عادی در دولت سفیانی برخوردار باشند و بتوانند تا این اندازه مستقل باقی بمانند. همچون استقلال فعلی لبنان نسبت به کشور سوریه.

به هر حال، وقتی سفیانی از استیلای خود بر منطقه آسوده خاطر شود، عملیات مهم برون مرزی خود را آغاز میکند و لشکر خود را برای رویارویی با ایرانیانی که زمینه ساز ظهور حضرت اند آماده میکند.

" آنگاه سفیانی همه تلاش و کوشش خود را متوجه عراق کند و سپاه وی وارد قرقیسیا شود و در آنجا به کارزار پردازد " (۱)

نبرد قرقیسیا

قرقیسیا شهر کوچکی در مدخل ورودی رودخاد خابور به رودخانه فرات است، محل کنونی آن بلندی های همجوار با شهر دیر الفزور سوریه نزدیک مرز سوریه و عراق و در فاصله کمی از مرز ترکیه است.

در معجم البلدان آمده است: گفته میشود نام آن از قرقیسیا پسر طهمورث پادشاه آنجا گرفته شده است. حمزه اصفهانی میگوید: قرقیسیا عربی کرکیسیا است و از کرکیس گرفته شده که نام میدان اسب دوانی است که در عربی به آن " حلبه " میگویند. (۲)

١- ١. بحار: ٥٢ / ٢٣٧.

٢- ٢. معجم البلدان: ۴ / ٣٢٨.

طبق روایات، نبرد بزرگی در آنجا اتفاق میافتد که وقت آن مشخص نیست اما بعضی روایات آن را جنگ بین بنی العباس وبنی امیه میدانند و بعضی دیگر آن را با جنگ سفیانی که در زمان امام مهدی علیه السلام خروج خواهد کرد، مرتبط دانسته اند. و بعضی، علت آن جنگ را گنجی دانسته اند که در بستر رود فرات ظاهر میگردد و بر سر آن جنگ بین سفیانی و ترک ها درمیگیرد.

و اکنون روایات آن:

روایت شده که امام باقر علیه السلام به شخصی به نام میسر فرمود: " چقدر بین شما و قرقیسیا فاصله است؟ عرض کرد: آنجا نزدیک ساحل فرات است. فرمود: آگاه باش که در آنجا واقعه ای اتفاق خواهد افتاد که از زمان خلقت آسمان و زمین چنان واقعه ای روی نداده و روی نخواهد داد. آنجا سفره رنگینی برای پرندگان آسمان و درندگان زمین گسترده شود. قیس در آنجا کشته شود و کسی خونخواه او نخواهد بود ".

در روایت دیگر آمده است که: " منادی ندا دهد: بیایید بسوی گوشت ستمگران " (۱).

از حذیفه بن منصور روایت شده که امام صادق علیه السلام فرمود: " خداوند سفره رنگینی در قرقیسیا خواهد داشت، یکی از آسمان ندا کند: ای پرندگان آسمان و ای درندگان زمین برای سیر کردن خود بشتابید به سوی گوشت ستمگران " (۲).

روایت ذیل این جنگ را به بنی عباس و بنی امیه نسبت میدهد:

روایت شده که امام باقر علیه السلام فرمود: " بین بنی عباس و بنی مروان جنگی در قرقیسیا رخ دهد که نوجوانهای شجاع و نیرومند در آن پیر گردند. خداوند پیروزی را از آنها بردارد و به پرندگان آسمان و درندگان زمین وحی کند: خود را از گوشت ستمگران سیر سازید. سپس سفیانی خروج کند " (۳).

۱- ۱. کافی: ۸ / ۲۹۵.

۲- ۲. غیبت نعمانی ص ۲۷۸

۳- ۳. غیبت نعمانی ص ۳۰۳

جابر جعفی میگوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: " ای جابر، خود را زمین گیر کن و هیچ حرکتی منما تا نشانه هایی که برایت میگویم آشکار شود. اگر آنها را درک کنی. اولین علامت، اختلافی است که بین اولاد فلانی روی خواهد داد که فکر نمیکنم آن را ببینی، زیرا بعد از من اتفاق میافتد و منادی از آسمان ندا دهد و نوای پیروزی از سوی دمشق، به گوش رسد و قریه ای از نواحی شام به نام " جابیه " در زمین فرو رود و گوشه راست مسجد دمشق فرو ریزد و گروهی از منطقه ترک ها شورش کنند و به دنبال آن آشوب روم فرا رسد. آنگاه برادران ترک روی آورده تا در جزیره فرود آیند و شورشیان روم از طرف دیگر آمده و در رمله مستقر گردند. ای جابر در آن سال اختلافات زیادی در منطقه غرب (غرب کشورهای اسلامی) رخ دهد، اولین جائی که تخریب شود، شام است. سه گروه اصهب، ابقع و سفیانی در شام درگیر شوند. سفیانی با ابقع جنگیده و او را با همراهانش به هلاکت رساند سپس اصهب را نابود کند. تمام تلاش سفیانی این است که به عراق روی آورد. سپاه او به قرقیسیا که رسد صد هزار تن از ستمگران آنجا کشته شوند. آنگاه سفیانی سپاهی به کوفه فرستد که تعداد آنان به هفتاد هزار نفر میرسد او مردم کوفه را اسیر یا مصلوب و یا به قتل رساند ".

در آن هنگام پرچم هایی از خراسان ظاهر شده و به سرعت حرکت کنند. عده ای از اصحاب حضرت قائم علیه السلام همراه آنانند، آنگاه شخصی از اهل کوفه علیه سفیانی خروج کند که به دست فرمانده سپاه سفیانی بین حیره و کوفه کشته شود. سپس سفیانی سپاهی به مدینه روانه کند که به سبب آن حضرت مهدی علیه السلام از مدینه به مکه رود. خبر به فرمانده سپاه سفیانی میرسد که مهدی علیه السلام از مدینه خارج شده است. او سپاهی به دنبال آن حضرت میفرستد ولی به آن حضرت نمیرسد. حضرت مضطرب و نگران همچون موسی بن عمران علیه السلام از مدینه خارج و وارد مکه گردد. فرمانده سپاه سفیانی به بیداء که رسد ناگاه منادی از آسمان ندا دهد: ای، بیداء، این سپاه را در خود فرو بر! پس زمین بیداء دهان باز کرده و آنها را در خود فرو برد

بگونه ای که سه نفر از آنها بیشتر نجات نیابند که خداوند صورتهای آنان را به پشت سرشان برگرداند، آنها

از نژاد سگ اند و درباره آنان نازل شده است. این آیه قرآن " ای کسانی که به شما کتاب (آسمانی) داده شده، به آنچه نازل کرده ایم (به قرآن) که تصدیق میکند آنچه نزد شماست ایمان آورید قبل از آنکه

صورتهایی را محو کنیم و به پشت برگردانیم... " آن روز قائم علیه السلام در مکه خواهد بود. او تکیه بر بیت الله الحرام فریاد برآورد: ای مردم عالم! ما از خداوند یاری میطلبیم، هر کس دعوت ما را بپذیرد ما اهل بیت پیامبر شماییم، ما نزدیکترین مردم به خداوند محمدیم صلی الله علیه و آله... "

این روایت در کتاب " الفتن " ابن حماد، با سند آمده و آن را مرتبط به سفیانی میداند. ولی طرفهای درگیر با او را ترک ها و رومی ها میشمارد و دولت مصر را نیز شریک سفیانی میشمارد. و میگوید: " از ارطاه روایت شده: هنگامی که ترک و روم برای جنگ اجتماع کنند و قریه ای از دمشق در زمین فرو میرود و قسمتی از گوشه غربی مسجد دمشق فرو ریزد، سه پرچم در شام بالا رود: ابقع، اصهب و سفیانی. آنگاه شخصی در دمشق محاصره و با همراهانش کشته شود، سپس دو نفر از طایفه ابی سفیان خروج کنند که پیروزی با دومی آنها خواهد بود. هنگامی که نیروهای ابقع از مصر خارج شوند، سفیانی با سپاهش خروج کرده و در قرقیسیا با ترک و روم بجنگد. جنگی که درندگان از گوشت کشته ها سیر شوند. " (۱)

اما روایاتی که این نبردها را با گنج مرتبط میدانند، فراوانند. واضح ترین آنها روایتی است که میگوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: " فرات کوهی از طلا و نقره را برملا کند. بر سر آن جنگی درگیرد که از هر نه نفر، هفت نفر کشته شوند. اگر در آن روز بودید، نزدیک ماجرا نشوید ". (۲)

در همین روایت آمده است: " فتنه چهارم هجده سال به طول انجامد و آنگاه که خاموش شود، در فرات کوهی از طلا ظاهر گردد. و جنگی بر سر آن درگیرد که از هر نه نفر، هفت نفر کشته شوند! ".

مقصود از فتنه چهارم در این روایت مشخص نیست، زیرا احادیث در شمارش فتنه ها متعارضند. البته شناخت فتنه آخر، آسان است، زیرا روایات تصریح کرده اند که ظهور امام مهدی علیه السلام بعد از آن خواهد بود.

۱- ۱. الفتن ص ۱۷۰

۲- ۲. کتاب خطی ابن حماد ص ۹۲.

بنابراین نمیتوان بر طبق این روایات که سندشان غیر قابل اعتماد است، قضاوت کرد. ولی در صورت صحت، احتمال دارد منظور از گنج، منابع نفت یا معادن طلا یا نقره باشد و بین دولتهای سه گانه بر سر آن اختلاف بوجود آید. اکثر روایات در این جنگ ها، ترک ها را طرف درگیر با سفیانی میدانند و ممکن است منظور، سپاه ترک باشد. زیرا، این جنگ به خاطر ثروتی که در مرز سوریه و ترکیه ظاهر میگردد به پا میشود و احتمال هم دارد که منظور از ترک، روس ها باشند که طبق برخی احادیث، آنها قبل از خروج سفیانی در جزیره ربیعه یا دیار بکر نزدیک قرقیسیا فرود میآیند. و در احادیث دیگری هم آمده که سفیانی با ترک ها میجنگد، سپس بدست حضرت مهدی علیه السلام شکست میخورد. و منظور از جزیره، منطقه ای است نزدیک موصل که به همین نام و به نام دیار ربیعه شناخته میشود و منظور جزیره العرب نیست. و اما فرود نیروهای روم در رمله (شنزار) احتمال دارد که مقصود شنزارهای فلسطین یا مصر باشد.

ورود سپاه سفیانی به عراق

روایات تأکید دارند که سفیانی بعد از نبرد قرقیسیا سپاهش را به سوی عراق روانه میکند. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: " سفیانی با ابقع روبرو شده و به نبرد میپردازد. او ابقع و یارانش را میکشد، سپس به سراغ اصهب میرود و او را نیز به هلاکت میرساند. پس از آن تمام همت خود را صرف هجوم به عراق میکند. سپاه او هنگام عبور از قرقیسیا درگیر جنگ میشوند. حدود صد هزار نفر از ستمگران به هلاکت میرسند. آنگاه سفیانی سپاهی مرکب از هفتاد هزار نفر به کوفه روانه میکند. (۱)

امام علی علیه السلام فرمود: " هنگامی که سپاه سفیانی عازم کوفه شود، گروهی را به سراغ اهالی

۱- ۱. بحار ۵۲ / ۲۳۷.

خراسان فرستد و این در حالی است که اهالی خراسان نیز در جستجوی حضرت مهدی اند " (۱).

یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام بنام جابر جعفی میگوید: " از امام باقر علیه السلام درباره

سفیانی سؤال کردم، فرمود: شما کجا و سفیانی کجا؟ او نخواهد آمد تا آنکه قبل از او شخصی به نام

" شیصبانی " خروج کند. او از محلی به نام کوفان مانند آب از زمین بالا آید و خوبان شما را بکشد. آنگاه باید

خروج سفیانی و سپس ظهور قائم علیه السلام را انتظار کشید ". (۲)

شیصبان در لغت اسمی از اسمهای شیطان است و در روایات اهل بیت علیهم السلام

کنایه از شخصی از دشمنان نابکار اهل بیت یا فردی گمنام است.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است: فرزندان فلانی حتما به حکومت خواهند رسید. هنگامی که

به حکومت رسند اختلاف کنند و امورشان متفرق گردد تا آنکه خراسانی از مشرق و سفیانی از مغرب خروج

کرده و برای رسیدن به کوفه مانند دو رقیب در مسابقه سرعت گیرند. آنگاه هلاکت فرزندان فلانی به دست

آن دو صورت پذیرد. بطوری که احدی از آنها را باقی نگذارند (۳).

مقصود از فرزندان فلانی احتمالا خاندان آخرین حاکم عراق قبل از امام

مهدی علیه السلام است که شاید شیصبانی و یا شخص دیگری باشد.

در روایات شیعه و سنی، رفتار سفیانی در عراق با شیعیان اهل بیت علیهم السلام

وحشتناک و فجیع توصیف شده است. اما اعتبار بعضی از این روایات به جهت سند

یا متن محل تردید است زیرا خبر از وقایع گذشته ای میدهند که ربطی به خروج

سفیانی و ظهور امام مهدی علیه السلام ندارند. برای نمونه بعضی از آنها را ذکر میکنیم:

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: گویا سفیانی (یا رفیق او را) میبینم که در

۱- ۱. کتاب خطی ابن حماد ص ۸۷

۲- ۲. بحار ۵۲ / ۲۵۰.

۳- ۳. بحار: ۵۲ / ۲۳۱.

میدان کوفه لنگر انداخته و منادی او فریاد برمیآورد: هر کس سر بریده یکی از شیعیان علی علیه السلام را بیاورد هزار درهم جایزه میگیرد. آنگاه همسایه به همسایه حمله ور شده و میگوید او از شیعیان علی است. سر او را میبرد و هزار درهم جایزه میگیرد. آگاه باشید که در آن روز حکومت شما جز بدست زنازادگان نخواهد بود. گویا در آن زمان شخص نقابداری را میبینم. پرسیدم: آن شخص نقابدار کیست؟ فرمود: یکی از خود شماست که مانند شما سخن میگوید. نقاب بر چهره زده و شما را شناسائی میکند و یک یک شما را زیر فشار قرار میدهد، بدانید که او زنازاده خواهد بود. (۱)

در روایت دیگر آمده است: سواران سفیانی همچون شب ظلمانی و سیل ویرانگر روی آورند، به هر کجا که رسند نابود و ویران کنند تا آنکه وارد کوفه شده و شیعیان آل محمد علیهم السلام را بکشند. سپس در همه جا به جستجوی اهل خراسان پردازند. در همان حال اهالی خراسان در جستجوی حضرتند و مردم را به یاری او میطلبند. " (۲)

در کتاب لوائح الأنوار البهیه نوشته سفارینی حنبلی آمده است: سفیانی با ترک ها جنگیده و بر آنها غلبه کند، سپس در زمین، دست به فساد زند، آنگاه وارد زوراء (بغداد) شده و مردم آنجا را بکشد.

بر اساس این روایات، فجایع سپاه سفیانی در جنگ با عراق مخصوصا در رابطه با شیعیان اهل بیت علیهم السلام به شدت وحشتناک است.

این روایات، نام تعدادی از اماکن و مناطقی را که سپاه سفیانی در آنجا متمرکز میگردد ذکر کرده اند مانند زوراء (بغداد) و انبار و صراه و فاروق و روحاء. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: سفیانی سپاهی مرکب از یکصد و سی هزار نفر به کوفه روانه سازد که در روحاء و فاروق فرود آیند. شصت هزار نفر از آنان در کوفه متمرکز گردند که جایگاه قبر

۱- ۱. بحار الانوار: ۵۲ / ۲۱۵.

۲- ۲. نسخه خطی ابن حماد ص ۸۲

هود پیامبر علیه السلام در نخیله است. (۱)

سفیانی با حمله به عراق به هدفش که تسلط کامل بر عراق است، نمیرسد زیرا

پس از گذشت چند هفته از این هجوم، به حجاز حمله میکند تا نقش جدیدی را

برای جلوگیری از حرکت امام مهدی علیه السلام در مکه آغاز نماید. بعضی از روایات

آورده اند که سفیانی سپاهش را از عراق به سوی حجاز روانه میکند و بعضی

میگویند از شام، اما ممکن است او قسمتی از سپاه خود را از عراق و قسمتی دیگر

را از شام روانه حجاز کند.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

سفیانی سپاهی را که تعدادشان به هفتاد هزار نفر میرسد روانه کوفه کند و اهل آن سامان را با کشتن و

دار زدن و اسارت گرفتار سازد. در این هنگام صاحبان پرچم های سیاه از طرف خراسان بسرعت حرکت

کنند. تعدادی از یاران حضرت قائم علیه السلام جزء آنانند. (۲)

در نسخه خطی ابن حماد ص ۸۴ آمده است: سفیانی وارد کوفه شود و سه روز به غارت

آن پرداخته و شصت هزار نفر از اهالی کوفه را به قتل رساند و هجده شب در آنجا بماند. آنگاه پرچمهای

سیاه وارد منطقه شده و در کنار آب، توقف کنند. یاران سفیانی با خبر ورود آنها میگریزند، گروه دیگری که

برخی از آنها اهل بصره اند نیز از نخلستانهای کوفه خروج کنند که فقط تعداد کمی از آنها مسلحند، آنها به

یاران سفیانی دست پیدا کرده و اسرای کوفه را از دست آنها آزاد سازند. آنگاه صاحبان پرچمهای سیاه

عده ای را برای بیعت نزد امام مهدی علیه السلام بفرستند.

همچنین روایت بعدی که منسوب به امیر المؤمنین علیه السلام است ورود سپاه سفیانی

به عراق را توصیف میکند که همزمان با فتنه غرب و واقعه ای شبیه جنگ جهانی

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۷۳.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۳۸.

است. این روایت همچنین بیانگر ورود نیروهای خراسانی به عراق است که زمینه ساز حرکت امام مهدی علیه السلام هستند. به نظر میرسد که این روایت مجموعه ای از روایت های راویان مختلف در رابطه با موضوع مورد بحث باشد.

از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: " ای مردم! از من بپرسید پیش از آنکه فتنه ای از شرق چون شتر لجام گسیخته جهان را پس از یک مرگ و حیات (و یا پس از کشت و کشتار) لگدمال کند یا آنکه فتنه ای در مغرب زمین چون آتش در هیزم خشک افتد و فریاد انتقام و خونخواهی سر دهد، چون ایام بگذرد و چرخ فلک بگردد، به ستوه آمده و گویید: چه شده است؟ آیا او مرده؟ به کجا رفته است؟ آن روز است که تأویل این آیه روشن گردد: " سپس پیروزی بر آنها را بار دیگر به شما برگرداندیم و شما را با ثروت و پسران یاری کرده و جمعیت شما را بیش از آنان قرار دهیم.

این فتنه نشانه هایی دارد: نخست آنکه کوفه با کمین و خندق محاصره و در کوچه ها، گوشه خانه های آن سنگربندی شود و مساجد، چهل شب تعطیل گردد. آنگاه سه پرچم در اطراف مسجد بزرگ که شبیه پرچمهای هدایت هستند، به اهتزاز درآیند. آن روز قاتل و مقتول هر دو در آتش اند. کشت و کشتار فراوان و مرگ ها سریع شود. در آن حال انسانی پاک همراه هفتاد تن در پشت کوفه به قتل رسد و شخصی دیگر در میان رکن و مقام (در کنار خانه کعبه) سر بریده شود و شخصی به نام، اسبغ مظفر، به همراه عده زیادی از انسانهای شیطان صفت در محل " بیعه الاصنام " کشته شوند.

علامت دیگر، خروج سفیانی با پرچم سبز (یا سرخ) و صلیب طلائی است، فرمانده او شخصی از قبیله کلب است. دوازده هزار سوار، سفیانی را در راه مکه و مدینه همراهی کنند. فرمانده او شخصی از بنی امیه بنام خزیمه است. چشم چپ او نابینا و فقط پوستی بر آن است. بسیار دنیا طلب است او بدون شک پیش میرود تا در مدینه فرود آید. مردان و زنانی از آل محمد علیهم السلام را در خانه ای در مدینه که به آن خانه ابو الحسن اموی میگویند، زندانی کند. سپس گروهی را در پی مردی از آل محمد علیهم السلام فرستد که عده ای از

مستضعفین در مکه به رهبری مردی از غطفان گرد او جمع شده اند. تا آنکه در میان سنگ های سفید در منطقه بیداء فرود آیند، اما ناگهان زمین آنها را در خود فرو برد. هیچکس از آنها جز یک نفر نجات نیابد.

ص: ۱۳۰

خداوند صورت آن یک نفر را به پشت سر برگرداند تا باقیمانده آنها را بترساند و برحذر دارد. آن روز تأویل این آیه شریفه محقق خواهد شد: " ای کاش میدیدی هنگامی که آنان وحشت زده اند و برایشان چاره و گریزی نیست و از مکانی نزدیک گرفته شوند.

سفیانی صد و سی هزار نفر به سوی کوفه روانه میکند، بخشی از آنها در روحاء و فاروق و در جایگاه مریم و عیسی (علیهما السلام) در قادسیه فرود میآیند و هشتاد هزار تن از آنان رهسپار کوفه میشوند. محلی که قبر حضرت هود علیه السلام در نخیله در آن قرار دارد و در روز عید به کوفه حمله میکنند. در آن روز رهبر مردم شخص ظالم و ستمگری است که به او ساحر و جادوگر میگویند و او از شهری به نام زوراء (بغداد) در میان پنج هزار کاهن و پیشگو خروج میکند. در کنار پل آن هفتاد هزار نفر را میکشد بگونه ای که مردم از فراوانی خون و بوی اجساد، سه روز از نزدیک شدن به فرات خودداری میکنند. آن روز دختران با عفافی را که چهره شان توسط دیگران دیده نشده به اسارت میگیرند و بر محملها سوار نموده به مکانی در نزدیکی نجف میبرند.

سپس صد هزار نفر مشرک و منافق از کوفه خروج کرده و بی هیچ مانعی وارد دمشق میشوند. همان شهری که " ارم ذات العماد " است یعنی دارایی قصرها و ستونهای برافراشته.

پرچم هائی از مشرق زمین به اهتزاز درآیند که از جنس پنبه، کتان و حریر نیستند، این پرچمها نشان و مهر سید بزرگ را برخوردارند و مردی از آل محمد علیهم السلام (امام زمان) آنان را فرماندهی میکند. روزی که در مشرق به حرکت درآیند بوی عطرشان چون مشک در مغرب به مشام رسد و هراس و وحشت به مدت یک ماه، پیشاپیش آنها حرکت میکند.

از سوی دیگر فرزندان خلافکار سعد در کوفه به خونخواهی پدرانشان حکومت را در دست گیرند تا آنکه سواران مردی به نام حسین چون اسبان تیز تک بر آنها بتازند در حالی که ژولیده، غبار آلود و گریانند.

یکی از آنها با چشمان اشک بار پای بر زمین کوبد و گوید: از امروز به بعد دیگر نشستن سزاوار نیست.

خداوندا ما توبه کار و متواضع بوده و در پیشگاه ربوبی تو سر فرود آورده و پیشانی بر خاک میساییم. آنها همان بزرگانی هستند که خداوند چنین توصیف شان کرده است. " همانا خداوند توبه کنندگان و پاکیزگان را

ص: ۱۳۱

دوست دارد ". پاکیزگان، همچون آنها از آل محمد علیهم السلام هستند.

شخصی از مسیحیان نجران خروج کرده و دعوت امام علیه السلام را لبیک گوید. او اولین مسیحی است که

چنین میکند. کلیسای خود را ویران و صلیب خود را میشکند. او همراه غلامان، مستضعفان و سواران

خروج نموده و با پرچمهای هدایت به سوی نخیله حرکت میکند.

محل اجتماع مردم از هر جای زمین در " فاروق " است که پایگاه امیر المؤمنین علیه السلام و در محلی بین

" برس و فرات " قرار دارد. آن روز میان مشرق و مغرب سه هزار یهودی و مسیحی کشته شوند، بگونه ای که

بعضی بعض دیگر را به قتل رسانند. در آن هنگام تأویل این آیه روشن میگردد: " پیوسته آنها این سخن

را تکرار میکردند تا آنها را چون زراعت درو شده خاموش ساختیم " یعنی با شمشیر و زیر سایه

شمشیر " (۱).

قسمت اول و آخر این روایت، یک جنگ جهانگیر را خاطر نشان میسازد که

نابودی و ویرانی آن گریبانگیر غرب میشود و در آن سه هزار هزار یعنی سه میلیون

نفر کشته میشوند و ما آن را در جای خود بیان خواهیم کرد.

و شاید معنای " ایجاد شکاف و رخنه در زوایای کوچه های کوفه " ساختن سنگر

و جنگهای خیابانی در برابر حمله سفیانی یا غربی ها باشد.

به زودی درباره درفشهای سه گانه اطراف مسجد الحرام در نهضت ظهور، و درگیری

بر سر قدرت، اندکی قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام مطالبی بیان خواهیم کرد.

کشته شدن انسان پاک سرشتی در " پشت کوفه " همراه هفتاد تن، ما را به یاد

شهادت استادمان، شهید صدر (قدس سره) و دوستان و یاران او میاندازد. شاید منظور از

پشت کوفه همان شهر نجف اشرف باشد.

منظور از وجود شخصی مطهر و پاکیزه که اندکی قبل از ظهور حضرت بین رکن و

۱- ۱. بحار: ۵۳ / ۸۲.

مقام در کنار خانه خدا به شهادت میرسد، فرستاده آن حضرت به سوی مردم مکه است.

در این روایت چند نام و واژه وجود دارد که مقصود از آنها مشخص نیست مانند اسبغ مظفر با بسیاری از انسانهای شیطان صفت که در بتخانه به قتل میرسند و مانند پسران سعد سقا و فرمانده کاهن ساحر و دیگران که شاید به این روایت افزوده شده و یا نام اشخاص خاصی در آن دوره باشند.

برخی از روایات تصریح یا اشاره دارند که حضرت مریم و عیسی (علیهما السلام) از عراق دیدن نموده و در قادسیه منزل نموده اند و مدتی در محل مسجد براثا نزدیک بغداد مانده اند. والله العالم.

اما قبر هود علیه السلام در نخیله معروف بوده و در نزدیکی نجف اشرف در وادی السلام است و اما درفش های مشرق زمین، همان درفش های خراسانی ها است که زمینه ساز ظهوراند.

فاروق در روایت دوم باید توضیح یکی از راویان باشد که در متن روایت وارد شده و منظور از محل تجمع مردم، نیروهای حضرت مهدی علیه السلام است که در آن مکان گردهم میآیند.

واضح است که این نمونه روایتها درباره نشانه های ظهور حضرت یا ساختگی و دروغ است و یا سخنان راویان حدیث و کلمات علما است که مطالب آن را با روایات مخلوط نموده و سپس به پیامبر و یا ائمه نسبت داده اند!

سپاه سفیانی در راه حجاز (سپاهی که در زمین فرو میرود)

به زودی درباره نهضت ظهور حضرت مهدی علیه السلام سخن خواهیم گفت و به بررسی

کشمکش سیاسی در حجاز خواهیم پرداخت که طبق روایات، بدنبال کشته شدن

ص: ۱۳۳

عبد الله، حاکم حجاز و اختلاف در مورد جانشین او و درگیری بین قبایل حجازی بر سر حکومت، بوجود خواهد آمد.

این اختلافات موجب تضعیف حکومت حجاز شده و به حضرت فرصت میدهد که نهضت خود را در مکه آغاز و شهر را آزاد و حاکمیت خود را بر آن تثبیت کند.

در این مرحله، وقتی حکومت حجاز، خود را از شکست نهضت حضرت عاجز میبیند، مستقیم و یا توسط دولتهای بزرگ، سفیانی را وارد ماجرا میکند. آنگاه سفیانی، نیروهای خود را نخست به مدینه منوره و سپس به مکه مکرمه گسیل میدارد. در این هنگام حضرت به مسلمانان و به مردم جهان اعلام میدارد که در انتظار وقوع معجزه ای است که پیامبر، وعده داده یعنی همان فرو رفتن سپاه سفیانی به زمین در بیداء نزدیک مکه. حضرت اعلام میکند که به زودی پس از این معجزه، نهضت مقدس خویش را ادامه خواهد داد.

در برخی روایات آمده است که فرا خواندن نیروهای سفیانی به حجاز بویژه مکه و مدینه قبل از شروع نهضت حضرت اتفاق میافتد و سپاه سفیانی با هدف جستجوی حضرت و یارانش وارد مدینه منوره گردیده و در آنجا مرتکب جنایات فراوانی میشوند. در آن زمان حضرت در مدینه بسر میبرند، ولی مانند موسی علیه السلام با حالت بیم و امید از مدینه خارج میشوند، سپس خداوند اجازه ظهور حضرت را صادر میکند.

روایات شیعه و سنی، ورود لشکر سفیانی از طرف عراق و شام به مدینه منوره را هجومی سخت و ویرانگر توصیف میکنند که هیچ مقاومتی در برابر خود

نمییابد واو با یاران مهدی علیه السلام و شیعیان اهل بیت علیهم السلام در کشتار و نابودی زن و مرد، بزرگ و کوچک همانگونه که در عراق عمل کرده رفتار میکند! بلکه میتوان گفت

ص: ۱۳۴

حمله سفیانی در مدینه به مراتب سخت تر خواهد بود. در نسخه خطی ابن حماد از ابن شهاب چنین نقل شده:

" سفیانی به فرمانده خود در کوفه که با سوارانش آنجا را سخت درهم کوبیده، نامه ای مینویسد و دستور میدهد که به طرف حجاز حرکت کند، او روانه مدینه شده و چهل هزار نفر از قریش و انصار را به قتل میرساند، شکم زنان را میدرد و فرزندان را هلاک میکند و یک برادر و خواهر از طایفه قریش را که نامشان محمد و فاطمه است بر در مسجد مدینه به دار میآویزد " (۱).

برخی روایات میگویند که این برادر و خواهر از عموزادگان همان مرد پاک سرشت " نفس زکیه " هستند که امام مهدی علیه السلام وی را به مکه میفرستد و او پانزده شب قبل از ظهور حضرت در مسجد الحرام به قتل میرسد و این برادر و خواهر هم از دست لشکریان سفیانی در عراق گریخته بودند اما جاسوسی که از عراق با این دو همراه بوده آنان را به دشمنان معرفی و سر انجام توسط افراد سفیانی به دار آویخته میشوند.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

" سفیانی و همراهانش ظهور کنند، در حالی که اندیشه ای جز غلبه بر آل پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروان آنها ندارند. از این رو گروهی را به کوفه فرستند. رفتار آنها با شیعیان آل محمد صلی الله علیه و آله کشتن و دار زدن است. سپس گروه دیگری را رهسپار مدینه کنند. مردی در آنجا به قتل رسد و مهدی و منصور از آنجا بگریزند. اما از آل پیامبر صلی الله علیه و آله کسی باقی نماند مگر اینکه دستگیر و زندانی شود، سپاه سفیانی به جستجوی آن دو مرد فراری بپردازند و مهدی علیه السلام که مانند موسی علیه السلام نگران و مضطرب از شهر خارج شده بود وارد مکه شود " (۲)

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۸۸.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۲۲.

در همین باره آمده که " سفیانی با سپاهی انبوه وارد مدینه میشود ". (۱) و نیز " اهل مدینه قبل از حمله سفیانی از شهر خارج میشوند " (۲).

چنین به نظر میرسد که " منصور " که با حضرت مهدی علیه السلام از مدینه خارج میشود همان نفس زکیه محمد باشد که از یاران حضرت است و حضرت او را به مسجد الحرام میفرستد تا پیام آن بزرگوار را به گوش جهانیان برساند اما وی را به قتل میرسانند و احتمال هم دارد که شخص دیگری باشد.

در روایات، به غیر از مدینه و مکه، از مناطق دیگر حجاز که نیروهای سفیانی به آن وارد شوند، سخنی به میان نیامده و پیداست که مدت اشغال شهر مدینه چندان طولانی نیست سپس سفیانی تمام یا بخش عمده ای از سپاه خود را به مکه میفرستد که آن معجزه موعود رخ میدهد و تمام سپاهیان اعزامی در نزدیکی مکه به زمین فرو میروند.

برخی روایات، باقی ماندن لشکریان سفیانی در مدینه را تنها چند روز ذکر میکنند، و ظاهرا منظور از ورود سفیانی به مدینه، ایجاد رعب و وحشت و جستجوی حضرت است نه اقامت در شهر.

روایتهائی که در مورد فرو رفتن سپاه سفیانی به زمین است در کتابهای حدیثی مسلمانان، فراوان و متواتر است و شاید مشهورترین آنها در منابع سنی ها روایتی باشد که از ام سلمه نقل شده که گفت:

" پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پناهنده ای به خانه خدا پناه برد اما لشکری به سوی او فرستاده شود، چون به بیابان مدینه رسند، زمین آنها را ببلعد " (۳)

۱- ۱. بحار ص ۲۵۲.

۲- ۲. مستدرک حاکم: ۴ / ۴۴۲.

۳- ۳. مستدرک حاکم: ۴ / ۴۲۹ و بحار: ۵۲ / ۱۸۶.

فخر رازی از مفسران اهل سنت در تفسیر این آیه که میگوید " و اگر ببینی هنگامی که آنان وحشت زده اند و دیگر آنها را راه گریزی نیست و از مکانی نزدیک گرفته میشوند " (۱) آورده است که: " از ابن عباس روایت شده که این آیه در مورد فرو رفتن گروهی در بیابان بیداء نازل شده است. "

علامه طبرسی از مفسران شیعه در تفسیر مجمع البیان میگوید:

" ابو حمزه ثمالی از قول امام زین العابدین علیه السلام و امام حسن علیه السلام نقل میکند که منظور این آیه، لشکری ست که در صحرای بیداء زمین آنها را در کام خود فرو میبرد. "

و از حذیفه یمانی چنین روایت شده:

" پیامبر صلی الله علیه و آله از فتنه ای که بین اهل مشرق و مغرب واقع خواهد شد یاد نمود و فرمود در حالی که آنها گرفتار فتنه هستند، ناگهان سفیانی از وادی یابس (بیابان خشک) بر آنها خروج کند، تا آنکه در دمشق فرود آید آنگاه دو لشکر را به سوی مشرق و مدینه روانه کند تا به زمین بابل از شهر نفرین شده (بغداد) برسد، او بیش از سه هزار نفر را بکشد و بالغ بر یکصد زن را به زور تصاحب کند، و سیصد نفر از اولاد فلان عباس را به هلاکت رساند، آنگاه به کوفه هجوم آورده و اطراف آن را ویران سازد. سپس از آنجا خارج شده، به سوی شام حرکت کند، در این هنگام لشکری با پرچم هدایت از آن منطقه به پا خیزد و با لشکر سفیانی رو در رو گردد و آنها را چنان تار و مار کند که یک نفر هم که خبر مرگ بقیه را ببرد باقی نماند. و آنچه از اسیرها و غنیمتها در دست آنهاست باز پس گیرند و اما لشکر دوم وارد مدینه شده و سه شبانه روز به غارت و چپاول آنجا پرازند، آنگاه به سوی مکه روانه گردند تا به بیابان رسند. خداوند در این هنگام جبرئیل را به سوی آنها فرستد و فرماید: ای جبرئیل برو و آنها را نابود کن، پس جبرئیل ضربه ای به آن زمین زند که آنها را در خود فرو برد، هیچیک از آنها نجات نیابد مگر دو مرد از قبیله جهینه. " (۲)

۱- ۱. سبأ / ۵۱.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۱۸۶.

از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده است که فرمود:

" مهدی میآید، با موهایی مجعد و خالی بر گونه، آغاز نهضتش از سوی مشرق است. آنگاه که چنین شود سفیانی خروج و به مدت بارداری یک زن یعنی نه ماه فرمانروائی نماید، او در شام خروج کند و اهل شام بجز قبیله های حق طلب، مطیع او شوند، سپس با لشکری انبوه وارد مدینه شود تا آنکه وقتی به بیابان مدینه رسد، خداوند او را در آنجا به زمین فرو برد. و این است معنای فرموده خداوند: " و اگر ببینی هنگامی که آنان وحشت زده اند و دیگر آنها را راه گریزی نیست و از مکانی نزدیک گرفته شوند " (۱)

شاید معنای " آغاز نهضت حضرت از مشرق " این باشد که آغاز حرکت حضرت توسط قیام ایرانیانی است که از جمله زمینه سازان ظهور حضرت هستند.

و منظور از جمله " آنگاه که چنین شود " یعنی دستور ظهور صادر گردد و دولت برپا شود، سفیانی خروج کند. در این روایت معین نشده که خروج سفیانی آیا بلافاصله پس از تشکیل دولت زمینه ساز ظهور حضرت خواهد بود یا پس از سالهای طولانی.

ولی شواهد بیانگر آن است که نوعی ارتباط بین دولت ایرانیان و خروج سفیانی وجود دارد و خروج وی جهت رویاروئی با ایرانیان است، همچنانکه در اوایل بحث مربوط به جنبش حضرت به آن اشاره کردیم.

از حنان بن سدیر نقل شده است که گفت:

" از ابو عبد الله (امام صادق علیه السلام) درباره حادثه بلعیدن بیابان بیداء سؤال کردم. فرمود: آنجا محلی ست به نام " اماصهرا " که بر سر راه " برید " در فاصله دوازده میلی از منطقه " ذات الجیش " قرار دارد. (۲)

ذات الجیش بیابانی است میان مکه و مدینه وأماصهرا محلی در همان منطقه است.

۱- ۱. غیبت نعمانی ص ۱۶۳ و محجه بحرانی ص ۱۷۷.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۱۸۱.

از محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) روایت شده که فرمود:

" به زودی پناهنده ای به مکه خواهد آمد، هفتاد هزار سرباز تحت فرمان مردی از قیس برای دستگیری وی به آنجا اعزام میشوند، همین که تمام آنها در " ثنیه " اجتماع کنند، جبرئیل بگونه ای که صدایش به شرق و غرب بیابان برسد ندا دهد: ای بیدا، ای بیدا، بگیر آنها را که خیری در آنها نیست. هیچکس هلاکت آنها را نبیند مگر چوپانی در کوهستان که شاهد ماجراست و خبر این حادثه را برای بقیه میبرد. پس وقتی آن پناهنده شده به مکه داستان آنها را بشنود، خروج کند ". (۱)

همچنین از ابی قبیل نقل شده که گفت:

" از آنها کسی باقی نماند مگر یک بشارت دهنده و یک بیم دهنده، اما بشارت دهنده نزد مهدی علیه السلام و یارانش میآید و از آنچه اتفاق افتاده خبر میدهد و شاهد ماجرا، در چهره اش دیده شود، یعنی خداوند صورت او را به پشت سر او برمیگرداند و بدین ترتیب با مشاهده برگشتن چهره او به پشت سر، سخن او را تصدیق میکنند و آگاه میشوند که لشکر سفیانی در زمین فرو رفته اند و دومی نیز همانند اولی خداوند چهره اش را به پشت برگردانده، نزد سفیانی میآید و آنچه بر سر یاران او آمده برای وی بازگو میکند، سفیانی نیز به جهت علامتی که در او میبیند گفته وی را باور میکند و آن را مطابق با واقع میداند. این دو نفر مردانی از قبیله کلب هستند. " (۲)

از حفصه نقل شده:

" از پیامبر خدا شنیدم که فرمود: لشکری از جانب مغرب با هدف تصرف خانه کعبه بیاید. اما وقتی به بیداء رسد زمین آنها را در خود فرو برد، کسانی که پیشاپیش آن لشکرند بازگردند تا ببینند چه بر سر جماعت آمده است که آنها نیز به همان مصیبت گرفتار شوند، آنگاه خداوند هر کس را بر طبق نیت او برانگیزد. " (۳)

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۰.

۲- ۲. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۱.

۳- ۳. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۰.

یعنی کسی که مجبور به شرکت در لشکر سفیانی بوده اگر چه در آخرت مانند

شخص داوطلبی که با میل و اراده خود شرکت کرده، نیست اما او نیز به زمین فرو

میرود.

روایتی دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

" در شگفتم از قومی که قتلگاهشان یکی اما خاستگاهشان متفاوت و گوناگون است، پرسیدند: ای

رسول خدا چرا چنین شود؟ فرمود: چون در میان آنها افرادی مجبور و بی میل و مخالف وجود دارد ".

یعنی کسانی که در یک محل و در یک زمان از دنیا میروند، خداوند با توجه به

نیت ها و انگیزه هایشان در قیامت آنها را مورد حسابرسی و مؤاخذه قرار میدهد،

زیرا برخی از آنها به اکراه و بخاطر ترس از جان و ناموس خود و بعضی به اجبار و

گروهی دیگر داوطلبانه و با رغبت در آن لشکر شرکت میکنند.

روایتی شمار نفراتی که به زمین فرو میروند را دوازده هزار نفر ذکر کرده، نه

هفتاد هزار نفر. و روایتی دیگر میگوید که یک سوم آنها به زمین فرو میروند و یک

سوم دیگر چهره هایشان به پشت سر برمیگردد و یک سوم باقیمانده سالم

میمانند. " (۱)

* *

آغاز عقب نشینی سفیانی

پس از فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین، ستاره بخت او رو به افول میگذارد، و

اختر سعادت حضرت مهدی علیه السلام رو به اوج و درخشندگی مینهد.

روایات، بعد از این واقعه، نقش نظامی دیگری برای سفیانی در حجاز بیان

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۰ - ۹۱.

نمیکنند. و این بدان معنی است که با حادثه مذکور نقش او در حجاز پایان مییابد.

اما احتمال دارد نیروهایی برای او در مدینه باقی بمانند که با نیروهای حکومت

حجاز همراهی کنند. روایات تأیید میکنند که پس از واقعه فرو رفتن قوای سفیانی،

حضرت با سپاهی بیش از ده هزار نفر، برای آزادی مدینه راهی آن شهر شده و با

دشمنان خود درگیر میشود.

به هر حال حضرت، مدینه و حجاز را فتح و نیروهای دشمن را سرکوب میکند

و لشکر سفیانی هر جا که رویاروی او باشند، از حجاز تا عراق و شام، شکست

میخورند. همچنانکه طبق روایات یک یا چند نبرد نیز در عراق بین لشکر سفیانی

با سپاهیان مهدی علیه السلام و یاران یمنی و خراسانی آن حضرت اتفاق میافتد.

نبرد اهواز

طبیعی است که پس از شکست سفیانی بدست پیشگامان ایرانی و یمنی ظهور،

عراق تحت قلمرو حکومت حضرت و یاران وی درآید و شکست معجزه آسای

سفیانی در حجاز عامل مؤثری در تثبیت قدرت یاوران مهدی علیه السلام در عراق گردد

بویژه آنکه نیروهای پیشگام، پس از شکست قوای سفیانی، در عراق مستقر

میشوند و گروهی را جهت بیعت با امام زمان علیه السلام نزد آن حضرت به حجاز

میفرستند.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

" یاران درفش های سیاه که از خراسان میآیند در کوفه فرود آیند و چون مهدی علیه السلام ظهور کند گروهی

را جهت بیعت بسوی او فرستند. " (۱)

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۱۷.

همین روایت را ابن حماد آورده است:

" یاران درفش های سیاه از خراسان به کوفه روی آورند و چون مهدی علیه السلام در مکه ظهور نماید، گروهی

را جهت بیعت نزد وی فرستند. " (۱)

اما روایاتی نیز وجود دارد که از درگیری نیروهای سفیانی در عراق سخن

میگوید و این بار سفیانی با نیروی یکپارچه و متشکل امام مهدی علیه السلام روبرو میشود.

حضرت، شعیب بن صالح، فرمانده نیروهای ایرانی را به بعنوان فرمانده کل

نیروهای خود که بخش عظیمی از آنان ایرانی و یمنی و بخشی دیگر از سایر

سرزمین های اسلامی اند، انتخاب میکند.

برخی از روایات تنها از نبرد دروازه استخر (۲) سخن میگویند و آن را به عنوان

جنگی بزرگ میان نیروهای سفیانی و حضرت مهدی علیه السلام توصیف میکنند.

دو روایت دیگر محل گرد آمدن نیروهای ایرانی را منطقه " بیضاء استخر " معین

میکنند یعنی منطقه ای سفید رنگ در شهر استخر که به نظر میرسد همان

بلندی های نزدیک مسجد سلیمان باشد و به " کوه سفید " معروف است.

همچنین سه روایت، خاطر نشان میسازد که وقتی امام از مدینه عازم عراق است

نخست در بیضاء استخر فرود میآید و ایرانیها با حضرت بیعت مینمایند و در آنجا

به فرماندهی امام مهدی علیه السلام وارد کارزار با سفیانی شده و او را شکست میدهند. در

پی این نبرد حضرت با هفت کجاوه نور که معلوم نیست در کدام یک از آنهاست،

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۸۸.

۲- ۲. استخر شهری قدیمی در جنوب ایران است که قبل از اسلام، آباد و پایتخت بوده و آثار آن هنوز در نزدیکی شهر نفت

خیز " مسـجد سـلیمان " دیده میشود. نقل شده که شـهر اسـتخر را حضـرت سـلیمان علیه السـلام بنا نمود و فصل زمستان را در آنجا سپری میکرده است و گویا مسجد سلیمان، مسجدی بوده که حضرت سلیمان علیه السلام آن را ساخته است.

وارد عراق میگردد. ما آن ماجرا را در مبحث نهضت ظهور بیان خواهیم کرد.

در نسخه خطی ابن حماد از علی علیه السلام روایت شده که فرمود:

" وقتی سپاه سفیانی به سوی کوفه میروند، گروهی را به جستجوی یاران خراسانی میفرستند.

همزمان، یاران خراسانی در جستجوی حضرت بیرون میآیند، آنگاه هاشمی با درفش های سیاه در حالی

که شعیب بن صالح پیشاپیش آنها در حرکت است با او ملاقات میکند و در محل دروازه استخر با یاران

سفیانی برخورد مینمایند و بین آنها نبردی بزرگ رخ میدهد. درفش های سیاه پیروز میگردند و سواران

سفیانی پا به فرار میگذارند. آن هنگام مردم مهدی را میخواهند و او را میجویند. " (۱)

بنابر روایتی که خواهد آمد منظور از کسی که هاشمی با او ملاقات میکند،

حضرت مهدی علیه السلام و منظور از هاشمی، همان مرد خراسانی فرمانده نیروهای

ایرانی است. یعنی گروههای ایرانی در جستجوی امام مهدی علیه السلام و جهت بیعت با

او حرکت میکنند تا در کنار حضرت، علیه دشمنان به نبرد بپردازند. پس به

فرماندهی مرد هاشمی خراسانی به طرف جنوب ایران حرکت میکنند. آنها نزدیک

مرز خاکی حجاز، نزدیک بصره با حضرت ملاقات مینمایند.

روایتی دیگر میگوید:

" سفیانی هنگام جنگ در عراق، لشکریانش را به همه آفاق گسیل میدارد. " (۲)

این نکته نشانگر گستردگی و پراکندگی نیروهای وی در عراق و مرزهای ایران

است که فرضیه وجود نیروی دریائی سفیانی و هم پیمانان غربی وی را در خلیج

فارس تأیید میکند.

روایت زیر آمدن حضرت به جنوب ایران را بیان و جنگ دروازه استخر یا کوه

۱– ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۸۶.

۲– ۲. نسخه خطی ابن حماد ص ۸۶.

سفید را توصیف میکند ولی در متن روایت، نوعی آشفتگی وجود دارد:

" سفیانی پس از ورود به کوفه و بغداد، لشکریان خود را به همه آفاق میفرستد اما از اهل خراسان که در آنسوی رودخانه قرار دارند ترس و وحشتی به جانش میافتد. سپاهیان مشرق به آنها (لشکریان سفیانی) هجوم آورده و آنها را میکشند، وقتی این خبر به سفیانی میرسد سپاهی عظیم به استخر میفرستد. آنها (سفیانی و نیروهایش) با حضرت مهدی علیه السلام و هاشمی در منطقه کوه سفید با یکدیگر برخورد میکنند و بین آنها چنان جنگی بوقوع میپیوندد که ساقهای پای اسبان تا مچ در خون فرو میرود ".

روایت نخست، تأثیر شگرف شکست نیروهای سفیانی در نبرد اهواز را یادآور میشود که این شکست، موج عظیمی در میان ملتهای مسلمان و بین هواداران حضرت بوجود میآورد، بطوری که برای پیوستن به حضرت و بیعت با وی به جنب و جوش میافتند و این است معنی جمله " مردم مهدی را میخواهند و او را میجویند ".

به هر حال، بی تردید میتوان گفت که سفیانی پس از فرو رفتن لشکرش در حجاز، وارد مرحله عقب نشینی و شکست میگردد. و تمام سعی خود را صرف حفظ و نگهداری قلمرو حکومت خود در سرزمین شام و تقویت آخرین خط دفاعی فلسطین و قدس و آمادگی در برابر حمله نیروهای حضرت مهدی علیه السلام میکند.

روایات، جنگ دیگری بین سفیانی با حضرت مهدی علیه السلام ذکر نمیکنند، به جز نبرد بزرگ فتح قدس و آزادی فلسطین که جنگ پایانی سفیانی است و به شکست هم پیمانان یهودی و غربی او نیز منتهی خواهد شد.

سفیانی در نبرد فتح قدس

از روایات مربوط به این نبرد بزرگ برمیآید که سفیانی با مشکلات زیادی روبرو میشود، اولین مشکل، ضعف پایگاه مردمی او در سرزمین شام است زیرا قدرت و

موقعیت فرمانروائی او هر قدر هم که قوی باشد، اما از آنجا که مردم خطه شام،

مسلمانند و معجزات و کرامات حضرت و شکست سفیانی و رابطه او با دشمنان اسلام را مشاهده میکنند; از این رو موج علاقه به حضرت و دوستی و گرایش به ایشان و بیزاری و نفرت از سفیانی و سیاستهای وی قوت میگیرد.

به نظر میرسد که موج عظیم گرایش مردم به حضرت در سوریه، اردن، لبنان و فلسطین یعنی قلمرو حکومت سفیانی گسترش چشمگیری پیدا خواهد کرد. زیرا روایات خاطر نشان میسازند که حضرت با سپاه خود بسوی سرزمین شام لشکرکشی میکند و در " مرج عذراء " ناحیه ای در سی کیلومتری دمشق اردو میزند.. از این موضوع میتوان فهمید که نه تنها سفیانی از نگهداری مرزهای خود و پیشروی سپاه حضرت، عاجز است بلکه او نیروهای خود را از پایتختش یعنی دمشق، خارج کرده و به داخل فلسطین بازمیگرداند و مقر فرماندهی خود را در " منطقه رمله " جایی که نیروهای رومی در آن فرود میآیند، قرار میدهد.

بر اساس روایات، حضرت در آغاز نبرد، درنگ میکند و مدتی در حومه دمشق میماند تا بزرگان و مؤمنان اهل شام که هنوز به حضرت نپیوسته اند، ملحق شوند. سپس حضرت از سفیانی میخواهد که جهت گفتگو، شخصا حاضر شود. آنها یکدیگر را ملاقات میکنند. سفیانی تحت تأثیر شخصیت حضرت قرار گرفته و با ایشان بیعت میکند و تصمیم میگیرد دست از جنگ بردارد و منطقه را تسلیم امام علیه السلام نماید اما نزدیکان و پشتیبانان سفیانی، او را سرزنش کرده و از تصمیم خود منصرف میسازند!

ظاهر روایات نبرد قدس و فلسطین، از لحاظ سیاسی و طبیعی، هیچ تفسیری جز ضعف پایگاه مردمی سفیانی در سرزمین شام و وجود موج مردمی طرفدار

حضرت، ندارد. بعضی روایات اشاره دارند که کار به جائی میرسد که بخشی از طرفداران سفیانی و قسمتی از لشکر او نیز با حضرت بیعت کرده و به ایشان میپیوندند.

ص: ۱۴۵

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

" آنگاه وی (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) به کوفه میآید و تا زمانی که خدا بخواهد در آنجا میماند تا بر کوفه مسلط گردد. سپس با همراهانش به " مرج عذراء " میآیند در حالی که بسیاری از مردم به آن حضرت پیوسته اند. در آن هنگام سفیانی در منطقه " رمله " (فلسطین) بسر میبرد. دو سپاه رو در روی هم قرار میگیرند. آن روز، روز ابدال است، جمعی از مردمی که با سفیانی هستند از پیروی او دست کشیده و به شیعیان آل محمد علیهم السلام میپیوندند و عده ای از مردم که با آل پیامبر هستند به سفیانی میگروند، آنها در واقع از پیروان او بوده و به او میپیوندند. هر کس در آن روز بسوی پرچم خود میشتابد.. " (۱)

از علی علیه السلام روایت شده که فرمود:

" وقتی سفیانی، لشکری به سوی مهدی میفرستد، در بیابان بیداء به هلاکت میرسند. این خبر به اهل شام میرسد، آنها به خلیفه خود گویند مهدی ظهور کرده، با او بیعت کن و به اطاعت وی درآی و اگر نه تو را میکشیم، او عده ای را جهت بیعت نزد حضرت میفرستد.. اما مهدی از سوی دیگر حرکت میکند تا در بیت المقدس فرود آید. " (۲)

این روایت، اوج محبوبیت مردمی حضرت و مخالفت مردم با سفیانی را نشان میدهد.

و نیز آمده است:

" حضرت میگوید پسر عمویم را نزد من آورید تا با وی سخن گویم پس سفیانی نزد حضرت میآید و گفتگو میکند، آنگاه زمام امور را به امام علیه السلام تسلیم و با او بیعت میکند! اما همین که نزد یاران خود بازمیگردد قبیله کلب او را پشیمان میکنند، به همین جهت برمیگردد و تقاضای فسخ پیمان مینماید، امام نیز بیعت وی را فسخ میکند، آنگاه سفیانی لشکریان خود را برای جنگ با امام بسیج میکند ولی امام علیه السلام او را شکست میدهد. خداوند رومیان را نیز بدست آن حضرت نابود میکند. " (۳)

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۲۴.

۲- ۲. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۶.

۳- ۳. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۷.

معنی عبارت " قبیله کلب او را پشیمان میکند " یعنی او را از بیعت با حضرت مهدی علیه السلام پشیمان مینمایند.

کلب نام عشیره ای ست که دایی های سفیانیند و سمبل تعصب در میان مردم شامند. اما در حقیقت کسانی که سفیانی را پشیمان و حکومت او را در برابر حرکت مردمی طرفدار امام حفظ و او را وادار به پیکار با آن حضرت میکنند، همان پشتیبانان یهودی و رومی سفیانیند. همچنانکه از روایات پیشین و روایات دیگر میتوان این موضوع را بدست آورد.

به هر حال، سفیانی نمیتواند از جو موجود مردمی و از فرصتی که حضرت به وی میدهد، استفاده کند و مسلمانان سرزمین شام هم موفق به ساقط نمودن حکومت سفیانی و ارتش او نمیشوند، از این رو وی و هم پیمانانش، نیروهای خود را برای جنگی بزرگ آماده میکنند، جنگی که محورهای آن به گفته روایات از عکا تا صور و از آنجا تا انطاکیه در ساحل دریا و از دمشق تا طبریه و تا داخل قدس گسترش مییابد.

در این هنگام است که غضب خداوند و خشم حضرت مهدی علیه السلام و سپاهیانش بر سفیانی و هم پیمانان وی فرو میبارد و نشانه ها و معجزات الهی بدست حضرت آشکار میشود و سختی و تیره روزی به سفیانی و حامیان یهودی و رومی او روی میآورد و آنان را به بدترین شکل به شکست میکشاند.

سرانجام، سفیانی بدست یکی از سپاهیان امام علیه السلام دستگیر و به زندگی طاغوتی او پایان میدهند، ستمگری که در مدت پانزده ماه دست به جنایاتی میزند که دیگران در سالهای طولانی نمیتوانند مرتکب آن شوند.

ملاحظه

در لندن، جوان تحصیل کرده ای از " آل حدیدی " مرا دید و گفت که او چند بار کتاب عصر ظهور مرا مطالعه کرده و روایات علائم ظهور را تحقیق و بررسی نموده و به این نتیجه رسیده که نیروهای سفیانی که بر اساس روایات در کشورهای شام، عراق، حجاز و خلیج پخش میشوند، کنایه از نیروهای غربی و اروپائی ست.

اما به نظر بنده از ظاهر روایات همان مطلبی فهمیده میشود که تاکنون بیان شد مضافا بر اینکه سفیانی آلت دست غرب و یهود است. اما نظر آن جوان فاضل که معتقد است نیروهای سفیانی کنایه از نیروهای غرب و یهود است، موضوعی ست که احتیاج به شاهد و دلیل دارد. والله العالم.

* *

ص: ۱۴۸

نقش یمن در دوران ظهور

روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام به دست ما رسیده که بیانگر وقوع یک نهضت اسلامی و زمینه ساز ظهور حضرت در یمن است. سند تعدادی از این روایت ها صحیح است (۱) وقوع این نهضت، حتمی و پرچم آن پرچم هدایت و زمینه ساز ظهور و پشتیبان آن حضرت است. حتی برخی روایات آن را هدایت بخش ترین پرچمها به صورت کلی در عصر ظهور میدانند و بر ضرورت پشتیبانی آن، بیش از پشتیبانی پرچم مشرق ایرانی تأکید میکنند. و زمان آن را همزمان با خروج سفیانی در ماه رجب یعنی چند ماه قبل از ظهور حضرت و مرکز آن را صنعا معرفی میکنند.

رهبر این نهضت، در روایات، به " یمانی " معروف است. و روایتی نام او را " حسن " و یا " حسین " و از نسل " زید بن علی " میداند.

اینک مهمترین روایات مربوط به این نهضت را بررسی میکنیم:

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

" قبل از قیام قائم، وقوع پنج علامت حتمی است: یمانی، سفیانی، صیحه آسمانی، کشته شدن نفس زکیه و فرو رفتن در بیداء " (۲).

۱- ۱. سند صحیح، سندی است که تمام راویان آن مورد وثوق باشند. مترجم

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۰۴.

و نیز فرمود:

" خروج سفیانی، یمانی و خراسانی در یک سال، یک ماه و یک روز و ترتیب آنها همچون رشته

مهره ها پشت سر هم خواهد بود. سختی از هر سو پدید آید، وای بر کسی که با آنها مخالفت و دشمنی کند.

در میان درفش ها، هدایت گرتر از درفش یمانی وجود ندارد، چرا که درفش حق است و شما را بسوی

صاحبتان دعوت کند. وقتی یمانی قیام کند، فروش اسلحه به مردم حرام است. پس بسوی او بشتابید که

درفش او درفش هدایت است. بر هیچ مسلمانی، سرپیچی از او جایز نیست و اگر کسی چنین کند اهل آتش

است، زیرا او مردم را به حق و به راه مستقیم دعوت کند. " (۱)

امام رضا علیه السلام در مورد کسی که ادعا میکرد، امام زمان است، فرمود:

" قبل از ظهور (مهدی)، سفیانی، یمانی، مروانی و شعیب بن صالح خواهند آمد، پس او چگونه چنین

ادعائی مطرح میکند؟ " (۲)

منظور از مروانی در روایت، احتمال دارد همان ابقع باشد یا آنکه در متن روایت

خراسانی بوده و توسط نویسندگان اشتباهی رخ داده باشد.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

" خروج این سه تن، خراسانی، سفیانی و یمانی در یک سال، یک ماه و یک روز اتفاق میافتد. و

درفش یمانی از همه هدایت کننده تر است زیرا که دعوت به حق میکند. " (۳)

و از هشام بن حکم نقل شده که چون " طالب حق " خروج کرد به امام صادق علیه السلام

گفته شد: " آیا امیدوارید این شخص یمانی باشد؟ حضرت فرمود: خیر، یمانی پیرو علی است و این

شخص از آن حضرت بیزاری میجوید " (۴) و در همین روایت آمده است که " یمانی و سفیانی

۱- ۱. بشاره الاسلام ص ۹۳ به نقل از غیبت نعمانی.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۳۳.

۳- ۳. بحار: ۵۲ / ۲۱۰.

۴- ۴. بحار: ۵۲ / ۷۵.

همچون دو اسب مسابقه هستند " یعنی هر یک میکوشد از دیگری سبقت گیرد.

و در بعضی روایات درباره حضرت مهدی علیه السلام وارد شده است:

" او از یمن و آبادی ای به نام کرعه خروج میکند. "

کرعه قریه ای در یمن از منطقه بنی خولان نزدیک صعده است. در صورت

صحیح بودن این روایت، باید گفت که منظور، خروج یمانی است که قیام خود را از

این منطقه آغاز میکند و اگر در بعضی روایات آمده که آغاز حرکت حضرت از

مشرق است; منظور آغاز حرکت یاران آن حضرت است. زیرا آنچه در روایات

ثابت و مکرر آمده این است که امام زمان علیه السلام از مکه و مسجد الحرام قیام خود را

آغاز میکند.

در کتاب بشاره الاسلام آمده است:

" آنگاه، فرمانروائی بنام حسین یا حسن از صنعاء قیام کند و با قیام او فتنه های سخت از میان برود،

خجسته و پاک ظاهر شود و در پرتو ظهور او تاریکیها به روشنی تبدیل و حق بعد از پنهان شدن، آشکار

گردد. " (۱)

* *

اکنون به بررسی چند نکته درباره نهضت و قیام یمانی میپردازیم:

الف: نقش انقلاب و قیام یمانی: طبیعی است که نهضتی که زمینه ساز حضرت

مهدی علیه السلام در یمن است; نقش عمده ای در مساعدت نهضت آن حضرت و یاری او

در حجاز دارد. هر چند که در روایات به این نقش چندان اشاره نشده و شاید دلیل

آن حفظ نهضت یمانی و جلوگیری از آسیب های احتمالی به آن باشد. ما به زودی در

مبحث نهضت آن حضرت خواهیم گفت که نیروهای انسانی که در مکه و حجاز قیام

۱- ۱. بشاره الاسلام ص ۱۸۷.

میکنند و سپاه حضرت را تشکیل میدهند، بطور عمده از یاوران حجازی و یمنی خواهند بود.

یمنی ها در عراق

طبق بعضی روایات، به دنبال ورود سفیانی به عراق، یمانی هم وارد آنجا میشود. نیروهای یمنی در جنگ با سفیانی نقش پشتیبانی نیروهای ایرانی را دارند، چرا که از لابلای اخبار چنین فهمیده میشود که طرف اصلی درگیر با سفیانی، مردم مشرق زمین یعنی یاران خراسانی و شعیب هستند.

از طرف دیگر، یمنی ها علاوه بر حجاز، نقش اساسی در منطقه خلیج خواهند داشت، گرچه روایات آن را خاطر نشان نساخته اند، اما ممکن است فرمانروائی یمن، حجاز و کشورهای حوزه خلیج در دست نیروهای یمنی باشد که پیرو حضرت اند.

ب: چرا پرچم یمانی از پرچم خراسانی هدایت بخش تر است؟ با اینکه درفش خراسانی و بطور کلی درفش های اهل مشرق به درفش هدایت، توصیف شده و کشتگان آنها شهید محسوب گشته و تعدادی از ایرانیان جزو وزیران، مشاوران و از یاران خاص حضرت اند. از جمله فرمانده نیروهای ایرانی، شعیب بن صالح که توسط امام به فرماندهی کل ارتش حضرت انتخاب میگردد. و با آنکه نقش ایرانیان، در آماده سازی قیام حضرت، نقش وسیع و فعالی است و فداکاری آنان آغازگر نهضت حضرت خواهد بود، و ما آن را در فصل " نقش ایرانیان در دوران ظهور " بیان خواهیم کرد، پس چرا انقلاب یمانی هدایت بخش تر از نهضت ایرانیان است؟ دلیل این کار ممکن است به روش اداره حکومت توسط یمانی بازگردد یعنی روش ساده و قاطع اسلامی در رهبری سیاسی و اداری. در حالی که دولت ایرانیان

از پیچیدگی در مدیریت و نواقص دیگر رنج میبرد، این تفاوت ریشه در سادگی و

قبیله ای بودن جامعه یمن و وراثت تمدن کهن و چند گانه جامعه ایرانی دارد.

ص: ۱۵۲

همچنین ممکن است انقلاب یمن بخاطر برخورداری از سیاست های قاطع، و
دستگاه اجرائی واقع بین و بهره گیری از نیروهای مخلص و مطیع و نظارت مستمر بر
عملکرد کارگزاران خود، دارای قدرت هدایت بیشتری باشد. و این همان دستور
العملی است که اسلام به متولیان امور میدهد تا بر اساس آن با کارکنان حکومتی
عمل نمایند همچنانکه در منشور امیر مؤمنان علیه السلام به مالك اشتر میبینیم. در صفات
حضرت مهدی علیه السلام نیز آمده است که " او نسبت به کارگزاران و کارمندان خود سختگیر و نسبت به
بینوایان مهربان است ".

در حالی که ایرانیان بر اساس چنین سیاستی عمل نمیکنند.

و نیز احتمال دارد درفش یمانی از این جهت هدایت کننده تر باشد که در تعقیب
طرح جهانی اسلام، خود را ملزم به رعایت قوانین و مقررات بین المللی روز نداند،
در حالی که ایرانیان معتقد و ملزم و مجبور به رعایت آنها باشند.

اما بهتر آن است که بگوئیم انقلاب یمانی به دلیل بهره گیری از رهنمودهای
مستقیم حضرت مهدی علیه السلام قدرت هدایت بیشتری دارد چرا که یمن جزء لاینفك
قلمرو نهضت حضرت شمرده میشود.

علاوه بر آن، شخص یمانی به دیدار حضرت نائل میشود و بطور مستقیم از آن
حضرت کسب تکلیف میکند.

نشانه های این ادعا، روایات مربوط به انقلاب یمنی هاست که رهبر انقلاب یمن
یعنی شخص یمانی را میستاید و میگوید: "بسوی حق هدایت کند و شما را بسوی صاحبتان
بخواند. سرپیچی از فرمان او برای مسلمانان جایز نیست و کسی که چنین کند اهل آتش خواهد بود "

اما در روایات مربوط به نهضت ایرانیان، بیش از ستایش رهبران، از عموم مردم

به عنوان یاوران درفش های سیاه و اهل مشرق، ستایش شده است. البته بجز شعیب بن صالح که با توجه به روایات، نسبت به بقیه فرماندهان، امتیاز و برتری

ویژه ای دارد و پس از او سید خراسانی و سپس مردی از قم در روایات مورد ستایش قرار گرفته اند.

علاوه بر همه این موارد، انقلاب یمانی به ظهور امام علیه السلام نزدیکتر از انقلاب ایرانیان است، حتی اگر فرض کنیم یمانی قبل از سفیانی قیام کند یا آنکه یمانی دیگری زمینه ساز یمانی موعود باشد.

در حالی که انقلاب ایرانیان بدست مردی از قم صورت میپذیرد که سرآغاز نهضت و قیام حضرت مهدی علیه السلام است " آغاز نهضت او از مشرق است " و فاصله بین شروع نهضت ایرانیان و بین خراسانی و شعیب ممکن است بیست یا پنجاه سال و یا آنچه خدا اراده کند، به طول انجامد...

چنین نهضتی بر پایه اجتهاد فقهاء و نمایندگان سیاسی آنان استوار است و از امتیاز خلوص انقلاب یمانی که بطور مستقیم از ناحیه امام مهدی علیه السلام هدایت میشوند، بهره مند نیست.

ج: نکته دیگر اینکه، ممکن است یمانی چند نفر بوده و مثلا دومین آنها، یمانی مورد نظر باشد. در روایاتی که گذشت خروج یمانی موعود را با صراحت همزمان با ظهور سفیانی، یعنی سال ظهور حضرت بیان کردیم ولی روایت دیگری با سند صحیح از امام صادق علیه السلام وجود دارد که میگوید:

" یک مصری و یک یمانی قبل از سفیانی قیام میکنند. " (۱)

بنابر این روایت، یمانی اول، زمینه ساز یمانی موعود خواهد بود، همچنانکه " مردی از قم " و " اهالی مشرق " زمینه ساز خروج خراسانی و شعیب خواهند بود که هر دو در روایات وعده داده شده اند.

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۱۰.

این روایت، زمان خروج یمانی اول را پیش از سفیانی تعیین کرده که ممکن

است اندکی قبل از سفیانی و یا سالهای طولانی قبل از او باشد. والله العالم.

د: مطلب دیگر، روایتی است که عبید بن زراره از امام صادق علیه السلام روایت نموده

که گفت:

" نزد امام صادق علیه السلام از سفیانی سخن گفته شد. حضرت فرمود: او چگونه خروج کند در حالی که مرد

چشم شکسته در صنعاء هنوز خروج نکرده است. " (۱)

این خبر از روایات قابل توجه است که در منابع معتبری همچون کتاب غیبت

نعمانی آمده و شاید سند آن صحیح باشد.

و چنانچه گفتیم، احتمال دارد مردی که قبل از سفیانی ظهور میکند، یمانی اول

باشد که زمینه ساز یمانی موعود است. اما در اینکه منظور از " مرد چشم شکسته "

چیست، چند احتمال وجود دارد. بهترین آن این است که بگوئیم، این یک بیان

رمزی از امام صادق علیه السلام است و معنای آن جز در وقت خود آشکار نمیگردد.

* *

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۴۵.

حوادث مصر در دوران ظهور

روایت های فراوانی پیرامون حوادث مصر در دست ما است. این روایات مژده

پیامبر صلی الله علیه و آله به مسلمانان درباره فتح مصر، غلبه غربی ها بر آن کشور در زمان نهضت

فاطمی ها و بالاخره حوادث زمان ظهور حضرت مهدی عجّل الله فرجه الشّریف را دربر میگیرد.

اما به نظر میرسد که حوادث زمان ظهور با حوادث مربوط به تشکیل دولت

فاطمی ها در مصر آمیخته شده زیرا در هر دو حادثه، ورود سپاه غرب به مصر

پیش بینی شده است.

راه حل این مشکل آن است که ببینیم در متن کدام روایت ماجرایی مطرح شده

که به زمان ظهور متصل است و یا از حادثه ای سخن گفته که مرتبط با حوادث زمان

ظهور حضرت است مانند خروج سفیانی و امثال آن.

با رعایت این نکته، تعدادی از روایات که حوادث مصر را در عصر ظهور ترسیم

کرده اند در دست ما باقی میماند که بدون تردید بیانگر حوادث زمان ظهور حضرت

بوده و یا به احتمال قوی جزء آنها محسوب میگردد.

اکنون به چند دسته از این روایات توجه کنید:

الف: روایات مربوط به کشته شدن فرمانروای مصر بدست مردم آن کشور.

این حادثه بعنوان یکی از نشانه های ظهور آمده است. (۱)

تعبیری که در زمان ما بین مردم رایج شده و گفته میشود از نشانه های ظهور آن

است که: " اهل مصر سادات خود را میکشند و بردگان بر کشور سادات مسلط میشوند " (۲) و آن را

به قتل " انور سادات " انطباق میدهند، تطبیق درستی نیست، چرا که کلمه

" سادات " در این روایات، به معنای رؤسای حکومت است نه اسم شخص خاص.

بعلاوه طبق روایات، پس از قتل فرمانروای مصر که از نشانه های ظهور حضرت

است، یک سپاه یا بیشتر وارد مصر میشود که چنانچه خواهیم گفت، همان سپاه

غرب است.

برخی از روایات، کشته شدن فرمانروای مصر را همزمان با کشته شدن حاکم

شام بدست مردم شام، میدانند: " قبل از وی فرمانروای شام و حاکم مصر کشته میشوند " (۳).

شاید بین روایت قتل فرمانروای مصر با روایت انقلاب مردی از مصر قبل از

خروج سفیانی، رابطه ای وجود دارد.

در بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۱۰ آمده است:

" پیش از سفیانی، مصری و یمانی قیام میکنند. "

این شخص مصری ممکن است سرکرده فرماندهان و فرمانده سپاهی باشد که

طبق برخی روایات جنبشی در مصر ایجاد نموده و اعلان وضعیت جنگی میکند.

" سرکرده فرماندهان در مصر قیام میکند و سپاهیانش را تجهیز و بسیج مینماید. "

در روایتی دیگر هم گفته شده که وی قبل از ورود نیروهای غربی، مردم را به

۱- ۱. بشاره الإسلام ص ۱۷۵.

۲- ۲. بشاره الاسلام ص ۱۷۶.

۳- ۳. کتاب بشاره الاسلام ص ۱۸۵ به نقل از کتاب " القول المختصر ".

سوی آل پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت میکند.

" اهل غرب به سوی مصر هجوم آورند، ورود آنها علامت سفیانی است و قبل از آن شخصی مردم را به

سوی آل پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت نماید. " (۱)

احتمال هم دارد که مرد مصری و سرکرده فرماندهان و مردی که مردم را دعوت

به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله مینماید سه نفر باشند نه یک نفر.

به هر حال، مجموع این روایات نشانگر قیام و انقلابی است که زمینه ساز ظهور

حضرت در مصر است و یا حداقل بیانگر وجود جو اسلامی نیرومندی است که

باعث تحول و انقلاب داخلی در مصر شده و با جنگ و صلح جهانی مرتبط است.

از جمله روایات حوادث مصر، غلبه قبطیان بر اطراف مصر است، از امیر

مؤمنان علیه السلام روایت شده که درباره یکی از نشانه های ظهور فرمود:

" تسلط قبطیان بر اطراف مصر " (۲)

ممکن است منظور از روایتی که در نسخه خطی ابن حماد از ابوذر (ره) روایت

شده همین حادثه باشد، آنجا که میگوید: " امنیت از مصر رخت بربندد. خارجه (یعنی راوی)

گوید به ابوذر گفتم: در آن هنگام که امنیت از دست رود، پیشوایی نیست که آن را برگرداند. گفت: خیر، زیرا

نظام آن گسسته شود. " (۳)

بر اساس این روایات، قبطی های مصر فتنه ای به پا کرده و از حکومت سرپیچی

و بر برخی نواحی مصر سلطه میابند، و سبب ضعف امنیت و اقتصاد مصر

میگردند..

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۰۸.

۲- ۲. بشاره الاسلام ص ۴۲.

۳- ۳. نسخه خطی ابن حماد ص ۷۸.

طبیعی است که این طغیان و سرکشی بوسیله دشمنان مسلمین از خارج هدایت میشود، زیرا سابقه ندارد که قبطیان در تاریخ خود بدون کمک قدرت خارجی دست به تحرک مهمی علیه مسلمانان زده باشند چنان که در جنگ های صلیبی و در عصر کنونی نیز اوضاع به همین شکل است.

روایات، زمان تحرک قبطیان را معین نکرده اند ولی روایت دیگری به نقل از حذیفه میگوید:

" مصر، تا خراب شدن بصره از ویرانی در امان است " (۱)

و در همین روایت آمده است: " و خراب شدن مصر از خشکی رود نیل سرچشمه گیرد "

شاید خرابی موعود بصره، بعد از ورود سفیانی به عراق و در سال ظهور حضرت باشد.

ب: احادیث مربوط به ورود نیروهای مغربی به مصر.

نویسندگان، این نشانه را معمولا از علامتهای ظهور حضرت شمرده اند. منظور از مغرب، در این روایت و روایات دیگر، کشورهای غرب سرزمینهای اسلامی است که شامل مغرب، الجزائر، لیبی، تونس و... میگردد. و بسیاری از این روایات بر ورود نیروهای مغربی به مصر در زمان انقلاب فاطمی ها، منطبق است.

اما در کتاب " غیبت " شیخ طوسی ص ۲۷۸ که از قدیمی ترین و معتبرترین منابع ما است روایتی آمده که در آن اهل " غرب " گفته شده نه اهل " مغرب " و صاحب بحار الانوار و بشاره الاسلام نیز روایت را از او نقل نموده اند. اما غیر از این دو نفر، سایر افراد آن را به اشتباه " مغرب " نقل کرده اند. بنابراین آنچه در این روایات است، نیروهای غربی ست.

۱- ۱. بشاره الاسلام ص ۲۸ به نقل از ابن عربی در کتاب محاضره الابرار.

روایت دیگری، زمان ورود غربیها به مصر را اندکی قبل از خروج سفیانی در

دمشق میداند. این نکته، در قسمتی از روایت طولانی عمار یاسر (رحمه الله) بیان شده

است:

" دولت اهل بیت پیامبرتان در آخر الزمان برقرار شود و دارای نشانه هایی است... اهل غرب به سوی

مصر حرکت کنند. ورود آنها به مصر علامت سفیانی است. "

با توجه به اینکه سفیانی چند ماه قبل از ظهور خروج میکند، بنابراین، ورود

نیروهای غرب به مصر یا در سال ظهور و یا نزدیک به آن اتفاق میافتد.

اکنون مناسب است به روایتی اشاره کنیم که بیانگر درگیری سفیانی با اهل مصر

است. بر اساس این روایت سفیانی وارد مصر شده و به مدت چهار ماه دست به

جنایت میزند، به احتمال قوی این روایت از احادیث غیر واقعی و مبالغه آمیز در

مورد سفیانی است. زیرا در منابع معتبر اشاره ای به آن نشده اما طبق بعضی روایات،

سفیانی در دمشق، " ابقع " را به قتل میرساند. او، یا اهل مصر است و یا با مصر

ارتباطی دارد. والله العالم.

روایت دیگری میگوید مهدی علیه السلام مصر را منبر (پایگاه تبلیغاتی) خود قرار

میدهد و این مطلب در روایت عبایه اسدی از علی علیه السلام چنین وارد شده است:

" شنیدم امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: در مصر منبری بنا کنم و دمشق را ویران سازم و یهود و نصاری را از

تمام شهرهای عربی اخراج و با این چوب عرب ها را برانم. راوی گوید: گفتم: بگونه ای خبر میدهید که گویا

پس از مرگ زنده میشوید؟ فرمود: هیهات! ای عبایه، واقعا به خطا رفتی! مردی از تبار من چنین خواهد

کرد. " (۱)

و نیز از علی علیه السلام در مورد حضرت مهدی علیه السلام و یارانش چنین وارد شده است:

۱- ۱. بحار: ۵۳ / ۶۰.

" آنگاه (مهدی و یارانش) به سوی مصر رهسپار شوند. حضرت بر منبر آنجا بالا رود و برای مردم سخن گوید، زمین در اثر عدالت شاد شود و آسمان باران رحمت خود را فرو فرستد، درختان بارور شوند و زمین، گیاهان خود را بیرون داده و چهره خویش را با گل و گیاه بر اهل زمین بیاراید، حیوانات وحشی چنان در امن و امان بسر برند که در مسیر مردم مانند چهار پایان اهلی به چرا پردازند، نور دانش در دلهای مؤمنان پرتو افکند، بگونه ای که هیچ مؤمنی به برادر دانشمند خود نیاز علمی پیدا نکند، در آن روز، این آیه تجلی یابد. (خداوند هر کدام آنها را از فضل و کرم خود بی نیاز کند) " (۱)

از این دو روایت چنین استفاده میشود که مصر در حکومت جهانی مهدی،

پایگاه علمی و تبلیغی معروفی خواهد شد بویژه با توجه به این عبارت: " در مصر

منبری بنا خواهم کرد ". و این جمله " آنگاه بسوی مصر روانه شوند و او بر منبر آنجا بالا رود " یعنی

حضرت و یارانش راهی مصر شوند اما نه برای فتح، یا تثبیت حکومت، بلکه به

جهت استقبال مردم مصر از امام و یارانش، از این رو همانگونه که جد بزرگوارش

علی علیه السلام وعده داده، آنجا را به عنوان منبر و سخنگاه خویش انتخاب مینماید، تا

پیام خود را به تمام عالم برساند.

این نکته که مصر کرسی علم و پایگاه پیام رسانی حضرت به جهان باشد،

منافاتی با آنچه در روایت به آن اشاره شد که مسلمانان نیاز علمی به یکدیگر

نخواهند داشت، ندارد چرا که دانش امری نسبی است.

ج: حدیث مربوط به اینکه حضرت در دو هرم از اهرام مصر گنجینه ها و ذخائری

از دانش و غیر آن دارد.

این روایت، در منابع معتبر ما، مانند کتاب " کمال الدین " شیخ صدوق (قدس سره) ص

۵۶۴ از قول احمد بن محمد شعرانی، یکی از فرزندان عمار یاسر (رحمه الله)، از محمد بن

۱- ۱. بشاره الاسلام ص ۷۱.

قاسم مصری آمده است که پسر احمد بن طولون، هزار کارگر را به مدت یکسال برای

جستجوی در ورودی هرم به کار گماشت. آنان به سنگی مرمر برخوردند. پشت آن

در، ساختمانی قرار داشت اما نتوانستند در ساختمان را بگشایند. تا اینکه کشیشی

مسیحی از حبشه، نوشته سنگ را که از طرف یکی از فراعنه مصر بود، خواند: " من

اهرام و ظرف های سفالی را ساختم و این دو هرم را بنا نهاده و گنجها و ذخائر خود را

در آن به ودیعت نهادم " ابن طولون گفت: " این چیزی است که هیچ کس جز قائم آل

محمد صلی الله علیه و آله راه و چاره آن را نمیداند " سپس آن تخته سنگ بجای اولش گذارده شد.

در این روایت نقاط ضعفی وجود دارد که شاید برخی راویان به آن افزوده باشند

اما در عین حال، نقاط قوت قابل توجهی نیز به چشم میخورد. والله العالم.

د: حدیث " أخنس مصر "

نویسنده کنز العمال حدیث زیر را به نقل از تاریخ ابن عساکر از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت

کرده که فرمود:

" مردی از قریش بنام اخنس (و بر اساس کتاب فیض القدیر مناوی ج ۴ ص ۱۳۱) مردی از بنی امیه

در مصر قدرت را بدست خواهد گرفت. سپس بر او پیروز شوند و یا قدرت از او گرفته شود او به روم گریزد

و رومیان را به اسکندریه آورد و در آنجا با مسلمانان به نبرد پردازد و این آغاز فجایع و کشتارها است " (۱)

منظور از " آغاز فجایع " شاید فجایع و کشتارهای قبل از ظهور حضرت و مراد از بنی

امیه، خط و مشی آنها باشد. والله العالم

* *

۱- ۱. کتب برهان ص ۲۰۰.

نقش عراق در دوران ظهور

اشاره

پیرامون اوضاع و حوادث عراق، در دوران ظهور، روایات زیادی وارد شده و بیانگر آن است که عراق، میدان کشمکشی آرام نشدنی بین نیروهای متعدد است و این کشور چهار مرحله را پشت سر خواهد گذاشت.

مرحله اول: دوره تسلط ستمکاران بر عراق قبل از ظهور و به مدت طولانی همراه با وحشت و کشتار فراگیر که آرامشی برای مردم باقی نمیماند.

مرحله دوم: کشمکش برای نفوذ به عراق بین طرفداران اهل بیت علیهم السلام و طرفداران سفیانی فرمانروای سرزمین های شام.

مرحله سوم: اشغال عراق توسط سفیانی و آزار و اذیت مردم و سپس ورود سپاهیان حضرت به آنجا و شکست و فرار نیروهای سفیانی از عراق.

مرحله چهارم: آزاد سازی کامل عراق توسط حضرت و پاکسازی آن از لوث وجود سفیانیان و گروهکهای شورشی و انتخاب عراق بعنوان محل استقرار و مرکز فرمانروائی حضرت.

روایات دیگری نیز به حوادثی پرداخته اند که در خلال این چهار مرحله بوجود میآید مانند: خروج شیصبانی قبل از سفیانی که از مخالفین حضرت است.

شهادت نفس زکیه (انسان پاک نهاد) همراه با هفتاد تن از صلحا در پشت کوفه،

خروج عوف سلمی از جزیره و یا تکریت و ممنوع شدن عراقیها از سفر حج به

مدت سه سال، فرو رفتن شهر بصره و خراب شدن آن اندکی پیش از ظهور حضرت،

فرو رفتنی دیگر در بغداد و حله و ورود نیروهای مغربی یا غربی به عراق، قیام

فردی نیکوکار و شایسته با گروهی اندک جهت رویارویی با لشکر سفیانی، شورش

گروهکهایی از شیعه و سنی بر ضد آن حضرت که شاید خطرناک ترین آنها " گروه

رمیله دسکره " باشد که منطقه ای است نزدیک " شهربان " در استان دیالی عراق.

اینک به مهمترین روایت های این حوادث نظری میافکنیم:

مرحله اول و دوم

اشاره

بارزترین مطلب در روایات این دو مرحله، گرفتاری شدید مردم عراق از سوی

فرمانروایان ستمگر و اختلاف این فرمانروایان با هواداران درفش های سیاه (ایرانیان)

است.

جابر بن عبد الله انصاری (رحمه الله) از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل میکند:

" چنان شود که به مردم عراق، پیمانه ای غله یا درهمی نرسد، گفتم از چه ناحیه ای؟ فرمود: از ناحیه

عجم که مانع آن شوند " (۱)

یعنی مواد غذائی و کمکهای مالی بواسطه جنگی که با ایرانیان دارند به آنان

نمیرسد. و این همان بحران اقتصادی و گرسنگی و ترسی است که روایت جابر

جعفی در خصوص آن وارد شده که گفت:

" از امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه (ولنبلونکم بشیء من الخوف والجوع) یعنی: ما یقینا شما را به

چیزی از ترس و گرسنگی میآزماییم; سؤال کردم. حضرت فرمود: ای جابر، این ترس و قحطی دو جنبه

۱- ۱. بحار: ۵۱ / ۹۲.

خصوصی و عمومی دارد، اما قحطی خاص در شهر کوفه خواهد بود که خداوند سبحان آن را ویژه دشمنان آل

پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده و بدینوسیله آنان را هلاک گرداند و اما آنچه جنبه عمومی دارد، قحطی و وحشتی است

که در شام پیش آید که مانند آن را هرگز به یاد نداشته اند، زمان قحطی پیش از قیام قائم و فرا رسیدن

وحشت و ترس بعد از قیام او خواهد بود " (۱)

البته اختصاص قحطی به دشمنان أهل بیت علیه السلام دلیلی ندارد، مگر اینکه ماجرا

به صورت بحرانی اقتصادی درآید که حکومت ستمگران در عراق گرفتار آن شده و از

آن سخت در رنج باشند.

وحشت و ترسی که بعد از ظهور حضرت، سرزمین شام را فرا میگیرد، منافاتی

با وجود آن قبل از ظهور آن حضرت ندارد، روایت بعدی به روشنی بیان میکند که

این اضطراب و وحشت پیش از ظهور حضرت، در عراق شدید خواهد بود. از امام

باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

" پیش از قیام قائم، مردم در اثر گناهانشان در رنج و عذاب خواهند بود و این رنج بوسیله آتشی که از

آسمان بر آنها آشکار شود، و نشانه سرخ فامی که آسمان را بپوشاند و فرو رفتن زمین در بغداد و بصره و

خون هایی که در آنجا ریخته شود و خانه هایی که خراب گردد و هلاکتی که در اهالی آن سامان بوجود آید و

اضطرابی فراگیر که موجب سلب آرامش مردم عراق گردد، جلوه گر خواهد شد " (۲)

البته لازم نیست این نشانه ها، آنگونه که در روایت آمده، زنجیره ای و سلسله وار

محقق شود، بلکه اضطراب و وحشت و فرو رفتن زمین، پیش از بلاهای آسمانی

خواهد بود و ظاهرا منظور از آتش آسمان و سرخی آن، نشانه ای خاص و الهی

باشد نه چیزی شبیه آتش انفجارها.

١- ١. بحار: ٥٢ / ٢٢٢.

٢- ٢. بحار: ٥٢ / ٢٢١ - ٢٢٢.

روایت بعدی که از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده، برخی حوادث عراق را که در زمان حاکمیت ستمکاران پیش از سفیانی و قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام واقع میشود، بیان مینماید.

از انس بن مالک نقل شده که:

" زمانی که امیر مؤمنان علی بن أبی طالب علیه السلام از جنگ نهروان بازگشت در منطقه ای به نام " براثا " فرود آمد، در آن منطقه، راهبی بنام حباب در صومعه خویش بسر میبرد، او با شنیدن هیاهوی لشکریان، از جایگاه خود به سپاهیان امیر مؤمنان نگریست و با مشاهده آن صحنه عظیم، سراسیمه بیرون آمد و پرسید: این شخص کیست؟ و فرمانده این لشکر چه کسی است؟ گفتند: او امیر مؤمنان علیه السلام است که از جنگ نهروان بازمیگردد. حباب با شتاب خود را به حضرت رساند و در حضور وی ایستاد و گفت: درود بر تو ای پیشوای راستین مؤمنان! که به حق امیر مؤمنانی. حضرت فرمود: چگونه دانستی که من امیر مؤمنان راستین و بر حقم؟ عرض کرد: پیشوائی تو را، دانشمندان و عالمان دینی پیشاپیش خبر داده اند. حضرت فرمود: ای حباب، راهب گفت: چگونه نام مرا میدانی؟! حضرت فرمود: نام تو را حبیب من پیامبر صلی الله علیه و آله به من آموخت. اینجا بود که حباب گفت: دستت را بده، من شهادت میدهم که خدایی جز خدای یکتا نیست و محمد صلی الله علیه و آله رسول و فرستاده اوست و تو علی بن ابی طالب وصی و جانشین او هستی. امیر مؤمنان علیه السلام سؤال کرد کجا زندگی میکنی؟ گفت در صومعه خویش. در همین جا. حضرت فرمود: از امروز در آن سکونت مکن، اینجا مسجدی بنا گذار و آن را به نام سازنده آن نامگذاری کن، (بدین ترتیب در آنجا مسجدی بنا و به نام سازنده آن براثا نامیده شد) سپس حضرت فرمود: ای حباب از کجا آب مینوشی؟ عرض کرد: از دجله که در آن سو قرار دارد، فرمود: چرا چشمه و چاهی حفر نمیکنی؟ عرض کرد: ای امیر مؤمنان هر چه چاه کندیم آب آن شور و ناگوار بود، حضرت فرمود: در اینجا چاهی بکن، حباب شروع به حفر چاه کرد تا به سنگی سخت رسید. کسی توان کندن آن را نیافت. حضرت وارد چاه شد و شخصا سنگ

را از جای کند. از زیر آن سنگ، چشمه آبی جوشید که شیرین تر از عسل و لذیذتر از کره بود.

سپس فرمود: ای حباب، از این چشمه آب بنوش. و آگاه باش به زودی در مجاورت این مسجد تو،

ص: ۱۶۸

شهری بنا خواهد شد، که ستمگران در آن فراوان و بلا و مصیبتها در آن بسیار خواهد بود تا جائی که در هر شب جمعه هفتاد هزار عمل منافی عفت انجام شود وقتی که بلا و گرفتاری به آنان روی آورد به مسجد تو هجوم آورند و آن را منهدم سازند، آنگاه تو مجددا بنایش کن که آن را جز کافر منهدم نکند، سپس آنجا خانه ای بساز، چون مردم چنین کنند، مدت سه سال از رفتن به حج منع گردند و محصولات کشاورزی آنان بسوزد و خداوند مردی از کوه نشینان بر آنان مسلط گرداند که وارد هر شهری که شود آن را نابود و اهالی آن را به هلاکت رساند و دیگر بار نیز به سوی آنان بازگردد. سپس ۳ سال دچار قحطی و گرانی طاقت فرسا گردند، بار دیگر به سراغ آنها رود تا آنکه وارد بصره شود او هر آنچه در مسیرش باشد چه درخت چه عمارت و چه انسان همه را با خشم از بین برد و مردم را قتل عام کند. این حادثه زمانی اتفاق افتد که ویرانی های بصره آباد گشته و در آن مسجد جامعی بنا شود، سپس او به داخل شهری وارد شود بنام واسط که توسط حجاج بنا شده است، در این شهر نیز مانند شهرهای دیگر عمل کند و بعد از آن رهسپار بغداد شود اما این بار ورود او همراه با عفو و گذشت است. مردم به شهر کوفه پناه برند، منطقه ای از کوفه نیست که ماجرا بر آن پوشیده باشد، آنگاه وی با شخصی که او را وارد بغداد نموده جهت نبش قبر من از شهر خارج خواهند شد که سفیانی با آنها روبرو شده و پس از شکستی سخت آنان را به قتل رساند و سپاهی به سوی کوفه گسیل دارد که عده ای از اهالی آنجا را به بردگی گیرند، در این هنگام شخصی از کوفه رسد و مردم را در قلعه ای پناه دهد. هر کس به آنجا پناه آورد مصون ماند. لشکریان سفیانی وارد شهر کوفه شده و مردم را قتل عام و وحشتی ایجاد کنند که اگر شخصی از کنار قطعه جواهر گران قیمتی که روی زمین افتاده بگذرد، متعرض آن نشود. آنها هر کودک خردسالی را ببینند تعقیب و به قتل رسانند.

ای حباب در این هنگام باید در انتظار حوادث تأسف بار دیگر بود، حوادثی بزرگ و فتنه هائی چون ظلمت شب تاریک. ای حباب آنچه به تو میگویم بخاطر بسپار " (۱)

در ظاهر عبارت های این حدیث نوعی آشفتگی به نظر میرسد و مرحوم مجلسی

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۱۷ - ۲۱۹.

بعد از نقل این روایت میگوید: " بدانکه نسخه این روایت مخدوش بود و من روایت را آنطور که یافتم ثبت کردم " از این رو سند و متن این روایت قابل بحث و مناقشه است، اما گذشته از سند روایت، اخبار آن حاکی از سختی هایی است که مردم عراق از حاکمان ستمگر میبینند، نظیر این مطلب در روایات دیگری که سند بعضی صحیح است نیز آمده. زمان برخی از این حوادث مانند تخریب مسجد براثا، کثرت فساد و تباهی در بغداد و تسلط فرماندهان نظامی از مناطق کوهستانی کردستان و ایران بر بغداد و غیر آن در قرون قبل اتفاق افتاده، اما برخی دیگر مانند جریان سفیانی و حوادث مربوط به او هنوز به وقوع نپیوسته است.

مرحوم شیخ مفید میگوید: " نشانه ها و حوادث قبل از قیام حضرت قائم علیه السلام در روایات آمده است، از جمله خروج سفیانی و کشته شدن حسنی و اختلاف بنی عباس بر سر مقام های دنیوی و خورشید گرفتگی در نیمه ماه رمضان و گرفتن ماه در اواخر آن بر خلاف معمول و فرو رفتن در بیابان بیداء و فرو رفتنی دیگر در مشرق و مغرب و توقف خورشید از ظهر تا نزدیک عصر و طلوع آن از مغرب و کشته شدن نفس زکیه در پشت کوفه همراه با هفتاد تن از صالحان و ذبح شدن مردی از بنی هاشم در کنار کعبه بین رکن و مقام (یعنی بین کعبه و مقام ابراهیم) و خراب شدن دیوار مسجد کوفه و ورود درفش های سیاه از ناحیه خراسان و خروج یمانی و ظاهر شدن مغربی در مصر و تصرف شامات توسط او و فرود ترکها در جزیره و فرود رومیها در رمله و طلوع ستاره ای از مشرق که مانند ماه نور افشانی کرده و سپس بگونه ای خم شود که دو طرف آن به یکدیگر نزدیک شود و هاله سرخی که در آسمان آشکار و سپس در تمام نقاط پخش گردد و آتشی که از طرف مشرق به طرف

آسمان بلند شده و سه یا هفت روز باقی ماند و افسار گسیختگی عرب ها و تصرف

سرزمین ها و خارج نمودن آن از سلطه عجم و قتل فرمانروای مصر به دست مردمش

ص: ۱۷۰

و ویرانی شام و اختلاف بین طرفداران سه گروه در شام و ورود درفش های قیس و اعراب به مصر و درفش های کنده به خراسان و ورود سوارانی از غرب که در دروازه حیره مستقر شوند و ورود درفش های سیاه از مشرق به همین ناحیه و ایجاد شکافی در رود فرات بگونه ای که آب، کوچه های کوفه را فرا گیرد و خروج شصت نفر که همه به دروغ، ادعای نبوت کنند. و خروج دوازده نفر از اولاد ابوطالب که هر یک ادعای امامت نمایند، و سوزاندن مرد جلیل القدری از بنی عباس در منطقه ای بین جلولاء (۱) و خانقین و ایجاد پلی از طرف منطقه کرخ به شهر سلام و برخاستن بادی سیاه در آن منطقه در ابتدای روز و زلزله ای ویرانگر که بخش وسیعی از منطقه را فرو برد و ترس و وحشتی فزاینده که اهل عراق و بغداد را فرا گیرد و ظهور مرگ دسته جمعی بین آنان و کاستی در مال، جان و محصولات و هجوم گاه و بی گاه ملخ ها به کشتزارها و کم شدن رشد محصولات کشاورزی و اختلاف دو گروه از عجم و خونریزی بسیار بین آنان و نافرمانی بردگان از صاحبان خود و کشتن اربابانشان و مسخ شدن عده ای از بدعت گذاران به شکل میمون و خوک و چیره شدن بردگان بر سرزمین های اربابان و صیحه ای آسمانی که همه اهل زمین و هر کس به زبان خود آن را بشنود و تصویر صورت و سینه ای که از آسمان و در قرص خورشید (احتمالا در کسوف خورشید) برای مردم ظاهر شود و زنده شدن برخی مردگان و بازگشت آنها به دنیا در حالی که یکدیگر را شناخته و ملاقات نمایند.

آنگاه تمام حوادث فوق با بارش بیست و چهار نوبت باران پی در پی خاتمه یابد.

از آن پس زمین مرده دوباره زنده شده و برکاتش هویدا گردد و بعد از آن هر غم و اندوهی از جویندگان حق و پیروان حضرت مهدی علیه السلام رخت بربندد. بر اساس

۱- ۱. نام منطقه ای است در عراق. و خانقین شهر مرزی فعلی عراق.

روایات در آن لحظه از تاریخ، یاران حضرت به ظهور آن بزرگوار در مکه پی برده و

جهت یاری او متوجه آن دیار گردند.

آری، وقوع برخی از این حوادث حتمی و برخی دیگر مشروط به پیدایش

شرائطی است که خدای سبحان به چگونگی آنها آگاه تر است. ما این حوادث را

بگونه ای که در کتب تاریخ و روایات بود ذکر کردیم و از خدای بزرگ (در رسیدن به

حقیقت) یاری میطلبیم ". (۱)

آنچه مرحوم شیخ مفید بیان کرد، چکیده ای از نشانه ها و علامت های دور و

نزدیک ظهور است اما مقصود او وقوع این حوادث به صورت زنجیره ای و آنچنانکه

برشمرده نیست، زیرا، تعدادی از این حوادث مانند کشته شدن نفس زکیه بین رکن

و مقام فاصله ای بیش از دو هفته با ظهور حضرت ندارد بلکه در حقیقت جزئی از

وقایع نهضت ظهور آن بزرگوار است زیرا او فرستاده حضرت مهدی علیه السلام است.

بعضی دیگر از این نشانه ها قرنهای زیادی با ظهور حضرت فاصله دارند مانند

اختلافات داخلی بنی عباس و ظهور مغربی در مصر و تصرف منطقه شامات توسط

او در جنبش فاطمیان.

اما مراد شیخ مفید از حتمی بودن برخی نشانه ها و مشروط بودن دسته ای دیگر

این است که وقوع تعدادی از این حوادث، حتمی است مانند خروج سفیانی و

یمنی، کشته شدن نفس زکیه، صیحه آسمانی، فرو رفتن لشکر سفیانی و غیر آن. و

تعدادی دیگر مشروط به وقوع پیشامدهای دیگری است که علم آن نزد خدای

سبحان و تقدیر او است. آری او است که به گذشته و آینده و نسبت به تمام حوادث

دانا و آگاه است.

۱- ۱. ارشاد مفید ص ۳۳۶ وبحار: ۵۲ / ۲۱۹.

شاید منظور از حسنی در روایات، همان " نفس زکیه " در مکه باشد و شاید

جوانی باشد که نزدیک ظهور حضرت در مدینه به دست لشکریان سفیانی به قتل

میرسد، همچنانکه احتمال دارد منظور، سیدی حسنی باشد که رهبر حرکت

اسلامی در عراق را بر عهده خواهد داشت، در برخی روایات عبارت " وتحرک

الحسنی " دیده میشود. (۱)

روایات دیگری که در ارتباط با استقرار سواران مغربی در نزدیکی حیره یعنی

کوفه وارد شده، بیانگر آن است که این ماجرا در زمان سفیانی و یا نزدیک به آن زمان

واقع خواهد شد. اما آنچه در کلام شیخ مفید جلب توجه میکند این عبارت است

که میگوید: " ورود سوارانی از غرب که در دروازه حیره (کوفه) مستقر شوند " احتمال دارد منظور

از این نکته، نیروهای غربی باشند که جهت حمایت از سفیانی وارد عراق میشوند

و یا قبل از سفیانی در آنجا بسر میبرند.

منظور از درفش های مشرق زمین، درفش های سیاه خراسانی ها است که همراه

نیروهای یمنی جهت مقابله با سفیانی که بدانجا لشکرکشی نموده وارد عراق

میشوند.

اما شکافته شدن رود فرات و جاری شدن آب در کوفه آنچنانکه در روایات آمده

مربوط به سال ظهور است. در روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده که فرمود: " سال

فتح، فرات شکافته شود تا آب وارد کوچه های کوفه گردد " (۲)

---

۱ - ۱. بعضی ها احتمال داده اند که کشته شدن نفس زکیه همراه هفتاد تن از صلحاء شاید بر شهید عالی مقام آیه الله سید محمد باقر صدر (قدس سره) تطبیق کند که با گروهی از علمای برجسته و مؤمن، که تعدادشان به هفتاد نفر میرسید، به

شهـادت رسـیدند و ممکن است مقصود از پشت کوفه که در حـدیث آمـده نجف باشـد چرا که از شـهر نجف گاهی با عنوان نجف کوفه یعنی بلندی های کوفه نیز یاد میشود. مؤلف

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۱۷.

از طرفی، گواهی شیخ مفید بر این نکته که نشانه های ظهور حضرت، در منابع

حدیثی معتبر ثابت شده، ارزش و اهمیت والایی به این دسته از روایات میبخشد،

زیرا دقت و مقام برجسته علمی شیخ مفید از یک طرف و نزدیکی او به دوران

تابعین و امامان علیهم السلام از طرف دیگر جایگاه ویژه ای به دیدگاه های او بخشیده است.

شیخ مفید در سال ۴۱۳ هجری رحلت نمود.

* *

تعدادی از روایت ها، درباره حوادث قبل از سفیانی در عراق، نکاتی را بیان

کرده اند به این شرح:

الف: در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: " سپس بین سران عرب و عجم

دشمنی و اختلاف پیش آید و این اختلاف ادامه یابد تا فرمانروائی به مردی از ذریه ابو سفیان رسد " (۱)

ب: روایت " تحرک حسنی " روایتی است که میگوید: مرکز فعالیت سید حسنی در

عراق خواهد بود و او در همان محل پس از بدست گرفتن قدرت، به قتل خواهد

رسید.

ج: دسته ای از روایات نشانگر آن است که حکومت ستمگران در عراق تا ظهور

حضرت مهدی علیه السلام ادامه خواهد داشت. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

" زمانی که دیوار عقب مسجد کوفه که به خانه عبد الله بن مسعود میرسد تخریب گردد، حکومت خاندان

فلان پایان پذیرد و پس از آن قائم ظهور فرماید " (۲) و در روایتی که در کتاب غیبت طوسی

در همین رابطه است چنین آمده " خراب کننده دیوار، آن را ترمیم نمیکند " (۳)

۱- ۱. الزام الناصب: ۲ / ۱۶۰.

۲- ۲. ارشاد مفید ص ۳۶۰.

۳- ۳. غیبت طوسی ص ۲۷۱.

یعنی کسی که دیوار مسجد را خراب کند یا کشته میشود و یا قبل از نوسازی و مرمت، آنجا را ترک میکند.

برخی روایات بیانگر هجوم سفیانی به عراق و مبارزه او با حکومتی مخالف اسلام و امام مهدی علیه السلام است همچنانکه در روایتی آمده است: " و فرمانروای مردم در آن روز، مردی جبار و لجوج است که کاهن و جادوگر نامیده میشود. " (۱)

حسنی، شیصبانی و عوف سلمی

در حوادث مربوط به ظهور حضرت، از قیام و خروج سه شخصیت مثبت و منفی نام برده شده است، این سه نفر عبارتند از: حسنی، شیصبانی و عوف سلمی.

تعدادی از روایات سخن از شخصی به نام حسنی به میان آورده اند که بیانگر ایجاد نهضتی توسط او و سپس کشته شدن نامبرده است. اما این روایات تصریح نکرده اند که او در کشور عراق ظهور خواهد کرد و از وی به شکلهای مختلف یاد نموده اند از جمله با نام حسنی مدینه، حسنی مکه، حسنی عراق یا حسینی خراسانی که در منابع اهل سنت با نام " حسنی خراسانی " مطرح شده و او را بعنوان کسی که در سال ظهور با سپاهانش وارد عراق میگردد، معرفی نموده اند. بنابراین احتمال دارد منظور روایات از جنبش حسنی در عراق همین حسنی باشد و احتمال دارد که حسنی دیگری قبل از او وجود داشته باشد.

اما درباره شیصبانی روایتی در کتاب غیبت نعمانی از جابر بن یزید جعفی نقل شده که گفت: از امام باقر علیه السلام در مورد سفیانی سؤال کردم حضرت فرمود: " سفیانی را نخواهید دید مگر آنکه شیصبانی در سرزمین کوفان (عراق) مانند آبی که از زمین بجوشد ناگهان ظاهر شود،

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۷۳.

او نمایندگان شما را به قتل رساند. بعد از آن ماجرا در انتظار سفیانی و خروج قائم باشید. " (۱)

این روایت دارای چند نکته درباره شخصیت شیصبانی است از جمله:

الف: امام او را به شیصبانی توصیف کرده است در حالی که شیصبان صفتی است که امامان ما علیهم السلام از آن برای معرفی طاغوتها و اشرار استفاده میکنند. در شرح قاموس آمده است که شیصبان در اصل نام ابلیس است.

ب: او قبل از سفیانی خروج میکند و بین او و سفیانی فاصله چندانی نخواهد بود و یا بلافاصله بعد از او سفیانی خروج خواهد کرد. امام فرمود: " بعد از او منتظر سفیانی باشید ".

ج: محل خروج او عراق است که به آن سرزمین کوفان نیز گفته میشود و یا خود شهر کوفه است و این خروج، در قالب انقلاب یا حکومت به شکل ناگهانی و غیر منتظره است " مانند آب که از زمین میجوشد " او انسانی است طغیانگر و خونریز که مؤمنان را به قتل میرساند و ظاهرا معنای جمله " نمایندگان شما را میکشد " در کلام امام این است که مؤمنین عالی رتبه ای را که معمولا پیشاپیش و در صدر هیئت نمایندگی حضور دارند به شهادت میرساند. زیرا وقتی گفته میشود " نمایندگان قبیله یا نمایندگان شهر " به معنای صاحبان جاه و مقام و شخصیتهای آنان است.

البته از دیدگاه برخی، چنین ویژگی هایی ممکن است بر صدام حاکم سابق عراق منطبق باشد. چون همه این صفات در او وجود دارد بنابراین اگر سفیانی بعد از او در شام خروج نماید میتوان ادعا کرد که صدام همان شیصبانی عراق است که در روایت وارد شده است.

* *

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۵۰ به نقل از غیبت نعمانی.

اما درباره عوف سلمی نیز روایتی در کتاب غیبت طوسی آمده که در آن حذلم بن بشیر از امام زین العابدین علیه السلام چنین نقل میکند: " به علی بن الحسین (علیهما السلام) عرض کردم چگونگی خروج مهدی علیه السلام را برایم توصیف و نشانه هایش را به من معرفی فرما.

حضرت فرمود: قبل از ظهور او مردی بنام عوف سلمی در سرزمین جزیره خروج نماید که جایگاه او تکریت و محل قتل وی مسجد دمشق است. سپس شعیب بن صالح از سمرقند خروج کند و آنگاه سفیانی ملعون که از نسل عتبه پسر ابوسفیان است از منطقه وادی یابس (بیابان خشک) خروج نماید. با خروج او حضرت مهدی عجّل الله فرجه الشّریف پنهان گردد و پس از مدتی ظهور نماید ". (۱)

آنچه در متن روایت درباره شعیب بن صالح آمده مخالف با روایت های مشهور شیعه است که او را از اهالی ری میداند مگر آنکه بگوئیم او اصالتا اهل سمرقند است. همچنین است کیفیت خروج او و پیش از سفیانی که قبلا بیان کردیم.

ظاهرا عوف سلمی علیه حکومت سوریه قیام میکند نه عراق، و اگر روایت او صحیح باشد مدت کوتاهی قبل از سفیانی زنده خواهد بود. اما جزیره که مرکز جنبش و قیام او است نام منطقه ای است در مرز عراق و سوریه و بر اساس آنچه در کتاب های تاریخ و حدیث آمده هرگاه لفظ جزیره بدون اضافه به کلمه دیگر بیاید همین معنا از آن استفاده میشود. و به آن جزیره ربیعه و جزیره دیار بکر نیز گفته میشود، بنابراین منظور از آن جزیره العرب نیست. و ظاهرا مفهوم جمله " جایگاه وی تکریت است " این باشد که جایگاه او قبل از قیام یا بعد از شکست و فرارش تکریت خواهد بود که امروزه یکی از شهرهای معروف عراق است. آنچه این مطلب را تأیید میکند قرار داشتن تکریت در نزدیکی منطقه جزیره است. آنچه در برخی نسخه ها به جای تکریت، بکریت و یا بکویت آمده در اثر اشتباه نسخه هاست و

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۱۳ به نقل از غیبت طوسی.

مؤید آن عبارت کتاب بحار مجلسی و غیبت طوسی است که در آنها، کلمه تکریت آمده است.

روایت اشاره به این معنا دارد که عوف سلمی در مسجد دمشق کشته میشود یعنی در آنجا با ترور به قتل میرسد و یا در آن محل بازداشت و به قتل میرسد. بنابراین ماجرای او از جمله حوادث دوران قبل از ظهور شام است که با حوادث عراق نیز بی ارتباط نیست.

مرحله سوم: لشکرکشی سفیانی و تخریب بصره

روایاتی در دست ماست که نشانگر لشگر کشی سفیانی به عراق و اشغال آن و آزار و اذیت مردم مخصوصا شیعیان حضرت مهدی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام است که در بخش جنبش سفیانی از آن یاد کردیم اما از مجموعه روایات چنین استفاده میشود که حکومت وقت عراق در آن زمان به اندازه ای ضعیف و ناتوان است که نه با قوای نظامی و نه با تکیه بر نیروی مردمی قادر به جلوگیری از هجوم سفیانی نیست. این حکومت حتی نمیتواند از ورود نیروهای یمنی و ایرانی که جهت رویاروئی با سفیانی وارد عراق میشوند ممانعت کند. اما احتمال دارد ورود نیروهای سفیانی به عراق با دعوت حکومت ضعیف آن کشور باشد. و شاید نبردی که لشکریان سفیانی در دجیل و بغداد و سایر شهرهای عراق با آن درگیر میشوند، جنگ و درگیری سفیانی با گروه های شورشی باشد که علیه او قیام میکنند. از طرف دیگر، روایات بیانگر آن است که نیروهای ایران و یمنی از پشتیبانی مردمی ملت عراق برخوردارند و عراقی ها با شادمانی این نیروها را جهت تعقیب و سرکوبی قوای سفیانی یاری مینمایند.

اما درباره تخریب بصره روایات به سه دسته تقسیم میشوند:

الف: تخریب آن با غرق شدن در آب.

ب: بواسطه جنبش و انقلاب زنگیان (سیاه پوستان)

ج: در اثر فرو رفتن زمین و انهدام آن.

مضمون بسیاری از کلمات امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه های نهج البلاغه و سایر موارد بیانگر دو تخریب اول و دوم است که در زمان عباسیان بوقوع پیوسته، همچنانکه همه مورخان آن را بیان کرده اند.

حضرت خطاب به اهل بصره میفرماید: " شما لشکریان آن زنید (عایشه) و طرفداران آن حیوان (شتر عایشه) آنگاه که حیوان فریاد زد اجابت کردید و زمانی که پی شد گریختید. اخلاقتان پست، پیمانتان گسسته، دینتان، نفاق و آب آشامیدنیتان تلخ است، کسی که میان شما زندگی کند به کیفر گناهانش گرفتار آید و هر کس از شما دوری گزیند مشمول رحمت پروردگارش گردد. گویا مسجد شما را میبینم که چون سینه کشتی غرق شده (از آب بیرون مانده) و عذاب خدا از بالا و پائین آن را احاطه کرده و تمام سرنشینان آن غرق شده اند " (۱)

ابن أبی الحدید پیرامون جملات مذکور میگوید: " درباره این کلام امیر المؤمنین علیه السلام که از غرق شدن بصره به جز مسجد آن خبر داده، شنیدم که در کتابی مربوط به وقایع خونبار عالم آمده است که شهر بصره و اهل آن بوسیله آب تیره ای که از زمین میجوشد هلاك و غرق میگردند و تنها مسجد آن سالم میماند. "

اما آنچه درست است این است که شهر بصره تاکنون دوبار بطور کامل تخریب شده که یکی از آنها در زمان خلیفه عباسی " قائم بأمر الله " بوده. در آن حادثه بجز بخشی از مسجد جامع آن که شبیه سینه پرنده روی آب هویدا بوده، چیزی باقی نماند، همانگونه که امیر مؤمنان علیه السلام خبر داد. در آن زمان آب از خلیج فارس از

ناحیه ای که امروزه معروف به جزیره فارسی است و از طرف کوه معروفی بنام کوه

ص: ۱۷۹

۱- ۱. نهج البلاغه خطبه ۱۳.

سنام بالا آمد و خانه های شهر و هر چه در آن بود را غرق کرد و جمعیت انبوهی از مردم شهر را هلاک نمود. یکی از دو حادثه غرق شدن بصره نزد مردم شهر معروف است و آن را از پیشینیان خود نقل میکنند.

اما حادثه تخریب بصره توسط انقلاب زنگی ها حادثه ای است که در اواسط قرن چهارم در زمان عباسیان اتفاق افتاد و امیر مؤمنان علیه السلام بارها از آن خبر داده است. از جمله در خطبه ای فرمود: " ای احنف، گویا من او را میبینم که با لشکری بدون صدا و بدون حرکت لگام و شیهه اسبان به راه میافتد و زمین را زیر قدم های خود چون گام شتر مرغان در مینوردد. " سید رضی میگوید: " اشاره آن حضرت، به صاحب زنگ (زنگیان) است ". سپس حضرت ادامه داد: " وای بر کوچه های آباد و خانه های زینت شده بصره که بالهایی چون بال کرکسان و ناودان چون خرطوم پیلان دارد. بر کشتگان آنها نمیگریند و از گمشدگانشان جستجو نمیکنند. "

انقلاب زنگیان که در کتب تاریخ مشهور است به رهبری قرمطی و در قرن سوم اتفاق افتاد. او مدعی بود که از علویان است، آنچه امیر مؤمنان علیه السلام درباره آنان پیشگوئی کرده بطور کامل بر آنها منطبق است. این انقلاب در حقیقت عکس العمل ظلم، خوشگذرانی و بیدادگری با بردگان و مستضعفان بود. از این رو لشکر زنگیان همه از بردگان سیاه و پیاده بودند و مرکبی در اختیار نداشتند.

اما حادثه تخریب بصره که از نشانه های ظهور حضرت مهدی علیه السلام است در بسیاری از روایات مطرح و بیان شده که بصره از جمله شهرهای مؤتفکه (یعنی زیر و رو شده) است که در قرآن مجید آمده یعنی شهرهایی که با فرو رفتن در زمین و عذاب الهی زیر و رو شده اند که از جمله آنها شهر بصره است، این شهر سه بار زیرورو شده و مرحله چهارم آن هنوز باقی مانده است. در شرح نهج البلاغه ابن

میثم بحرانی چنین آمده است: " وقتی امیر مؤمنان علیه السلام از جنگ جمل فارغ شد فرمان داد که مردم به مدت سه روز در نماز حاضر شوند و کسی بدون عذر تخلف نکند ".

ص: ۱۸۰

پس از اجتماع مردم حضرت در آن مکان حضور یافت و نماز صبح را در مسجد جامع با مردم به جماعت گذارد. پس از پایان نماز، حضرت در حالی که پشت به قبله به دیوار سمت راست مصلی تکیه زده بود، مردم را مخاطب قرار داد و بعد از حمد و ستایش خدا و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و طلب آمرزش برای مردان و زنان مؤمن و مسلمان چنین آغاز سخن فرمود: " ای مردم بصره، ای اهالی شهری که تاکنون سه بار اهل خود را به کام مرگ فرستاده، خداوند بار چهارم را نیز محقق خواهد ساخت. ای لشکریان زن (عائشه) وای طرفداران آن حیوان (شتر عائشه) که چون فریاد زد اجابت کردید و زمانی که پی شد گریختید، اخلاقتان پست و پیمانتان گسسته و دینتان نفاق و آب آشامیدنیتان تلخ است. شهری که از همه جا به آب نزدیکتر و به آسمان دور تر است و نه دهم آن شر است. هر کس در آن بماند به گناه افتد و هر کس خارج شود مشمول عفو خدا گردد. گویی شهر شما (بصره) را میبینم که آب پوشانده بگونه ای که جز کنگره های مسجد چیزی دیده نمیشود مانند سینه پرنده ای بر امواج دریا " در این هنگام احنف بن قیس ایستاد و عرض کرد: ای امیر مؤمنان این حوادث چه زمانی اتفاق میافتد؟ حضرت فرمود: " تو آن زمان را هرگز درك نخواهی کرد. بین تو و آن زمان قرن ها فاصله است، ولی باید حاضرین شما این خبر را به غائبین برسانند تا آنها نیز به برادران دینی خود اطلاع دهند. تا آنگاه که دیدند کپرهای چوبی شهر تبدیل به خانه و نیزارها تبدیل به قصر شده، پس فرار را بر قرار ترجیح دهند که در آن روز دیگر بصره ای برای شما باقی نخواهد ماند ". سپس حضرت متوجه سمت راست خود شد و فرمود: " بین شما و " ابله " چقدر فاصله است؟ منذر بن جارود عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد چهار فرسخ. حضرت فرمود: راست گفتی. به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برانگیخت و او را به مقام نبوت کرامت بخشید و رسالت را مخصوص وی گردانید و مرغ روحش را در بهشت جاودان جایگزین فرمود. از آن بزرگوار شنیدم همانگونه که شما اکنون از من میشنوید که فرمود: ای علی، آیا میدانی فاصله بین مکانی که بصره نام دارد و منطقه ای که آن را " أبله " مینامند چهار فرسخ

است و به زودی این منطقه محل استقرار خراج گیران خواهد شد. در آن مکان هفتاد هزار نفر از امت من

شهید شوند که جایگاهی همچون شهدای جنگ بدر خواهند داشت. منذر عرض کرد: ای امیر مؤمنان علیه السلام

پدر و مادرم بقربانت چه کسی آنان را میکشد؟ حضرت فرمود: آنها توسط برادرانی که همچون شیطان ها، سیاه چهره و بدبویند کشته میشوند. حرص و طمعشان فراوان و غنیمتشان اندک است. خوشا به حال کسی که بدست آنها کشته شود. برای مبارزه با آنان گروهی پیش قدم شوند که نزد مستکبرین آن زمان کم اهمیت و در زمین ناشناس و در آسمان معروفند. آسمان و زمین و آنچه در آنهاست برایشان میگریند آنگاه اشک در چشمان حضرت حلقه زد و فرمود: وای بر تو ای بصره از لشکری که نه گرد و غبار دارد و نه صدا. منذر پرسید: به خاطر غرق شدن (بصره) چه بر سر آنها میآید؟ حضرت فرمود: این لفظ (وای) دو دریچه دارد. یکی رحمت و دیگری عذاب. آری ای پسر جارود خونخواهانی بزرگ که گروهی از آنان گروه دیگر را به قتل رسانند و از آن جمله فتنه و آشوبی که تخریب خانه ها، شهرها و غارت اموال را بدنبال خواهد داشت و اسارت زنانی که به شکل رقت باری سر بریده شوند. ای وای که تا چه اندازه سرگذشت آنان عجیب است! و از جمله ظهور دجال بزرگ یک چشم که چشم راستش صاف شده و در چشم دیگرش چیزی شبیه گوشت جویده خون آلود دیده میشود و مانند دانه انگوری که روی آب در گردش باشد از حدقه بیرون زده. گروهی از مردم بصره که تعدادشان به اندازه شهدای ابله است و انجیل را در سینه حمایل میکنند از او پیروی نمایند. در آن زمان عده ای کشته شوند وعده ای بگریزند و سپس لرزش زمین، پرتاب آدمها، فرو رفتن در زمین و مسخ چهره هاست. آنگاه گرسنگی شدید و پس از آن مرگ سرخ یعنی غرق شدن است. ای منذر: شهر بصره در کتب آسمانی دارای سه نام دیگر است که جز دانشمندان کسی نمیداند و عبارتند از خریبه، تدمر ومؤتفکه (یعنی: مخروبه، ویرانه، زیر و رو شده) تا آنکه فرمود: ای اهل بصره خداوند بر هیچ خطه ای از سرزمین های اسلامی شرف و کرامتی قرار نداد مگر آنکه برتر از آن را نصیب شما ساخت و با بزرگواریش شما را از فضل و کرم خویش بهره مند کرد. پس قبله شهر شما بهترین قبله است زیرا شما در راستای مقام ابراهیم قرار دارید که جایگاه امام در مکه است.

قاریان قرآن شما بهترین قاریان و پارسایان شما بهترین پارسایان، عابدان شما برترین عابدان و

تاجران شما بهترین و راستگوترین تاجران، صدقه دهندگان شما کریم ترین صدقه دهندگانند،

ثروتمندان شما بخشنده ترین و متواضع ترین انسان ها و شایستگان شما خوش اخلاق ترین مردمند..

ص: ۱۸۲

شما بهترین پناهندگان به مردمید و کمترین زحمت را بر دیگران تحمیل میکنید، پرشورترین مردم برای شرکت در نماز جماعتید. درختانتان پر بار، مال و ثروتتان افزون، فرزندانتان باهوش و زنانتان عفیف و شوهردارند. خداوند آب روان را همواره در اختیارتان قرار داده تا از زندگیتان بهره مند گردید و دریا را در دسترستان نهاده تا بر ثروتتان بفزایید. پس اگر اهل صبر و استقامت باشید بدانید که درخت طوبی جایگاه و سایه بان شماست. اما اراده خداوند امری حتمی و خواست او جاری و قطعی است و کسی قدرت تغییر آن را ندارد و او سریع الحساب است. خدای سبحان میفرماید: " هیچ آبادی نیست مگر آنکه پیش از قیامت آن را هلاک کنیم و یا به عذاب شدید گرفتارش سازیم و این در کتاب (لوح محفوظ) ثبت شده است " (۱)

سپس حضرت فرمود: " روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حالی که کسی غیر از من با آن حضرت نبود فرمود: جبرئیل روح الامین مرا بر شانه راستش حمل نمود تا زمین و آنچه روی آن قرار دارد را ببینم کلیدهای آن را به من سپرد و به آنچه که در زمین است و تا روز قیامت خواهد بود مرا آگاه نمود و آگاهی این امر برایم دشوار نبود، همچنانکه بر پدرم آدم دشوار نبود. بدانگونه که نامها را به او آموخت اما به فرشتگان نیاموخت. آنگاه در کنار دریا شهری دیدم که بصره نامیده میشود، آنجا دورترین زمین به آسمان و نزدیکترین زمین به آب دریاست. سریعتر از سایر مکانها تخریب شود، از نامرغوب ترین خاک برخوردار است و شدیدترین عذابها را تحمل کند، در قرون گذشته بارها به زمین فرو رفته و دیگر بار نیز چنین شود. ای اهالی بصره! و روستاهای اطراف! روزی که آب شهر شما را فرا گیرد، روز بلا و مصیبت بزرگی خواهد بود. من محل فوران و جوشش آن را در شهر شما میدانم. و قبل از آن حوادثی بزرگ و غیر منتظره به شما روی آورد که از دیدگانتان نهان است اما ما به آن آگاهیم. کسی که قبل از غرق شدن شهر، آن را ترک گوید، رحمت خدا شامل او شده و کسی که بدون توجه باقی بماند گرفتار خطای خویش گردد و خداوند نسبت به بندگانش ستم نمیکند " (۲).

۱- ۱. اسراء / ۵۸.

۲- ۲. بحار: ۶۰ / ۲۲۴ - ۲۲۶.

بخشی از این حدیث در کتاب نهج السعاده در مستدرک نهج البلاغه اضافه شده

و بخشی دیگر از این خطبه در کتاب عیون الاخبار نوشته ابن قتیبه از حسن بصری

روایت شده که در ادامه آن آمده است: " اما از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که میفرمود سرزمینی فتح خواهد شد که بصره نامیده میشود از نظر قبله با ثبات ترین قسمت زمین هاست، قاریان آن از بهترین قاریان و عبادت کنندگان آن بهترین عابدان و دانشمندان و علماء آن دیار داناترین اندیشمندان و صدقه دهندگان و تجار آن بزرگترین تاجرانند، از این شهر تا منطقه ای که " ابله " نام دارد چهار فرسخ فاصله است. در آستان مسجد جامع این شهر تعداد چهل هزار نفر به شهادت میرسند که هر شهید آنان مانند شهیدی است که با من در جنگ بدر حضور داشته است ". اگر این بخش از سخنان حضرت جزو روایت و سند آن صحیح باشد، نمیتوان حدس زد که آیا این تخریب بصره، متصل

به زمان ظهور است یا نه.

آنچه از منابع تاریخی استفاده میشود این است که خطبه امیر مؤمنان علیه السلام در

بصره و سخنان آن حضرت از حوادث و پیشامدهای حتمی و مشهور است، اما

روایات آن در طولانی و کوتاه بودن و از نظر محتوا با هم اختلاف دارند. دو روایتی

که نقل کردیم به تنهائی تخریب بصره با غرق شدن بعد از فرو رفتن را بیان میکند و

این ماجرا در دو مرحله غرق شدن قبلی و یا در انقلاب زنگیان رخ نداده است.

از طرف دیگر، تنها این دو روایتند که به بیان تعداد چهل یا هفتاد هزار شهید

بصره پرداخته و آنان را هم رتبه شهدای بدر دانسته و از گریستن امیر مؤمنان علیه السلام و در

روایتی دیگر از گریه پیامبر صلی الله علیه و آله بر آنان سخن گفته است.

روایت اول محل شهادت آنان را بین بصره وابله بیان کرده که اکنون محله ای در

نزدیکی ایستگاه قطار بصره است. در حالی که روایت ابن قتیبه شهادت آنان را کنار

مسجد جامع که ظاهرا مراد از آن مسجد بصره است بیان کرده. بنابراین باید جریان

شهادت آنان قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام باشد، زیرا بعد از ظهور آن بزرگوار هیچ

ستمگر و ظالمی وجود ندارد تا شهدا پیش آنان ذلیل و خوار باشند چنان که از روایت

برداشت میشد همچنانکه روایت به روشنی بیان ننموده که آنها به دست چه کسانی

کشته میشوند و شاید کلمه " برادران " اشتباها بجای کلمه دیگری نوشته شده باشد.

و دجالی که نامش مطرح شد و گفته شد بعد از آنها خواهد آمد و دارای طرفدارانی

بالغ بر هفتاد هزار تن از نصارا است، بعید نیست که غیر از دجال موعود باشد زیرا

او بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام ظاهر خواهد شد. علاوه بر این نکات مبهم،

روایت مذکور دارای اشکال های دیگری نیز هست از جمله اینکه روایت ابن قتیبه به

بیان شهدای ابله اکتفا نموده و نامی از دجال به میان نیاورده است و از طرفی ابن

میثم منبع این روایت را متذکر نشده که این خود نیاز به تحقیق و بررسی بیشتر دارد.

در تفسیر نور الثقلین درباره این آیه شریفه که میفرماید: " وجاء فرعون ومن قبله

والمؤتفکات بالخاطئه " (۱) (یعنی: فرعون و کسانی که قبل از او بودند و شهرهای زیر و رو

شده مرتکب خطا شدند) آمده است که منظور از شهرهای زیر و رو شده شهر بصره

است همچنین در تفسیر آیه شریفه " والمؤتفکه أهوی " (۲) (یعنی: شهرهای

زیر و رو شده را فرو افکند) از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: " مراد اهل بصره است

و هم آن شهر است که زیرورو شده است " و در تفسیر آیه ۹ سوره حاقه، امام صادق فرمود:

" آنان قوم لوط اند که شهرشان زیر و رو و بر سرشان واژگون شد " و در همین تفسیر مطلبی از

کتاب " من لا یحضره الفقیه " از جویریه بن مسهر عبدی آمده است که گفت: " با امیر

مؤمنان علیه السلام از جنگ با خوارج بر میگشتیم، وقت نماز عصر بود که به سرزمین بابل

رسیدیم، حضرت به همراه مردم در آن منطقه فرود آمد سپس امام رو به مردم

۱- ۱. حاقه / ۹.

۲- ۲. نجم / ۵۳.

فرمود: " ای مردم این سرزمین ملعون است و در طول زمان سه مرتبه گرفتار عذاب الهی شده " در روایتی دیگر به دو مرتبه اشاره شده که در انتظار سومین مرحله است. و گفته شده که بصره یکی از سرزمین های زیر و رو شده است.

حال با نگرش دوباره بر احادیث حوادث بصره و تخریب آن قبل از ظهور امام زمان عجّل الله فرجه الشّریف در مییابیم که ارتباط این احادیث با علائم ظهور چندان قابل قبول نیست مگر برخی از آنها مثل روایت شیخ مفید که از امام صادق علیه السلام چنین نقل میکند (۱):

" مردم، پیش از قیام قائم عجّل الله فرجه الشّریف (بخاطر وقوع چند حادثه) از گناه و معصیت دور میشوند: به آتشی که در آسمان ظاهر گردد، به رنگ سرخی که در فضا جلوه کند، به فرو رفتن زمین در بغداد و بصره و خونهایی که در آن بر زمین ریزد و تخریب خانه ها و نابودی ساکنان آن، و ترس همگانی که مردم عراق را فرا گیرد و کسی آرام و قرار نیابد " (۲)

مرحله چهارم: فتح عراق به دست امام زمان عجّل الله فرجه الشّریف

در زمینه ورود امام زمان علیه السلام به عراق و آزاد ساختن آن از باقیمانده نیروهای سفیانی و گروهک های متعدد شورشی و انتخاب آن بعنوان مرکز حکومت، روایات

۱- ۱. کتاب ارشاد ص ۳۶۱.

۲- ۲. ما این حدیث را در کتاب معجم أحادیث الامام المهدی عجّل الله فرجه الشّریف با شماره ۱۰۴۷ آورده ایم. علاوه بر آن، حدیث مذکور در کتاب اعلام الوری ص ۴۲۹ با تفاوت کمی از متن کتاب ارشاد وارد شده و در سند آن " حسن بن یزید به جای حسین بن سعید " آمده است. همچنین کتاب اثبات الهداه: ۳ / ۷۳۳ این حدیث را از کتاب اعلام الوری نقل کرده اما با سند حسین بن یزید به جای حسین بن سعید. و در کتاب ارشاد ص ۷۴۲، این حدیث با سند منذر خوزی به جای منذر جوزی آمده و درباره فرو رفتن بصره تعبیر (فرو رفتن مناره بصره) دارد و این نکته سبب میشود که احتمال دهیم فرو رفتن بصره محدود به مکان یا منطقه خاصی از آن شهر باشد. والله العالم.

فراوانی وجود دارد. در مورد زمان دقیق ورود حضرت به عراق مطلبی در دست نیست اما در فصل " حرکت ظهور " خواهد آمد که ورود حضرت به عراق چند ماه بعد از ظهور و پس از آزاد سازی حجاز و چه بسا پس از درگیری منطقه بیضاء استخر (کوه سفید) در نزدیکی اهواز اتفاق خواهد افتاد. برخی روایات، ورود حضرت به عراق را از طریق هوا با یک اسکادران هواپیما مطرح کرده اند.

در تفسیر این آیه که میفرماید: " ای جماعت جن و انس اگر قادر به نفوذ و عبور از اطراف آسمان ها و زمین بودید پس بگذرید اما نخواهید گذشت مگر با قدرت (۱) " از امام محمد باقر روایت شده که فرمود: " قائم هنگام ظهور، با هفت قبه از نور بگونه ای فرود آید که روشن نیست در کدامیک از آنهاست تا آنکه در شهر کوفه قرار گیرد "

این روایت علاوه بر بیان جنبه اعجازی، نشانگر آن است که شرائط امنیتی و فضای کینه توزانه جهانی نسبت به حضرت چنین احتیاطی را طلب میکند، مخصوصا که پاکسازی محیط عراق بدست حضرت تمام نشده و خطرات گوناگون همچنان متوجه آن وجود مبارک است. از محتوای روایت میتوان فهمید که حضرت ابتدا در پایتخت عراق و یا در یک مرکز نظامی یا در کربلا فرود میآید و سپس به کوفه منتقل میگردد.

روایات، بخش عظیمی از فعالیتها و معجزات حضرت در عراق را بیان میکنند و ما در مبحث حرکت ظهور به بیان آن خواهیم پرداخت اما در اینجا تعدادی از آنها را که به اوضاع عمومی عراق ارتباط دارد مطرح میکنیم. مهم ترین تلاش حضرت در این مقطع عبارت از پاکسازی فضای داخلی و متلاشی ساختن بسیاری از مخالفان است. بر اساس روایات هنگام ورود حضرت به کوفه درگیری و کشمکش

ص: ١٨٧

١- ١. الرحمن / ٣٣.

بین سه جناح وجود دارد که ظاهرا جناح اول طرفداران حضرتند و گروه دوم پیروان سفیانی و دسته سوم شورشیان.

عمرو بن شمر در روایتی از امام باقر علیه السلام میگوید: سخن از مهدی عجّل الله فرجه الشّریف به میان آمد، حضرت فرمود: " او وارد کوفه شود در حالی که سه جناح پرچم دار با یکدیگر درگیرند، آنها شهر را تحویل حضرت دهند. او وارد شهر شده و بر فراز منبر قرار گیرد. اما مردم از شدت گریه متوجه گفتار وی نشوند " (۱) در این حدیث و احادیث مشابه، منظور از کلمه کوفه عراق است و ظاهرا باید بخشی از گروه های موجود در عراق یاران خراسانی و یمنی حضرت باشند همچنانکه از مفاد حدیث زیر، این نکته قابل استفاده است حدیثی که در منابع شیعه و سنی با سندهای مختلف از امیر مؤمنان علیه السلام و امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: " درفش های سیاهی که از خراسان خروج میکنند در کوفه فرود آیند و زمانی که مهدی علیه السلام ظاهر شود جهت بیعت حضور آن بزرگوار شرفیاب شوند " (۲)

از روایاتی که در مورد گروهک های معاند حضرت وارد شده، معلوم میشود که حرکت های مخالف فراوانی از شورشیان و طرفداران سفیانی و دیگران در برابر حضرت مقاومت میکنند اما امام جهت اجرای عهد و پیمانی که با جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد سیاست شدت عمل و سرکوب مخالفان را به اجرا میگذارد.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: " روش رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان امتش بر اساس نرمی و مدارا و دوستی با مردم بود اما سیاست قائم، کشتن مخالفان است، او بر پایه فرمانی که به همراه دارد مأمور اجرای این سیاست است و از کسی درخواست توبه نمیکند. وای بر کسی که مخالفت امر وی کند " (۳)

۱- ۱. ارشاد مفید ص ۳۶۲.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۱۷.

۳- ۳. بحار: ۵۲ / ۳۵۳.

فرمان و نوشته ای که او به همراه دارد عهدنامه ای است به املاء جدش پیامبر صلی الله علیه و آله

و به خط علی علیه السلام که در آن چنین آمده است: " آنان را به قتل برسان و باز هم به قتل برسان و

طلب توبه از کسی مکن ".

از امام باقر علیه السلام منقول است که فرمود: " قائم علیه السلام با فرمان جدید و قضاوت جدید قیام کند با

عرب ها به شدت برخورد نماید و روش او جز شمشیر نباشد، او از احدی طلب توبه نکند و در راه خدا از

سرزنش هیچ ملامتگری نهراسد " (۱)

فرمان جدید که در عبارت حدیث آمده یعنی اسلام که توسط ستمگران محو

گردیده و مسلمانان از آن فاصله گرفته اند، اسلام و قرآن بوسیله آن حضرت دیگر بار

حیات خود را بازیابد و این موضوع برای عربهائی که از حاکمان سرکش خود

اطاعت و با آن حضرت به دشمنی و ستیز برخواسته اند، دشوار میآید.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: " قائم علیه السلام در جریان نبرد خود با مسائلی روبرو شود

که رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن مواجه نشده زیرا پیامبر خدا ظهور کرد در حالی که آنان سنگ و چوب تراشیده (

بت) را میپرستیدند اما در زمان قائم، مردم بر او میشورند و کتاب خدا را برای آن حضرت تأویل و تفسیر

میکنند و (به خیال خود) برای دفاع از قرآن با او میجنگند. " (۲)

ما گاهی دیده ایم که چگونه حاکمان و دانشمندان وابسته به آنان، آیات خدا را

برای مبارزه با اسلام و علمای دین توجیه و تفسیر میکنند! به گفته برخی روایات

غضب آن حضرت منافقینی که خود را در پوشش اسلام مخفی میسازند دربر

میگیرد. افرادی که چه بسا خود را میان اطرافیان حضرت پنهان میکنند اما او با نور

و حکمتی که خدای سبحان در قلبش جای داده آنان را شناسائی میکند.

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۵۴.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۳۶۳.

در همین رابطه از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: " چه بسا شخصی در کنار قائم است و حضرت جهت اجرای دستوراتش به او امر و نهی میکند اما ناگهان امام میگوید: او را نزد من بیاورید. چون او را حاضر کنند حضرت فرمان دهد تا سر از بدنش جدا کنند. در شرق و غرب جهان چیزی باقی نماند مگر این که از آن بزرگوار ترس و وحشت بدل دارد " (۱)

بر اساس برخی روایات، گاهی گروهی بطور کامل نابود میگردد. از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: " زمانی که قائم قیام کند به طرف کوفه روان شود. جمعیتی بیش از ده هزار مسلح که " بتریه " نامیده شوند از شهر بیرون آیند و به آن حضرت گویند: از همان راهی که آمده ای بازگرد، ما را نیازی به اولاد فاطمه نیست، پس حضرت بر آنان شمشیر کشد بگونه ای که یک نفر از آنان را زنده نگذارد. آنگاه وارد کوفه شود و تمام منافقین شکاک و جنگ جویان مخالف خود را از دم تیغ بگذراند تا رضایت حضرت حق را فراهم آورد ". (۲)

در روایت بعدی نیز آمده: آن حضرت هفتاد نفر را به قتل میرساند که آنها اصل و اساس فتنه و اختلاف در میان شیعه اند و به نظر میرسد که از علمای گمراه ونابکار باشند.

از مالک بن ضمره نقل شده که گفت: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: " ای مالک بن ضمره چگونه خواهی بود زمانی که شیعیان این چنین با یکدیگر اختلاف کنند!؟ آنگاه حضرت انگشتان مبارک خود را به صورت ضربدری داخل یکدیگر نمود. عرض کردم: ای امیر مؤمنان آیا در آن هنگام خیری خواهد بود؟ حضرت فرمود: تمام خیر در آن هنگام است. ای مالک: در آن زمان قائم ما قیام کند و تعداد هفتاد نفر را که به خدا و رسول خدا دروغ بسته اند پیش کشیده و همه را به قتل رساند، آنگاه خداوند همه را پیرامون یک حقیقت گرد آورد. " (۳)

۱– ۱. بحار: ۵۲ / ۳۶۵.

۲– ۲. بحار: ۵۲ / ۳۳۸.

۳– ۳. بحار: ۵۲ / ۱۱۵.

روایت بعدی حاکی از آن است که علیرغم فرو رفتن لشکر سفیانی در حجاز و شکست او در عراق، باز هم طرفدارانی برای او در عراق باقی میماند، از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده که فرمود: " سپس (مهدی) حرکت نماید تا به قادسیه رسد در این حال مردم در کوفه اجتماع و با سفیانی بیعت کرده اند " (۱) و از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: "... سپس متوجه کوفه شود و در آنجا فرود آید و خون هفتاد قبیله از قبایل عرب را مباح شمارد " (۲) یعنی خون افرادی از این قبایل را که به شورشیان و دشمنان حضرت پیوسته اند هدر بشمارد.

ابن ابی یعفور از امام صادق علیه السلام نقل کرد که حضرت فرمود: " او اولین قائم از ما اهل بیت است که قیام کند و با شما سخنی گوید که تحمل نکنید و در " رمیله دسکره " بر او خروج کنید و با او بجنگید، او نیز با شما بستیزد و همه شما را به قتل رساند و این گروه آخرین گروه شورشی، علیه او خواهد بود " (۳)

از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است: " وقتی صاحب این امر به بعضی از احکام حکم کند و از برخی سنت ها سخن براند، بناگاه جماعتی شورشی از مسجد بیرون آیند و آهنگ خروج کنند. حضرت دستور تعقیب آنها را صادر کند، یاران حرکت کرده و شورشیان را در محله تمارین (خرمافروشان) کوفه به اسارت خویش درآورند، آنگاه به فرمان حضرت آنان را به قتل رسانند و این آخرین گروهی است که بر قائم آل محمد صلی الله علیه و آله خروج نماید " (۴)

از کنار هم قرار دادن این دو روایت به این نتیجه میرسیم که شورشیان " رمیله

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۸۷.

۲- ۲. غیبت طوسی ص ۲۸۴.

۳- ۳. بحار: ۲ / ۳۷۵.

۴- ۴. بحار: ۵۲ / ۳۴۵.

دسکره " آخرین گروه مسلحی هستند که علیه امام خروج میکند و شورشیان

مسجد کوفه دسته ای هستند که سعی در مخالفت با او دارد. روایات نشانگر آن

است که شورشیان رمیله دسکره خطرناک ترین گروه شورشی است و فرمانده آنها

فرعون یا ابلیس است. از ابو بصیر نقل شده که در این باره چنین میگوید: " پس از

اندک زمانی شورشیانی از غیر عرب در " رمیله دسکره " خروج کنند که تعداد آنها ده هزار نفر و شعارشان "

یا عثمان، یا عثمان " است. حضرت مردی از عجم را فرا خوانده و شمشیر خود را به دوش او آویزد، او

آهنگ آن جماعت کرده و همه را به قتل رساند بگونه ای که یک تن هم باقی نگذارد " (۱).

در کتاب معجم البلدان آمده است که " رمیله دسکره " روستائی است نزدیک

" شهرابان " از روستاهای " بعقوبه " در استان " دیالی " عراق. اما این نکته که افراد

مذکور در روایت بنام شورشیان غیر عرب مطرح شده یا بدان جهت است که آنها

عرب نیستند و یا بخاطر آن است که فرمانده آنان از غیر عرب است.

اما برخی روایات از نوعی دیگر از عملیات پاکسازی خبر میدهند که طی آن

حضرت دوازده هزار نفر از سپاهیان عرب و غیر عرب خود را طلبیده به آنان لباس

متحد الشکلی پوشانده و دستور میدهد تا وارد شهر شوند و هر کس را که دارای آن

لباس نباشد به قتل رسانند و آنان دستور را اجرا میکنند. (۲) به نظر میرسد که چنین

شهری باید پر از کافران و منافقان مخالف حضرت باشد که چنین دستوری در

موردشان صادر شود یا آنکه مؤمنان شهر بگونه ای از موضوع باخبر شده و از

خانه هایشان بیرون نیایند یا آنکه قبلا از لباس های مخصوص برای آنان نیز ارسال

شده باشد.

١- ١. بحار: ٥٢ / ٣٣٣.

٢- ٢. بحار: ٥٢ / ٣٧٧.

البته این پاکسازی های وسیع، موجی از وحشت و رعب و تردید در عراق و

سایر نقاط جهان ایجاد میکند زیرا در بعضی روایات آمده است که گروهی از مردم

آنگاه که این کشتار وسیع را مشاهده میکنند با خود میگویند: او از ذریه فاطمه علیها السلام

نیست، او اگر از نسل فاطمه بود بر مردم ترحم میکرد. در حدیثی که قبلا بیان

کردیم آمده بود که بعضی از اصحاب خاص آن حضرت تاب و تحمل اجرای برخی

احکام او را ندارند و با مشاهده کشتار مخالفان دچار شک و تردید میگردند تا جائی

که یکی از آنان که کنترل اعصاب خود را از دست داده نسبت به حضرت زبان

اعتراض میگشاید.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: " قائم علیه السلام پیش میرود تا به " سوق " برسد،

مردی از نسل پدرش به او میگوید: شما مردم را مانند گله گوسفندان میترسانید. آیا این کار شما با

دستوری از رسول خدا صلی الله علیه و آله صورت میگیرد یا خیر؟ امام افزود: در میان مردم نیرومندتر از آن مرد وجود

ندارد. در این لحظه مردی از عجم بر آن شخص بانگ میزند که: ساکت شو و الا گردنت را میزنم. آنگاه

قائم علیه السلام فرمانی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله را به آنان نشان دهد " (۱)

از حدیث میتوان فهمید که مرد معترض، علوی است و منظور از " سوق " یا

بازار شهر است و یا مکان خاصی با این نام.

در روایت دیگری آمده: مردی آن شخص معترض را به سکوت وادار میکند،

مسؤول بیعت گرفتن برای حضرت مهدی علیه السلام است. از امام باقر علیه السلام نقل شده که

فرمود: " زمانی که او به ثعلبیه (۲) رسد، شخصی از ذریه پدرش که پس از مهدی، از همه نیرومندتر و

شجاع تر است در مقابل او میایستد و میگوید: ای فلان! چه میکنی به خدا سوگند تو مردم را همچون گله

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۸۷.

۲- ۲. ثعلبیه، نام محلی است در خاک عراق از سمت حجاز.

گوسفندان فراری میدهی! آیا فرمانی از رسول خدا داری که چنین کنی؟! آنگاه مردی که مسئول بیعت گرفتن است فریاد زند: ساکت شو و الا به خدا قسم گردنت را خواهم زد، در اینجا قائم علیه السلام به او میگوید: ای فلان ساکت باش، آری به خدا سوگند فرمانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله دارم، سپس حضرت دستور میدهد تا صندوق کوچکی را نزد او بیاورند، آنگاه فرمان رسول خدا را برای وی (بیرون آورده و) میخواند، پس شخص معترض خطاب به امام گوید: خداوند جان مرا فدای تو گرداند. اجازه دهید تا (به قصد عذرخواهی) سر مبارکتان را بوسه زنم، سپس میان دو چشم حضرت را میبوسد و میگوید: اجازه دهید تا با شما تجدید بیعت کنیم. حضرت بار دیگر با آنان بیعت میکند " (۱)

از این بیان کوتاه میتوان فهمید که کسانی که حضرت آنان را از بین میبرد گروه های مختلفی از شیعه و سنی طرفدار سفیانی و مخالفان حضرتند که در میان آنان مجموعه ای از احزاب، گروهک ها، مردم عادی و حتی علما و دانشمندان منحرف را میتوان مشاهده کرد و به شکل طبیعی در میان آنان مزدوران غربی را نیز میتوان دید.

پس از این مرحله، کشور عراق در سایه حکومت امام زمان علیه السلام برای مدتی طولانی نفس راحتی میکشد و در نقش جدید خود بعنوان مرکز جهانی و بعنوان پایتخت فرمانروائی قائم آل محمد عجّل الله فرجه الشّریف جلوه خاصی یافته و قبله گاه دل و دیده مسلمانان جهان و محل رفت و آمد گروه های مختلف میگردد.

در آن زمان کوفه، سهله، حیره، نجف و کربلا محله های یک شهر بزرگ را تشکیل میدهند که نام آن بر سر زبانها و در دل ملت های جهان جا میگیرد و مردم از دورترین نقاط عالم در شب جمعه آهنگ آن دیار میکنند تا بتوانند صبح روز بعد، جهت اقامه نماز جمعه به امامت حضرت مهدی علیه السلام در مسجد جهانی او که دارای

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۴۳.

یک هزار در ورودی است حاضر شوند. و علیرغم آن، چه بسا پیدا کردن مکانی

خالی در میان میلونها نمازگزار امکان پذیر نباشد.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: " مرکز زمامداری او کوفه و محل قضاوت او مسجد

جامع کوفه و محل بیت المال و تقسیم غنیمت های مسلمانان، مسجد سهله و خلوتگاه او با خالق خویش،

محلی در تپه های سفید غریین (۱) است. به خدا سوگند هیچ با ایمانی نیماند مگر این که در آنجا و یا

اطراف آنجا بسر برد ". (و در روایتی دیگر آمده " یا به سوی آنجا آیند " و در روایت دیگر "

بسوی آن بشتابد " که همین عبارت صحیح تر است).

" شهر کوفه به پنجاه و چهار میل رسد و ساختمانهای باشکوه آن به عمارت های کربلا نزدیک شود،

خداوند کربلا را پناهگاه و جایگاه رفت و آمد فرشتگان و مؤمنان قرار دهد و عظمتی بسیار یابد ". (۲)

منظور از " محل قضاوت " محل مراجعات یا محل قضاوت حضرت بین مردم

است که در مسجد کوفه فعلی خواهد بود یا در مسجد جمعه بزرگی که آن حضرت

بنا خواهد کرد. و منظور از پنجاه و چهار میل شدن کوفه یعنی مساحت و یا طول آن

شهر به حدود یکصد کیلومتر میرسد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: " در پشت کوفه (نجف) مسجدی بنا کند با هزار در. (و

شهر کوفه به اندازه ای بزرگ شود که) خانه های آن به دو رودخانه کربلا و حیره متصل گردد بگونه ای که اگر

شخصی با وسیله ای تندرو و سبک، آهنگ نماز جمعه کند آن را درک ننماید " (۳) یعنی اگر انسان با

وسیله ای سبک و سریع به سوی نماز جمعه بشتابد آن را درک نکند زیرا مکانی

خالی برای اقامه نماز نمییابد.

۱- ۱. محل مذکور نزدیک نجف است و به آن نجف غری و نجف غریین نیز گفته میشود.

۲- ۲. بحار: ۵۳ / ۱۱.

۳- ۳. غیبت طوسی ص ۲۸۰.

البته روایات در مورد پیشرفت های معنوی و مادی در عراق یعنی مرکز حکومت آن بزرگوار فراوان است که اینجا محل طرح آنها نیست.

با پاکسازی عراق توسط حضرت و ملحق شدن آن به قلمرو حکومت امام زمان و مرکزیت یافتن آن، دامنه فرمانروائی حضرت شامل مناطق یمن، حجاز، ایران، عراق و کشورهای خلیج خواهد شد و بدین ترتیب حضرت مهدی علیه السلام با خاطری آسوده از اوضاع داخلی به سراغ دشمنان خارجی خود خواهد رفت. او ابتدا لشکری به طرف ترک ها اعزام و آنها را شکست میدهد، سپس خود آن حضرت در رأس سپاهی آهنگ شام مینماید و در منطقه ای بنام " مرج عذراء " نزدیک دمشق فرود میآید و به منظور آزادی قدس آماده نبردی بزرگ با سفیانی، یهود و رومیان میگردد که شرح ماجرا در فصل حوادث و پیشامدهای نهضت ظهور خواهد آمد.

* *

جنگ جهانی در دوران ظهور

روایات فراوانی حکایت از وقوع یک جنگ جهانی پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام دارد، اما بعید است که بتوان آن را بر دو جنگ جهانی اول و دوم معاصر تطبیق نمود زیرا صفاتی که برای آن جنگ جهانی در روایات آمده با اوصاف این دو جنگ تفاوت دارد چرا که برخی روایات زمان این جنگ را نزدیک ظهور یا در اثناء آن مطرح میکنند بلکه از برخی روایات استفاده میشود که این نبرد در همان سال ظهور و یا بعد از آغاز نهضت مقدس آن بزرگوار بوقوع میپیوندد.

اینک به نمونه هایی از این روایات توجه کنید:

از امیر مؤمنان علیه السلام منقول است که فرمود: " پیش روی قائم علیه السلام مرگی سرخ و مرگی سفید پدیدار گردد و ملخ هایی خونرنگ وقت و بیوقت هجوم آورند اما مرگ سرخ یعنی شمشیر و مرگ سفید یعنی طاعون " (۱). از عبارت " پیش روی قائم " میتوان فهمید که این جنگ و مرگ سرخ به ظهور حضرت بسیار نزدیک است اما روایت محل وقوع آن را تعیین نمیکند.

امام باقر علیه السلام میفرماید: " قائم قیام نکند مگر پس از پیدایش این نشانه ها: ترس و وحشتی شدید، بروز زلزله ها، آشوب و بلاهایی که مردم گرفتار آن شوند و طاعونی قبل از آن و شمشیری بران میان

۱- ۱. ارشاد مفید ص ۴۰۵ و غیبت طوسی ص ۲۷۷.

عرب و اختلاف شدید میان مردم و پراکندگی در دین و دگرگونی در احوال آنان بگونه ای که انسان از به جان هم افتادن مردم و تکه پاره کردن یکدیگر هر صبح و شام آرزوی مرگ کند " (۱)

این روایت بیانگر آن است که مرض طاعون قبل از ترس شدیدی است که احتمالا همان جنگ عمومی است. اما اگر مطمئن باشیم که شخص راوی عبارت های حدیث را پس و پیش بیان نکرده باز هم با توجه به متن حدیث و ابهامی که در این حوادث وجود دارد مشکل میتوان گفت که حوادث مذکور به شکل زنجیره ای و پی در پی اتفاق خواهد افتاد.

آری، میتوان گفت که بر اساس این حدیث دوره ای سخت و طاقت فرسا برای عربها و عموم مردم بوجود خواهد آمد که این سخن در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و امنیتی جلوه گر خواهد شد و چه بسا بیان این شرائط اعلان پیدایش سال قحطی است که در روایت بعدی امام صادق آن را بیان فرموده است:

" البته پیش روی قائم سالی خواهد بود که مردم گرسنگی کشند و ترس و وحشت شدید از کشتار، آنان را فرا گیرد " (۲)

روایت بعدی روشن میکند که این شرائط دشوار و فضای جنگی ادامه مییابد تا صیحه آسمانی در ماه مبارک رمضان و نزدیک ظهور حضرت به گوش برسد.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: " اهل شرق و غرب با یکدیگر اختلاف کنند. آری و اهل قبله نیز و مردم بر اثر ترس و وحشت، با مشکلات فراوانی روبرو شوند و به همان حال به سر برند تا آنگاه که منادی از آسمان ندا دهد. پس هرگاه چنین شد کوچ کنید کوچ " (۳)

۱- ۱. کمال الدین صدوق ص ۴۳۴.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۲۹.

۳- ۳. بحار: ۵۲ / ۲۳۵.

این روایت نشان میدهد که خسارت های ناشی از جنگ مزبور، بطور اساسی بر

ملت های غیر مسلمان وارد میشود. جمله " اهل شرق و غرب. آری و اهل قبله با هم اختلاف

پیدا کنند " عبارت دقیقی است که بیانگر کم اهمیت بودن اختلاف مسلمانها است

و به نظر میرسد این اختلاف نتیجه و یا تابع اختلافات اهل شرق و غرب باشد. البته

این نکته در جنگ جهانی آینده طبیعی خواهد بود زیرا اهداف آن جنگ مراکز

حکومت ها و کشورهای بزرگ و پایگاه های نظامی آنان است و آثار آن بطور غیر

مستقیم به مسلمانان نیز سرایت میکند. برخی از روایات ما صریحا به این مطلب

اشاره کرده اند. ابو بصیر میگوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: " این امر (یعنی

قیام قائم) نخواهد بود تا دو سوم مردم از بین بروند. پرسیدیم وقتی دو سوم مردم از بین رفتند پس چه

کسی باقی خواهد ماند؟ فرمود: آیا دوست ندارید که شما در یک سوم باقی مانده باشید؟ " (۱)

شاید خطبه امیر مؤمنان علیه السلام بیش از سایر احادیث، زمان و عامل این جنگ را

مشخص میسازد، خطبه ای که در آن، تعدادی از نشانه های ظهور بیان شده و دو

فقره از آن به جنگ جهانی ارتباط دارد. حضرت فرمود: " آگاه باشید ای مردم: از من آنچه

میخواهید بپرسید، پیش از آن که فتنه و فساد شرقی همچون شتر لجام گسیخته ای که گویا یک بار مرده و

زنده شده و افسارش رها شده، فرا رسد و با فتنه ای دیگر در مغرب زمین آتشی عظیم برافروخته گردد،

فتنه ای که آه از نهاد همگان برآورد و فریاد خونخواهی و انتقام را بالا برد. آنگاه مردی (یا راهبی) از اهل

نجران خارج شود و امام علیه السلام را اجابت کند. او اول مرد نصرانی است که دعوت حضرت را لبیک گوید و

صومعه خود را تخریب و صلیبش را بشکند و به اتفاق یاران و مردم مستضعف و سواران و با درفش های

هدایت به طرف " نخیله " حرکت کند. (در آن روز) محل تجمع تمام مردم روی زمین، منطقه ای بنام فاروق

است (و آن منطقه ای است که در سر راه سفر حج امیر مؤمنان علیه السلام بین برس و فرات قرار دارد) در آن روز

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۱۱۳.

تعداد سه هزار (هزار) یهودی و نصرانی کشته شود برخی، برخی دیگر را بکشند. آری آن روز تأویل و مصداق این آیه شریفه است: " پس پیوسته این سخن را تکرار میکردند تا آنها را درو کرده و خاموش ساختیم (۱) با شمشیر " (۲) ابتدای حدیث بیانگر آن است که آغاز این درگیری از شرق است و یا سرمنشأ آن در منطقه شرق است. و از طرف دیگر آتش غرب نیز باعث ویرانی شهرهای غربی شده و موارد اشتعال آن آتش بزرگ، همان پایگاه های نظامی، پایتخت ها و مراکز مهم سرزمین های غربی است.

به نظر میرسد که منظور امام از این جمله که فرمود: " محل تجمع مردم روی زمین فاروق است " یعنی مردم در آن روز از گوشه و کنار جهان جهت پیوستن به حضرت مهدی علیه السلام گردهم جمع میشوند و مقر و پایگاه او بین کوفه و حله است، همانگونه که راهب نجرانی با گروهی از مردم مستضعفین در همان ناحیه به حضور حضرت میرسند، ظاهرا عبارت " و آنجا منطقه ای است که در سر راه و مسیر سفر حج امیر مؤمنان علیه السلام بین برس و فرات است " حاشیه ای از خود راوی و یا نویسندگان متن کتاب است که داخل حدیث شده است، البته ممکن است معنای کلمه المحجه که در عبارت آمده محل اجتماع کاروانهای حج در زمان امیر مؤمنان علیه السلام و یا نام محلی باشد که هیئت ها و نمایندگان مختلف برای ورود به اردوگاه حضرت و یا ملاقات با او اجتماع میکنند.

این جمله که حضرت فرمود: " در آن روز بین شرق و غرب سه هزار هزار کشته میشوند " یعنی سه میلیون نفر و این که کلمه (هزار) را بین پرانتز قرار دادیم بدین جهت است که کلمه هزار دوم، در روایت دیگری در بحار (۳) وارد شده و شاید از این روایت افتاده

ص: ۲۰۰

۱- ۱. أنبیاء / ۱۵.

۲- ۲. بحار: ۸۳ / ۸۲ و ۸۴.

۳- ۳. بحار: ۵۲ / ۲۷۴.

باشد، البته این بدان معنی نیست که قربانیان جنگ جهانی سه میلیون نفر خواهد بود، بلکه این تعداد، مربوط به کشته های آن روز و یا آن مقطع است و این یک مرحله از مراحل جنگ جهانی و آخرین مرحله آن است. قبلا گفتیم که مجموع خسارت های جانی جنگ و مرض طاعون که پیش از آن جنگ شیوع پیدا میکند به دو سوم ساکنان جهان میرسد. همین مطلب در روایتی دیگر پنج هفتم جمعیت جهان ذکر شده است.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: " پیشاپیش قائم دو نوع مرگ وجود دارد یکی مرگ سرخ و دیگری مرگ سفید تا از هر هفت نفر، پنج نفر از بین بروند " (۱)

در برخی روایات رقم نه دهم آمده است. گاهی این گونه اختلاف ها در روایات به علت تفاوت منطقه ها و یا علل دیگری است اما به هر حال خسارتهای مسلمانان در این جنگ اندک است.

خلاصه کلام این که: روایات گرانقدر ما سخن از وجود هراس و وحشت عمومی و جهان شمول قبل از ظهور و یا در سال ظهور آن حضرت دارند که خسارت های سنگین و شکننده ای بر جان مردم و بطور کلی بر غیر مسلمانها خواهد داشت.

شاید بتوان این نشانه ها را به جنگ عمومی و ابزارهای پیشرفته، وحشتناک و نابود کننده آن تفسیر کرد که باعث ترس و نگرانی همه مردم میشود چرا که اگر شیوه این جنگ با استفاده از روش های عادی و کلاسیک موجود در جهان باشد، رعب و وحشت آن به اندازه ای که روایات توصیف کرده اند فراگیر نمیشود و یا دست کم باید مناطق خاصی مشمول این ترس، وحشت، قتل و کشتار نگردد. از سوی دیگر شواهدی وجود دارد که بتوان این هراس عظیم و عمومی را به جنگ های منطقه ای

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۰۷.

فراوان تفسیر نمود، مخصوصا با تعبیری که در کلام امام باقر علیه السلام آمده بود که فرمود: "و جنگ ها در زمین زیاد شود" یعنی جنگ های متعددی در همان سال پدیدار گردد. با کنار هم گذاشتن این حدیث و احادیث دیگری که بیانگر اختلاف و جنگ میان مردم شرق و غرب بود میتوان به این نتیجه رسید که این نبردها به صورت جنگ های منطقه ای بین آنان ایجاد میشود و نقطه اصلی ویرانگری آن نیز در غرب تمرکز میيابد.

اما زمان این جنگ بر اساس آنچه از روایات میتوان فهمید نزدیک به زمان ظهور حضرت و چه بسا در همان سال ظهور باشد. اکنون با یک نگاه کلی به احادیث میتوان گفت که این جنگ طی چند مرحله به وقوع خواهد پیوست یعنی پیش از ظهور، آغاز و تا مدتی پس از ظهور ادامه خواهد یافت بطوری که فتح سرزمین حجاز توسط حضرت نیز در خلال آن روی میدهد و سپس به فتح عراق منجر میگردد.

اما اگر بخواهیم این حوادث را به وقوع یک جنگ فراگیر هسته ای تفسیر کنیم آنچنانکه جرائد از آن سخن میگویند، باید گفت که زمان چنان جنگی بسیار کوتاه خواهد بود و همانگونه که گفته میشود در مدتی کمتر از یک ماه همه چیز به پایان میرسد. والله العالم.

**

ایرانیان در دوران ظهور

اشاره

کشور ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در نگاه غربی ها پایگاهی حیاتی و مهم به شمار میرفت که در مرز شوری و در قلب جهان اسلام قرار داشت و از دیدگاه مسلمانها کشوری اسلامی و اصیل محسوب میشد که " شاه " هم پیمان غرب و اسرائیل بر آن حکومت میکرد و کشور را در خدمت آنان قرار میداد.

علاوه بر آنچه در تصور دیگران بود، ایران در ذهن یک فرد شیعه مانند من، کشوری بود که در آن مرقد مطهر امام رضا علیه السلام و حوزه علمیه قم وجود داشت با ریشه های اصیل در تاریخ تشیع و علماء و اندیشمندان شیعه و تألیفات گرانبها، زمانی که ما به روایات مربوط به ستایش ایرانیان و نژاد سلمان فارسی برخورد میکردیم، به یکدیگر میگفتیم: این روایات مانند روایت هایی است که مدح و ستایش و یا مذمت برخی گروه ها و قبیله ها یا بعضی کشورها را دربردارد، که جای بررسی و تأمل داشته و اگر از نظر سند درست باشند، مربوط به زمان گذشته و احوال ملتهای زمان صدر اسلام و قرن های گذشته است.

این طرز فکر رائج میان اهل فکر و فرهنگ بود و همه بر این باور بودیم که امت اسلامی در حالتی جاهلانه و تحت نفوذ سلطه کفر جهانی و نمایندگان اوست، در بین ملت ها هیچیک بر دیگری برتری ندارد و چه بسا ایرانیان در شرائطی بدتر از

سایر ملتها باشند، چرا که به نظر میرسید ایرانیان طرفداران تمدنی کفرآمیز و متکی

به افتخارات قومی خویشند و شاه و حامیان غربی او نیز برای برانگیختن چنین فکر

و فرهنگی تلاش میکنند.

... تا اینکه پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مسلمانان جهان را غافلگیر و

قلب های غمگین آنان را چنان از سرور و شادی سرشار نمود که در قرن های گذشته

بی سابقه بود، حتی میتوان گفت: تصور چنین پیروزی بزرگی در فکر کسی

نمیگنجید. این سرور و خوشحالی همه کشورها و ملت های مسلمان را در برگرفت،

و به جائی رسید که همه جا سخن از فضل و برتری ایرانیان و نژاد و قبیله سلمان

فارسی بود، بطور مثال، یکی از صدها عنوانی که در مجلات و روزنامه های غرب و

شرق جهان اسلام منتشر شد، این تیتر مجله تونسی " شناخت " بود که در آن آمده

بود: " پیامبر صلی الله علیه و آله، ایرانیان را برای رهبری امت اسلام برمیگزیند " این حوادث،

نگاه ما را بار دیگر به سوی ایرانیان باز گرداند و دریافتیم روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله

درباره ایرانیان وارد شده تنها مربوط به تاریخ گذشته آنها نبوده، بلکه به آینده نیز

ارتباط دارد...

از این رو با مراجعه به منابع حدیث و تفسیر و بررسی روایات مربوط به ایرانیان،

به این نتیجه رسیدیم که این اخبار بیش از آنکه مربوط به گذشته باشد، مربوط به

آینده است و جالب اینکه این گونه روایات در منابع حدیث سنی ها بیشتر از منابع

شیعه ها وجود دارد.

چه میتوان کرد، وقتی که در روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام و زمینه سازان

حکومت آن بزرگوار، ایرانی ها و یمنی ها دارای سهم بسزائی بوده و کسانی هستند

که به افتخار ایجاد زمینه ظهور آن حضرت و شرکت در نهضت وی نائل میشوند،

همچنین افراد شایسته و بزرگی از مصر و مؤمنانی حقیقی از شام و گروه هایی از

عراق نیز از این فیض بهره مند میشوند و همینطور سایر دوستداران آن حضرت در گوشه و کنار جهان اسلام که از این موهبت برخوردار و از یاران ویژه و دستیاران آن حضرت خواهند بود. جانمان فدای آن حضرت و یاران او باد.

ستایش ایرانیان در احادیث سنی ها

این نکته، بسیار قابل توجه است که احادیث نبوی در ستایش ایرانیان در منابع سنی ها بسیار بیشتر از منابع شیعی است. آنچنانکه یک محقق به راحتی میتواند از روایات مصادر سنی ها کتابی در فضائل و مناقب ایرانی ها و برتری آنها بر عرب بنویسد!

از جمله این احادیث " گوسفندان سیاه و سفید " است که ابو نعیم روایت میکند (روایت از طریق حذیفه): رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خواب دیدم که گوسفندان سیاه بدنبال من هستند، سپس گوسفندان سفید به آنها اضافه شدند، تا جائی که دیگر گوسفندان سیاه را بین آنها ندیدم. ابوبکر گفت: گوسفندان سیاهی که بدنبال شما بودند عرب ها هستند و گوسفندان سفید، عجم هائی که از شما پیروی خواهند کرد که آنقدر زیاد میشوند که دیگر عرب ها در میان آنها به چشم نمیآیند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فرشتگان نیز همین گونه خواب را تعبیر نمودند. (۱)

حدیث پشتیبانی فارس ها از اهل بیت علیهم السلام: ابو نعیم از ابن عباس روایت میکند: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از ایرانیان سخن به میان آمد، حضرت فرمود: ایرانیان پشتوانه ما اهل بیت اند.

حدیث اطمینان پیامبر به فارس ها: ابو نعیم از ابوهریره روایت میکند: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله یادی از عجم شد، حضرت فرمود: به خدا قسم اطمینان من به آنها بیش از اطمینان به شما یا بعضی از شماست (۲).

ص: ۲۰۵

۱- ۱. ذکر اصبهان ص ۸ با سندهای گوناگون از ابو هریره و نعمان بن بشیر و مطعم بن جبیر و ابوبکر وابن أبی لیلی و حذیفه.

۲- ۲. کتاب مذکور ص ۱۲. شبیه به همین روایت نیز در سنن ترمذی: ۵ / ۳۸۲ آمده است.

مسلم از ابو هریره روایت میکند: هنگامی که سوره جمعه نازل میشد، ما نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم، وقتی حضرت این آیه را خواند: و آخرین منهم لما یلحقوا بهم... (و کسانی که هنوز به ایشان نپیوسته اند) شخصی پرسید: یا رسول الله! آنان کیانند؟ حضرت پاسخی نداد تا دوباره و سه باره سؤال کرد. سلمان فارسی هم آنجا بود. حضرت دست بر شانه سلمان گذشت و فرمود: اگر ایمان در ثریا هم باشد، مردانی از اینان به آن خواهند رسید (۱).

احمد بن حنبل روایت میکند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نزدیک است که خداوند متعال اطراف شما را از عجم پر کند، آنان چون شیرانی هستند که نمیگریزند. با دشمنان شما میجنگند و از غنائم شما استفاده نمیکنند. (۲)

این روایت را ابو نعیم با اسناد مختلف از حذیفه و سمره بن جندب و عبد الله بن عمر روایت کرده است. (۳)

ابن ابی الحدید روایت میکند: اشعث بن قیس از میان جمعیت خود را به علی علیه السلام رساند و گفت: یا امیر المؤمنین! این سرخ رویان (یعنی ایرانیان) که اطراف ترا گرفته اند بر ما عرب ها غلبه کرده اند. حضرت با پای خود آهسته به منبر کوبید. صعصعه بن صوحان گفت: ما را با اشعث چه کار؟! امروز امیر المؤمنین درباره عرب سخنی خواهد گفت که هرگز گفته نخواهد شد. حضرت فرمود: کدامیک از این شکم پرستان بی شخصیت که مانند الاغ در رختخوابش میغلطد و مانع هدایت مردم میگردد، عذر مرا میپذیرد؟! آیا تو میخواهی من آنها (ایرانیان) را برانم؟! اگر چنین کنم قطعا نادان خواهم بود. قسم به کسی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، ایرانیان شما را برای بازگشت به دین خواهند کوبید، چنان که شما آنها را برای پذیرش دین کوبیدید. (۴)

۱- ۱. صحیح مسلم: ۷ / ۱۹۲.

۲- ۲. مسند احمد: ۵ / ۱۱.

۳- ۳. ذکر اصبهان ص ۱۳.

۴- ۴. شرح نهج البلاغه: ۲۰ / ۲۸۴.

آنچه که مربوط به موضوع ماست نقش ایرانیان در عصر ظهور و قیام حضرت

مهدی علیه السلام است که در احادیث با این عناوین نه گانه از آنها یاد شده است: قوم

سلمان، اهل مشرق، اهل خراسان، صاحبان پرچم های سیاه، فارس، اهل قم،

اهل طالقان که غالبا مقصود از همه آنها یکی است.

ایرانیان و زمینه سازی ظهور

تمام منابع روایی شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که ظهور امام زمان عجّل الله فرجه الشّریف پس از

نهضتی بوقوع خواهد پیوست که زمینه ساز ظهور حضرت است. در این نهضت

صاحبان درفش های سیاه از ایران، آماده کننده مقدمات فرمانروائی او هستند. و

وجود دو شخصیت ایرانی موعود، یعنی سید خراسانی، یا هاشمی خراسانی و

یاور او شعیب بن صالح نقشی قابل توجه دارند.

منابع حدیث شیعه علاوه بر ایرانیان، از یمنی ها نیز بعنوان زمینه سازان ظهور

حضرت نام برده اند. همچنانکه از مجموعه احادیث میتوان وقوع یک حرکت

انقلابی قبل از ظهور را پیش بینی کرد. مانند این روایت که در تفسیر آیه: " بعثنا علیکم

عبادا لنا أولی بأس شدید " یعنی: گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما

برانگیزیم، چنین آمده است: آنان گروهی هستند که خداوند قبل از قیام قائم

برانگیزد و به سراغ هر یک از قاتلان اهل بیت که بروند او را به قتل رسانند. (۱)

و در حدیثی که " ابان بن تغلب " از امام صادق علیه السلام نقل کرده، آمده است: " زمانی

که پرچم حق ظهور کند، اهل مشرق و مغرب بر آن نفرین کنند! آیا میدانی چرا؟ گفتم خیر. فرمود: چون

مردم قبل از ظهور با گروهی از اهل بیت او مواجه گردند. "

۱- ۱. کافی: ۸ / ۲۰۶.

از این روایت میتوان فهمید که افرادی از بنی هاشم و پیروان آنها قبل از ظهور حضرت، نهضتی خواهند داشت.

نویسنده کتاب " یوم الخلاص " این حدیث را نقل کرده که میگوید: " او میآید و برای خداوند، شمشیری است از نیام کشیده شده ".

صاحب کتاب " یوم الخلاص " برای این حدیث پنج منبع نقل کرده است که من این روایات را در این منابع نیافتم، آنچه یافتم چنین است " همراه او شمشیری ست از نیام کشیده " کتاب مذکور موارد دیگری را هم ذکر نموده که سندی برایش نیافتم.

بنابراین روایات مربوط به مقدمات ظهور، سه دسته هستند:

الف: روایات مربوط به دولت هواداران درفش های سیاه که شیعه و سنی آن را نقل کرده اند.

ب: روایات مربوط به ظهور حکومت یمنی که فقط در منابع شیعه وارد شده و شبیه این روایات در برخی از منابع سنی ها آمده اما بیانگر ظهور یمانی پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

ج: روایاتی که حاکی از ظهور زمینه سازان قیام حضرتند، بی آنکه جزئیات آنها را مشخص نمایند. اما به زودی بیان خواهیم کرد که این روایات بطور کلی بر یاران ایرانی و یمنی آن حضرت منطبق است که زمینه ساز حکومت آن حضرتند.

روایات، زمان روی کار آمدن حکومت یمنی ها را مشخص نموده و آن را سال ظهور حضرت و همزمان با خروج سفیانی یا نزدیک به آن میداند.

خروج سفیانی به منظور دشمنی با آن حضرت و از سرزمین شام یا منطقه ای در نزدیکی آن به وقوع خواهد پیوست که به زودی جزئیات آن را بیان خواهیم کرد.

اما حکومت ایرانیان زمینه ساز، به دو مرحله مشخص تقسیم میشود:

مرحله اول، آغاز نهضت آنان بدست مردی از قم که شاید نهضت او سرآغاز امر

ص: ۲۰۸

ظهور حضرت باشد چرا که در روایت آمده که " آغاز نهضت آن حضرت از ناحیه مشرق است ".

مرحله دوم، ظهور دو شخصیت موعود در بین ایرانیان به نام سید خراسانی و

فرمانده نیروهای او شعیب بن صالح است.

در تعدادی از روایات، مشخص گردیده که نهضت شعیب و خراسانی شش سال

قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. از محمد بن حنفیه نقل شده که:

" پرچم سیاه بنی عباس خروج کند سپس پرچم سیاه دیگری از خراسان ظاهر شود حاملان آن

درفش ها کلاه سیاه و لباس سفید بر تن دارند، پیشاپیش آنان مردی است که او را صالح بن شعیب و یا

شعیب بن صالح مینامند و از قبیله بنی تمیم است، آنان نیروهای سفیانی را شکست داده و در بیت

المقدس فرود آیند تا مقدمات حکومت مهدی را فراهم آورند، تعداد سیصد تن از شام به آنها بپیوندند،

فاصله خروج او تا تحویل زمام امور به مهدی علیه السلام هفتاد و دو ماه است. " (۱)

در مقابل این احادیث، روایات دیگری هست که میگوید، ظاهر شدن

خراسانی و شعیب همزمان با ظاهر شدن یمانی و سفیانی است، از امام امام

صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

" خروج خراسانی، سفیانی و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز واقع شود، درفش یمانی در بین

این پرچمها از همه هدایت گرتر است، او مردم را به حق دعوت کند " (۲)

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: " خروج سفیانی، یمانی و خراسانی در سال، ماه و روز

واحد خواهد بود، نظم و ترتیب آنها همچون دانه های تسبیح، پی در پی است، در آن زمان مشکلات از همه

سو روی آورند، وای بر کسی که با آنان به مخالفت برخیزد. در میان پرچمها، پرچمی هدایتگر از یمانی

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۸۴ و قریب به همین مضمون در ص ۷۴.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۱۰.

نیست. آن پرچم، پرچم هدایت است چرا که به سوی مولای شما دعوت کند ". (۱)

این روایت ها به خاطر محکم بودن سندشان بر روایت های دیگر برتری دارند،

مخصوصا روایت آخر که سندش صحیح است و آن را ابو بصیر از امام پنجم نقل کرده

است.

شاید منظور از خروج این سه نفر به ترتیب، مانند دانه های تسبیح، با آنکه در

یک روز واقع میشود این است که انگیزه های خروج آنها با هم ارتباط سیاسی دارد.

البته آغاز خروج آنان در یک روز است، اما ترتیب جنبش آنان و استحکام امورشان

مانند مهره های تسبیح، یکی پس از دیگری واقع میشود.

روایت آغاز حکومت حضرت مهدی علیه السلام از ایران

این حدیث صراحت دارد که آغاز نهضت حضرت از ناحیه مشرق خواهد بود از

امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده که فرمود:

" آغاز کار او از مشرق است، زمانی که این امر پیش آید، سفیانی خروج کند " (۲)

از طرفی آنچه علماء بر آن اتفاق دارند و روایات متواتر (۳) آن را تأیید میکنند، این

است که ظهور حضرت از مکه مکرمه است، بنابراین باید منظور امیر مؤمنان علیه السلام که

فرمود " آغاز کار او از مشرق است " یعنی پیدایش کار و مقدمات نهضت او از مشرق

است. و همچنین میتوان فهمید که ظهور مقدمات نهضت حضرت، قبل از خروج

سفیانی است و فاصله بین این مقدمات و خروج سفیانی، مدتی نه کوتاه و نه

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۳۲.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۵۲.

۳- ۳. متواتر خبری است که روایان آن به حدی برسد که عادتا امکان همدستی آنان بر ساختن خبر محال باشد و این حالت

در همه طبقات راویان حفظ شود. مترجم

طولانی است. حتی میتوان گفت روایت، اشاره به این نکته دارد که حرکت

زمینه ساز ظهور در ایران انگیزه و علت خروج سفیانی است زیرا جنبش سفیانی

واکنشی است جهت رویاروئی با موج فزاینده نهضت اسلامی که زمینه ساز قیام آن

حضرت خواهد بود.

روایت حمایت از امت محمد صلی الله علیه و آله، توسط مردی از اهلبیت

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل میکند که حضرت فرمود:

" ای ابو بصیر، امت پیامبر صلی الله علیه و آله را مادام که خاندان فلان بر مسند حکومت تکیه زده در گشایش

نخواهی دید تا آنکه فرمانروائی آنان منقرض شود، با تمام شدن حکومت آنان، خداوند آن را به مردی از ما

اهل بیت ارزانی میدارد که روش او بر اساس تقوی و عمل وی هدایت گر مردم است. در قضاوت و حکم،

اهل رشوه نیست. به خدا سوگند من او را با نام خودش و نام پدرش میشناسم، سپس مردی خواهد آمد،

نیرومند و کوتاه اندام که خالی بر صورت و دو نشانه بر بدن دارد. او پیشوایی عادل و نگاهبان امانتهای الهی

است، دنیا را پر از عدل و داد نماید آنگونه که بدکاران پر از ظلم و جور کرده اند " (۱)

این روایت، قابل توجه ولی متأسفانه ناقص است، علامه مجلسی آن را از سید

بن طاووس نقل کرده که میگوید: این روایت را در سال ۶۶۲ در کتاب " ملاحم "

بطائنی دیده و از آن کتاب نقل کرده اما به صورت ناتمام، بطائنی از یاران امام

صادق علیه السلام بوده و نسخه کتاب وی هم اکنون در دسترس نیست البته ممکن است در

گوشه و کنار کشورهای اسلامی در میان کتاب های خطی و ناشناخته موجود باشد. (۲)

بر اساس این روایت سید بزرگواری از ذریه اهل بیت علیهم السلام پیش از ظهور حضرت

قائم علیه السلام حکومت میکند و مقدمات دولت او را فراهم مینماید.

۱– ۱. بحار: ۵۲ / ۲۶۹.

۲– ۲. کتاب اقبال سید بن طاووس ص ۵۹۹.

اما عبارت " خاندان فلان " در کلام امام، لازم نیست که حتما بنی عباس باشند آنگونه که سید بن طاووس فهمیده است، زیرا در سایر روایات که ائمه ما علیهم السلام تعبیر به فلان و آل فلان نموده اند، گاهی منظور بنی عباس و گاهی خاندان هایی است که قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرمانروائی میکنند، مثلا روایات متعددی وجود دارد که میگویند: اختلاف بین خاندان فلان و آل فلان، از حکام حجاز بر سر انتخاب فرمانروا، رخ میدهد و این تفرقه به قبایل حجاز سرایت میکند، آنگاه مهدی علیه السلام ظهور مینماید. پس منظور از بنی فلان در این حدیث بنی عباس نیست بلکه خاندانی است که قبل از ظهور حضرت در حجاز حکومت میکنند. مانند روایتی که از امیر مؤمنان علی علیه السلام به دست ما رسیده که حضرت فرمود:

" آیا خبر ندهم شما را به آخرین حاکم آل فلان؟ عرض کردیم چرا ای امیر مؤمنان. فرمود: کشته شدن بیگناهی در منطقه حرم از قبیله ای از قریش، سوگند به خدایی که دانه را شکافت و موجودات را هستی بخشید، پس از این حادثه، تنها پانزده شب از سلطنتشان باقی خواهد ماند " (۱)

غیر از این روایت، روایات دیگری وجود دارد که اختلاف بین خاندان فلان و یا به هلاکت رسیدن فرمانروای ظالمی از آنان را بیان کرده و میگوید پس از آن سفیانی خروج خواهد کرد و یا ظهور حضرت بوقوع خواهد پیوست و یا بیانگر برخی از نشانه ها و پیشامدهای نزدیک ظهور است. بنابراین باید عبارت بنی فلان در این روایت را به غیر بنی عباس تفسیر نمود زیرا صدها سال پیش، حکومت آنها سپری شده و آنچه در این روایت مطرح است متصل به زمان ظهور حضرت است.

به نظر میرسد روایاتی که به صراحت از بنی عباس نام برده نیز حتما باید مورد بررسی و دقت قرار گیرد. زیرا ممکن است این روایات از امامان علیهم السلام با عبارت

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۳۴.

" فرزندان فلان " و " خاندان فلان " وارد شده باشد اما شخص راوی به گمان اینکه منظور، همان بنی عباسند آن را با لفظ بنی عباس نقل کرده باشد.

همچنانکه ممکن است در روایات ظهور، تفسیر بنی فلان به بنی عباس نیز صحیح باشد، زیرا ممکن است مراد از ذکر نام بنی عباس، روش ستیزه جویانه آنان باشد که در نقطه مقابل امامان علیهم السلام بوده، نه اینکه مراد شخص آنها و فرزندان و یا ذریه آنها باشد. هر چند به ندرت نیاز به چنین تفسیر و توجیهی داریم چرا که در بیشتر روایات تعبیر به فرزندان و خاندان فلان شده نه خاندان بنی عباس.

بهر حال، منظور از خاندان فلان در روایت مورد بحث که فرمود: " خاندان فلان بر مسند حکومت باشند، تا اینکه فرمانروائی آنان منقرض شود، با تمام شدن حکومت آنان خداوند آن را بر مردی از ما اهل بیت ارزانی دارد " حکام ظالم و ستم پیشه ای، غیر از بنی عباسند که انقراض حکومتشان متصل به زمان ظهور حضرت است.

اما جمله " آنگاه، آن مرد نیرومند کوتاه اندام که خالی بر صورت و دو نشانه بر بدن دارد و پیشوایی است عادل " حکایت از اوصاف شخصی است که بعد از سید موعود خواهد آمد و مفهوم آن این است که او شخص حضرت مهدی علیه السلام است و هم اوست که دارای این نشانه هاست. اما صفت " مرد نیرومند کوتاه قد " بر آن حضرت تطبیق نمیکند.

زیرا تمام روایات، آن حضرت را با قامتی رشید و موزون توصیف کرده اند، بعید نیست که بخش هائی از این روایت، در نقل سید بن طاووس و یا دیگران افتاده یا جابجا شده باشد. و صفت مرد نیرومند و کوتاه اندام، از ویژگیهای همان سید مورد نظر باشد، بنابراین نمیتوانیم، اتصال زمان این سید را به زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، از این روایت استفاده کنیم.

احادیث قم و مرد موعود آن

از جمله روایات ظهور، قیام مردی از قم است. امام کاظم علیه السلام فرمود:

" مردی از قم، مردم را به حق دعوت کند، افرادی پیرامون او گرد آیند که قلب هایشان همچون پاره های آهن (استوار) است. بادهای تند حوادث، آنان را نلغزاند، از جنگ خسته نشده و نترسند، اعتمادشان بر خدا است و سرانجام کار از آن پرهیزکاران است " (۱).

روایت، زمان قیام او را مشخص نکرده اما در تاریخ قم و ایران وجود چنین شخصیتی با چنان یارانی قبل از امام خمینی و طرفدارانش سابقه نداشته است.

البته احتمال دارد که این روایت ناقص باشد و یا به مناسبت خاصی، امام آن را فرموده باشد. این حدیث را بحار الانوار، از کتاب تاریخ قم نوشته حسن بن محمد بن حسن قمی که هزار سال پیش آن را تألیف نموده نقل کرده و متأسفانه نسخه اصلی آن کتاب در دسترس نیست.

ممکن است گفته شود: درست است که در تاریخ قم و ایران ظاهر شدن چنین شخصیتی برجسته سابقه ندارد، اما دلیلی در دست نیست که ثابت کند این روایت، منطبق بر امام خمینی و طرفداران اوست. پس شاید منظور، شخص دیگری باشد که در عصر ما و یا بعد از مدتی ظاهر شود.

اما در پاسخ باید گفت: اگر چه در روایت، زمان این پیشامد مشخص نیست اما مجموعه صفاتی که در روایت آمده، بعلاوه آنچه که روایات متعدد دیگر، پیرامون قم و ایران وارد شده، این نظریه را تقویت میکند که شاید مراد، امام خمینی و یاران او باشند.

۱- ۱. بحار: ۶۰ / ۲۱۶ چاپ ایران.

ویژگی های ممتاز قم در احادیث

درباره ویژگی های ممتاز شهر قم و آینده آن از اهل بیت علیهم السلام روایاتی نقل شده که نشان میدهد این شهر در قلب ایران در سال ۷۳ هجری، بر اساس طرحی از سوی امام باقر علیه السلام پایه گذاری شده و پس از آن همواره مورد توجه خاص ائمه اطهار علیهم السلام قرار گرفته است.

آنان با دانشی که از جد بزرگوارشان داشتند، خبر داده اند که در آینده، این شهر از جایگاهی و الا برخوردار خواهد شد و اهالی آن از یاران باوفای حضرت مهدی ارواحنا فداه خواهند بود.

برخی روایات بیانگر آن است که فلسفه نامگذاری این شهر به نام قم، هماهنگ با نام حضرت مهدی است که قائم به حق است و با قیام اهل قم و منطقه جغرافیائی آن در زمینه سازی و یاری حضرت ارتباط دارد. (۱)

عفان بصری از امام صادق علیه السلام روایت کرده و میگوید:

" امام علیه السلام به من فرمود: آیا میدانی چرا این شهر را قم مینامند؟ عرض کردم: خدا و رسولش آگاه ترند، فرمود: زیرا اهل قم، اطراف قائم آل محمد علیه السلام گرد آمده و با او قیام نمایند و در کنار او ثابت قدم مانده و او را یاری کنند " (۲)

امامان ما به قم معنایی برتر و وسیع تر از معنا و مفهوم یک شهر داده و نام این شهر را به منزله روش و اسلوب قم، نسبت به ولایت اهل بیت علیهم السلام و قیام آنان با مهدی آل پیامبر صلی الله علیه و آله به کار برده اند.

عده ای از بزرگان ری نقل کرده اند که خدمت حضرت امام صادق علیه السلام رسیدند و

۱- ۱. کلمه " قم " در زبان عربی به معنی " به پا خیز " است. مترجم

۲- ۲. بحار: ۶۰ / ۲۱۶.

عرض کردند:

" ما اهل ری هستیم که خدمت رسیده ایم. حضرت فرمود: خوش آمدند برادران قمی ما، عرض کردند ما اهل ری هستیم، حضرت فرمود: خوش آمدند برادران قمی ما، مجددا عرض کردند: ما اهالی ری هستیم، امام نیز کلام خود را تکرار کرد، آنان گفته خود را چند بار یادآور شدند و امام نیز همچون بار اول پاسخ داده و چنین فرمود: خداوند دارای حرمی است که مکه مکرمه است و پیامبر دارای حرمی که مدینه منوره است و امیر المؤمنین علیه السلام دارای حرمی یعنی کوفه است و ما اهل بیت نیز دارای حرمی هستیم که شهر قم است، به زودی بانوئی از سلاله من بنام فاطمه در این شهر دفن خواهد شد، هر کس آن بزرگوار را در قم زیارت کند اهل بهشت است "

راوی میگوید: " این سخن را امام صادق علیه السلام زمانی فرمود که هنوز حضرت کاظم علیه السلام متولد نشده بود. "

معنی سخن حضرت آن است که قم تا زمان حضرت مهدی علیه السلام، حرم امامان علیهم السلام اهل بیت و مرکز ولایت و یاری آن بزرگواران است و اهل ری و غیر آن نیز اهل قم محسوب میشوند، زیرا آنان نیز پیرو خط و مشی اهل قم نسبت به اهل بیت اند، از این رو بعید نیست که مراد از اهل قم که در روایات آمده و اینکه آنان یاوران حضرت مهدی اند، همه ایرانیانی باشند که در ولایت و دوستی و جنگ و جهاد پیرو امامان علیهم السلام هستند، حتی شاید این تعبیر مسلمانان غیر ایرانی را نیز دربرگیرد.

و معنای کلام راوی که گفت: " حضرت این کلام را زمانی فرمود که هنوز امام کاظم متولد نشده بود " این است که امام صادق از ولادت نوه خود فاطمه معصومه دختر موسی بن جعفر علیه السلام پیش از ولادت پدر حضرت معصومه یعنی قبل از سال ۱۲۸ هجری قمری خبر داده و بیان نموده که آن بانوی بزرگوار در قم دفن خواهد شد، این ماجرا هفتاد سال بعد از سخن حضرت تحقق پیدا کرده است.

محدثان بزرگ قم نقل کرده اند مأمون، امام رضا علیه السلام را در سال ۲۰۰ هجری از

مدینه خارج و به طرف مرو فرستاد، در سال ۲۰۱ هجری خواهر گرامی او،

ص: ۲۱۶

حضرت فاطمه معصومه در پی برادر از مدینه خارج شد و به سمت ایران حرکت کرد چون به شهر ساوه رسید، بیمار شد، سؤال کرد فاصله اینجا تا قم چقدر است؟ عرض کردند ده فرسخ... زمانی که خبر ورود آن حضرت به ساوه به اولاد سعد - یعنی سعد پسر مالک اشعری در قم - رسید، همه با هم به طرف ساوه حرکت کردند تا از حضرت تقاضا کنند که به شهر قم بیایند. چون حضور او رسیدند، موسی پسر خزرج از بین آن جماعت به طرف حضرت رفت و مهار شتر ایشان را گرفته و تا قم همراهی کرد و آن بزرگوار را در منزل خویش جای داد، پس از ۱۶ یا ۱۷ روز اقامت در شهر قم، آن بانوی بزرگ به رحمت و رضوان الهی پیوست و روح پاکش به ملکوت اعلی پر گشود. موسی، آن حضرت را در زمینی که متعلق به خودش بود و هم اکنون نیز مرقد مطهر حضرتست، به خاک سپرد و سقفی از بوریا و حصیر بر قبر او برافراشت. تا آنکه توسط زینب دختر حضرت جواد علیه السلام بر قبر آن بزرگوار گنبد و بارگاهی بنا شد " (۱)

از روایات چنین برمیآید، که فاطمه معصومه همچون مادرش فاطمه زهرا بانوئی اهل عبادت، قداست و منشأ خیر بسیار و شبیه مادرش فاطمه زهرا علیها السلام بود، آن بزرگوار با سن کم، نزد اهل بیت علیهم السلام مقام خاص و والایی داشت. این مقام و منزلت حضرت، نزد علماء و بزرگان قم نیز محرز بود زیرا آنان به منظور ارج نهادن به مقام آن بانو از قم به طرف ساوه حرکت کرده و به استقبال وی شتافتند و پس از رحلت آن بانو، ساختمانی بر مزارش ساخته سپس گنبدی بنا کردند و آنجا را زیارتگاه دوستداران اهل بیت قرار دادند و عده ای از آن بزرگان وصیت کردند که در جوار حضرتش به خاک سپرده شوند.

۱- ۱. بحار: ۶۰ / ۲۱۹.

در روایات آمده است که سن مبارک حضرت فاطمه معصومه علیها السلام کمتر از بیست

سال بوده است و شاید علت اینکه ایرانیها آن حضرت را " فاطمه معصومه "و یا "

معصومه قم " مینامند بخاطر کمی سن و پاکی آن بزرگوار از گناه باشد، زیرا معصوم

در فارسی به معنای بی گناه است و از همین رو به طفل خردسال نیز معصوم میگویند.

از روایت بعدی که از امام رضا علیه السلام نقل شده، ظاهر میشود که امامان علیهم السلام، از

به دو تأسیس شهر قم، مردم این شهر را از یاران حضرت مهدی علیه السلام بشمار آورده اند و

دوستی و محبت مردم این شهر نسبت به آن حضرت، قبل از ولادت او معروف

بوده است، از صفوان بن یحیی نقل شده که گفت:

" روزی خدمت امام رضا علیه السلام بودم، سخن از اهل قم و علاقه آنان نسبت به حضرت مهدی علیه السلام به میان

آمد، حضرت برای آنان طلب آمرزش کرد و فرمود: خداوند از آنان خشنود باشد، آنگاه فرمود: بهشت،

دارای هشت در است که یکی از آنها مخصوص اهل قم است، آنان (اهل قم) بهترین پیروان ما از میان

شیعیان جهانند، خداوند ولایت ما را در سرشت آنان قرار داده است " (۱)

قابل توجه است که محبت اهل قم نسبت به حضرت مهدی علیه السلام همچنان پرشور

و زنده تا زمان ما باقی مانده است، این حقیقت را در ایمان، عملکرد و ظاهر زندگی

قمی ها حتی در نامگذاری فرزندان، مساجد و مؤسسات خود بنام آن حضرت،

بگونه ای که شاید کمتر خانه ای از این نام خالی باشد، میتوان مشاهده نمود.

صاحب بحار الانوار دو روایت از امام صادق علیه السلام نقل کرده که نشانگر آینده شهر

قم و نقش آن پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

روایت اول میگوید:

" خداوند بوسیله شهر کوفه بر سایر شهرها، حجت و برهان اقامه کند و به وسیله مؤمنان آن شهر بر

۱- ۱. بحار: ۶۰ / ۲۱۶.

سایر مؤمنین و به وسیله شهر قم بر سایر شهرها و بواسطه اهل قم بر جهانیان اعم از جن و انس، خداوند اهل قم را مستضعف فکری قرار نداده بلکه همواره آنان را موفق و تأیید کرده است، سپس فرمود:

دینداران در این شهر در مضیقه زندگی اند اگر غیر این باشد مردم به سرعت به این شهر هجوم آورند و آنجا را تباه کنند و دیگر نمیتوان این شهر را بر سایر شهرها حجت و الگو قرار داد. و اگر چنان شود، آسمان و زمین آرامش خود را از دست بدهند و ساکنان آن لحظه ای باقی نمانند. بلا و گرفتاری از قم و اهل آن دور گردیده است، به زودی زمانی خواهد رسید که قم و اهل آن حجت بر مردم خواهند بود و این در حد فاصل زمان غیبت قائم ما و ظهور او است. اگر چنین نباشد زمین اهل خودش را فرو برد، فرشته های الهی مأمور دور ساختن بلاها از این شهر و اهل آنند، هر ستمگری که اندیشه پلیدی نسبت به این شهر در سر داشته باشد، خداوندی که درهم کوبنده ستم پیشگان است، او را درهم شکند و یا به گرفتاری و مصیبت و یا دشمنی سرسخت، مبتلا گرداند، خداوند نام قم و اهلش را در زمان فرمانروائی ستمگران از یاد آنان میبرد آنگونه که آنها خدا را فراموش میکنند ".

و روایت دوم میگوید:

" به زودی شهر کوفه از مؤمنان خالی گردد و همانگونه که مار در لانه خود فرو میرود علم از کوفه رخت بربندد و سپس از شهری بنام قم آشکار شود و آن سامان معدن فضل و دانش گردد به شکلی که در زمین کسی در استضعاف فکری بسر نبرد حتی نوعروسان در حجله گاه خویش. و این امور نزدیک ظهور قائم ما به وقوع پیوندد، خداوند، قم و اهلش را برای رساندن پیام اسلام، جانشین حضرت حجت گرداند اگر چنین نشود زمین اهل خودش را فرو برد و در زمین حجتی باقی نماند، دانش از این شهر به شرق و غرب جهان منتشر گردد، بدین سان بر مردم اتمام حجت شود و کسی باقی نماند که دین و دانش به وی نرسیده باشد، آنگاه قائم علیه السلام ظهور کند و با ظهور وی خشم و غضب خداوند بر بندگان جلوه گر شود. زیرا خداوند از بندگانش انتقام نمیگیرد مگر بعد از آنکه آنان حجت خدا را انکار نمایند " (۱)

۱- ۱. بحار: ۶۰ / ۲۱۳.

از این دو روایت، چند موضوع روشن میشود:

الف: نقش علمی شهر کوفه در گسترش تشیع و پیروی از اهل بیت علیهم السلام، در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام مضمحل شده و از بین میرود، البته کوفه شامل نجف نیز میشود زیرا نام اصلی آن نجف کوفه بوده است بلکه گاهی مراد از کوفه تمام عراق است چنانچه قبلا بیان کردیم، اما نقش قم همچنان ادامه مییابد. و نزدیک ظهور، از عظمت بیشتری برخوردار میگردد، چنان که دو فقره از این روایت به این معنی اشاره داشت: " و این همه، در طول زمان غیبت قائم ما تا ظهور وی میباشد " و " این امور نزدیک ظهور قائم ما خواهد بود. "

ب: نقش برجسته اعتقادی شهر مقدس قم، در آن زمان منحصر به ایران و یا شیعیان نیست، بلکه نقشی است جهانی که حتی غیر مسلمانان را نیز دربر میگیرد " و به زودی زمانی خواهد رسید که قم و اهلش حجت بر مردم خواهند بود " " و کسی باقی نماند که دین و دانش به او نرسیده باشد " این بدان معنا نیست که دانش و مذهب، از این شهر به فرد فرد مردم جهان میرسد، بلکه بدین معناست که دست یا بی به مقررات و دستورات اسلام برای همه امکان پذیر خواهد بود.

روایت اهل مشرق و پرچمهای سیاه

این حدیث در منابع شیعه و سنی وارد شده و از آن بعنوان روایت درفش های سیاه و روایت اهل مشرق یاد شده است، حدیث مذکور را عده ای از صحابه پیامبر با اندکی تفاوت در الفاظ نقل کرده اند و تعدادی از آن منابع تصریح نموده اند که راویان این خبر، همه مورد اعتمادند.

قدیمی ترین منابع حدیثی سنی ها که این روایت و یا بخشی از آن را نقل کرده اند،

عبارتند از:

ص: ۲۲۰

ابن ماجه در سنن ج ۲ ص ۵۱۸ و ۲۶۹ و حاکم در مستدرک ج ۴ ص ۴۶۴ و

۵۵۳ و ابن حماد در نسخه خطی خود به نام " الفتن " ص ۸۴ و ۸۵ و ابن أبی شیبه

در کتاب مصنف ج ۱۵ ص ۲۳۵ و دارمی در سنن ص ۹۳ و سایر راویان نیز به نقل از

همین منابع این روایت را نقل کرده اند. و شاید حدیثی که ابن ماجه و احمد بن

حنبل و دیگران نقل کرده اند که " گروهی از مشرق زمین خروج کنند و مقدمات حکومت مهدی را

فراهم نمایند " بخشی از همین روایت باشد.

اینک عین عبارت حدیث را به نقل از مستدرک حاکم میآوریم:

" از عبد الله بن مسعود نقل شده که گفت: حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدیم، حضرت با چهره ای که شادمانی

از آن نمایان بود با ما روبرو شد، آنچه از حضرت سؤال میکردیم پاسخ میداد و اگر ما ساکت میشدیم آن

حضرت شروع به سخن مینمود تا اینکه گروهی از جوانان بنی هاشم از آنجا عبور کردند. حسن و

حسین (علیهما السلام) در میانشان بودند، تا چشم حضرت به آنها افتاد، آنان را در آغوش گرفت و دو چشمانش پر از

اشک شد. عرض کردیم: ای رسول خدا، آنچه در چهره شما میبینیم برای ما ناخوشایند است. حضرت

فرمود: خداوند برای ما اهل بیت، آخرت را بر دنیا برگزید. به زودی بعد از من، اهل بیتم در شهرها پراکنده و

آواره شوند، تا آنکه درفش هایی سیاه از مشرق زمین به اهتزاز درآیند که حق را میطلبند، اما حقوقشان را

اداء نکنند. آنان دست از حق طلبی نکشند، اما اجابت نشوند، دیگر بار درخواست کنند، به آنان اعتنا نگردد.

پس از آن دست به مبارزه زنند و به پیروزی رسند هرگاه کسی از شما و یا فرزندان شما آن زمان را درک

کرد، پس به پیشوایی بپیوندد که از اهل بیت من است. اگر چه با دشواری روی برف با دست و پا برود، آنها

درفش های هدایتند و آن را بدست مردی از اهل بیت من سپارند که نام او نام من و نام پدرش نام پدرم

باشد، او حاکم زمین گردد و آن را پر از عدل و داد کند، آنگونه که از جور و ستم پر شده است " (۱).

۱ – ۱. در منـابع ما، این حـدیث توسط سـید بن طاووس در کتاب ملاحم و فتن ص ۳۰ و ۱۱۷ و مجلسـی در بحار: ۵۱ / ۸۳ از اربعین حافـظ ابو نعیم، روایت بیست و هفتم که مربوط به آمـدن حضـرت مهـدی علیه السـلام از نـاحیه مشـرق است نقل شـده است.

مشابه حدیث فوق از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

" گویا میبینم گروهی از مشرق زمین خروج کرده اند و طالب حق اند اما آنها را اجابت نکنند. مجددا بر خواسته هاشان تأکید کنند، اما مخالفان نپذیرند، وقتی چنین شود، شمشیرها را به دوش کشیده و در مقابل دشمن بایستند، آنگاه پاسخ مثبت گیرند، اما این بار، خودشان نپذیرند تا آنکه همه قیام کنند. و درفش هدایت را جز به دست توانای صاحب شما (حضرت مهدی علیه السلام) نسپرند، کشته های آنان شهیداند، اگر آن زمان را درک میکردم، خویشتن را برای یاری صاحب این امر (یعنی امام زمان عجّل الله فرجه الشّریف) نگه میداشتم " (۱)

از این روایت، چند نکته استفاده میشود:

اول: اینکه مطالب و محتوای این روایت متواتر اجمالی است. یعنی آنچه در این روایت آمده و محتوای اصلی آن را تشکیل میدهد توسط جمعی از اصحاب پیامبر خدا نقل و با سندهای مختلف بدست ما رسیده، بطوری که معلوم میشود محتوای این حدیث توسط رسول خدا بیان شده است و مهمترین مطالب آن عبارت است از:

الف: خبر دادن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مظلومیت اهل بیت بعد از خودش.

ب: اینکه تنها گروهی که حق آنان را استیفاء میکنند کسانی هستند که از مشرق به پا خاسته و مقدمه حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام را مهیا مینمایند.

ج: در پی به قدرت رسیدن همین افراد، امام علیه السلام ظهور میکند و آنان درفش خود را تسلیم حضرت مینمایند، و سرانجام خداوند بوسیله وجود مقدس او، اسلام را به جهانیان معرفی و زمین را پر از عدل و داد میکند.

دوم: مراد از اینکه گروهی از مشرق با درفش های سیاه خروج میکنند، ایرانیانند،

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۴۳.

این مسأله مورد اتفاق همه صحابه ای است که این روایت و مشابه آن را نقل کرده اند و نزد تابعین نیز که روایت را از صحابه دریافت نموده اند، همین نظر وجود دارد.

همچنین تمام مؤلفان بعدی، در خلال قرن ها بر این مسأله اتفاق نظر دارند، بگونه ای که ماجرای خروج صاحبان پرچم های سیاه در نزد آنان، امری کاملا روشن و ثابت بوده است، دلیل این ماجرا آن است که هیچ یک از راویان و دانشمندان نگفته اند که ممکن است این گروه مثلا اهل ترکیه و یا هند یا جای دیگری غیر از ایران باشند. بلکه عده ای از راویان و مؤلفان تصریح کرده اند که آنان ایرانیانند، حتی نام خراسانیها در برخی احادیث به چشم میخورد. چنان که در روایت مربوط به درفش های خراسان خواهد آمد.

سوم: نهضت مذکور با نوعی مخالفت جهانی و جنگ روبرو خواهد شد، و در ابتدا علیه حاکم خود آنان صورت خواهد گرفت اما نزدیک ظهور تبدیل به قیامی فراگیر خواهد شد.

چهارم: بر هر فرد مسلمان معاصر آنان واجب است که به یاری آنان برخیزد هر چند که در شرائط دشواری بسر برد حتی اگر لازم باشد که برای یاری آنان روی یخ و برف حرکت نماید.

پنجم: این روایت از آینده و غیب خبر میدهد و یکی از معجزات نبوت نبی اکرم صلی الله علیه و آله است، زیرا آنچه آن بزرگوار از مظلومیت اهل بیت علیهم السلام و آوارگی و پراکندگی آنان در چهار گوشه جهان اطلاع داده، در طول قرون گذشته محقق شده است تا جایی که ما خاندانی را در طول تاریخ و در سطح جهان سراغ نداریم که مانند اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندان حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام با تبعید و آوارگی

مواجه شده باشند.

ص: ۲۲۳

علاوه بر این مطالب، عبارت های موجود در روایت، اوصاف دقیقی از نهضت

و قیام ایرانیان را در بر دارد، از این رو بخش هائی از آن را مورد ارزیابی قرار میدهیم.

به نظر من این روایت با حدیثی که قبلا از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شد، ارتباط دارد.

به عبارتهای امام باقر علیه السلام دقت کنید:

" گویا میبینم گروهی از مشرق زمین خروج کرده اند " از این جمله میتوان فهمید که این

قیام، از وعده های حتمی خداوند متعال است و این مفهوم همان جمله ای است که

پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام چنین تعبیر کردند " گویا آن را میبینم " و یا " آن مسأله محقق شده "

این گونه کلمات دلالت بر حتمی بودن و روشن بودن مسأله در ذهن شریف آنان به

شکل حتمی دارد، گویا که آن ماجرا را میبینند بلکه میتوان گفت دلالت بر دیدن

آنان با بصیرت ویژه ای دارد که خداوند به آنان عنایت فرموده و متناسب با مقام

پیامبر صلی الله علیه و آله و مقام اهل بیت آن حضرت است.

همچنین میتوان از این روایت فهمید که نهضت ایرانیان از طریق انقلاب است،

زیرا مفهوم عبارت " خروج کرده اند " نیز همین است، به عبارت امام توجه کنید:

" طالب حق اند اما آنها را اجابت نکنند، مجددا بر خواسته هایشان تأکید دارند، اما مخالفان نپذیرند،

وقتی چنین شود. شمشیرها را به دوش کشیده در مقابل دشمن بایستند، آنگاه پاسخ مثبت گیرند ولی این

بار خودشان نپذیرند تا آنکه همه قیام کنند و آن را جز به صاحبتان تحویل ندهند ".

این پافشاری در حق جوئی ایرانیان تداوم میابد، آنها از دشمنان خود " طالب

حق اند " یعنی از ابرقدرتها میخواهند که در شئون زندگی آنان دخالت ننموده و

دست از این مردم بردارند تا دارای استقلال باشند... اما به آنان اعتنا نمیکنند، تا

مجبور به گرفتن سلاح شوند. ایرانیان در این نبردها به پیروزی میرسند، دشمنان

خواسته اولیه آنها را میپذیرند اما دیگر دیر شده و شرائط دگرگون گشته و ایرانیان

ص: ۲۲۴

زیر بار آن نمیروند. پس از آن، انقلاب جدید مردم آغاز میگردد: " تا اینکه قیام کنند " انقلابی که متصل به ظهور حضرت میشود و با ظهور او، پرچم مبارزه را بدست وی میسپارند.

در یکی از این روایت ها آمده است که ایرانیان پس از درخواستهای اولیه شان دست به مبارزه میزنند و در آن مبارزه به پیروزی میرسند: " آنان حق را طلب کنند اما اجابت نشوند پس به نبرد پردازند و پیروز شوند آنگاه خواسته آنان را بپذیرند ولی ایرانیان قبول نکنند ".

توجه به این نکته در حدیث لازم است که از جمله " حق را طلب کنند اما اجابت نشوند " میتوان فهمید که اولا حق طلبی ایرانیان طی دو مرحله صورت میپذیرد یکی قبل از جنگ و درگیری و دیگری بعد از آن و ثانیا انقلاب فراگیر و گسترده آنان نزدیک به زمان ظهور حضرت خواهد بود " تا آنکه قیام کنند ".

نکته دیگر اینکه حدیث مذکور، نهضت ابتدائی ایرانیان را با عبارت " خروج " مطرح کرد اما از نهضت دوم که متصل به ظهور حضرت است با عبارت " قیام " یاد نمود. از این بیان امام علیه السلام میتوان فهمید که نهضت دوم مهمتر و عظیم تر از نهضت ابتدائی و مرحله تکامل یافته آن است که طی آن ایرانیان با خیزش همگانی و قیام الهی خویش زمینه را برای ظهور حضرتش فراهم خواهند ساخت.

ممکن است از بیان امام که فرمود " تا اینکه قیام کنند " و نفرمود " پس قیام میکنند " چنین استفاده شود که بین پاسخگویی دشمن به خواسته های ایرانیان و بین قیام بزرگ دوم آنان فاصله ای وجود داشته باشد. و شاید بتوان گفت این فاصله به خاطر مرحله ای از شک و تردید در میان آنان بوجود خواهد آمد و ریشه آن یا به جهت پیدایش خط فکری خاصی در بین خودشان است که فقط با گرفتن امتیاز از دشمن

موافق است و یا به سبب شرائط خارجی که بر آنان تحمیل میگردد. اما سر انجام

ص: ۲۲۵

تفکر جناح دیگر غلبه پیدا نموده و مجددا قیام نموده و نهضتی گسترده و فراگیر به پا میدارند و این نهضت مقدمه ظهور حضرت مهدی علیه السلام میگردد.

" کشته های آنها شهیدند " این گواه بزرگی است از امام باقر علیه السلام برای کسانی است که در نهضت و قیام ایرانیان کشته میشوند خواه در خروج اول آنان و یا زمان درگیری با دشمن و یا در قیام عمومی مردم.

ممکن است گفته شود که گواهی امام باقر علیه السلام بر شهید بودن کشته هایشان دلیل بر نیت پاک رزمندگان و مظلومیت آنان دارد نه اینکه دلیل بر درستی نیت رهبران و خط فکری آنان باشد، در پاسخ باید گفت اگر ما این استدلال را هم بپذیریم، باز هم چنین تفسیر و توجیهی نمیتواند تکلیف انسان را در لزوم حمایت از آن نهضت تغییر دهد.

اما جمله " اگر آن زمان را درک میکردم خودم را برای یاری صاحب آن امر نگه میداشتم " از حال خود حضرت خبر میدهد که اعلام مینماید که اگر نهضت آنان را درک کند، گرچه کشته های آنها شهیداند، اما برای درک ظهور و یاری حضرت مهدی علیه السلام خود را از خطرات حفظ میکند. این عبارت بر مقام با عظمت حضرت مهدی علیه السلام و یاران وی دلالت دارد، بگونه ای که امام باقر علیه السلام غبطه میخورند که ای کاش با آن بزرگوار باشند و از سوی دیگر، چنین عبارت هایی از حضرت باقر علیه السلام کمال تواضع و فروتنی او را نسبت به فرزندش حضرت مهدی علیه السلام گواهی میدهد.

از این روایت میتوان فهمید که فاصله نهضت ایرانیان تا ظهور آن حضرت از مدت عمر یک انسان بیشتر نخواهد بود، چون ظاهر گفته امام باقر علیه السلام این است که اگر نهضت آنها را درک کند، جان خویش را حفظ مینماید و این حفظ جان بطور

طبیعی است نه به شکل معجزه، و همین نشانه مهمی است بر این نکته است که ما

ص: ۲۲۶

در حال حاضر وارد دوران ظهور آن حضرت شده ایم و نهضت ایرانیان به ظهور آن حضرت نزدیک و متصل خواهد گردید.

از لطیفه هایی که من در ارتباط با روایت درفش های مشرق زمین در گفته پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: " باید به یاری آنان بشتابید هر چند با دست و پا رفتن روی یخ " شنیده ام داستانی است که برای یکی از علمای بزرگ تونس اتفاق افتاد. او در فصل زمستان و یخ بندان مسافرتی به ایران داشت، روزی هنگام خروج از هتل، روی یخ های محوطه به زمین خورد، یکی از دوستان همراهش جلو آمد تا به او کمک کند. آن عالم تونسی گفت: صبر کن، میخواهم خودم بلند شوم. سپس با کمک دستهایش با کندی از جا بلند شد و سر پا ایستاد، و گفت: هر وقت ما این روایت را درباره حضرت مهدی علیه السلام و یارانش میخواندیم و به این جمله پیامبر صلی الله علیه و آله که " باید به یاری آنان بشتابند هر چند با دست و پا رفتن روی یخ " میرسیدیم، با خود میگفتیم که حضرت مهدی علیه السلام از مکه ظهور میکند و در آنجا برف و یخ وجود ندارد که پیامبر با این تعبیر ما را امر فرموده است، اما اکنون معنای گفته پیامبر صلی الله علیه و آله را دانستم، از این رو سعی کردم که برف و یخ را با دست خود لمس نموده و خودم از زمین بلند شوم.

روایت پرچم های سیاه از خراسان تا قدس

این روایت را عده ای از علمای سنی مانند ترمذی در کتاب سنن ج ۳ ص ۳۶۲ و احمد بن حنبل در مسند و ابن کثیر در کتاب نهایه و بیهقی در کتاب دلائل نقل کرده اند و ابن صدیق مغربی در رساله خود که در رد ابن خلدون نوشته، آن را صحیح دانسته. عبارت حدیث این است:

" درفش های سیاه از خراسان بیرون آیند که چیزی جلودارشان نیست تا در ایلیاء

(قدس) به اهتزاز درآیند ".

ص: ۲۲۷

شبیه این روایت در منابع شیعه روایت شده و احتمال دارد که این روایت جزئی

از روایت قبلی باشد (۱).

معنای حدیث، روشن و حاکی از تحرک نظامی و پیشروی نیروها از ایران به

سوی قدس است که بیت ایل و ایلیاء نیز نامیده میشود.

نویسنده مجمع البحرین گفته است که " إیل به زبان عبری و یا سریانی، نامی از

نام های خداوند بزرگ است و کلماتی مانند جبرائیل، میکائیل و اسرافیل به معنای

عبد الله و تیم الله (بنده خدا) و مانند اینها است. و ایل همان بیت المقدس است. و

گفته شده بیت ایل به معنای خانه خدا است چون کلمه ایل به لغت عبرانی یعنی

خدا " و در کتاب شرح قاموس گفته است که " کلمه ایلیا نام شهر بیت المقدس است ".

محدثان تصریح کرده اند که مراد از این درفش های وعده داده شده، پرچم های

عباسیان نیست (شعار دولت عباسیان، لباس و پرچم های سیاه بود) ابن کثیر در

کتاب نهایه حاشیه ای بر این روایت زده و میگوید: " این درفش ها آنهائی نیست که

بوسیله ابو مسلم خراسانی برافراشته و حکومت بنی امیه را برانداخت، بلکه

درفش های سیاه دیگری است که همراه مهدی علیه السلام خواهد آمد (۲) ".

برخی روایات که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده، بین درفش های عباسیان که مسیر و

هدفشان دمشق بوده و پرچمهای یاران مهدی علیه السلام که هدفشان قدس است، فرق

گذاشته اند. از آن جمله روایتی است که ابن حماد از محمد بن حنفیه و سعید بن

مسیب نقل کرده که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: " درفش هایی از ناحیه مشرق به اهتزاز درآید که

مربوط به بنی عباس است و تا زمانی که اراده خداوند تعلق گیرد، باقی خواهد بود. سپس درفش های سیاه

۱- ۱. ملاحم و فتن ابن طاووس ص ۴۳ و ۵۸.

۲- ۲. معجم أحاديث الإمام المهدی: ۱ / ۴۱۵ حديث ۲۷۷.

کوچکی از ناحیه مشرق بیرون آید و با مردی از نسل ابو سفیان و لشکریانش مبارزه کند و مردم را به طاعت

مهدی سوق دهد. " (۱)

بنی عباس در نهضتشان تلاش کردند تا روایات درفش های سیاه را به سود خود

بر ضد بنی امیه معنا کنند و به مردم بقبولانند که جنبش، حکومت و درفش های

برافراشته آنان همان چیزی است که در روایات پیامبر صلی الله علیه و آله بشارت داده شده و

مهدی علیه السلام از خاندان آنهاست، از همین رو ابو جعفر منصور عباسی پسرش را مهدی

نام گذاشت و سعی فراوان نمود تا قضات و راویان گواهی دهند که اوصاف حضرت

مهدی که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده بر پسرش منطبق است....

سرگذشت عباسیان در ادعای مهدویت و انتخاب پرچم و لباسهای سیاه در

کتب تاریخ ضبط شده است این ترفند عباسیان در اوائل، مقداری به سود آنها تمام

شد، اما این حیله گری به سرعت توسط دانشمندان، راویان حدیث و امامان علیهم السلام

کشف و حقیقت، روشن گردید. زیرا هیچیک از آنان دارای صفات حضرت

مهدی علیه السلام نبودند و آنچه را پیامبر صلی الله علیه و آله وعده فرموده بود بدست آنان تحقق نیافت و

هیچکدام نتوانستند حتی در کاخ خود عدالت را برقرار سازند!

به گفته برخی روایات، آخرین خلفای عباسی معترف بودند که مسأله ادعای

مهدویت پدران آنها از ریشه و اساس جعلی و دروغ بوده است.

به نظر میرسد ادعای مهدویت در حوادث پایانی قرن اول هجری زمینه

مناسبی داشته، زیرا مسلمانان تحت سلطه بنی امیه سختی های زیادی را متحمل و

عملا مظلومیت اهل بیت علیهم السلام را لمس میکردند، به همین جهت نقل روایاتی از

پیامبر صلی الله علیه و آله مبنی بر مظلومیت اهل بیت و بشارت به ظهور حضرت مهدی علیه السلام در بین

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۸۴ و ۸۵.

آنان متداول گشت. و همین موضوع زمینه مناسبی برای ادعای مهدویت عده

زیادی از بنی هاشم و دیگران گردید. مانند موسی بن طلحه بن عبیدالله. ظاهرا

عبد الله بن حسن مثنی از زبر دست ترین افرادی بود که برای فرزند خود محمد

ادعای مهدویت نمود. او برای فرزندش از زمان تولد و طفولیت برنامه ریزی دقیق

کرد و نام وی را محمد گذاشت، چرا که میدانست حضرت مهدی علیه السلام هم نام

پیامبر صلی الله علیه و آله است و سپس او را تحت تربیت و مراقبت ویژه قرار داد و از چشم مردم

پنهان نگه داشت و با اشاعه افسانه هائی پیرامون فرزندش او را همان مهدی موعود

معرفی کرد در کتاب مقاتل الطالبیین ص ۲۳۹ آمده است:

" (محمد) فرزند عبد الله بن حسن که از کودکی از دید مردم پنهان بود، مردم را به سوی خویش فرا

میخواند و خود را به آنان مهدی معرفی میکرد ". سپس میگوید: " به زبان مردم افتاد که محمد را

مهدی صدا بزنند " (۱)

عباسیان نیز قبل از آنکه از هم پیمانان حسنی خود روی گردان شوند، همین ادعا

را ترویج میکردند. از عمیر بن فضل خثعمی روایت شده است که گفت:

" در یکی از روزها که محمد فرزند عبد الله بن حسن مثنی از منزل پدرش خارج میشد، منصور عباسی

را دیدم که با غلام سیاه و اسبش جلو در ایستاده بود، منصور انتظار محمد را میکشید همین که او خارج شد

منصور برخاست و ردایش را گرفت تا سوار اسب شود، سپس لباس او را روی زین اسب مرتب نمود تا

محمد از آنجا دور شد، من منصور را میشناختم ولی محمد را نمیشناختم از منصور سؤال کردم: او کیست

که این همه احترامش کردی؟ رکابش را گرفته و لباسش را مرتب نمودی؟ گفت: آیا او را نمیشناسی؟ گفتم

نه. گفت این شخص محمد فرزند عبد الله بن حسن بن حسن، مهدی ما اهل بیت است ". (۲)

۱- ۱. مقاتل الطالبین ص ۲۴۴.

۲- ۲. همان کتاب ص ۲۳۹.

به احتمال قوی عباسیان ادعای مهدویت را، از هم پیمانان و شرکاء حسنی

آموختند تا از آن در مبارزات خود علیه بنی امیه استفاده کنند که در اینجا محل

بحث آن نیست.

اما به هر حال نزد راویان و تاریخ نویسان، شکی نیست که درفش های سیاهی که

در این روایت و روایت های دیگر وعده داده شده، پرچمهایی ست که مهیا کننده

ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. حتی اگر روایات پرچمهای بنی عباس را صحیح

بدانیم. چون گفتیم که روایات، بین این دو پرچم فرق گذاشته و واقعیت امر نیز

چنین است که مهدی مورد ادعای عباسیان و دیگران با ویژگی های امام زمان عجّل الله فرجه الشّریف

تطبیق ندارد و از طرفی اشاره نمودیم که مسیر و هدف درفش های عباسیان دمشق و

مسیر پرچمداران و یاران حضرت مهدی علیه السلام قدس شریف خواهد بود.

گرچه این روایت، ماجرای درفش های سیاه را مختصر بیان کرده اما در عین حال

رسیدن به هدف را در آن مژده داده است، هر چند که دشواری های فراوانی در راه

رسیدن آنها به قدس وجود داشته باشد.

زمان ظهور این پرچمها در این روایت ذکر نشده اما روایات دیگر میگویند:

رهبری این درفش ها به عهده صالح بن شعیب موعود است. از محمد بن حنفیه چنین

نقل شده:

" درفش های سیاهی به اهتزاز درآید که مربوط به بنی عباس است، سپس پرچمهای دیگری از سوی

خراسان به اهتزاز درآید که حاملان آن کلاه های سیاه و لباسهای سفید بر تن دارند، پیشاپیش آنان مردی

است بنام صالح از قبیله تمیم، طرفداران سفیانی را شکست دهند. تا در بیت المقدس فرود آیند و پایگاه

دولت مهدی علیه السلام را فراهم آورند ". (۱)

۱- ۱. کتاب ابن حماد ص ۸۴.

به نظر میرسد که مراد از این حرکت به طرف قدس، حمله حضرت مهدی علیه السلام

برای آزادی فلسطین و قدس است، اما احتمال دارد که منظور، آغاز حرکت

خراسانیها به سوی قدس باشد. حرکتی که قبل از ظهور صورت میپذیرد.

روایت گنجهای طالقان

پیرامون این مطلب، حدیثی از منابع سنی ها از حضرت علی علیه السلام نقل شده است

که فرمود:

" آفرین بر طالقان، خداوند را در آن گنج هایی ست اما نه از جنس طلا و نقره بلکه در آن سرزمین

مردانی ست که خدا را آنطور که شایسته معرفت است شناخته اند. آنان، یاران مهدی آخر الزمانند " (۱)

و در روایتی دیگر آمده است: " پر افتخار باد طالقان! " (۲)

همین مطلب با لفظ دیگری در کتاب های شیعه نیز موجود است. (۳) از امام

صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

" خداوند را در طالقان گنج هایی است که نه طلاست و نه نقره بلکه درفش هایی ست که تاکنون به اهتزاز

در نیامده. در آن خطه مردانی هستند که قلب هایشان مانند پاره های آهن، محکم و نستوه است و نسبت به

ذات مقدس خداوند تردیدی در آنها راه نمی یابد، شدیدتر از آتش اند اگر بر کوه حمله ور شوند آن را از

جای بر کنند، آهنگ هر دیاری نمایند چون عقاب بر آن فرود آیند و آن را منهدم سازند، آنان وجود مبارک

امام را پروانهوار در میان گرفته و به هنگام خطر، از وجود مقدس او با جان خود محافظت کنند. شبها را به

نماز و مناجات سپری کنند و روزها سواران کارزارند. زاهدان شب و شیران روزند. آنان (در اطاعت از امام)

مطیع تر از کنیزان، در برابر مولای خویش اند، درخشان چون چراغهای پرنوراند. گویا بر دلهایشان

۱- ۱. الحاوی سیوطی: ۲ / ۸۲ و کنز العمال: ۷ / ۲۶۲.

۲- ۲. ینابیع الموده قندوزی ص ۴۴۹.

۳- ۳. بحار از کتاب " سرور اهل ایمان " نوشته علی بن عبد الحمید با سند او.

چلچراغی آویخته اند. از بیم خدا دل نگران اما شهادت طلب اند و آرزوی کشته شدن در راه خدا را دارند شعارشان، خونخواهی سالار شهیدان حسین علیه السلام است، هنگامی که به پیش میتازند رعب و وحشتی عظیم فرسنگها جلوتر از آنان در قلبهای دشمنان جای گیرد، گروه گروه بسوی حق بشتابند، بواسطه این رادمردان، خداوند امام بر حق (مهدی علیه السلام) را یاری فرماید. " (۱)

قبلا تصور میکردم که منظور از طالقان در این روایت منطقه ای است در دامنه رشته کوههای البرز در صد کیلومتری شمال غرب تهران. منطقه ای که از تعدادی روستا تشکیل شده و به نام طالقان مشهور است، و در آنجا شهری بزرگ وجود ندارد. مرحوم سید محمود طالقانی که از شخصیتهای انقلاب ایران بود نیز اهل همین منطقه است. قابل ذکر است که در منطقه طالقان ویژگیهای زیادی از صفا، صمیمیت، تقوی و علاقه به قرآن و آموختن آن به دیگران از دیرباز وجود داشته است حتی عده ای از مردم شمال ایران و سایر نقاط برای انتخاب معلم قرآن به مردم منطقه طالقان مراجعه میکنند.

اما بعد از بررسی روایات طالقان، بنظرم بهتر رسید که شاید مراد از اهل طالقان اهل ایران باشد نه منطقه جغرافیائی طالقان، اما اینکه روایات، ایرانیان را بنام اهالی طالقان نامیده اند، شاید به دلیل ویژگیهای جغرافیائی و یا خصوصیات اخلاقی و دینی اهالی آن سامان باشد.

روایات مربوط به طالقان، از مجموعه ای از یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام سخن میگویند، ولی تعداد آنها را مشخص نمیکنند اما قطعا جمعی از یاران آن حضرت از میان آنان خواهد بود.

روایات، صفات برجسته ای برای این اولیاء خدا و یاران حضرت بیان نموده و

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۰۷.

تأیید و گواهی والایی از امامان علیهم السلام در حق آنان صادر کرده از جمله اینکه آنها را عارفان الهی و اهل بصیرت و یقین و دارای شجاعت بی نظیر در میدان نبرد معرفی کرده که شهادت در راه خدا را دوست دارند و از او میخواهند که شهادت در راهش را نصیبشان گرداند، آنان دوستداران واقعی ابا عبد الله الحسین علیه السلام اند و شعارشان خونخواهی آن بزرگوار و به ثمر رساندن هدف قیام آن حضرت است. اعتقاد آنان نسبت به حضرت مهدی علیه السلام عمیق و علاقه آنان به آن حضرت فوق العاده است، این صفات از ویژگی های شیعیان و از جمله مردم ایران است.

ظهور خراسانی و شعیب در ایران

روایات، بیانگر آن است که این دو شخصیت از یاران حضرت مهدی علیه السلام بوده و همزمان با ظهور حضرت، از ایران ظاهر شده و در نهضت مبارك او شرکت میجویند.

اما از اعزام نیروهای ایرانی به مدینه و یا سایر شهرهای حجاز جهت یاری حضرت مهدی علیه السلام سخنی در روایات نیامده است. ظاهرا نیازی به اعزام این نیروها وجود ندارد. از این رو نیروهای ایرانی که وارد عراق شده اند به اعلام دوستی و بیعت با آن حضرت اکتفا میکنند:

" درفش های سیاهی که از خراسان خروج میکنند، در کوفه فرود آیند و چون حضرت ظهور کند (نماینده ای) جهت بیعت نزد او بفرستند " (۱)

از طرف دیگر بعضی روایات سنی ها از حرکت ایرانیان و تراکم در جنوب ایران خبر میدهند، که احتمالا جهت پیشروی عمومی به سوی حجاز، و به طرف

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۱۷.

حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود:

" زمانی که سواران سفیانی به قصد کوفه خارج شوند گروهی را در پی اهل خراسان فرستند و اهالی

خراسان در جستجوی مهدی علیه السلام برآیند " (۱)

تجمع انبوه مردم ایران در جنوب این کشور، در منطقه " کوه سفید " نزدیک شهر

اهواز و تحت رهبری سید خراسانی است. و امام زمان علیه السلام بعد از آزاد سازی کشور

حجاز متوجه این منطقه شده و با یاران خراسانی و لشکریان او ملاقات مینماید و

در همان جا بین این نیروها به رهبری آن حضرت و بین نیروهای سفیانی جنگ

سختی درمیگیرد.

احتمال دارد که این نبرد و رویاروئی با نیروی دریائی رومیانی باشد که از سفیانی

حمایت میکنند. چنان که در مبحث نهضت ظهور بیان خواهیم کرد. مؤید این

مطلب آن است که نبرد بین سفیانی و یاران حضرت مهدی علیه السلام نبردی است

سرنوشت ساز که راهگشای حمایت های گسترده مردمی، در یاری آن حضرت

خواهد بود " در این لحظات مردم آرزوی دیدار آن حضرت را داشته و او را میجویند " (۲)

از آن زمان، خراسانی و شعیب در زمره یاران خاص حضرت قرار میگیرند و

شعیب به فرماندهی کل نیروهای حضرت منصوب و نیروهای خراسانی بخشی از

هسته مرکزی لشکریان حضرت را تشکیل میدهند بطوری که حضرت برای سامان

بخشیدن به اوضاع داخلی عراق از دست مخالفان و شورشیان و سپس درگیری با

ترکان و در نهایت، در پیشروی بزرگ، جهت آزاد سازی قدس، بر آنها تکیه میکند.

آنچه ملاحظه کردید خلاصه ای بود از نقش این دو شخصیت موعود ایرانی که از

۱- ۱. ابن حماد ص ۸۶.

۲- ۲. ابن حماد ص ۸۶.

روایات قابل درک بود. اما منبع بسیاری از این روایات، مربوط به اهل سنت و تعداد اندکی مربوط به شیعه است. این پدیده مرا بر آن داشت که در روایات مربوط به خراسانی و شعیب در منابع شیعه، بررسی بیشتری نمایم چون بنظرم رسید که احتمال دارد ماجرای سید خراسانی از بافته های حکومت بنی عباس در خصوص ابو مسلم خراسانی باشد. اما بعد از بررسی این منابع، روایاتی را با سندهای صحیح یافتم که از خراسانی یاد کرده اند. مانند روایت ابو بصیر از امام صادق علیه السلام درباره یمانی و روایات دیگری که بیانگر این نکته است که پیش از خروج ابو مسلم و قبل از سوء استفاده عباسیان از روایت حضرت مهدی، شخصیت خراسانی موعود نزد ائمه ما و اصحاب آنان شخصیتی معروف و مشهور بوده است.

بنابراین، جریان خراسانی در منابع شیعه نیز ثابت و مسلم است و نقشی که روایات شیعه، برای او نقل کرده اند در منابع سنی ها نیز وجود دارد.

و همچنین است ماجرای شعیب بن صالح در منابع ما. گرچه روایات مربوط به سید خراسانی، قوی تر از روایات مربوط به شعیب است.

* *

پیرامون شخصیت خراسانی و شعیب سؤالهای زیادی مطرح است، بارزترین آنها عبارت است از اینکه آیا منظور از خراسانی در این روایات فرد معین و مشخصی است یا اینکه تعبیری از رهبر ایرانی است که در زمان ظهور حضرت به ایفای نقش خواهد پرداخت و شاید نام اصلی او، نامی دیگر باشد؟

روایات مربوط به خراسانی که از طریق سنی ها و همچنین از کتاب های مؤلفان اخیر شیعه بدست ما رسیده به روشنی دلالت بر این دارد که خراسانی مردی از

ذریه امام حسن مجتبی علیه السلام و یا امام حسین علیه السلام است و گاهی از او بعنوان هاشمی خراسانی یاد شده و از نظر صفات جسمی دارای صورتی نورانی و خالی بر گونه

ص: ۲۳۶

راست یا دست راست است.

اما وقتی به روایاتی که در منابع حدیث درجه اول شیعه، مانند کتاب " غیبت " نعمانی و " غیبت " شیخ طوسی، مینگریم، میبینیم که در این روایتها تنها کلمه " خراسانی " مطرح شده و از لفظ " هاشمی " خبری نیست. بنابراین احتمال دارد که کلمه خراسانی به معنی یار و حامی خراسانی و یا به معنی رهبر اهل خراسان و یا رهبر سپاه خراسان باشد. اما از مجموعه قرائن موجود، پیرامون شخصیت او میتوان فهمید که او همزمان با خروج سفیانی و یمانی ظاهر میشود و نیروهای خود را به سوی عراق اعزام و سپاه سفیانی را شکست میدهد.

سؤال دیگر پیرامون این دو شخصیت، این است که آیا امکان دارد نام خراسانی و شعیب، دو نام رمزگونه و غیر واقعی باشند؟ در پاسخ باید گفت: اما نسبت به خراسانی، رمزی بودن اسم معنی ندارد. چون در روایات اصلا نام این شخصیت مطرح نشده است. بله ممکن است بگوئیم نسبت او به خراسان به این معنی نیست که حتما اهل استان خراسان فعلی باشد، چون در صدر اسلام، خراسان به مشرق زمین اطلاق میشد و شامل ایران و سایر مناطق اسلامی متصل به آن بود. بنابر این خراسانی میتواند اهل هر منطقه ای از این محدوده باشد، همچنین از منابع معتبر شیعه نمیتوان فهمید که او سید حسنی و یا حسینی است، آنگونه که در منابع سنی ها به آن تصریح شده است.

اما نسبت به شعیب بن صالح و یا صالح بن شعیب باید گفت که روایات، ویژگیهای وی را ذکر نموده اند، او جوانی است گندم گون و لاغر، دارای محاسنی کم پشت، صاحب بصیرت و یقین، اراده ای استوار، جنگاوری ممتاز و شکست

ناپذیر. اگر کوه ها در مقابلش بایستند آنها را درهم میکوبد و راه عبور خود را از میان

آنها باز میکند... البته احتمال دارد که جهت حفظ جانش، نام او نامی مستعار

ص: ۲۳۷

باشد تا وعده الهی محقق شود، همچنین امکان دارد که نام او و نام پدرش مشابه شعیب و صالح و یا به معنای این دو باشد. برخی از روایات وی را اهل سمرقند میدانند اما بیشتر روایات میگوید که او اهل ری است و با قبیله بنی تمیم نسبتی دارد و یا از نژاد یکی از شاخه های بنی تمیم بنام " محروم " است و یا اینکه غلامی از بنی تمیم است، بهر حال اگر این مطلب صحیح باشد احتمال دارد وی اهل جنوب ایران باشد زیرا در آنجا هنوز عشایری از قبیله های بنی تمیم وجود دارند یا از قبیله بنی تمیم باشد که در صدر اسلام به استان خراسان هجرت کردند و امروزه بیشتر آنان در مردم ایران هضم شده و فقط چند روستای کوچک نزدیک مشهد از آنان باقی است که با زبان عربی هم صحبت میکنند و یا اینکه رابطه خویشاوندی و نسبی با آنها داشته باشد.

سؤال دیگر، درباره زمان ظهور آن دو شخصیت است، در اول فصل یادآور شدیم که به نظر میرسد این دو تن، در سال ظهور حضرت مهدی علیه السلام و همزمان با خروج سفیانی و یمانی خروج کنند، البته احتمال دارد، روایتی صحیح باشد که میگوید " فاصله بین خروج شعیب و بین سپردن زمام امور به مهدی علیه السلام هفتاد و دو ماه است " در این صورت ظهور خراسانی و شعیب، شش سال قبل از ظهور حضرت به وقوع میپیوندد.

اما فاصله بین زمینه سازان ایرانی و بین ظهور خراسانی و شعیب، در روایات مشخص نیست. مگر اشاره و قرینه هایی که میتواند بطور سربسته و تقریبی این فاصله را معین نماید، از جمله آن قرینه ها، روایاتی است که درباره شهر قم و حوادث آن به دست ما رسیده مانند موقعیت ممتاز و جهانی شهر قم نزدیک ظهور

قائم علیه السلام که آن را از جلد ۶۰ بحار ص ۲۱۳ نقل کردیم.

روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شد که فرمود: " اگر آن هنگام را درک میکردم، خویشتن را برای

ص: ۲۳۸

صاحب این امر نگاه میداشتم " (۱) میفهماند که فاصله بین حکومت اهل مشرق و ظهور

قائم عجّل الله فرجه الشّریف از عمر معمولی یک انسان فراتر نمیرود.

روایت دیگری که مناسب این بحث است، حدیثی است که قبلا نقل شد (۲). در

آن روایت آمده بود:

" خداوند آن را به مردی از اهل بیت ارزانی دارد که روش او بر اساس تقوی و عمل وی هدایت گر مردم

است، در مقام قضاوت و حکم بر مردم، اهل رشوه نیست، به خدا سوگند من او را با نام خود و نام پدرش

میشناسم. سپس آن مرد نیرومند و کوتاه اندام که خالی بر صورت و دو نشانه دیگر بر بدن دارد میآید، او

حافظ و نگاهبان امانتی است که نزد او نهاده شده و دنیا را پر از عدل و داد گرداند ".

از این روایت میتوان فهمید که حکومت یاران حضرت مهدی علیه السلام ابتدا توسط

سیدی بزرگوار از سلاله اهل بیت علیهم السلام پایه گذاری میگردد و پس از او و قبل از ظهور

یک یا چند نفر دیگر قدرت را بدست میگیرند. همانطور که قبلا گفتیم این روایت

دارای نواقصی است اما سید خراسانی، آخرین شخصی است که پیش از ظهور

حضرت مهدی علیه السلام بر ایران حکومت خواهد کرد والله العالم.

آخرین سؤالی که پیرامون سید خراسانی مطرح است این است که آیا او دارای

مقام مرجعیت تقلید مردم است و یا رهبری سیاسی در کنار یک مرجع است مانند

رئیس جمهور، مثلا؟

آنچه از روایات بدست میآید، این است که او رهبری حکومت مشرق زمین را

به عهده دارد، اما این احتمال هست که وی به فرمان یک مرجع و رهبر بزرگ، بعنوان

رهبر سیاسی زمام امور را بدست گیرد. والله العالم.

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۴۳.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۶۹.

آغاز نهضت ظهور مقدس

اشاره

روایات، میگویند که نهضت مقدس حضرت مهدی (ارواحنا فداه) در مدت چهارده ماه کامل میگردد، در شش ماه اول، امام علیه السلام در اضطراب و نگرانی بسر میبرند و حوادث را به صورت مخفیانه، توسط یاران خود رهبری میکنند و در هشت ماه بعدی در مکه ظهور و از آنجا رهسپار مدینه و آنگاه راهی عراق شده و سرانجام وارد قدس میگردند او با دشمنان خود به نبرد میپردازد، جهان اسلام را بطور یکپارچه تحت فرمان و اطاعت خود در میآورد، آنگاه با رومیان (غربیها) پیمان آتش بس میبندد، توضیح این حوادث در صفحات بعد خواهد آمد.

بر اساس روایات حدود شش ماه پیش از نهضت ظهور دو حادثه بزرگ رخ میدهد که به منزله نشانه ای الهی است تا آن حضرت خود را برای ظهور آماده سازد.

حادثه اول: وقوع کودتایی است در سرزمین شام که به رهبری عثمان سفیانی انجام میگیرد.

دشمنان امت اسلامی از جمله یهودیان و غربی ها، آن را گام مؤثری در یکپارچه نمودن منطقه اطراف فلسطین، بدست یکی از دست نشانده های خود بشمار میآورند که بتواند با قدرت، از عملیات نظامی علیه آنها جلوگیری کند. و در برابر تهدیدات جهان عرب و ایران علیه اشغالگران قدس بایستد.

ص: ۲۴۱

در این هنگام کسانی که با روایات سفیانی آشنایی دارند و میدانند که ماجرای

سفیانی، توسط پیامبر صلی الله علیه و آله وعده داده شده، میگویند: خدا و پیامبرش (درباره

ظهور سفیانی) راست فرمودند، و این آیه را تلاوت میکنند " سبحان ربنا إن کان وعد ربنا

لمفعولا " یعنی: منزه است پروردگار ما و البته وعده پروردگار حتمی و عملی است.

این گروه ظهور سفیانی را مقدمه ظهور حضرت مهدی علیه السلام میدانند و خود را برای

یاری حضرت آماده میکنند.

حادثه دوم: ندائی است آسمانی خطاب به مردم جهان که همه مردم عالم آن را

میشنوند. صدائی قوی و نافذ که از آسمان و از هر سمت به گوش میرسد و هر

کس به زبان خود آن را میشنود. صدائی که خفته را بیدار و نشسته را برپا میدارد،

مردم از این صیحه آسمانی هراسان گشته و از خانه هایشان بیرون میآیند تا ببینند

چه خبر است! آن ندای آسمانی مردم را به خودداری از ظلم، کفر، جنگ و

خونریزی دعوت و به پیروی از امام زمان علیه السلام فرا میخواند، حضرت را با نام خود و

نام پدرش معرفی میکند!

بر اساس این روایات تمام انسانها در برابر این نشانه الهی، سر تسلیم فرود

میآورند، زیرا این نشانه الهی تفسیر آن گفته خداوند است که در قرآن میفرماید:

" اگر بخواهیم از آسمان معجزه ای بر آنها فرو فرستیم که در برابر آن سر تسلیم فرود آورند. " (۱)

پس از این حادثه آسمانی، مردم عالم مصرانه و در همه گوشه و کنار جهان در

پی پاسخ به یک سؤال برمیآیند: مهدی کیست؟ و کجاست؟

اما پس از آنکه متوجه میشوند او پیشوای مسلمانان و از خاندان پاک پیامبر

خاتم صلی الله علیه و آله است و به زودی از سرزمین حجاز ظهور خواهد کرد، به ایجاد شک و تردید،

۱- ۱. شعراء - ۴.

پیرامون ندای معجزه آسای آسمانی میپردازند و توطئه های خود را جهت ضربه

زدن به موج جدید اسلامی برنامه ریزی میکنند و در پی قتل آن پیشوای بزرگ الهی

برمیآیند، اما ایمان آورندگان به غیب که روایات مربوط به این ندای آسمانی را

شنیده اند آگاهند که این ندا، همان ندای حق موعود است و آنان سر بر سجده شکر

مینهند و بر خشوع دلهایشان در پیشگاه خداوند افزوده میشود. و همواره از آن

حضرت سخن میگویند و خود را جهت یاری وی مهیا میکنند.

اصل روایات مربوط به این ندای آسمانی که مردم را به پیروی از امام مهدی علیه السلام

دعوت نموده و او را با نام خود و پدر بزرگوارش یاد میکند، در منابع شیعه و سنی،

فراوان است، و بعید نیست که به حد تواتر معنوی (۱) برسد. (۲)

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

" منادی از آسمان نام صاحب این امر را، بانگ زند که فرمانروائی از آن فلانی فرزند فلان است پس

کشتار برای چیست؟ " (۳)

و نیز آن حضرت فرمود:

" دو صیحه رخ دهد، یکی در آغاز شب و دیگری در پایان شب دوم، هشام بن سالم گوید پرسیدم:

آن ندا چگونه است؟ فرمود: صیحه ای از آسمان است و صیحه دیگر از سوی ابلیس، پرسیدم: چگونه این

یکی از دیگری باز شناخته شود؟ فرمود: کسی که این خبر را قبلا از ما شنیده، پیش از پیدایش صیحه دوم

از آن با خبر است " (۴)

۱- ۱. تواتر معنوی یعنی راویان زیادی یک مطلب را با تفاوت الفاظ نقل میکنند بطوری که برای انسان، اطمینان حاصل میشود که این موضوع را معصوم علیه السلام بیان کرده است. مترجم

۲- ۲. ابن حماد این روایات را در نسخه خطی خود، در صفحات ۵۹ و ۶۰ و ۹۲ و ۹۳ و مجلسی در بحار: ۵۲ / ۱۱۹ و ۲۸۷ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۳ و ۲۹۶ و ۳۰۰ و در بخش های دیگر مطرح کرده اند.

۳- ۳. بحار: ۵۲ / ۳۹۶.

۴- ۴. بحار: ۵۲ / ۲۹۵.

محمد بن مسلم نقل میکند که فرمود:

" منادی از آسمان نام قائم را ندا کند بگونه ای که هر کس در شرق و غرب جهان باشد آن را بشنود، در اثر آن ندا، خفته بیدار و ایستاده بنشیند و نشسته بپای خیزد، و آن صدای روح الأمین جبرئیل است " (۱)

از عبد الله بن سنان نقل شده است که گفت:

" خدمت امام صادق علیه السلام بودم، شنیدم مردی اهل همدان به امام میگوید: که عامه (سنی ها) ما را نکوهش میکنند و میگویند: شما عقیده دارید که منادی از آسمان به اسم صاحب این امر ندا خواهد کرد؟! حضرت در حالی که تکیه داده بود خشمناك شد و نشست، آنگاه فرمود: این مطلب را از من روایت نکن، بلکه از پدرم نقل کن. و از این بابت بر شما ایرادی نیست، شهادت میدهم که پدرم فرمود: سوگند به خدا این مطلب در کتاب خدا نیز آشکار آمده است آنجا که میفرماید: اگر بخواهیم معجزه ای از آسمان بر آنها فرو فرستیم که در برابر آن سر تسلیم فرود آورند. (۲)

سیف بن عمیره گوید:

" نزد ابو جعفر منصور (۳) بودم که بدون مقدمه گفت: ای سیف بن عمیره، بدانکه بی تردید، ندای آسمانی نام مردی از خاندان ابو طالب را میخواند، با تعجب گفتم: فدایت شوم، ای امیر مؤمنان، آیا این مطلب را بعنوان روایت نقل میکنید؟ گفت: آری، سوگند به کسی که جانم در اختیار اوست، این روایت را با گوش خود شنیدم، گفتم ای امیر مؤمنان تاکنون این روایت را نشنیده ام. گفت: ای سیف! این سخن حقی است آنگاه که چنین ندائی برآید، ما نخستین اجابت کننده آن خواهیم بود! مگر نه این است که آن ندا مردم را به سوی مردی از عموزادگان ما فرا میخواند، گفتم: آیا مردی از فرزندان فاطمه علیها السلام؟ گفت: آری. اگر این سخن را از ابو جعفر محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) نشنیده بودم و تمام اهل زمین آن را نقل میکردند هرگز نمیپذیرفتم ولی او محمد بن علی است " (۴)

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۹۰.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۹۲.

۳- ۳. یعنی منصور دوانقی، خلیفه عباسی. مترجم

۴- ۴. ارشاد مفید ص ۴۰۴.

و از سعید بن مسیب چنین نقل شده است:

" فتنه ای بوجود آید که در آغاز همچون بازیچه کودکان است بگونه ای که هرگاه از گوشه ای آرام گیرد از جانب دیگر سر بر آورد تا آنگاه که منادی از آسمان ندا کند: آگاه باشید فرمانروای شما فلانی است. ابن مسیب (از شدت هیجان) دستهای خود را بهم پیچید به شکلی که گویا دستانش میلرزید، آنگاه سه بار گفت: اوست فرمانروای بر حق. " (۱)

در همین مأخذ آمده است:

" چون ندا کننده ای از آسمان ندا دهد که حق با آل محمد است، در آن هنگام نام مهدی بر سر زبانها جاری شود و محبت او در دلها قرار گیرد و مردم اندیشه ای جز او نداشته باشند ".

و نیز آمده است:

" سعید به نقل از جابر و او از امام باقر برای ما نقل کرده که حضرت فرمود: ندا کننده ای از آسمان ندا کند: آگاه باشید که حق با اهل بیت محمد است و ندایی دیگر از زمین بانگ برآورد که بدانید حق در خاندان عیسی و یا در خاندان عباس است، تردید از من است. و همانا ندای زمینی از شیطان است تا مردم را به اشتباه اندازد. (شک کننده ابو عبد الله نعیم است) ".

و در ص ۶۰ از ابن مسعود از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

" چون ندای آسمانی در ماه رمضان شنیده شود به دنبال آن در شوال هیاهوی شدیدی رخ دهد و در ذی قعده قبیله ها جدا شوند و در ذی حجه خونریزی اتفاق افتد، آنگاه سه بار فرمود: اما محرم چه محرمی خواهد شد، هیهات، هیهات، در این ماه، مردم بر اثر آشوب ها کشته شوند، سؤال کردیم ای رسول خدا صیحه آسمانی چیست؟ فرمود: این صیحه در نیمه ماه رمضان و شب جمعه اتفاق افتد. صدایی است که شخص خوابیده را بیدار و ایستاده را بر زمین بنشاند و زنان نجیب و پوشیده را از پرده ها بیرون آورد... در شب جمعه. و در سالی که زلزله ها فراوان شود، چون نماز صبح جمعه را بجای آوردید به خانه های خود روید

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۲.

و در و پنجره ها را ببندید و خود را بپوشانید و گوشهایتان را بگیرید وقتی آن صیحه را شنیدید سر به سجده بگذارید و بگوئید: سبحان القدوس، سبحان القدوس، سبحان القدوس هر کس چنین کند نجات یابد و هر کس چنین نکند هلاک شود ".

روایات دیگری نیز در این باره از منابع شیعه و سنی به دست ما رسیده است.

اما آن ندای زمینی مخالف، که روایات از آن سخن میگویند ممکن است واقعا صدای ابلیس باشد. همچنانکه ابلیس در جنگ احد فریاد برآورد: که " محمد صلی الله علیه و آله کشته شد " و ممکن است فریاد ابلیس بوسیله دستیاران و حامیان او، یعنی شیاطین تبلیغاتی جهان باشد، که برای رویاروئی با موج جهانی اسلام که ندای آسمانی ایجاد کرده، به مقابله برخیزند.

اما نبردی که ندای آسمانی، دعوت به توقف آن میکند، بعید نیست همان جنگ جهانی باشد که قبلا درباره آن سخن گفته شد و گفتیم که ممکن است آن جنگ جهانی به شکل جنگ های متعدد در نقاط مختلف عالم روی دهد.

همچنانکه در روایات آمده در سال ظهور جنگها فراوان خواهد شد.

باید توجه داشت که بین روایاتی که بیانگر زمان وقوع ندای آسمانی است، تفاوتی وجود دارد، چون برخی آن را در ماه رمضان و بعضی دیگر آن را در ماه رجب (۱) و دسته ای آن را در موسم حج (۲) و یا در ماه محرم بعد از کشته شدن نفس زکیه ذکر میکنند (۳). از بعضی روایات استفاده میشود که ندای آسمانی، نداهای متعددی است حتی بخشی از روایات بر این امر صراحت دارند. یکی از دانشمندان،

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۷۸۹.

۲- ۲. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۲.

۳- ۳. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۳.

به هشت مورد از نداهای وارد شده در منابع شیعه دست یافته است و در منابع سنی ها نیز نزدیک به همین رقم دیده میشود، اما به نظر میرسد که تنها یک ندای آسمانی، آن هم در ماه رمضان شنیده میشود و تصور نداهای مختلف ناشی از اختلاف روایات، در تعیین زمان آن است. والله العالم.

* *

پس از این دو نشانه، یعنی، خروج سفیانی در ماه رجب و ندای آسمانی در ماه رمضان، تا ظهور حضرت در ماه محرم، نزدیک شش ماه باقی است. منابع روائی سنی ها شماری از اقدامات امام علیه السلام را در این فاصله بیان کرده اند. از جمله، ارتباط آن حضرت با یاران خود در مدینه منوره و مکه مکرمه و دیدار وی با کسانی که از اطراف جهان با شوق و اضطراب جهت بیعت با او، در جستجوی حضرتند. از آن جمله هفت تن از دانشمندان کشورهای مختلف که بدون قرار قبلی، امام را در مکه ملاقات میکنند در حالی که هر کدام در شهر خود از سیصد و سیزده نفر از افراد متدین و مخلص بیعت گرفته اند، آنها از طرف پیروانشان، با آن بزرگوار بیعت مینمایند، و امید دارند که با پذیرش بیعتشان از طرف امام، جزو ۳۱۳ یاور حضرت محسوب گردند که پیامبر خدا از آن خبر داده است.

روایت های شیعه، این شش ماه را مرحله ظهور غیر علنی بعد از غیبت کبری، قلمداد میکنند و آن را منطبق با این کلام امیر مؤمنان علیه السلام میدانند که فرمود: " ظاهر شدن او ابهام آمیز است تا آنکه نام و یادش همه جا را فرا گیرد، و امرش آشکار گردد " (۱) یعنی ظهور حضرت به تدریج آغاز میگردد و سپس موضوع برای مردم آشکار میگردد و احتمال دارد ظهور تدریجی حضرت، بدان جهت باشد که امر ظهور و پذیرش مردم

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳.

به آزمایش گذاشته شود، و زمینه ای برای ظهور علنی حضرت گردد.

در این باره، علاوه بر خبر قبل، روایات دیگری نیز وجود دارد که برخی از نظر سند، صحیح شمرده میشوند و گویاتر از همه نامه حضرت مهدی علیه السلام به نماینده خود، علی بن محمد سمری (رضوان الله علیه) است که فرمود:

" در آینده از پیروان من کسانی ادعای مشاهده مرا میکنند، آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی، ادعای دیدن مرا بکند، افترا بسته و دروغگوست ولا حول ولا قوه إلا بالله العلی العظیم " (۱).

ظاهرا منظور از ادعای مشاهده امام علیه السلام قبل از وقوع این دو حادثه، ادعای نمایندگی صاحب الامر علیه السلام است نه صرف شرفیابی به حضور ایشان، بدون ادعای نمایندگی و یا بدون سخن گفتن درباره آن. زیرا فراوان نقل شده که عده ای از علماء و اولیاء مورد اعتماد و شایسته به توفیق دیدار با امام علیه السلام دست یافته اند و شاید همین موضوع دلیل بکارگیری عبارت نفی مشاهده در کلام امام باشد نه نفی رؤیت.

این نوشته امام علیه السلام میفهماند که غیبت کبری با خروج سفیانی و صیحه آسمانی پایان میپذیرد و بعد از آن دوره ای شبیه به دوره غیبت صغری و مقدمه ظهور خواهد بود. حضرت در این مدت با یاران خود تماس میگیرد و شماری از آنان به محضر امام علیه السلام شرفیاب میشوند و حضرت نمایندگانی را بعنوان رابط خود و مؤمنین منصوب مینماید.

از روایات بعدی این گونه به دست میآید که امام علیه السلام پس از خروج سفیانی، ظاهر میشود سپس دوباره تا هنگام ظهور موعود خود در ماه محرم، پنهان میگردد،

در روایت حذلم بن بشیر از امام زین العابدین علیه السلام چنین آمده است:

۱- ۱. بحار: ۵۱ / ۳۶۱.

" وقتی سفیانی خروج کند، حضرت مهدی علیه السلام نهان گردد و سپس دوباره ظاهر شود " (۱)

این روایت، تفسیری ندارد جز آنکه امام علیه السلام بعد از خروج سفیانی، در رجب

ظاهر، و آنگاه تا لحظه ظهور خویش در محرم نهان گردد، و روایت مشخص

نمیکند که آیا این ظهور پیش از ندای آسمانی، در ماه رمضان است و یا بعد از آن؟

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

" قائم قیام نکند مگر پس از آنکه دوازده نفر، اتفاق بر یک سخن کنند و گویند او را دیده اند اما آنها را

تکذیب کنند " (۲)

به نظر میرسد که آنان مردانی راستگو باشند، چون امام علیه السلام اتفاق نظر آنها را از

دیدار حضرت مهدی علیه السلام بیان میکند و از تکذیب مردم نسبت به آنها تعجب میکند

و ظاهرا ملاقات آنها با حضرت، در همان دوره ای صورت میگیرد که امام علیه السلام

ظهوری نامحسوس و نه چندان آشکار دارد تا تدریجا مسأله ظهور، علنی گردد و

سرانجام نام و یادش بالا گرفته و ظهور موعود عملی شود.

بنابراین، حضرت در این دوره حساس نقش تقریبا کامل رهبری خود را ایفا

نموده و با رهنمودهای خویش حکومت های زمینه ساز یمنی و ایرانی را رهبری

مینماید و در تمام سرزمین های اسلامی، با یاران خود که اولیاء خدایند، ارتباط

برقرار میکند.

و اینک برای آنکه بتوان اقدامات امام علیه السلام در دوره ظهور کوتاه را به تصویر کشید،

نگاهی گذرا بر اعمال حضرت در دوره غیبت، میاندازیم. پاره ای از روایات

آورده اند که امام علیه السلام در این دوره در مدینه منوره مسکن میگزینند و با سی نفر در

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۱۳.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۴۴.

ارتباط است. از امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است:

" صاحب این امر را غیبتی است و در آن غیبت، عزلتی، بهترین منزلگاه وی مدینه است و با وجود سی

نفر اضطراب و وحشتی نخواهد بود ". (۱)

همچنین بخش دیگری از روایات، دلالت دارند که آن حضرت در کنار خضر علیه السلام

بسر میبرد، در این زمینه امام رضا علیه السلام میفرماید:

" خضر علیه السلام از آب حیات نوشید و از این رو زنده است و نمیمیرد تا در صور اسرافیل دمیده شود، البته

او نزد ما میآید و به ما سلام میدهد، ما صدای او را میشنویم ولی شخص او را نمیبینیم هر جا که نام او

برده شود باید بر او درود فرستاد، او در موسم حج حاضر و تمام مناسک آن را بجا میآورد. در عرفات

وقوف میکند و دعای مؤمنان را آمین میگوید و خداوند نگرانی قائم ما را بوسیله او به انس و الفت، و تنهائی

وی را در کنار او به پیوستگی بدل میسازد. " (۲)

از روایت قبلی و سایر روایات چنین به نظر میرسد که آن سی تن یاران مهدی علیه السلام

پیوسته عوض میشوند یعنی هرگاه یکی از ایشان از دنیا برود، فرد دیگری جانشین

وی میگردد، و شاید منظور از ابدال (شایستگان) که در دعای نیمه ماه رجب از

امام صادق علیه السلام وارد شده، همانها باشند، آنجا که بعد از درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و

خاندانش میفرماید:

" خداوندا بر مؤمنان شایسته (ابدال) و بزرگان و روزه داران و عبادت کنندگان و مخلصان و زاهدان و

تلاشگران و مجاهدان راهت درود فرست " (۳)

به احتمال قوی این سی تن و یا بیشتر، که از اولیاء خدایند، در اقدامات که

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۱۵۷.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۱۵۲.

۳- ۳. مفتاح الجنات: ۳ / ۵۰.

حضرت در غیبت خود انجام میدهد، نقش دارند، روایات متعدد، نشانگر آن

است که امام علیه السلام در زمان غیبت فعالیتهای گسترده ای دارد، او وارد خانه ها و کاخ ها

میشود. در کوچه و بازار قدم میزند و هر سال در مراسم حج حاضر میگردد. راز

غیبت آن حضرت، کشف نمیشود مگر پس از ظهور، همانگونه که راز اقدامات

خضر علیه السلام در زمان همسفر شدن موسی با او کشف نشد مگر بعد از آنکه خودش

موسی علیه السلام را از آن آگاه ساخت.

عبد الله به فضل میگوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود:

" برای صاحب این امر، غیبتی است که اهل باطل در آن به تردید افتند، پرسیدم: فدایت گردم چرا؟

فرمود: بخاطر چیزی که ما مجاز به کشف آن برای شما نیستیم، پرسیدم: راز غیبت امام علیه السلام چیست؟

فرمود: در غیبت امام حکمتی ست همچون حکمت غیبت حجت های گذشته الهی، و این راز و حکمت آشکار

نشود مگر پس از ظهور حضرت، چنان که راز اقدامات خضر علیه السلام یعنی شکستن کشتی، کشتن نوجوان و

ساختن دیوار، برای موسی علیه السلام روشن نشد مگر زمان جدا شدن آن دو از یکدیگر. ای پسر فضل این

ماجرا یکی از دستورات الهی و سری از اسرار خدا و غیبی از غیب های اوست... پس اگر خداوند را حکیم

دانستیم، باید تمام افعال او را حکیمانه بدانیم گرچه راز آن بر ما روشن نباشد " (۱)

از محمد بن عثمان عمری رضوان الله علیه منقول است که گفت:

" سوگند به خدا، صاحب این امر هر سال در موسم حج حضور مییابد و مردم را میبیند و آنها را

میشناسد. مردم او را میبینند، اما نمیشناسند " (۲)

و از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

" برای مردم چه جای انکار است که خداوند متعال در مورد حجت خود، همان کاری کند که درباره

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۹۱.

۲- ۲. کافی: ۱ / ۳۳۷.

یوسف علیه السلام انجام داد؟! یعنی در بازارهایشان راه برود، روی فرش هایشان قدم بگذارد و در عین حال او را نشناسند تا آنکه خداوند اجازه دهد که خود را معرفی نماید آن چنان که به یوسف علیه السلام اجازه داد، آن زمان که یوسف به برادرانش گفت: آیا میدانید چه بر سر یوسف و برادرش آوردید در حالی که شما ناآگاه بودید، برادران گفتند: تو حتما یوسف هستی؟! گفت: آری من یوسفم و این هم برادر من است. " (۱)

بر اساس این روایات، حالت ناشناخته ماندن امام علیه السلام در زمان غیبت، همچون حالت حضرت یوسف علیه السلام و نوع رفتار او در این مدت همانند رفتار حضرت خضر علیه السلام است که قرآن، بخشی از شگفتیهای آن را برای ما روشن ساخته است.

حتی از این روایات چنین استفاده میشود که آن دو بزرگوار (حضرت خضر و حضرت مهدی (علیهما السلام)) با هم زندگی و با یکدیگر همکاری دارند.

و چه بسا بسیاری از اقدامات آن حضرت، بدست یاران شایسته او و شاگردانش انجام پذیرد. کسانی که از قدرت طی الأرض برخوردارند و زمین و مسافت های آن برایشان کوتاه میشود و خداوند آنان را به خاطر ایمانشان با آموزشهای حضرت مهدی علیه السلام رهنمون میسازد، آری روایات و داستانهای معتبر فراوانی از قبیل راه رفتن روی آب و طی الارض و امثال آن، حتی درباره کسانی که از اولیاء و بندگان شایسته خداوند بوده و مقامی کمتر از یاران خاص آن حضرت را دارا بوده اند، نقل شده است.

خدای سبحان همواره کارها و حوادث بزرگ و کوچک این جهان را با اسباب آن به جریان میاندازد اما او حاکم بر این اسباب است و بدست هر یک از فرشتگان یا بندگانش که اراده فرماید، میتواند هرگونه تصرفی در این امور بنماید. بسیاری از پدیده ها که در نظر ما طبیعی جلوه میکند، اگر بتوانیم حقیقت آن را ببینیم متوجه

۱- ۱. بحار: ۵۱ / ۱۴۲.

خواهیم شد که دست غیب الهی در آن نقش دارد. مثلا در ماجرای سوراخ کردن کشتی توسط حضرت خضر، وقتی مأمورین فرمانروای ستمگر، به قصد مصادره، جلوی کشتی را گرفتند، چون آن را معیوب دیدند، به حال خود رها ساختند اما متوجه نشدند که در آن ماجرا دست غیبی دخالت داشته است، همچنین در ماجرای دیگری که خضر علیه السلام اقدام به کشتن فرزند آن پدر و مادری کرد که عمر خود را با ایمان به خدا سپری کرده و به تکالیف الهی خویش عمل نمودند، اما نمیدانستند که اگر پسرشان زنده بماند، آن دو را به کفر و طغیان میکشاند و یا ماجرای بازسازی دیوار خانه دو کودک یتیم توسط حضرت خضر، دیواری که زیر آن گنجی نهان بود و زمانی که آن دو کودک بزرگ شدند، گنج خود را از زیر دیوار استخراج کردند.

وقتی این سه حادثه در مدت کوتاه همراهی موسی علیه السلام، از خضر علیه السلام سر زده و خداوند در کتاب خود آن را برای ما روشن ساخته، ما باید بسیاری از اعمال و رفتار مشابه را در روزگار پر بار و عمر طولانی خضر در ذهن خود ترسیم نمائیم. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

" خداوند برادرم موسی علیه السلام را رحمت کند که در برخورد با خضر عجله کرد. زیرا اگر صبر پیشه میکرد شگفتیهایی را از او مشاهده مینمود که هرگز ندیده بود. " (۱)

بنابراین ما میتوانیم کارهای حضرت مهدی علیه السلام را در دوره غیبت تصور کنیم در حالی که امام مهدی علیه السلام بنا به نقل همه مسلمانان مقامش از حضرت خضر علیه السلام برتر و بالاتر است، زیرا بر حسب روایت، او یکی از هفت نفری است که سالار اهل بهشت و از برگزیدگان اولین و آخرین بشمار میرود، از پیامبر عظیم الشأن نقل شده است

۱- ۱. بحار: ۱۳ / ۳۰۱.

که فرمود:

" ما هفت تن از فرزندان عبد المطلب، سروران اهل بهشتیم: من، حمزه، علی، جعفر، حسن، حسین و مهدی " (۱)

حال، خدا آگاه است که حضرت مهدی علیه السلام و وزیر او خضر و یاران شایسته وی و شاگردان آنها که اولیاء خدایند در سراسر جهان و در حوادث بزرگ و کوچک آن، چه نقشی ایفا میکنند. و طبیعی است که راز غیبت، و رمز کارهای آنان تا هنگام ظهور آشکار نشود. و عملکرد آنان در حوادث روزگار ما و روزگاران گذشته در پس پرده غیب باقی بماند، حتی امکان دارد هر یک از ما در زندگی خود مرهون توجه و یا اقدامات آنان باشیم چه رسد به نقش آن بزرگواران در حرکت تاریخ و حوادث بزرگ عالم.

باید توجه داشت که این عقیده به غیب الهی و عمل امام مهدی علیه السلام و خضر علیه السلام و مؤمنان برجسته و شایسته، با عقاید و نظریات اهل تصوف در مورد قطب و افراد پرهیزکار، تفاوت دارد. گرچه در برخی جهات به آن شباهت داشته باشد، هر چند بعضی از صوفیه سعی میکنند این گونه صفات را بر حضرت مهدی علیه السلام و یارانش منطبق نمایند، در گفته کفعمی در حاشیه مصباح و همچنین در سفینه البحار ماده (قطب) آمده است که:

" گفته اند: زمین از قطب و چهار نفر اوتاد (بزرگان) و چهل مرد شایسته و هفتاد فرد نجیب و سیصد و شصت فرد صالح، خالی نمیماند و قطب، همان مهدی علیه السلام است و اوتاد (بزرگان) از چهار نفر کمتر نیست، زیرا دنیا همچون خیمه و مهدی به منزله ستون است و آن چهار تن مثل طناب های آن خیمه اند و گاهی اوتاد بیش از

۱- ۱. بحار: ۵۱ / ۶۵ و صواعق المحرقه ص ۱۵۸.

چهار نفر و مردان شایسته بیش از چهل و افراد نجیب فزون از هفتاد و صالحان، بیش از سیصد و شصت تن میباشند و ظاهرا خضر و الیاس نیز از اوتاد و پیوسته ملازم حریم قطب میباشند.

اما صفات اوتاد (بزرگان) آن است که یک لحظه از خدا غفلت نمیورزند و از مال دنیا مگر به اندازه لازم و ضروری جمع نمیکنند و لغزشهای بشری از آنها سر نمیزند، عصمت در آنها شرط نیست اما در قطب شرط است.

اما ابدال (شایستگان) مرتبه ایشان پائین تر از اوتاد (بزرگان) است و گاهی از آنها غفلت سر میزند و با ذکر و یاد خدا آن را جبران میکنند و عمدا از آنها گناهی صادر نمیشود.

اما صالحان، مردان با تقوا و موصوف به عدالت اند، از آنان گناه سر میزند ولی با استغفار و پشیمانی آن را تلافی میکنند، خداوند میفرماید:

" کسانی که تقوا پیشه کرده اند هرگاه از شیطان، وسوسه و خیالی به آنها برسد، همان لحظه خدا را به یاد آورند و بینائی و بصیرت پیدا کنند ".

آنگاه کفعمی میگوید هرگاه یکی از آنها، مرتبه ای از مراتب یاد شده را از دست بدهد، فرد دیگری از مرتبه پائین تر جانشین وی گردد و اگر فردی از صالحان کم شود، شخصی از سایر مردم جایگزین او گردد ".

آنچه کفعمی درباره عمر طولانی إلیاس پیامبر علیه السلام بیان کرده، مطابق نظر عده ای از مفسران است که در تفسیر آیاتی راجع به الیاس اظهار کرده اند و بر اساس تعدادی از روایات که از اهل بیت علیهم السلام رسیده، آن حضرت زنده است و خداوند عمر او را همچون خضر طولانی نموده و آن دو بزرگوار هر سال در سرزمین عرفات و برخی

اماكن ديگر حضور ميیابند.

* *

ص: ۲۵۵

به هر حال، آنچه از روایات برمیآید این است که دوره شش ماهه، یعنی فاصله زمانی خروج سفیانی و ندای آسمانی تا ظهور حضرت در محرم، سرشار از تلاش و فعالیت امام علیه السلام و یاران اوست و کرامات و معجزاتی از یاران و پیوستگان به حضرت دیده میشود و این رویداد جهانی ذهن مردم و دولتها را بطور یکسان به خود مشغول میکند. ملتهای مسلمان در همه جا از مهدی علیه السلام و کرامات او و نزدیک شدن زمان ظهورش سخن میگویند. از سوی دیگر، این اشتیاق عمومی زمینه مناسبی برای دروغگویان و شیادان مدعی مهدویت فراهم میکند تا در جهت گمراه ساختن مردم تلاش کنند. در روایات آمده است که دوازده پرچم، قبل از ظهور حضرت برافراشته شود که ادعای مهدویت کنند و دوازده تن از خاندان ابو طالب درفشی را برافرازند و مردم را به سوی خود دعوت کنند که تمام آنها درفش های گمراهی و تلاشهای دنیوی است که برای بهره گیری از موج گرایش جهانی به ظهور آن حضرت صورت میگیرد.

مفضل بن عمرو جعفی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

" از بردن نام آن حضرت بر حذر باشید، به خدا سوگند امام شما سالیانی از دیدگانتان پنهان خواهد شد، آنقدر که امتحان شوید تا گفته شود آن حضرت مرده و یا هلاک گردیده و یا معلوم نیست کجا رفته است، دیدگان مؤمنان در فراق او اشکبار شود و جماعتی از شما همچون کشتی طوفان زده درباره او به تردید و اختلاف دچار شوید و کسی نجات نیابد مگر آنکه خداوند از او عهد و پیمان گرفته و ایمان را در دل او جایگزین کرده و با روح خود او را تأیید نموده باشد، آری دوازده درفش تردید برانگیز به اهتزاز درآید که هیچیک از دیگری باز شناخته نشود. مفضل گوید: من در این لحظه گریستم، امام فرمود: چرا گریه میکنی؟ عرض کردم چگونه گریه نکنم در حالی که میگوئید دوازده پرچم برافراشته شود که هیچکدام از دیگری

شناخته نشود. پس تکلیف ما در آن زمان چیست؟ آنگاه امام علیه السلام به خورشید که داخل ایوان میتابید نگریست و فرمود: ای مفضل این خورشید را میبینی؟ گفتم آری فرمود: سوگند به خدا موضوع ولایت ما از

این خورشید واضح تر است " (۱)

یعنی از اینکه قضیه حضرت با مدعیان دروغین مهدویت اشتباه شود، نگران

نباشید زیرا ماجرای آن حضرت با توجه به نشانه ها و علاماتی که پیش و بعد از او

پدیدار میشود، از خورشید واضح تر است، بعلاوه شخصیت او هرگز قابل مقایسه

با مدعیان دروغین مهدویت نمیتواند باشد.

از سوی دیگر دو حکومت زمینه ساز ظهور حضرت، یعنی حکومت یمن و

ایران در حوادث جهان و آگاهی افکار ملتها، آثار سیاسی مهمی برجای گذاشته و

نیاز شدیدی به رهنمودها و هدایتهای آن حضرت احساس خواهد شد.

از روایات و از سیر طبیعی حوادث چنین برمیآید که دشمنان حضرت یعنی

سفیانی و سردمداران کفر واکنش شدیدی در برابر موج افکار عمومی طرفدار

حضرت نشان میدهند و تمام توان خود را در سامان دادن به عراق و حجاز متمرکز

میکنند که نقطه ضعف منطقه بشمار میآیند. چرا که سران کفر در عراق از نفوذ

زمینه سازان ایرانی و ضعف حکومت مرکزی آن نگران میشوند و در حجاز از خلأ

سیاسی و درگیری قبایل بر سر حکومت و نفوذ زمینه سازان یمنی هراسان میگردند

و مهمتر از آن چشم مسلمانان به منطقه حجاز دوخته میشود چرا که آنان ظهور

حضرت را از آن سرزمین انتظار میکشند و میدانند که امام علیه السلام در شهر مدینه

سکونت داشته و از شهر مکه قیام و نهضت جهانی خویش را آغاز خواهد کرد.

از این رو فعالیت سیاسی و نظامی دشمنان علیه حضرت در دو حرم مکه و

مدینه متمرکز خواهد شد و سفیانی با حمله نظامی خود به شهر مدینه، به

دستگیری و بازداشت گسترده بنی هاشم میپردازد، به این امید که حضرت در میان

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۸۱.

آنها خواهد بود!

و از طرفی، هماهنگ با نبرد سفیانی در عراق و حجاز، تحرک نظامی دیگری از سوی غربی ها و شرقی ها در منطقه خلیج و دریای مدیترانه بخاطر اهمیت استراتژیک منطقه رخ میدهد و چه بسا فرود آمدن نیروهای روم در رمله و قوای ترک در جزیره، که در روایات متعدد از آن یاد شده، در آن دوره و یا نزدیک بدان باشد. والله العالم.

بحران حکومت در حجاز

روایات شیعه و سنی بر این نکته اتفاق دارند که طلیعه ظهور حضرت در حجاز، پیدایش خلأ سیاسی و کشمکش بین قبائل بر سر فرمانروائی است.

این حوادث در پی مرگ پادشاه و یا خلیفه ای رخ میدهد که با مردنش گشایشی در امور بوجود میآید. برخی روایات، نام او را " عبد الله " و اعلان خبر مرگ او را روز عرفه تعیین کرده اند. پس از مرگ او حوادثی پیاپی در حجاز رخ میدهد که تا خروج سفیانی و ندای آسمانی و درخواست اعزام نیرو از سوریه به حجاز و سرانجام ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه مییابد. در این زمینه امام صادق علیه السلام میفرماید:

" هر کس مرگ عبد الله را برای من تضمین کند، من ظهور قائم را برای او تضمین میکنم " سپس فرمود: " وقتی عبد الله بمیرد، مردم برای حکومت با کسی توافق نکنند و این اختلاف و درگیری به خواست خدا تا ظهور صاحب الامر ادامه یابد. حکومت های چند ساله پایان یافته و تبدیل به حکومت چند ماهه و چند روزه شود. سؤال کردم: آیا این ماجرا به طول میانجامد؟ فرمود: هرگز. " (۱)

١- ١. بحار: ٥٢ / ٢١٠.

همچنین فرمود:

" زمانی که مردم در سرزمین عرفاتند، سواری بر شتری راهوار وارد شده و مرگ خلیفه را خبر دهد. با

مرگ او فرج آل محمد صلی الله علیه و آله و گشایش کار تمام مردم فرا رسد. " (۱)

شتر راه وار کنایه از سرعت پیام رسانی و بشارت به حجاج است و ظاهرا در

روایت شیوه پیام رسانی مورد توجه بوده است. در روایتی دیگر آمده است که آنها

مرد شتر سواری را که در عرفات بین حاجیان خبر را منتشر میکند به قتل میرسانند.

شاید خلیفه ای که خبر مرگ و یا کشته شدنش در روز عرفه اعلان میشود،

همان عبد الله یاد شده در روایت گذشته باشد. و معنی جمله " از بین رفتن حکومت های

چند ساله و بوجود آمدن حکومت های چند ماهه و چند روزه " این است که هرگاه بعد از او

فرمانروایی بر سر کار آورند، حکومت او یکسال کامل دوام نیابد و پس از چند ماه یا

چند روز، فرد دیگری به حکومت رسد، تا اینکه ماجرا به ظهور حضرت مهدی علیه السلام

منتهی شود. برخی از روایات، علت کشته شدن خلیفه را ماجرائی اخلاقی و قاتل

وی را یکی از گماشتگان معرفی کرده و میگوید که وی به خارج از حجاز میگریزد

و تعدادی از نیروهای حکومت به جستجوی او میپردازند، اما قبل از بازگشت آنها،

کشمکش بر سر سلطنت آغاز میشود.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

" علت مرگ، آن است که او به یکی از خواجگان خود تعدی میکند، خواجه او را سر میبرد. مرگ او را

چهل روز مخفی میدارند. سواران به جستجوی خواجه میروند، اما قبل از بازگشت اولین کسی که بدنبال او

رفته، حکومت آنها نابود میگردد. " (۲)

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۴۰.

۲- ۲. کمال الدین صدوق ص ۶۵۵.

روایاتی که درگیری بر سر حکومت در حجاز بعد از کشته شدن این فرمانروا را

توصیف میکنند، فراوانند. اینک نمونه هایی از آن را یادآور میشویم. بزنطی از

حضرت رضا علیه السلام روایت میکند که فرمود:

" از جمله نشانه های فرج، حادثه ای است که بین دو حرم مکه و مدینه رخ دهد، پرسیدم: آن حادثه

چیست؟ فرمود: تعصب قبله ای بین دو حرم بوجود آید و فلانی از خاندان فلان پانزده رئیس قبیله را به قتل

رساند " (۱)

یعنی یکی از فرمانروایان و یا زمامداران حجاز، پانزده شخصیت از نسل فرمانروا

و یا پیشوای معروفی را به قتل میرساند. از ابو بصیر نقل شده که گفت:

" خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: ابو جعفر علیه السلام (امام باقر علیه السلام) میفرمود: قائم آل محمد دو

غیبت دارد که یکی طولانی تر از دیگری است. فرمود: آری این امر تحقق نیابد مگر آنگاه که در خاندان

فلان اختلاف بوجود آید و حلقه تنگ شود و سفیانی ظهور کند و بلا سخت گردد و مرگ و کشتار مردم را

فراگیرد و آنان به حرم خدا و پیامبرش پناهنده شوند " (۲)

این روایت بیانگر آن است که اصل درگیری بین خود قبیله حاکم بوجود میآید.

از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده که فرمود:

"... برای قیام قائم نشانه ها و علاماتی است، نخست محاصره کوفه بوسیله کمین و خندق و به اهتزاز

درآمدن درفش ها پیرامون مسجد بزرگتر. در این پیکار قاتل و مقتول هر دو در آتش دوزخ اند. " (۳)

ظاهرا مراد از مسجد بزرگتر، مسجد الحرام است نه مسجد کوفه. و درفش های

مخالف در مکه و حجاز با یکدیگر درگیر میشوند و پرچم حقی میان آنها وجود

ندارد.

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۱۰.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۱۵۷.

۳- ۳. بحار: ۵۲ / ۲۷۳.

ابن حماد در نسخه خطی خود بیش از بیست روایت را درباره بحران سیاسی حجاز و کشمکش قبیله ای بر سر حکومت، در سال ظهور حضرت مهدی علیه السلام نقل میکند، از جمله به نقل از سعید بن مسیب میگوید:

" زمانی بر مسلمانان فرا رسد که در ماه رمضان صدایی شنیده شود و در ماه شوال مهلکه ای به پا شود و در ذی قعده قبیله ها علیه یکدیگر تجهیز گردند و در ماه ذی حجه اموال حجاج به یغما و غارت رود و ماه محرم چه محرمی! " (۱)

ابن مسعود از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که آن حضرت فرمود:

" زمانی که صیحه ای در ماه رمضان شنیده شود، در ماه شوال شعله های آتش به هوا برخیزد و در ذی قعده مردم دسته دسته شده و هر کس سراغ قبیله خود رود و در ذی حجه خونریزی شود. و سه بار فرمود: و اما محرم چه محرمی " (۲)

و از عبد الله بن عمر نقل شده که گفت:

" مردم با یکدیگر به حج روند و بدون پیشوا روانه عرفات گردند و آنگاه که در منی منزل کردند، همچون افرادی که به هاری دچار شده اند به جان هم افتند تا آنکه عقبه را سیل خون فرا گیرد. " (۳)

یعنی آنها حالتی شبیه به بیماری هاری پیدا میکنند و یکباره پس از مناسک حج، دشمنی میان آنها بروز میکند و به کشتار یکدیگر میپردازند بگونه ای که خون آنها در کنار جمره عقبه جاری میگردد!

روایات ابن حماد بعد از صیحه و ندای آسمانی، به بیان کشمکش سیاسی در حجاز میپردازند. اما روایات دیگری وجود دارد که به دو موضوع مهم در این بحران سیاسی اشاره میکنند: یکی، رویدادی که پیش از خروج سفیانی رخ

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۵۹.

۲- ۲. نسخه خطی ابن حماد ص ۶۰.

۳- ۳. نسخه خطی ابن حماد ص ۶۰.

میدهد که قبلا بیان کردیم و دیگری بحران روابط میان شرق و غرب، یعنی جنگ جهانی موعود. از ابن ابی یعفور نقل شده که گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

" با انگشتان دست بشمار: هلاک شدن فلانی، خروج سفیانی و قتل نفس... تا آنکه فرمود: تکمیل فرج و گشایش کار، هنگام به هلاکت رسیدن فلانی است " (۱)

البته ممکن است در ترتیب زمان این پیشامدها آنگونه که در روایت آمده جای سؤال باشد. اما تعدادی از روایات که برخی از آنها گذشت، نشانگر آن است که هلاکت فلانی و کشمکش پس از او قبل از خروج سفیانی رخ میدهد، امام باقر علیه السلام فرمود:

" قائم در سالی از سالهای فرد قیام کند، همچون نه، یک، سه، پنج. و فرمود: آنگاه بنی عباس (بنی فلان) به حکومت رسند و پیوسته در اوج قدرت و در عیش و نوش بسر برند تا آنکه بین آنها اختلاف افتد (و چون درگیری بوجود آمد) حکومتشان منقرض شود و شرق و غرب حتی اهل قبله با یکدیگر به نزاع برخیزند و مردم از وحشت گرفتار رنج و عذاب گردند و پیوسته در آن حال اند، تا از آسمان منادی حق ندا برآورد. چون ندای آسمانی آمد، پس کوچ کنید کوچ " (۲)

نکته قابل توجه در این روایت، وجود رابطه بین اختلاف خاندان فلان و انقراض حکومت آنها و درگیری میان شرق و غرب و گسترش آن بر اهل قبله یعنی مسلمانان است. و گویا این کشمکش جهانی در ارتباط و یا حتی معلول بحران سیاسی حجاز است و منظور از بنی عباس که اندکی قبل از ظهور حضرت بین آنان اختلاف بوجود میآید، آل فلان است که به گفته روایات، آخرین خاندان حاکم بر حجاز قبل از حضرت مهدی علیه السلام است.

* *

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۳۴.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۳۵.

از مجموع این روایات معلوم میشود که حوادث پی در پی حجاز که مقدمه

ظهور است، با آتش زرد سرخ فامی در حجاز و یا شرق آن، آغاز و چند روز ادامه

می یابد، آنگاه آخرین فرمانروای خاندان فلان کشته میشود و بر جانشینی او

اختلاف گردد و این اختلاف به نیروهای سیاسی حجاز که بیشتر آنها قبائل آن

سامانند، سرایت میکند... بحران سیاسی حجاز در نزاع بین شرق و غرب تأثیر

میگذارد... سپس خروج سفیانی و ندای آسمانی و آنگاه ورود لشکر سفیانی از

سوریه به داخل حجاز و حوادث مدینه و پس از آن حوادث مکه و ظهور مقدس

پدیدار میگردد. در منابع سنی ها تعدادی روایت آمده که آتش حجاز را از

نشانه های قیامت یاد میکند از آن جمله در کتاب صحیح مسلم میخوانیم:

" قیامت برپا نمیشود مگر آنکه آتشی در حجاز برافروخته شود که روشنائیش گردن شتر را در بصرا

روشن کند " (۱)

یعنی نور آن به شهر بصرا در سوریه میرسد. تعدادی از همین روایات در کتاب

مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۴۳ – ۴۴۲ آمده و میگوید: " آتش مذکور از کوه وراق یا حبس

سیل و یا وادی حسیل برآید ". حبس سیل محلی است نزدیک مدینه منوره و ممکن است

اشتباها از آن به وادی حسیل یاد شده باشد و برخی دیگر از روایات میگویند: " آن

آتش از منطقه عدن در حضرموت پدید آید و مردم را به سوی محشر و یا مغرب کشاند ".

همانگونه که ملاحظه میکنید روایت موجود در صحیح مسلم به صراحت

نمیگوید که این آتش از نشانه های قیامت است بلکه فقط وقوع آن را در آینده حتمی

میداند... به اعتقاد من، آن آتشی که از نشانه های رستاخیز و قیامت است، آتش

عدن یا حضرموت است که در منابع شیعه و سنی به آن اشاره شده است.

۱- ۱. صحیح مسلم: ۸ / ۱۸۰.

اما آتش حجاز، که طبق روایت، در مدینه منوره پدید میآید ممکن است تنها

خبری از غیب از قول پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و وقوع آن نشانگر ماجرای خاصی نبوده. و

قبلا اتفاق افتاده باشد چه اینکه مورخان وجود آتشفشانی را ثبت کرده اند که در قرن

اول نزدیک مدینه به مدت چند روز ادامه داشته است.

اما آتشی که از نشانه های ظهور است، در روایات، بنام آتش مشرق آمده و در

برخی روایات از آن به عنوان آتشی در شرق حجاز یاد شده است. در نسخه خطی

ابن حماد از ابن معدان نقل شده است که گفت:

" وقتی ستونی از آتش از سوی مشرق و در ماه رمضان در آسمان مشاهده نمودید تا میتوانید مواد

غذائی و خوراکی تهیه کنید که آن سال، سال قحطی خواهد بود " (۱)

و از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمود:

" وقتی آتش بزرگی از سوی مشرق مشاهده کردید که چند شب زبانه میکشد، در آن هنگام گشایش

کار مردم فرا رسد و این آتش اندکی قبل از ظهور قائم است. " (۲)

و از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

" وقتی از جانب مشرق آتش بزرگ سرخ فامی مشاهده کردید که سه یا هفت روز بالا میآید، در آن

هنگام به خواست خدا منتظر فرج آل محمد صلی الله علیه و آله باشید که خداوند عزیز و حکیم است. " (۳)

احتمال دارد این آتش، آتشفشانی طبیعی و یا انفجار بزرگ مواد نفتی باشد،

همچنانکه احتمال دارد نشانه ای الهی از علامت های ظهور حضرت مهدی علیه السلام

باشد. از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۶۱.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۴۰.

۳- ۳. بحار: ۵۲ / ۲۳۰.

" پیش از قیام قائم، مردم بوسیله آتشی که برای آنان در آسمان پدید آید و سرخی آن آسمان را

بپوشاند، از گناهانشان باز داشته شوند " (۱)

این آتش پیش از بحران سیاسی حجاز و یا در اثناء آن شعله ور خواهد شد. والله

العالم

خروج امام علیه السلام با بیم و امید از مدینه

طبق روایات، لشکر سفیانی بر مدینه منوره تسلط کامل مییابد و سه روز تمام،

این شهر را در اختیار سپاهیان خود قرار میدهد تا هر چه میخواهند انجام دهند.

آنان افراد بنی هاشم را دستگیر و شماری از آنان را به قتل میرساند. هدف از این

عملیات دستیابی به وجود مبارک امام است. ابن حماد روایت کرده که:

" سفیانی به سوی مدینه حرکت کرده و قریش را از دم شمشیر بگذراند و چهار صد تن از مردان آنها و

از انصار را بکشد و شکم زن ها را دریده و کودکان را به قتل رساند و خواهر و برادری بنام محمد و فاطمه را از

قریش کشته و بر دروازه مسجد مدینه آویزد! " (۲)

و در همین صفحه از ابو رومان نقل میکند که میگوید:

" سفیانی لشکری به سوی مدینه اعزام کند تا هر یک از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را که بیابند، دستگیر نمایند

. در این گیر و دار مردان و زنانی از بنی هاشم کشته شوند. و مهدی و مبیض (منصور) از مدینه به سوی مکه

گریزند و سفیانی گروهی را به تعقیب آنها فرستد غافل از آن که آنان به حرم امن خدا رسیده اند "

و در روایتی دیگر آمده است که " مردم مدینه به سبب خشم و هجوم سفیانی و جنایات وی

شهر را ترک کنند " (۳).

امام باقر علیه السلام در روایت جابر بن یزید جعفی میفرماید:

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۲۱.

۲- ۲. نسخه خطی ابن حماد ص ۸۸.

۳- ۳. مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۴۲.

" سفیانی گروهی را به مدینه فرستد. آنها مردی را در آنجا به قتل رسانند و مهدی و منصور از آنجا بگریزند و کوچك و بزرگ خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله دستگیر شوند و کسی از آنان نماند مگر آنکه زندانی گردد. لشکر سفیانی به تعقیب آن دو مرد اعزام شوند " (۱)

مردی که بدست لشکر سفیانی کشته میشود، غیر از آن جوانی است که طبق روایات، در مدینه به قتل میرسد، در این زمینه امام صادق علیه السلام میفرماید:

" ای زراره، ناگزیر، در مدینه جوانی کشته شود، پرسیدم: فدایت شوم، مگر لشکر سفیانی او را به قتل نمیرساند؟ فرمود: نه، لشکر خاندان فلانی وی را میکشند، نیروهای یاد شده در حالی که مردم نمیدانند برای چه آمده اند، وارد مدینه شوند، آنگاه آن جوان را دستگیر و به قتل رسانند وقتی آن جوان از روی ستم و ظلم کشته شود، خداوند آنها را مهلت ندهد، پس در این هنگام چشم به راه فرج باشید " (۲)

پاره ای از روایات، این جوان را نفس زکیه نامیده اند ولی نه آن نفس زکیه ای که اندکی قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام در مکه کشته میشود.

از این روایات و روایات دیگر چنین پیداست که حکومت رو به زوال حجاز در تعقیب شیعیان در حجاز و بویژه در مدینه دست به تلاش وسیعی میزنند و جوانی را که بعنوان نفس زکیه مطرح است یا به جرم اینکه نامش محمد بن حسن است میکشد زیرا حضرت، نزد مردم به این نام مشهور است. و یا بدین جهت که وی از مؤمنان شایسته ای است که با حضرت مهدی علیه السلام ارتباط دارد.

آنگاه لشکر سفیانی وارد حجاز شده و همان سیاست حکومت حجاز را در ابعادی شدیدتر و وحشیانه تر دنبال میکند، آنان هر کس را که منسوب به خاندان بنی هاشم باشد و یا احتمال میرود که با آنان در ارتباط باشد، دستگیر میکنند و

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۲۳.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۱۴۷.

مردی را که نامش محمد و خواهرش فاطمه است تنها به دلیل اینکه نام پدرشان

حسن است به قتل میرسانند!

در چنین موقعیت بحرانی، امام مهدی روحی فداه مانند خروج حضرت

موسی علیه السلام از میان فرعونیان، بیمناك و نگران از مدینه خارج میشود و یکی از

یارانش حضرت را همراهی میکند. نام او در روایت پیشین، منصور و در روایتی

دیگر منتصر آمده است و شاید نام مبیض که در روایت گذشته آمد همان منتصر

بوده و اشتباهی در نوشته رخ داده است.

روایتی دیگر میگوید: حضرت مهدی علیه السلام هنگام خروج از مدینه، میراث رسول

الله را با خود به همراه دارد که در میان آنها شمشیر، زره، پرچم، عمامه و لباس

پیامبر به چشم میخورد.

من، زمان مشخص خروج آن حضرت از مدینه به سوی مکه را در منابع شیعه

نیافتم ولی باید این خروج پس از ندای آسمانی در ماه رمضان یعنی در موسم حج

باشد و به خاطر دارم در روایتی دیدم که ورود لشکر سفیانی به مدینه در ماه رمضان

است... و در روایت طولانی مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

" سوگند به خدا ای مفضل، گویا اکنون میبینم او را (حضرت مهدی علیه السلام) که وارد مکه میشود، در

حالی که عمامه ای زرد فام بر سر نهاده و کفش مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله را پوشیده و چوبدستی او را در دست

گرفته و چندین بزغاله لاغر پیشاپیش خود میبرد تا به خانه خدا برسد، اما هیچکس او را در آنجا

نمیشناسد " (۱)

اگر چه سند این روایت ضعیف است، اما بسیج دشمنان برای دستیابی به آن

حضرت باعث میشود که حضرت زندگی خود را همچون دوران غیبت صغری در

۱- ۱. بشاره الاسلام ص ۲۶۷ به نقل از بحار.

نهان نگه دارد. از این جهت میتوان محتوای این گونه روایتها را قابل قبول دانست.

طبیعی به نظر میرسد که مراسم حج در سال ظهور، گرم و پر رونق باشد... از مجموعه روایتها چنین به نظر میرسد که در سال ظهور، وضع نابسامان و آشفته جهان و اوضاع سرزمین های اسلامی و بحران حجاز و اعلان وضعیت غیر عادی در آن به سبب ورود ارتش سفیانی و... مراسم حج را بر حاکمان حجاز، طاقت فرسا و هراس انگیز جلوه میدهد و بی گمان آنها شمار حجاج را به حداقل ممکن کاهش خواهند داد و نیروها و دستگاههای امنیتی را در مکه و مدینه چندین برابر سالهای عادی بسیج خواهند کرد ولی این اقدامات، امت اسلامی را از توجه به مکه معظمه باز نمیدارد و مردم همچنان چشم به آن سامان دوخته و منتظر ظهور مهدی علیه السلام خواهند بود، در آن سال صدها هزار، بلکه میلیونها نفر از مسلمانان به منظور شرکت در مراسم حج دلیرانه به پا میخیزند و با آنکه دولت های خود و دولت حجاز بر سر راهشان موانعی قرار میدهند، اما تعداد بسیاری از آنان خود را به مکه میرسانند.

در آن هنگام همه حاجیان با شور و شوق در پی یافتن پاسخ به یک سؤال از یکدیگرند: شما از ظهور مهدی علیه السلام چه میدانید؟ البته طرح این سؤال، خطرناک به نظر میرسد، ا ز این رو حجاج، آن را به صورت سری و نهان، میان خود مطرح و آخرین خبرها و شایعات پیرامون حضرت، و نیز آخرین اقدامات حکومت حجاز و ارتش سفیانی را، آهسته به اطلاع یکدیگر میرسانند.

روایت بعدی سیمایی از حالت مسلمانان و حجاج را هنگام پرداختن به ماجرای ظهور حضرت و جستجوی وی ترسیم مینماید، در نسخه خطی ابن حماد چنین آمده است (۱):

۱ – ۱. سند روایت چنین است: " ابو عمر از ابن ابو لهیعه از عبد الوهاب بن حسین از محمد بن ثابت از پدرش از حارث بن عبد الله.

از ابن مسعود روایت است که: وقتی بازار تجارت کساد و راهها ناامن و فتنه ها زیاد شود هفت تن از علمای مناطق مختلف که با هر یک از آنان بیش از سیصد و اندی، دست بیعت داده اند، بدون قرار قبلی رهسپار مکه شوند و در آنجا با یکدیگر ملاقات کرده و میپرسند انگیزه آمدن شما به مکه چیست؟ می گویند به جستجوی مردی آمده ایم که امید است این فتنه ها بدست با کفایت او آرام گیرد و خداوند قسطنطنیه را بدست او آزاد نماید. ما او را با نام خود و نام پدر و مادرش و با تمام ویژگیهایش میشناسیم، این عالمان بر این هدف مشترک با یکدیگر توافق و جستجوی آن حضرت را از مکه آغاز میکنند... آنها از مردی که ظاهرا ویژگی های حضرت را دارد میپرسند آیا شما فلانی پسر فلان هستی؟ میگوید: نه، من مردی از انصارم و از آنها جدا میشود. این گروه، اوصاف حضرت را برای اهل اطلاع بازگو میکنند ولی به آنان گفته میشود: مولی و صاحب شما که در جستجویش هستید اکنون رهسپار مدینه شده، در پی او به مدینه میروند ولی حضرت به مکه بازگشته است، بدنبال او به مکه میآیند، بار دیگر به سراغ همان مرد قبلی میروند و میپرسند آیا شما فلانی فرزند فلان هستید و مادر شما فلانی دختر فلان است و این نشانه ها را در خود دارید؟ ما شما را یک بار از دست دادیم، اکنون دستتان را بدهید تا با شما بیعت کنیم. میگوید: من صاحب الأمر شما نیستم من فلانی فرزند فلان انصاری ام، اما با من بیائید تا شما را به صاحب و مولایتان راهنمائی کنم، آنگاه از ایشان جدا میشود آنها بار دیگر او را در مدینه میجویند ولی او بر عکس خواسته آنها به مکه رفته است از این رو به مکه باز میگردند و سرانجام حضرت را در کنار رکن کعبه مییابند و خطاب به او میگویند: گناه ما و خون های ما به گردن شماست، اگر دستتان را ندهید که با شما بیعت کنیم، ارتش سفیانی در تعقیب ماست و مردی حرام زاده بر آنها فرمانروائی دارد، آنگاه حضرت بین رکن (یکی از چهار گوشه کعبه) و مقام (مقام ابراهیم در مسجد الحرام) مینشیند و دست خود را به آنان میدهد و آنها با وی بیعت میکنند. خداوند محبت او را در دل مردم میافکند پس او با گروهی که شیران روز و زاهدان شب اند حرکت خود را آغاز میکند " (۱)

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۵.

در سند و متن این روایت نقاط ضعفی وجود دارد، از جمله آنکه به ماجرای آزادی قسطنطنیه اشاره شده که طی چند قرن، مشکل سیاسی، نظامی مسلمانان و کانون تهدید بخشی از دولت اسلامی بشمار میرفت، تا آنکه سلطان محمد فاتح، حدود پانصد سال پیش آن را فتح کرد. البته مسلمانان از قول پیامبر صلی الله علیه و آله درباره آزادی قسطنطنیه، روایات بشارت دهنده ای نقل نموده اند که صحت آنها نیاز به تحقیق و بررسی دارد ولی آنچه به موضوع ما مربوط میشود، روایاتی است که به آزاد سازی قسطنطنیه بدست حضرت مهدی علیه السلام اشاره میکند که از جمله، همین روایت است. بنابراین یا باید بگوئیم فتح قسطنطنیه به دست حضرت مهدی علیه السلام از مطالبی ست که راویان حدیث در لابلای روایات از خودشان اضافه کرده اند زیرا میدانستند آن حضرت تمام مشکلات مسلمانان را حل و فصل مینماید و همانطور که گفتیم مسأله قسطنطنیه قرنها مشکل بزرگ مسلمانان بود. و یا اینکه ممکن است مراد از قسطنطنیه، پایتخت روم در زمان ظهور حضرت باشد و در برخی روایات از آن به شهر بزرگ روم تعبیر شده، همان شهری که طبق روایت، حضرت و یارانش آن را محاصره نموده و با تکبیر آزاد میکنند.

اما سرنوشت این روایت هر چه باشد حتی اگر آن را ساختگی فرض کنیم، روایتی است متعلق به مؤلفی معروف که حدود یکهزار و دویست سال قبل آن را نگاشته. چون تاریخ درگذشت ابن حماد سال ۲۲۷ ه. ق است و روایت را از تابعین قبل از خود نقل کرده. بنابراین، این روایت حداقل، حاکی از تصویر ذهنی راویان آن زمان نسبت به وضع سیاسی کلی سال ظهور و رایج بودن اخبار و وقایع ظهور حضرت نزد مسلمانان و جستجوی آنها از علائم ظهور بوده است.

علاوه بر آن، محتوای بیشتر مطالب این روایت یا در روایات دیگر آمده و یا نتیجه منطقی پیشامدهایی است که در دیگر روایات بر آن تصریح شده است.

ص: ۲۷۰

آمدن هفت نفر از علماء بزرگ به مکه در آن موقعیت، حاکی از شدت توجه مسلمانان نسبت به ظهور امام است. همچنین اعزام نمایندگان مردم به مکه جهت شرفیابی به حضور حضرت و نیز بیعت گرفتن هر یک از علماء از سیصد و سیزده نفر از مؤمنانی که برای جانبازی در کنار آن امام اعلام آمادگی میکنند، جملگی حکایت از شور و هیجان مردمی دارد که مشتاقانه میخواهند در زمره یاوران آن حضرت که به تعداد رزمندگان جنگ بدر خواهد بود، قرار گیرند.

اما کناره گیری چند باره حضرت از آن علماء خالی از ضعف نیست ولی شاید اشاره به مطلبی باشد که در منابع شیعه و سنی آمده و آن اینکه بیعت حضرت با آنها از روی اکراه است. این موضوع در حدیثی که از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام نقل شده بدست ما رسیده. در همین رابطه یکی از اصحاب بزرگ امام صادق علیه السلام نسبت به این بیعت توأم با اکراه تردیدی به خود راه میدهد. اما امام صادق علیه السلام معنی اکراه را توضیح میدهد و میگوید که منظور از اکراه اجبار نیست، آنگاه دل او آرام میگیرد.

آنچه در این روایت گذشت، تصویری از اوضاع روانی مسلمانان و انتظار شدید آنان نسبت به ظهور حضرت مهدی علیه السلام بود... اما عملکرد امام علیه السلام در مکه و بیعت یارانش با او، در روایات دیگر به شیوه دیگری بیان شده که با آنچه در این روایت آمده متفاوت است.

اجتماع یاران حضرت علیه السلام

در اینجا لازم است به چند نکته پیرامون اصحاب حضرت توجه کنیم.

۱ - شمار اصحاب امام زمان عجّل الله فرجه الشّریف که در منابع شیعه و سنی بدان اشاره شده به عدد یاران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در جنگ بدر یعنی سیصد و سیزده نفر است، این امر

نشانه شباهت فراوان روزهای تولد اسلام به رهبری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تجدید حیات

ص: ۲۷۱

آن توسط حضرت مهدی علیه السلام است. در روایت آمده که اصحاب حضرت به

آزمایش هائی آزموده میشوند که یاران پیامبران الهی گذشته بدان آزموده شدند.

در این زمینه امام صادق علیه السلام فرمود:

" یاران موسی به آب نهری آزمایش شدند. همان آزمایشی که در قرآن به آن اشاره شده " إن الله

مبتلیکم بنهر " (یعنی البته خداوند شما را به نهر آبی آزمایش خواهد کرد) یاران قائم نیز در معرض چنین

آزمایشی قرار خواهند گرفت " (۱)

۲ - مراد از این اصحاب در روایت، اصحاب خاص امام علیه السلام و برگزیدگان آنان و

فرمانروایان جهان نوینی است که حضرت رهبری آن را به عهده میگیرد ولی تنها آنها

نیستند که یاوران حضرتند، بلکه در روایت آمده است که شمار لشکریان امام زمان

عجّل الله فرجه الشّریف که از مکه خارج میشوند ده هزار یا بیشتر است و لشکری که حضرت به

همراه آن وارد عراق میگردد و سپس قدس را آزاد میسازد به صدها هزار تن

میرسد همه آنها اصحاب و یاران حضرتند. در آن زمان میلیونها نفر از مردم جهان

مخلصانه به او ارادت میورزند.

۳ - یاران حضرت از تمام سرزمین های جهان اسلام و از دورترین کرانه های گیتی

گردهم میآیند. در میان آنان افراد شایسته ای از مصر و مؤمنانی حقیقی از شام

و بزرگانی از عراق و به بیان روایات گنج هایی گرانبها از طالقان و قم وجود دارند.

ابن عربی در کتاب فتوحات مکیه گفته است: " آنها (یاران) از عجمند و عرب در میان

آنها نیست اما جز به زبان عربی سخن نمی گویند "

اما روایات بسیاری از جمله این روایت مشهور میگوید: " در میان یاران مهدی افراد

شایسته ای از مصر و مؤمنانی واقعی از شام و بزرگانی از عراق وجود دارند " (۲)

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۳۲.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۳۳۴.

شبیه این روایت در نسخه خطی ابن حماد ص ۹۵ و دیگر منابع موجود است و

نشان میدهد شماری از افراد عرب در میان یاران آن حضرتند، بر اساس روایات،

نه تنها جمع زیادی غیر عرب (عجم) در میان آنها است بلکه بخش مهمی از ارتش

حضرت مهدی علیه السلام از ایرانیان تشکیل میگردد.

۴ – تعدادی از روایات میگویند: در میان اصحاب حضرت پنجاه زن وجود

دارد (۱) و طبق روایتی، سیزده زن مسئولیت مداوای مجروحان را بر عهده دارند.

این موضوع، جایگاه و نقش بزرگ زنان را در اسلام و تمدن آن نشان میدهد که

حضرت در عصر خود عملی میسازد. این جایگاه واقع بینانه هم به دور از رفتار

جاهلی ست که متأسفانه هنوز در برخورد با زنان در کشورهای ما به چشم میخورد

و هم به دور از هرگونه تحقیر و ابتذالی است که زنان در تمدن غرب گرفتار آنند.

۵ – برخی روایات حاکی از آن است که بیشتر یاران حضرت را جوانان تشکیل

میدهند بلکه طبق بعضی روایات، میانسالان در بین آنها بسیار اندک اند، همچون

نمک در توشه مسافر. به روایتی که از امیر مؤمنان علیه السلام وارد شده توجه کنید:

" یاران مهدی جوانند و میانسال در بین آنها نیست مگر به قدر سرمه چشم و نمک همراه مسافر و

ناچیزترین توشه مسافر، نمک است " (۲)

۶ – در منابع شیعه و سنی در ستایش و شأن والای اصحاب حضرت و

کرامت هایشان روایات زیادی وارد شده و آمده است که حضرت مهدی علیه السلام با خود

نوشته ای دارد که تعداد یاران و نام و صفات آنها در آن ثبت شده و زمین زیر پایشان

پیموده میشود و هر کار دشواری برایشان آسان میگردد. آنها لشکر خشم خدا و

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۲۳ از امام باقر علیه السلام.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۳۳۴.

برخوردار از شجاعت و قدرتی فوق العاده اند، و خدای سبحان در قرآن وعده

فرموده که آنها را بر یهود مسلط سازد:

" بعثنا علیکم عبادا لنا أولی بأس شدید " (۱) (برخی از بندگان خود را که سخت

جنگجویند بر شما برانگیزیم)

آنها همان امت معدودی هستند که در قرآن از آن یاد شده است:

" اگر عذاب را تا مدت اندکی (تا امه معدوده) از آنان تأخیر بیندازیم خواهند گفت چه چیز آن را

بازمیدارد؟ آگاه باشید روزی که (عذاب) به آنها برسد از آنان باز داشته نمیشود و آنچه را که مسخره

میکردند آنان را خواهد گرفت " (۲)

آنها برگزیدگان امت و در کنار عترت نیکوکردار و همان فقیهان و داوران و

فرمانروایانند. خداوند دلهایشان را به یکدیگر چنان مأنوس گرداند که نه از کسی

بترسند و نه از پیوستن کسی به جمعشان خوشحال گردند. یعنی افزایش مردم در

اطراف آنان بر انس و ایمانشان نمیافزاید. آنها در هر کجای عالم که باشند حضرت

مهدی علیه السلام را میبینند، و با وی سخن میگویند در حالی که حضرت در جایگاه خود

بسر میبرد. هر یک از آن یاران نیروی چهل یا سیصد مرد را دارا خواهد بود.

در روایات آمده است که آنان از اصحاب تمام انبیاء برترند.

ابو بصیر چنین نقل میکند که:

" امام باقر علیه السلام فرمود: روزی اصحاب، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. آن حضرت عرض کرد: پروردگارا برادران

مرا به من بنمایان. اصحاب پرسیدند: یا رسول الله! آیا ما برادران شما نیستیم؟ حضرت فرمود: خیر،

شما اصحاب من هستید. برادران من گروهی هستند که در آخر الزمان میآیند و به من ایمان میآورند، در

۱- ۱. اسراء / ۵.

۲- ۲. هود - ۸.

حالی که مرا ندیده اند. خداوند آنها را با اسم هایشان و اسم پدرانشان به من معرفی کرده است قبل از آنکه از پشت پدر و رحم مادرانشان زاده شوند. آنها در پاسداری و حفاظت از دین خود دقیق و حساسند. گویا در تاریکی شب میخواهند دست بر شاخه ای پر تیغ بکشند و یا گلوله ای از آتش در دست گیرند. آنها مشعل های هدایتند. خداوند آنان را از هر فتنه و گمراهی حفظ مینماید " (۱).

در صحیح مسلم نیشابوری ج ۱ ص ۱۵۰ آمده است:

" پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دوست داشتم برادرانمان را میدیدیم! عرض کردند: یا رسول الله! آیا ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: شما اصحاب من هستید. برادران ما کسانی هستند که هنوز نیامده اند. پرسیدند: چگونه میشناسید کسانی از امت خود را که هنوز نیامده اند؟ فرمود: آیا چنانچه کسی اسب سفیدی در میان اسبان سیاه داشته باشد، آن را نمیشناسند؟! عرض کردند: چرا یا رسول الله! فرمود: برادران من خواهند آمد با روی سپید و نورانی شده از وضو و من کنار آنها در پیش حوض (کوثر) خواهم بود... "

روایات فراوانی در فضائل و کرامات اصحاب حضرت وارد شده است. بنابر گفته برخی از آنها، اصحاب کهف دوباره برانگیخته شده و در زمره یاران حضرت قرار میگیرند و خضر و الیاس علیه السلام نیز از جمله یاوران او خواهند بود. حتی بعضی روایات بیانگر آن است که جمعی از مردگان نیز به فرمان خدای سبحان زنده میشوند و به یاران حضرت مهدی علیه السلام میپیوندند.

۷ - از روایات فهمیده میشود که یاران مهدی علیه السلام نزدیک ظهور آن بزرگوار سه گروه خواهند بود: گروهی که همراه حضرت وارد مکه میشوند یا پیش از گروه های دیگر به مکه میرسند. و گروهی بوسیله ابر یا هوا نزد او میروند، و گروهی در حالی که شب در خانه ها و در شهر و دیار خود بسر میبرند، ناگاه خود را در مکه

۱- ۱. بصائر الدرجات صفار ص ۱۰۴.

میبینند. امام باقر علیه السلام فرمود:

" صاحب الامر را غیبتی است در برخی از این صخره ها و امام به ناحیه ذی طوی (که از

دره های ورودی شهر مکه است) اشاره کرد. سپس افزود: دو شب قبل از خروجش، غلام

خود را میفرستد تا با برخی از اصحابش ملاقات کند از آنان میپرسد شما در اینجا چند نفرید؟ پاسخ

میدهند چهل نفر، میگوید: اگر شما صاحب خود را ببینید چه خواهید کرد؟ میگویند: به خدا سوگند اگر در

کوهها منزل و مأوی گزیند با او خواهیم رفت، آنگاه شب بعد نزد آنان آمده و به آنها میگوید ده تن از بزرگان

و برگزیدگان خود را انتخاب نمائید. آنان نیز چنین کنند، آنگاه آنها را با خود میبرد تا به صاحبشان برساند.

او فردا شب را که شب موعود است به آنها وعده میدهد " (۱)

ظاهرا مقصود از غیبت او در این روایت، غیبت دوره کوتاهی است که قبل از

ظهور واقع میشود و مراد از این یاران غیر از مؤمنانی ست که همراه حضرت اند و یا

با او در ارتباطند و همچنین غیر از دوازده نفری است که هر یک به اتفاق میگویند

امام را دیده اند ولی مردم آنها را تکذیب میکنند. بلکه این ها شایستگان و نیکانی اند

که در جستجوی دیدار حضرتند مانند آن هفت عالمی که ماجرایشان بیان شد.

از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمود:

" قائم میآید، با چهل و پنج مرد، از نه منطقه، از منطقه ای یک مرد و از منطقه ای دو مرد و از منطقه ای

دیگر سه و از ناحیه ای چهار و از منطقه ای پنج و از نقطه دیگر شش و از منطقه ای هفت و از جایی دیگر

هشت و از منطقه ای هم نه تن، تا عدد یارانش کامل گردد. " (۲)

یعنی ورود آن حضرت با یاران از مقدمات ظهور است یا آنکه حضرت با این

گروه وارد مکه میگردد و بعید نیست دو دسته ای که در دو روایت گذشته آمد یک

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۴۱.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۳۰۹.

دسته بیشتر نباشد که قبل از سایر یاران حضرت مهدی علیه السلام به مکه میرسند.

به نظر میرسد آن دسته از یاران حضرت که ناگهان از بسترشان ناپدید شده و به قدرت خدای سبحان از شهر و دیار خود در یک چشم بهم زدن به مکه منتقل میشوند، مقامشان برتر و بالاتر از افرادی است که قبل از آنها به مکه وارد شده اند و اما آن گروه که روز هنگام بوسیله ابر رهسپار مکه میشوند، چنان که در روایات آمده بود و با نام و نام پدرشان شناخته شده اند، به این معنا است که آنها به صورت طبیعی وارد مکه میشوند و توجه مردم را برنمیانگیزند. این افراد بطور کلی برترین و با فضیلت ترین یاران حضرت اند و بعید نیست که آنان همان مؤمنان واقعی باشند که با حضرت زندگی میکنند و یا در سراسر نقاط جهان کارهای آن بزرگوار را انجام میدهند و زمان ظهور را بطور دقیق میشناسند و در وقت مقرر حضور مییابند.

در این مورد امام صادق علیه السلام میفرماید:

" یاران صاحب الأمر برای او محفوظند، حتی اگر تمام مردم از دنیا بروند، خداوند یاران مهدی را خواهد آورد و خدای سبحان این آیه را در شأن آنها فرمود: اگر اینان (کفار قریش) بدین امور کفر بورزند بی تردید ما گروهی را گمارده ایم که هرگز بدان کافر نباشند " (۱) و نیز در حقشان فرمود: " به زودی خداوند گروهی را خواهد آورد که آنها را دوست دارد و آنها نیز دوستدار وی هستند، آنان نسبت به مؤمنان متواضع و در مقابل کافران سرسخت اند " (۲)

امام باقر علیه السلام فرمود:

"... گروهی از آنان شبانگاه از بسترشان ناپدید شده و بامدادان در مکه بسر برند و گروهی روز هنگام در حال حرکت در ابرها دیده شوند. با نام خود و نام پدر و خصوصیات نسب شان شناخته شوند. پرسیدم

۱- ۱. انعام / ۸۹.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۳۷۰.

فدایت شوم کدام دسته از نظر ایمان برتر و بالاترند؟ فرمود: آن گروه که به هنگام روز در ابر حرکت کنند " (۱)

معنای حرکت در ابر این است که خداوند متعال آنان را به طریق معجزه آسا

توسط ابرها به مکه میرساند، چنان که احتمال دارد مانند سایر مسافران با هواپیما و

گذرنامه که نام شخص و نام پدر، در آن ثبت میشود رهسپار آن دیار شوند، اما

روایت از آن به حرکت در ابر تعبیر کرده، چون در آن زمان هواپیما وجود نداشته

است.

شاید ملاک برتری این گروه بر گروهی که شبانه از بسترشان ناپدید میگردند، آن

است که اینها همان مؤمنان واقعی اند که با حضرت همکاری دارند و یا امام علیه السلام قبل

از دیگران در آن برهه با این گروه ارتباط برقرار کرده و به انجام کارهائی مأمورشان

ساخته. در حالی که گروه دیگر، آن شب را در منزل خود بسر میبرند و چه بسا

نمیدانند که در پیشگاه خداوند از یاران امام مهدی علیه السلام محسوب میشوند! ولی به

سبب میزان تقوا، خرد و آگاهی شان، شایستگی احراز چنین مقام والایی را پیدا

میکنند و خدای سبحان آنان را انتخاب و شبانه به مکه مکرمه منتقل و شرفیاب

محضر مقدس مهدی علیه السلام میشوند.

در پاره ای از روایات آمده که آنها در حالی که بر بام خانه های خود خوابیده اند،

ناگهان ناپدید میشوند و خداوند آنان را در آن لحظه به مکه انتقال میدهد، از این

مطلب میتوان پی برد که ظهور حضرت در فصل تابستان و یا حد فاصل بین

تابستان و پائیز واقع میشود چنان که اشاره خواهیم کرد، و نیز میتوان فهمید که

شماری از این گروه، از مردم مناطق گرمسیرند که بر بام و یا حیاط خانه های خود

میخوابند.

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۶۸.

در روایت آمده که زمان گردهمائی آنان در مکه، شب جمعه و شب نهم محرم است. امام صادق علیه السلام در این باره میفرماید:

" خداوند سبحان آنان را در شب جمعه گرد هم آورد و صبح جمعه جملگی در مسجد الحرام با آن حضرت دست بیعت و وفاداری دهند و هیچیک از آنان سرپیچی نکنند " (۱)

این مطلب با آنچه در منابع روائی شیعه و سنی آمده هماهنگی دارد، که خداوند متعال در یک شب، قیام آن حضرت را سر و سامان میدهد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

" مهدی از خاندان ما اهل بیت است و خداوند قیام وی را در یک شب سامان میبخشد ".

و در روایتی دیگر آمده است که:

" خداوند قیام او را در شبی سامان میدهد " (۲)

گرد آمدن یاران مهدی علیه السلام از جمله الطاف خداوند، در سامان دادن به قیام ولی خود است. این روایت همچنین با روایات متعددی که آغاز ظهور حضرت را غروب روز جمعه نهم محرم و سپس روز شنبه دهم محرم تعیین میکند هماهنگ است.

یک حرکت آزمایشی و شهادت نفس زکیه

بر اساس روایات، هنگام ظهور، نیروهائی فعال و تأثیرگذار در شهر مکه حضور دارند. روند طبیعی اوضاع نقش این نیروها را به شکل زیر ترسیم میکند:

الف: حکومت حجاز، این حکومت با وجود ضعف درونی، نیروهای خود را جهت رویاروئی با ظهور احتمالی حضرت بسیج میکند، ظهوری که مسلمانان چشم انتظار آن از مکه هستند و فعالیت های خود را بدین جهت در مراسم حج افزایش میدهند.

۱- ۱. بشاره الاسلام ص ۲۱۰ به نقل از دلائل الامامه طبری.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۸۰.

ب: شبکه های امنیتی ابرقدرتها، این شبکه ها که در راستای پشتیبانی از حکومت حجاز و نیروهای سفیانی و یا به شکل مستقل فعالیت میکنند و اوضاع حجاز، بویژه مکه را زیر نظر دارند.

ج: نیروهای امنیتی سفیانی، این نیروها در تعقیب فراری مدینه از چنگال خود بوده و پیوسته اوضاع را جهت ورود لشکر سفیانی در موقعیت مناسب، زیر نظر دارند تا هرگونه قیام و نهضت امام مهدی علیه السلام را از مکه، سرکوب نمایند.

از سوی دیگر در برابر این تحرکات، یمنی ها نیز باید در مکه و حجاز دارای نقشی باشند. بویژه از این رو که حکومت زمینه ساز آنها، چند ماه قبل از ظهور، تأسیس میشود، همچنانکه یاران ایرانی امام علیه السلام نیز در مکه باید حاضر باشند، بلکه خود حضرت نیز باید دارای یارانی از میان مردم حجاز و مکه و حتی نیروهای رژیم حجاز باشد.

در چنین فضای موافق و مخالفی، امام مهدی ارواحنا فداه، برنامه نهضت خویش را از حرم شریف اعلان و بر شهر مکه استیلا پیدا میکند. البته طبیعی است که روایات جزئیات این برنامه را بیان نکنند. مگر آن مقدار که در پیروزی انقلاب مقدس، سودمند و مؤثر باشد و آسیبی به آن وارد نیاورد.

بارزترین حادثه ای که روایات بیان میکنند این است که حضرت در ۲۴ یا ۲۳ ذی حجه یعنی پانزده شب پیش از ظهور خویش جوانی از یاران و خویشاوندانش را جهت ایراد بیانیه خود به اهل مکه اعزام میدارد، اما به مجرد اینکه جوان مذکور بعد از نماز پیام حضرت و یا فرازهایی از آن را برای مردم میخواند، به او حمله ور شده و به طرز وحشیانه ای وی را در داخل مسجد الحرام بین رکن و مقام به قتل

میرسانند. این شهادت فجیع بر آسمان و زمین اثر میگذارد.

حادثه مذکور حرکتی مقدماتی و آزمایشی است که فایده های فراوان دارد. از

جمله اینکه چهره درنده خوی حکام حجاز و نیروهای کافر حامی وی را برای مسلمانان آشکار میسازد و زمینه را برای نهضت حضرت مهدی علیه السلام که بیش از دو هفته بعد آغاز خواهد شد، فراهم میسازد. در اثر این جنایت وحشیانه و شتابزده، پشیمانی و ضعف بر تمام تشکیلات حکومتی آن سامان، سایه میافکند.

ماجرای شهادت این جوان نیک سرشت در مکه، در احادیث متعدد شیعه و سنی و بیشتر در منابع شیعه مطرح شده و از او بعنوان " جوان " یا " نفس زکیه " یاد شده و برخی روایات نام وی را محمد بن حسن ذکر کرده اند، از امیر مؤمنان علیه السلام روایت است که فرمود:

" آیا نمیخواهید شما را خبر دهم از آخرین فرمانروای حکومت خاندان فلان؟ گفتیم: چرا ای امیر مؤمنان. فرمود: کشته شدن بیگناهی در سرزمین حرم توسط قومی از قریش. سوگند به خدائی که دانه را میشکافد و جان ها را میآفریند بعد از این واقعه بجز پانزده شب، حکومتی برای آنان باقی نماند، پرسیدیم: آیا پیش از این حادثه یا بعد از آن اتفاقی رخ میدهد؟ فرمود: در ماه رمضان صیحه آسمانی که شخص بیدار را به وحشت افکند و خوابیده را بیدار سازد و دختران را از پشت پرده بیرون آورد. " (۱)

از آنجا که معنای جمله " قومی از قریش " نامفهوم است، به نظر میرسد که در این عبارت، خطائی صورت گرفته باشد. در روایتی طولانی که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده چنین آمده است:

" قائم به یاران خود فرماید: ای قوم! اهل مکه مرا نمیخواهند، ولی من شخصی را به سوی آنان میفرستم تا آنگونه که شایسته است بر آنها حجت را تمام کند. از این رو حضرت یکی از یاران خود را فراخوانده و میگوید به مکه برو و این پیام را به مردم برسان و بگو: ای مردم مکه، من پیام آور فلانی برای شمایم، که چنین میگوید: ما اهل بیت رحمت، کانون رسالت و خلافت الهی و سلاله محمد صلی الله علیه و آله و از تبار

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۳۴.

انبیائیم، از آن زمان که پیامبر ما رحلت کرد تا امروز در حق ما ظلم شد و بر ما ستمها رفت و حقوق مسلم ما پایمال گردید، اینک ما از شما یاری میخواهیم پس ما را یاری کنید. وقتی جوان این سخنان را ابلاغ کند، بر او هجوم آورند و او را در مسجد الحرام، میان رکن و مقام به شهادت رسانند، او همان " نفس زکیه " است، چون این خبر به اطلاع امام رسد به یاران خود فرماید: نگفتم به شما که اهل مکه ما را نمیخواهند؟ یاران حضرت در کنار او باقی بمانند تا آن حضرت ظهور نماید و از کوه طوی با سیصد و سیزده نفر به تعداد رزمندگان جنگ بدر، فرود آید و به مسجد الحرام وارد شده و در مقام ابراهیم چهار رکعت نماز گزارد. آنگاه به حجر الاسود تکیه دهد و پس از حمد و ستایش خدا و یاد پیامبر و درود بر او، سخنانی بیان کند که کسی مانند آن نگفته باشد " (۱).

طوی نام یکی از کوههای مکه و از ورودی های شهر است و آنچه درباره نفس زکیه در این روایت آمده، صحیح است. اما آنچه در بیان چگونگی ظهور حضرت بهتر به نظر میرسد این است که آن بزرگوار و یارانش یک یک وارد مسجد الحرام میشوند، چنان که خواهیم گفت.

ابن حماد تعدادی روایت درباره نفس زکیه ای که در مدینه و نفس زکیه ای که در مکه به شهادت میرسند آورده است. (۲)

از جمله میگوید:

" مهدی خروج نکند مگر آنکه نفس زکیه کشته شود و چون او به شهادت رسید، اهل آسمان و زمین بر قاتلان او غضبناک شوند، آنگاه مردم نزد مهدی درآیند و همچون بردن عروس با شور و نشاط گرداگرد او جمع شوند، او زمین را پر از عدل و داد گرداند. زمین رویش خود را فزونی بخشد و آسمان از بارش دریغ نورزد و امت من در سایه ولایت او به شکلی بی سابقه غرق در نعمتهای الهی گردند " (۳).

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۰۷.

۲- ۲. نسخه خطی ابن حماد صفحات ۸۹، ۹۱ و ۹۳.

۳- ۳. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۱.

و در روایتی دیگر از قول عمار بن یاسر آمده است:

" چون نفس زکیه و برادرش بی دلیل در مکه کشته شوند، منادی از آسمان ندا برآورد که: فرمانروای شما فلانی است. او مهدی علیه السلام است که روی زمین را پر از حق و عدل سازد " (۱)

* *

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۱.

وقل جاء الحق وزهق الباطل إن الباطل كان زهوقا

بگو حق آمد و باطل نابود شد، همانا باطل نابود شدنی است (۱)

روایات، در کیفیت آغاز نهضت ظهور و زمان آن، اندکی با هم تفاوت دارند ولی به نظر میرسد که حضرت ابتدا در میان سیصد و سیزده صحابی خاص خود ظاهر میشود، آنگاه در غروب نهم محرم، یاران حضرت یک یک وارد مسجد الحرام شده و نهضت مقدس امام علیه السلام بعد از نماز عشاء با سخنان او برای اهل مکه آغاز میگردد. سپس در همان شب، یاران و سایر هواداران حضرت بر حرم و شهر مکه مسلط میشوند... روز بعد یعنی روز دهم محرم حضرت پیام خود را به جهانیان ابلاغ و هر کس به زبان خود پیام او را دریافت مینماید.

امام در مکه باقی میماند تا حادثه فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین اتفاق افتد.

آنگاه حضرت با سپاهی مرکب از ده هزار نفر یا کمی بیشتر، رهسپار مدینه میگردد.

شایان توجه است که روایات، آغاز نهضت امام علیه السلام از مکه را با واژه های " ظهور، خروج و قیام " بیان کرده اند و به نظر میرسد که این واژه ها دارای یک محتوا باشند

۱- ۱. اسراء / ۸۱.

ولی برخی روایات بین ظهور و خروج فرق میگذارند. و نهضت امام علیه السلام در مکه را

" ظهور " و حرکت وی از آنجا به سوی مدینه را " خروج " مینامند و یادآور

میشوند که ظهور امام علیه السلام در مکه با حضور یاران خاص او انجام میپذیرد، در

حالی که خروج وی از مکه به سوی مدینه زمانی رخ میدهد که تعداد یاران حضرت

به ده هزار تن برسد و لشکر سفیانی در زمین فرو رود، از عبد العظیم حسنی (رضوان

الله علیه) نقل شده که میگوید:

" به امام جواد علیه السلام عرض کردم: امیدوارم شما همان قائم اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله باشید که زمین را از عدل و داد پر میکند همانگونه که مملو از ظلم و بیداد شده باشد، فرمود: ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله جملگی قائم به امر خدا و هدایت گر به دین او هستیم، اما من آن قائمی نیستم که خداوند بوسیله او زمین را از لوث وجود کفار و منکرین پاک و سراسر گیتی را از عدل و داد سرشار گرداند، او کسی است که ولادتش از مردم مخفی و شخص او از دیده ها پنهان و جاری کردن نامش بر زبان حرام است، او همنام رسول الله صلی الله علیه و آله و هم کنیه اوست، زمین زیر پایش پیموده و هر کار دشواری برایش آسان گردد... یاران او به عدد اصحاب بدر سیصد و سیزده تن و از دورترین نقاط جهان گرد او جمع شوند و به این ماجرا اشاره دارد آیه قرآن که میفرماید: (هر جا که باشید خداوند همه شما را گردهم آورد. او بر هر چیز تواناست (۱)) چون این تعداد از مردم زمین گرد او جمع شوند، ظهور نماید و چون شمار یارانش به ده هزار رسد به اذن خدا خروج کند و پیوسته دشمنان خدا را به هلاکت رساند تا خشنودی او حاصل گردد. عبد العظیم میگوید: پرسیدم: ای سرور من چگونه امام قائم از خشنودی خداوند آگاه گردد؟ فرمود: با قرار دادن رحمت و مهربانی در دل او. " (۲)

همچنین اعمش از ابو وائل روایت کرده که امیر مؤمنان علیه السلام به فرزندش

حسین علیه السلام نگاه کرد و فرمود:

۱- ۱. بقره / ۱۴۸.

۲- ۲. بحار: ۵۱ / ۱۵۷.

" این فرزند من سرور و سالار است، چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله او را سید و سالار نامید. خداوند به زودی از سلاله وی مردی به جهان بیاورد همنام پیامبرتان که در صورت و سیرت چون او باشد، وقتی خروج کند که مردم به خواب غفلت فرو رفته و حق و حقیقت مرده و ظلم و بیداد آشکار شده باشد، به خدا اگر خروج نکند، گردن او را نیز میزنند، با ظهور و قیام وی اهل آسمان و ساکنانش شادمان شوند و زمین از عدالت سرشار گردد، همانگونه که قبل از آن از ستم و جور پر شده باشد " (۱)

جمله حضرت که " اگر خروج نکند گردنش را میزنند " نشانگر این است که دستگاه های امنیتی دشمنان اندکی قبل از ظهور از ماجرا آگاه شده و چه بسا به نقشه حضرت پی ببرند. از همین رو اگر امام خروج و قیام نکند مرگ او را تهدید خواهد کرد.

ابراهیم جریری از پدرش روایت کرده که گفت:

" نفس زکیه جوانی است از خاندان محمد صلی الله علیه و آله نامش محمد بن حسن که بی جرم و بی گناه کشته شود. چون او را بکشند هیچ عذر و بهانه ای برای آنان در آسمان و زمین باقی نماند، در این هنگام خداوند قائم آل محمد را در میان گروهی اندک و ناشناخته و به ظاهر ضعیف و ناتوان برانگیزد، وقتی خروج کنند، مردم برایشان اشک ریزند، زیرا یقین دارند که جملگی به زودی دستگیر خواهند شد، اما خداوند شرق و غرب جهان را به روی آنها بگشاید، آگاه باشید که آنان مؤمنان حقیقی اند و بدانید که (همراهی آنان) بهترین جهاد، در آخر الزمان است " (۲)

از این روایت میتوان فهمید که حضرت در آغاز کار با تعداد اندکی از یاران ظهور میکند به شکلی که مردم به حال آنان میگریند و تصور میکنند که به زودی دستگیر و کشته میشوند.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

۱- ۱. بحار: ۵۱ / ۱۲۰.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۱۷.

" همانا قائم از راه کوه ذی طوی با سیصد و سیزده مرد به عدد رزمندگان جنگ بدر فرود آید تا اینکه به

حجر الاسود تکیه داده و پرچم پیروزی را برافرازد، علی بن حمزه گفت: این مطلب را به امام کاظم علیه السلام

عرض کردم، امام فرمود: همراه با منشوری آماده اجرا " (۱)

منظور روایت، این نیست که امام علیه السلام با یارانش قبل از ورود به مسجد الحرام در

ذی طوی ظهور میکند بلکه منظور این است که آمدن امام علیه السلام و اصحابش به مکه از

راه ذی طوی و یا آغاز حرکت آنان به مسجد از آنجا صورت میگیرد و منظور از

پرچم پیروزی، پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله است که طبق روایات نزد حضرت است، پرچمی

که بعد از جنگ جمل گشوده نشده تا آنکه حضرت آن را به اهتزاز درآورد. بر اساس

روایات، میراث پیامبر صلی الله علیه و آله و پیامبران دیگر نیز همراه آن حضرت است.

معنای عبارت " منشوری آماده اجرا " که در حاشیه روایت آمده این است که حضرت

دستور العملی لازم الاجرا برای مردم بیرون میآورد. شاید این دستور العمل، همان

عهدنامه معروف باشد که با بیان پیامبر صلی الله علیه و آله و خط امیر مؤمنان علیه السلام برای امام زمان

عجّل الله فرجه الشّریف به نگارش درآمده است، چنان که روایت در همان منبع بدان اشاره میکند.

در روایتی دیگر امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

" مهدی از گردنه کوه طوی با سیصد و سیزده مرد به عدد رزمندگان جنگ بدر، فرود آید تا وارد مسجد

الحرام شود. در مقام ابراهیم چهار رکعت نماز گزارد و به حجر الاسود تکیه زند و پس از حمد و ثنای خدا و

یاد پیامبر صلی الله علیه و آله و درود بر او، سخنانی گوید که هیچ یک از مردم، چنان سخنی نگفته باشد. نخستین کسانی

که با او دست بیعت دهند جبرئیل و میکائیل (علیهما السلام) باشند. " (۲)

البته روایات، فرازهایی از خطبه یا نخستین پیام حضرت را که برای اهل مکه

ایراد میفرماید و نیز دومین پیامی که برای مسلمانان جهان ابلاغ میکند، آورده اند.

۱– ۱. بحار: ۵۲ / ۳۰۶.

۲– ۲. بحار: ۵۲ / ۳۰۷.

از آن جمله در نسخه خطی ابن حماد از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

" مهدی هنگام نماز عشاء ظهور کند، در حالی که پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله و پیراهن و شمشیر او را با خود دارد و دارای نشانه ها (ی مخصوص) و نور و بیان است. وقتی نماز عشاء را بجای آورد، با صدای رسا فرماید: ای مردم خدا را به یاد شما میآورم و موقعیت تان را در پیشگاه خدا خاطرنشان میسازم، او حجت خود را برگزید و پیامبران را برانگیخت و کتاب آسمانی فرو فرستاد. و شما را فرمان داد که چیزی را شریک او قرار ندهید و اطاعت خدا و رسول او کنید و زنده کنید آنچه را که قرآن زنده کرده و بمیرانید آنچه را که قرآن میرانده است (ترک کنید آنچه را که قرآن نهی کرده است) طرفدار راستی و هدایت و پشتیبان تقوا باشید. زیرا نابودی و زوال دنیا نزدیک شده و اعلان وداع نموده است. من شما را به خدا و رسول و عمل به کتاب خدا و ترک باطل و احیاء سنت الهی دعوت میکنم. سپس حضرت به همراه سیصد و سیزده مرد به شمار یاران بدر ظهور خود را علنی کند. یارانی همچون ابرهای پائیزی، زاهدان شب و شیران روزند و بدون قرار قبلی گردهم آیند. خداوند سرزمین حجاز را برای مهدی عجّل الله فرجه الشّریف بگشاید، و هر کس از بنی هاشم را که در زندان بسر برد آزاد سازد. آنگاه درفش های سیاه در کوفه فرود آیند و گروهی را جهت بیعت به سوی مهدی علیه السلام گسیل دارند. حضرت لشکریان خود را به سراسر جهان اعزام کند تا ظلم و ظالم از میان برود و شهرها به عدالت و درستکاری درآیند. " (۱)

تعبیر " ابرهای پائیزی " برای این است که ابرهای پائیزی در آسمان پراکنده شده و سپس به هم متصل میگردند. تشبیه یاران مهدی به ابرهای پاییزی نخستین بار توسط امیر مؤمنان علیه السلام به کار رفته است (۲). شاید این تعبیر را حضرت امیر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله اقتباس کرده باشد و احتمال دارد ظهور مهدی علیه السلام و گرد آمدن یارانش در مکه چنان که قبلا اشاره کردیم در فصل پائیز و یا آخر تابستان واقع شود.

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۵.

۲- ۲. نهج البلاغه خطبه ۱۶۶.

ابو خالد کابلی میگوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

" سوگند به خدا گویا قائم را میبینم در حالی که به حجر الاسود تکیه داده و حق خویش را با سوگند خدا

یاد میکند و میگوید:

ای مردم: هر کس درباره خدا با من بحث و مناقشه کند، من نزدیک ترین مردم نسبت به خدا هستم.

ای مردم: هر کس درباره آدم با من بحث و مناقشه کند، من نزدیک ترین مردم نسبت به آدم هستم.

ای مردم: هر کس درباره نوح با من بحث و مناقشه کند، من نزدیک ترین مردم نسبت به نوح هستم.

ای مردم: هر کس درباره ابراهیم با من بحث و مناقشه کند، من نزدیک ترین مردم نسبت به ابراهیم هستم.

ای مردم: هر کس درباره موسی با من بحث و مناقشه کند، من نزدیک ترین مردم نسبت به موسی هستم.

ای مردم: هر کس درباره عیسی با من بحث و مناقشه کند، من نزدیک ترین مردم نسبت به عیسی هستم.

ای مردم: هر کس درباره محمد با من بحث و مناقشه کند، من نزدیک ترین مردم نسبت به محمد هستم.

ای مردم: هر کس درباره کتاب خدا با من به بحث و مناقشه بپردازد، من آگاه ترین مردم به کتاب خدا

هستم، آنگاه به مقام ابراهیم رفته و دو رکعت نماز گزارد " (۱)

در بعضی روایات، علاوه بر مطالب فوق عبارت های دیگری نیز آمده است، از

جمله میگوید: " ای مردم، ما خدا را به یاری میطلبیم و هر کس دعوت ما را پذیرا باشد، ما اهل بیت

پیامبر شما محمد صلی الله علیه و آله و نزدیکترین افراد به او هستیم... من بازمانده و جانشین آدم و ذخیره نوح

و برگزیده ای از سلاله ابراهیم و برگزیده خاندان محمدم... هان! کسی که در سنت رسول خدا با من به بحث

و استدلال پردازد، من به سنت رسول خدا از هر کس آگاه تر و سزاوارترم ". آنگاه خداوند سیصد و سیزده یاور او را بدون وعده قبلی گرد او جمع نماید... آنها بین رکن و مقام با امام بیعت کنند. با آن حضرت عهدنامه ای است از رسول خدا صلی الله علیه و آله که آن را فرزندان از پدران به ارث گذاشته اند " (۲)

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۱۵.

۲- ۲. بحار: ۵۲ ص ۲۳۸ - ۲۳۹.

در برخی احادیث آمده است که ابتدا یکی از اصحاب حضرت که مردم او را

میشناسند در مسجد الحرام به پا میخیزد و آنان را برای شنیدن پیام حضرت و

پذیرش دعوت او فرا میخواند.

از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده که فرمود:

" مردی وابسته به او برخیزد و ندا دهد: ای مردم! این شخص، خواسته شماست که اینک نزدتان آمده،

شما را به همان اموری دعوت میکند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دعوت فرمود، با شنیدن این کلمات ناگهان مردم به پا

خیزند، امام نیز برخیزد و چنین گوید: ای مردم! من فلانی فرزند فلانی فرزند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستم، شما

را دعوت میکنم به آنچه پیامبر خدا دعوت فرمود، در این وقت مردم آهنگ کشتن او را کنند، اما سیصد و

چند تن از یاران حضرت به پا خاسته و از وقوع این حادثه جلوگیری نمایند " (۱)

معنای جمله " مردی وابسته به او " یعنی از سلاله او و معنای " به پا خیزند " یعنی

میایستند تا مهدی علیه السلام را که زبانزد مردم شده و چشم انتظار وی هستند ببینند و

شاید هدفشان این باشد که برخیزند و از ترس رژیم حاکم، آماده بازگشت باشند.

و اما آنها که بسوی امام هجوم میبرند و آهنگ کشتن وی را دارند بی گمان از

عمال رژیم حجازند، روایت با دقت تمام حالت شور و نشاط مسلمانان را که در

جستجوی حضرتند همراه با وحشت و خشم مردم از حکومت به تصویر میکشد.

نکته قابل توجه اینکه بعید به نظر میرسد یاران خاص امام علیه السلام برای آزاد سازی

حرم و مکه آن هم در چنان فضای دشواری که روایات بیان میکنند، کافی باشند،

فضائی که میتوان آن را از حادثه قتل وحشیانه نفس زکیه در دو هفته قبل از ظهور و به

جرم اینکه میگوید: من فرستاده مهدی علیه السلام هستم و فرازهایی از پیام امام علیه السلام را ابلاغ

میکند، احساس کرد. بی تردید امام زمان علیه السلام علاوه بر اسباب غیبی که خداوند در

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۰۶.

اختیار وی قرار داده، وسائل طبیعی را نیز مهیا میکند تا سخنان خود را به شکل کامل به گوش مردم برساند و سپس یاران او بتوانند بر حرم شریف و آنگاه بر مکه تسلط یابند و این کار به دست صدها و یا هزاران نفر از یاران یمنی، ایرانی، حجازی و حتی مکی وی که طبق روایات، شماری از آنان با حضرت بیعت میکنند، انجام خواهد گرفت، اینها نیروهای انسانی و نظامی هستند که برای پیروزی نهضت مقدس حضرت مهدی علیه السلام اقدام به کارهای مهم و ضروری مینمایند و زمام امور را در شهر مکه بدست میگیرند و موج پشتیبانی مردمی از آن حضرت را، به حرکتی سامان یافته تبدیل میکنند. در این ماجرا نقش سیصد و سیزده نفر یاران خاص امام علیه السلام نقش فرماندهی و ساماندهی فعالیت های دیگر هواداران خواهد بود.

آنچه گفته شد، نشانگر این نیست که نهضت ظهور حضرت مهدی علیه السلام نهضتی خونین است، چرا که روایات، وقوع هیچ درگیری یا کشتار در مسجد الحرام و حتی در مکه را نشان نمیدهد، از برخی دانشمندان شنیده بودم که یاران مهدی علیه السلام امام جماعت مسجد الحرام را در آن شب به هلاکت میرسانند. ولی من در این مورد روایتی نیافتم. تنها مطلبی که بدست آوردم عبارت کتاب الزام الناصب در ج ۲ ص ۱۶۶ به نقل از برخی علماء است که میگوید:

" روز دهم محرم حضرت حجت خروج میکند و در حالی که هشت رأس بزغاله لاغر را پیشاپیش خود میبرد وارد مسجد الحرام میشود، و خطیب آنان را به هلاکت میرساند و چون خطیب کشته شد، حضرت از چشم مردم در کنار کعبه غایب میشود و چون شب شنبه فرا رسد بر فراز بام کعبه میرود و سیصد و سیزده تن یاران خود را ندا میکند، آنان از شرق و غرب زمین گرد او جمع میشوند و صبح روز شنبه مردم را به بیعت با خود فرا میخواند. "

اما این سخنان، روایت نیست. بعلاوه مطالب آن همچنانکه اشاره کردیم، پایه و

اساس استواری ندارد.

ص: ۲۹۲

بنابراین بهتر است بگوئیم، نهضت ظهور آن حضرت، نهضتی است پاک و بدون خونریزی. و این واقعه به دلیل حمایت های غیبی امام علیه السلام و ترس و وحشتی که خداوند در دل دشمنان او میاندازد عملی میگردد. از سوی دیگر افکار عمومی مردم مشتاقانه ظهور وی را لحظه شماری میکنند و خود حضرت با نقشه دقیقی که جهت تسلط بر حرم، مراکز قدرت و مواضع حساس مکه دارد، بدون جنگ و خونریزی ماجرا را به اتمام میرساند. و بعید نیست اجرای بدون درگیری این عملیات به خاطر پاسداری از حرمت حرم و قداست مکه مکرمه باشد.

* *

... در آن شب مبارک، شهر پر عظمت مکه، نفس آسوده ای میکشد و پرچم امام زمان علیه السلام بر فراز آن به اهتزاز درآمده و نور بقیه اللهی از آن پرتو افکن میشود... در حالی که دشمنان و رسانه های خبری جهانی همسو با آنها میکوشند تا پیروزی نهضت مقدس حضرت را سرپوش گذاشته و با مخفی کردن حوادث ظهور آن را حرکتی از سوی افراطیون و مدعیان مهدویت جلوه دهند که قبلا تعدادی از آنان در مکه و دیگر نقاط نابود شده اند. از سوی دیگر دشمنان حضرت در داخل مکه دست به تحرک وسیعی میزنند تا از رهبری نهضت و نیروهای او و نقاط ضعف آنان کسب اطلاع نموده و آن را در اختیار سفیانی قرار دهند، نیروهای سفیانی دستور دارند در سریعترین زمان ممکن خود را به مکه برسانند.

روز عاشوراء که به گفته بعضی روایات روز شنبه است، حضرت علیه السلام وارد مکه میشود تا بر جهانی بودن نهضت خویش تأکید نماید و تمام ملتهای مسلمان و ملل جهان را به زبان خودشان مورد خطاب قرار دهد و از آنان علیه کافران و ستمگران

یاری طلبد. از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

ص: ۲۹۳

" قائم، روز شنبه که روز عاشورا است روزی که حسین علیه السلام در آن به شهادت رسید خروج میکند " (۱)

روایت قبلی، ظهور حضرت را روز جمعه بعد از نماز عشاء بیان کرده بود، حال

با توجه به این دو روایت میتوان گفت که ظهور امام علیه السلام در دو مرحله انجام میشود.

ابتدا سلطه امام بر حرم و مکه در شب دهم محرم صورت میگیرد و این عمل مقدمه

اعلان ظهور، برای جهانیان در روز شنبه است که همزمان با روز عاشورا است.

بی تردید این حادثه برای دولت های جهان دارای اهمیت بوده و انعکاس

فراوانی در میان ملل مسلمان دارد. بویژه زمانی که حضرت، مردم را از معجزه ای که

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بیان کرده باخبر میسازد، معجزه ای که طی آن لشکریان سفیانی که

اهل سوریه هستند و برای سرکوبی نهضت حضرت به سوی مکه میآیند، در زمین

فرو خواهند رفت.

روایاتی که از مدت اقامت حضرت در مکه و اقدامات او خبر دهد اندک است.

یکی از آنها میگوید:

" امام در مکه تا زمانی که خدای سبحان اراده کند باقی میماند " (۲)

روایت دیگری میگوید: امام علیه السلام بر دزدان کعبه اجرای حد مینماید، ممکن

است مراد از دزدان کعبه، حکام حجاز قبل از ظهور حضرت باشند. اما بی گمان از

جمله اقدامات حضرت، ایراد خطابه برای ملل اسلامی و اعلان موضع سیاسی

جهانی او خواهد بود.

به گفته روایات، امام علیه السلام از مکه خروج نمیکند مگر پس از وقوع معجزه فرو

رفتن سپاه سفیانی در زمین، اما به نظر میرسد که این سپاه بعد از علنی شدن نهضت

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۸۵.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۳۳۴.

امام به سرعت برای سرکوبی آن عازم مکه میشود و قبل از رسیدن به مکه خداوند

آنها را در زمین فرو میبرد.

آری، سردمداران کفر در غرب و شرق عالم در برابر پیروزی نهضت حضرت

مهدی علیه السلام واکنش شدیدی از خود نشان میدهند و آنچنان به خشم میآیند که

تسلط بر اعصاب و روان خویش را ا ز دست میدهند، امام صادق علیه السلام میفرماید:

" وقتی پرچم حق آشکار گردد، اهل شرق و غرب بر آن نفرین کنند، پرسیدم چرا؟ فرمود: به سبب

آنچه که از بنی هاشم میبینند " (۱) و در روایتی " به سبب آنچه از اهل بیت او پیش از او میبینند ".

این روایت نشانگر آن است که چند جنبش زمینه ساز، قبل از حضرت وجود

خواهد داشت که رهبری غالب آنها را سادات بنی هاشم بر عهده دارند و کفر جهانی

از ناحیه این جنبش های اسلامی و موج اسلام خواهی آنها، با دشواریهای فراوانی

روبرو میشود.

بنا به نقل روایات، امام علیه السلام پس از نصب فرمانداری برای مکه، با سپاه خود که

مرکب از ده هزار و یا بیشتر است، رهسپار مدینه میگردد، امام باقر علیه السلام فرمود:

" با قائم بر اساس کتاب خدا و سنت رسول در مکه بیعت کنند و امام حاکمی بر مکه گمارد و آنگاه راهی

مدینه شود، در بین راه به او خبر رسد که نماینده او را کشته اند، امام به مکه بازگردد و فقط قاتل یا قاتلان او

را به هلاکت رساند. " (۲)

از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمود:

" او اهل مکه را با حکمت و موعظه نیکو، به حق دعوت کند و آنها اطاعت کنند. آنگاه مردی از خاندان خود

را بعنوان نماینده خویش بر آنها بگمارد و آهنگ مدینه نماید. همین که امام از مکه خارج گردد، به نماینده او

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۶۳.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۳۰۸.

حمله ور شوند، از این رو امام بسوی آنها بازگردد، آنان سرافکنده و گریان نزد امام بشتابند و گویند: ای

مهدی آل محمد! توبه توبه (از کرده خود پشیمانیم، از ما درگذر) امام آنها را موعظه و به آنان اعلان خطر

نماید و از تبهکاری برحذر دارد و نماینده ای دیگر از میان آنها انتخاب و سپس رهسپار مدینه گردد " (۱)

البته این روایت، اشاره به جنبشی که با امام در مکه درگیر شود ندارد و در روایت

اول که میگوید: قاتلان را میکشد، ممکن است منظور افرادی باشند که نماینده

وی را در مکه کشته اند.

امام علیه السلام در سر راه خود به مدینه، از محل فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین، عبور

میکند، چنان که روایتی در کتاب تفسیر عیاشی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

" مردی از آنان (آل محمد) در حالی که سیصد و سیزده تن او را همراهی میکنند و پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله را

با خود دارد، آهنگ مدینه نماید (تا به محلی میرسند) امام میفرماید: اینجا محل فرو رفتن لشکریان در

زمین به فرمان خداست و این تأویل آیه قرآن است که فرمود: آیا کسانی که به نیرنگ خویش توطئه های

زشت انجام دادند در امانند از اینکه خداوند آنها را به زمین فرو برد یا عذاب از جائی که فکرش را نمیکنند

آنان را فرا گیرد. یا آنها را در حال رفت و آمدشان بگیرد. پس آنها هرگز ناتوان کننده خدا نیستند. " (۲)

آزاد سازی مدینه منوره و حجاز

روایات میگویند بر خلاف مکه، حضرت در مدینه منوره درگیر یک یا چند نبرد

خواهد شد. از امام باقر علیه السلام نقل شده که در روایتی طولانی چنین فرمود:

"... آنگاه وارد مدینه شود، پس قریش از آنها پنهان گردند. و این گفته علی بن ابی طالب علیه السلام درباره

آنهاست که فرمود: به خدا سوگند قریش آرزو کنند که ای کاش میتوانستند تمام دارائی خود و آنچه را که

خورشید بر آن میتابد بدهند و در عوض به اندازه زمان کشتن شتری، علی بن ابی طالب را در کنار خود

۱- ۱. بحار: ۵۳ / ۱۱.

۲- ۲. نحل ۴۶ - ۴۵.

بیابند (۱). سپس حادثه ای به وقوع پیوندد که پس از آن قریش گویند: ما را نزد این طاغی ببرید، سوگند به خدا اگر او محمدی یا علوی یا فاطمی بود دست به این عمل نمیزد، آنگاه خداوند به شکل کامل حضرت را بر آنان مسلط گرداند و حضرت قاتلان را به هلاکت رسانده و همه وابستگان به آنها را به اسارت گیرد، سپس حرکت کرده و در شقره (۲) فرود آید، در آنجا به وی خبر رسد که نماینده او را کشته اند، دگر بار به سوی آنها بازگردد و آنان را چنان هلاک کند که کشتار حره در برابر آن ناچیز نماید. آنگاه مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبرش دعوت کند... " (۳)

این روایت بیانگر دو نبرد در شهر مدینه است. نخستین نبرد بعد از وقوع حادثه ای است که بدست حضرت صورت میپذیرد و قریش و دیگران آن را نکوهش نموده و ناخوش میدارند. به نظر میرسد که آن حادثه در ارتباط با تخریب مسجد پیامبر و قبر مطهر آن حضرت و بازسازی آنها باشد، چنان که روایات دیگر نیز آن را بیان کرده اند. دشمنان آن حضرت این رویداد را بهانه ای برای تحریک مردم علیه امام علیه السلام و مبارزه با وی قرار میدهند، حضرت با آنها به نبرد برمیخیزد و طبق روایتی دیگر، صدها تن از آنها را به هلاکت میرساند، در این هنگام است که قریشیان یعنی بستگان قبایل قریش آرزو میکنند که ای کاش امیر مؤمنان علیه السلام هر چند به مقدار کشتن ماده شتری حضور داشت تا آنها را از دست انتقام مهدی نجات میداد زیرا سیاست امیر مؤمنان علیه السلام در مورد آنها سیاست بردباری و گذشت بوده است.

اما نبرد دوم، بعد از پایان دادن به جنبش مخالفان و تعیین حاکم برای مدینه

۱- ۱. این آرزو برای آن است که ای کاش امیر مؤمنان حضور داشت و همچون جنگ جمل آنان را مورد عفو و رحمت قرار میداد. مترجم

۲- ۲. منطقه ای است در حجاز از سمت ایران و عراق. مترجم

۳- ۳. بحار: ۵۲ / ۳۴۲ از تفسیر عیاشی.

است و آنگاه که امام به سوی عراق یا ایران رهسپار میشود و در منطقه شقره یا شقرات که احتمالا اردوگاه سپاه حضرت است، فرود میآید. خبر میرسد بار دیگر مردم مدینه دست به اقداماتی در مخالفت با حضرت زده و نماینده منصوب امام علیه السلام در مدینه را به قتل رسانده اند. امام علیه السلام به مدینه بازمیگردد و بیش از کشتاری که لشکر اموی در واقعه مشهور " حره " از مردم مدینه داشت از آنان به قتل میرساند و مجددا مدینه را تحت فرمانروائی خود درمیآورد. شمار کشتگان حره با توجه به منابع تاریخی، بیش از هفتصد شهید ذکر شده است اما انقلاب و شورش حره علیه یزید بن معاویه بعد از قیام امام حسین علیه السلام اتفاق افتاد و انقلابی بود بر حق و مشروع. بر خلاف طغیان اهل مدینه بر ضد امام مهدی علیه السلام. و تشبیه این دو حادثه به یکدیگر صرفا به جهت تعداد کشته گان آن حادثه است.

صاحب کتاب " یوم الخلاص " در ص ۲۶۵ بخشی از روایت سابق در تفسیر عیاشی را آورده و از آن چنین استفاده کرده که حضرت فقط هنگام ورود به مدینه درگیر نبرد خواهد شد... در حالی که ملاحظه میکنید این روایت بعد از ورود امام علیه السلام به مدینه از دو نبرد خبر میدهد. روایات کتاب یوم الخلاص نیاز به دقت و بررسی دارد، زیرا مؤلف آن به خود اجازه داده که روایات را جزء جزء نموده و اجزاء بعضی را به برخی دیگر ضمیمه نماید، آنگاه آن روایت ترکیب شده را به مأخذی نسبت دهد که تنها بخشی از روایت، یا مشابه آن، در مأخذ آمده است!

احتمال دارد هنگام ورود حضرت به مدینه عناصر باقی مانده حکومت و یا نیروهای سفیانی، مقاومتی از خود نشان داده یا نبردی بین آنان واقع شود و امام علیه السلام بر آنان پیروز گردد.

ولی من روایتی که نشانگر این درگیری باشد ندیدم، اما روایتی یافتم که به

رضایت اهل مدینه از حضور حضرت و عدم مقاومت آنها در برابر امام علیه السلام اشاره

ص: ۲۹۸

میکند. در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی مفصل آمده است که

فرمود:

" در آن روز هر کس از فرزندان علی علیه السلام که در مدینه باشد به مکه گریزند تا در آنجا به صاحب امر ملحق گردند و صاحب امر رهسپار عراق شده و لشکری را به مدینه گسیل دارد تا مردم آن سامان در امنیت بسر برند و مردم دوباره به مدینه برگردند. " (۱)

آنچه محتوای این روایت را تأیید میکند آن است که اهل مدینه نظاره گر لشکر سفیانی بوده و وقوع معجزه فرو رفتن آنان در زمین را مشاهده کرده و ضعف حکومت حجاز و چه بسا سقوط آن بعد از واقعه فرو رفتن سفیانیان را دیده و شاهد موج پشتیبانی افکار عمومی از حضرت مهدی علیه السلام بوده اند... علاوه بر همه اینها احساس مردم مدینه این است که امام از خود آنان است.

همانطور که ملاحظه میکنید این روایت نشان میدهد که در آن دوره امام شخصا به مدینه وارد نمیشود، بلکه سپاهی را به آنجا اعزام میکند. این احتمال به واقعیت نزدیک تر است.

به هر حال روایات، حاکی از آن است که خداوند، حجاز را به دست حضرت آزاد میسازد و این بدان معنی است که عناصر باقیمانده حکومت ضعیف حجاز سقوط کرده و بقایای نیروهای سفیانی شکست میخورند. احتمال دارد آزاد سازی حجاز و بیعت مردم آن سامان با حضرت، بعد از استیلای امام علیه السلام بر مکه و پس از وقوع معجزه فرو رفتن سفیانیان باشد.

با قرار گرفتن سرزمین حجاز تحت فرمانروائی امام، قلمرو دولت آن بزرگوار با وجود مخالفانی در عراق، کشورهای یمن، حجاز، ایران و عراق را دربرمیگیرد.

۱- ۱. کافی: ۸ / ۲۲۴.

با توجه به تسلط امام بر حجاز، باید خلیج نیز تحت فرمان امام درآید. این اتفاق ممکن است با کمک ملت های آن منطقه و یا با پشتیبانی یاران یمنی و ایرانی صورت پذیرد.

برپایی دولتی با این گستردگی، به رهبری امام مهدی علیه السلام واکنش شدیدی در شرق و غرب خواهد داشت زیرا تسلط حکومت مهدی علیه السلام بر تنگه باب المندب و تنگه هرمز، خطری استراتژیک و اقتصادی برای آنان محسوب میگردد و مهمتر از آن، خطر تمدن و گسترش فرهنگ اسلام است که موجودیت شرق و غرب و یهود را به لرزه میاندازد. در روایتی از امام صادق علیه السلام بیان شد که شرق و غرب، پرچم مهدی علیه السلام یعنی انقلاب و حکومت او را نفرین میکنند.

احتمال دارد که نیروهای غرب و شرق پس از آنکه تمام نفوذ و سلطه خود را در مناطق آزاد شده از دست دادند، ناوهای جنگی خود را در خلیج فارس و دریاهای مجاور منطقه به حرکت درآورند. و چیزی جز حضور در دریا و تهدید با نیروی دریائی و هوائی برایشان باقی نماند و چه بسا همانها آتش افروزان درگیری های بصره و منطقه اصطخر باشند که به زودی به ماجرای آن خواهیم پرداخت.

حرکت حضرت مهدی علیه السلام بسوی ایران و عراق

در روایات پیرامون حرکت حضرت از حجاز، تفاوت هایی به چشم میخورد.

تصویر کلی بسیاری از احادیث شیعه بیانگر آن است که امام علیه السلام مستقیما از حجاز رهسپار عراق میگردد. برخی منابع دیگر میگویند: او مستقیم از شهر مکه وارد آن سامان میشود. این مطلب، روایت کتاب کافی را تأیید میکند که میگفت امام علیه السلام لشکری به سوی مدینه گسیل میدارد.

اما روایات منابع سنی، گویای آن است که حضرت از مکه به شام و قدس

میرود یا ابتدا به عراق و سپس به سوی شام و قدس حرکت مینماید. تنها یکی دو روایت در نسخه خطی ابن حماد میگوید: امام علیه السلام ابتدا به جنوب ایران میآید و ایرانیان به همراه رهبر خراسانی آنان و فرمانده سپاه وی شعیب بن صالح با حضرت بیعت مینمایند و آنگاه به اتفاق ایرانیان در منطقه بصره به نبرد علیه سفیانی میپردازند. سپس حضرت وارد عراق میگردد.

آنچه از مجموع روایات استفاده میشود این است که آغاز نهضت ظهور امام علیه السلام شهر مکه و هدف آن قدس شریف است. اما در این میان، مدتی به سر و سامان دادن دولت جدید خود و بویژه وضع عراق و تدارک سپاه خویش جهت پیشروی به سوی قدس خواهد پرداخت.

بدیهی است روایات ما در صدد بیان همه تحرکات و اقدامات امام علیه السلام نبوده اند بلکه آنها، تنها حوادثی را به تصویر میکشند که اعلان آن زیانی به نهضت امام وارد نساخته و شوق امید در دل مسلمانان را زنده مینماید و با تقویت روح ایمان، آنان را بر یاری و نصرت حضرت آماده کند.

به احتمال قوی امام علیه السلام در این مدت به اقتضای مصلحت، بین حجاز، ایران، عراق و یمن در رفت و آمد خواهد بود و شخصا در نبردهای سپاهش شرکت نخواهد کرد مگر وقتی که ضرورت این حضور احساس شود.

در فصلی که مربوط به ایران بود روایتی را برگزیدیم که بر اساس آن آمدن امام علیه السلام به جنوب ایران از چند جهت قابل پیش بینی است:

الف: روایات موجود در منابع شیعه و سنی بیانگر آن است که جنگ بصره بعد از آزاد شدن حجاز به وقوع میپیوندد. جنگی که از آن به جنگی بزرگ و سرنوشت ساز

تعبیر شده است.

ب: بخش اصلی سپاه امام را حداقل در آن منطقه، ایرانیان تشکیل میدهند.

ص: ۳۰۱

بنابراین آمدن امام علیه السلام به ایران جهت آمادگی در جنگ بصره و خلیج فارس، امری

طبیعی خواهد بود. ابن حماد در نسخه خطی خود از ولید بن مسلم و رشد بن سعد

از ابو رومان از امیر مؤمنان علی علیه السلام آورده است که حضرت فرمود:

" وقتی سواران سفیانی به سوی کوفه روی آورند، گروهی را به جستجوی اهل خراسان فرستند و در آن

حال اهل خراسان در جستجوی مهدی بیرون آیند، آنگاه بین امام و مرد هاشمی با درفش های سیاه که

شعیب بن صالح پیشاپیش آنها است ملاقاتی رخ دهد سپس در دروازه استخر، امام و یاران سفیانی با

یکدیگر برخورد نمایند بگونه ای که بین آنها کارزار بزرگی اتفاق افتد سپس یاران درفش های سیاه غلبه

یابند و سپاه سفیانی از معرکه بگریزند، در این هنگام مردم تمنای دیدار مهدی کنند و او را جویا شوند ".

اگر چه سند این روایت ضعیف است و در متن آن آشفتگی وجود دارد اما جنگ

بصره را که در فصل مربوط به عراق گذشت تأیید میکند همچنانکه روایات مربوط

به عکس العمل شدید شرق و غرب در برابر پیروزی انقلاب مهدی علیه السلام نیز، برخی

از روایات نبرد بصره را تأیید میکند و بیانگر آن است که طرف مقابل مهدی علیه السلام و

یارانش، غربی هایی هستند که پیرو انجیل اند و به احتمال زیاد لشکر سفیانی پیش

قراول نیروهای غربی است.

امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه ای مفصل راجع به بصره میفرماید:

" از اهل بصره به تعداد شهدای ابله در پی او (سفیانی) روان شوند، در حالی که انجیل هایشان بر

سینه شان آویخته است " (۱)

در تفسیر عیاشی آمده است: امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه " یا معشر الجن

والإنس إن استطعتم أن تنفذوا من أقطار السموات والأرض فأنفذوا لا تنفذون إلا بسلطان " (۲) فرمود:

۱- ۱. شرح نهج البلاغه ابن ميثم: ۱ / ۲۸۹ و بحار: ۳۲ / ۲۵۳.

۲- ۲. الرحمن / ۳۳.

" او (امام زمان علیه السلام) با هفت قبه نور در پشت کوفه فرود آید و مشخص نشود که در کدامیک قرار دارد و این آیه مربوط به زمان فرود او است. "

و در روایت دیگر آمده است: " حضرت در قبه ای از نور، در پشت کوفه و در منطقه فاروق فرود آید ".

ممکن است این حادثه کرامتی آسمانی نسبت به حضرت باشد و شاید هم تعبیری از ورود امام علیه السلام بوسیله یک اسکادران هواپیما و یا وسائل مشابه باشد که در روایات به قبه نور تعبیر شده است، به هر حال بیان این مطلب به تفسیر آیه شریفه کمک میکند.

درباره اقدامات امام علیه السلام در عراق روایات زیادی وارد شده که برخی را در فصل مربوط به عراق یادآور شدیم و سایر موارد را در اینجا بطور خلاصه میآوریم.

الف: روایات بسیاری درباره تصفیه اوضاع داخلی عراق و کشته شدن گروههای شورشی بدست امام علیه السلام وارد شده که بیشتر آنها در جای خود بیان شد.

ب: ورود حضرت به کوفه، نجف و کربلا و انتخاب کوفه به عنوان مرکز، و ساخت مسجد جامعی با کاربرد جهانی در نزدیکی کوفه که طبق روایات دارای یک هزار در ورودی خواهد بود.

از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمود:

" زمانی که قائم ما قیام کند، زمین به نور الهی روشن و درخشان گردد بگونه ای که مردم از پرتو خورشید بی نیاز شوند و عمر مردان در زمان حکومت او چنان طولانی شود تا هر مردی صاحب هزار فرزند پسر گردد و در آنها دختر نباشد. وی مسجدی در نجف بنا کند که دارای هزار در است. خانه های کوفه به نهر کربلا و به حیره متصل گردد تا جائی که اگر کسی روز جمعه با استری چابک و لاغر، آهنگ آن دیار کند تا نماز

جمعه را درک کند موفق نشود. " (۱)

ص: ۳۰۳

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۳۰.

و نیز امام باقر علیه السلام میفرماید:

" وقتی جمعه دوم فرا رسد مردم گویند ای فرزند پیامبر خدا، نماز جمعه به امامت شما برابر با نماز

پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله است و این مسجد گنجایش ما را ندارد، آنگاه امام نقشه مسجد مستحکمی را

ترسیم کند که دارای هزار در باشد و مردم را در خود جای دهد. " (۱)

ظاهرا منظور از هزار در، وسعت و گستردگی مسجد است، زیرا مسجدی که

مسلمانان بخواهند از سراسر جهان برای شرکت در نماز جمعه به امامت حضرت

گردهم آیند، با در نظر گرفتن امکانات جانبی مورد نیاز از قبیل فرودگاه، ترمینال،

پارکینگ و... مساحتی بین کوفه و کربلا را نیاز دارد که بالغ بر هشتاد کیلومتر است.

ج: از دیگر اقدامات حضرت، اعتلا بخشیدن به موقعیت کربلا بعنوان یک پایگاه

جهانی و تکریم از جد بزرگوارش، حضرت حسین بن علی علیه السلام است.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

" خداوند کربلا را دارای موقعیت و مقامی قرار دهد که محل آمد و شد فرشتگان و مؤمنان گردد و به

عالی ترین مقام و مرتبه برسد " (۲)

د: معجزه ای در نجف از حضرت ظاهر شود. آن هنگام که حضرت، زره جدش

پیامبر صلی الله علیه و آله را بپوشد و بر مرکب ویژه او سوار شود و جهان را به پرتو خود روشنائی

بخشد، بگونه ای که مردم هر جا که هستند، حضرت را ببینند، در حالی که او در

جایگاه خویش مستقر است. از امام صادق علیه السلام در این باره منقول است که فرمود:

" گویا من قائم را در پشت نجف مشاهده میکنم که زره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را به تن کرده زرهی که متوازن

با قامت اوست سپس آن را جابجا میکند تا بر قامتش موزون گردد. آنگاه زره را با جامه ای ابریشمی

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۳۱.

۲- ۲. بحار: ۵۳ / ۱۲.

بپوشاند. سپس بر اسب ابلق خود که میان دو چشمش ستونی از نور میدرخشد سوار شود و آن را به پرواز درآورد، اهل هیچ سرزمینی نیست که این نور به آنها نرسد تا نشانه ای برایشان باشد، سپس حضرت پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله را برافرازد و با برافراشتن آن، شرق و غرب جهان به نورش روشن گردد " (۱)

در همین منبع از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده که فرمود:

" گویا او را میبینم بر اسبی سپید پا که ستونی از نور از پیشانیش میدرخشد نشسته و از وادی السلام به سوی رودخانه سهله پیش میرود و در حال دعا چنین میگوید: " لا إله إلا الله حقا حقا، لا إله إلا الله تعبدا و رقا. اللهم معز کل مؤمن وحید ومذل کل جبار عنید، أنت کنفی حین تعیینی المذاهب، وتضیق علی الأرض بما رحبت، اللهم خلقتنی وکنت غنیا عن خلقی، ولولا نصرک إیای لکنت من المغلوبین، یا منشر الرحمه من مواضعها، ومخرج البرکات من معادنها، و یا من خص نفسه بشموخ الرفعه فأولیاؤه بعزه یتعززون، یا من وضعت له الملوک نیر المذله علی أعناقهم، فهم من سطوته خائفون... "

در صفحات آینده به امدادهای غیبی، کرامات و معجزاتی اشاره خواهیم کرد که خداوند بدست حضرت آشکار میسازد و روایاتی را بیان خواهیم کرد که بیانگر تکامل علوم در عصر حضرت است.

ه: از جمله اقدامات حضرت علیه السلام در عراق انتخاب مسجد سهله بعنوان محل سکونت خود و خانواده او است. مسجد سهله در کنار کوفه است.

در این باره روایاتی وارد شده و گویای آن است که حضرت علیه السلام پس از ظهور، دارای همسر و فرزند خواهد بود.

و: توقف طولانی حضرت در عراق قبل از حرکت به طرف قدس نیز قابل توجه است:

" سپس آن حضرت به کوفه آمده و تا زمانی که خدا بخواهد در آنجا اقامت گزینند " (۲).

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۹۱.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۲۴.

به نظر میرسد علت این توقف طولانی، سر و سامان دادن به وضع داخلی عراق،

تثبیت کوفه بعنوان مرکز حکومت، جمع کردن نخبگان اصحاب حضرت از تمامی

عالم، تجهیز و اعزام نیروهای نظامی به دیگر کشورها و سرانجام حرکت بسوی

قدس و فتح بیت المقدس باشد.

امام باقر علیه السلام میفرماید: هنگامی که قائم علیه السلام وارد کوفه شود، هیچ مؤمنی باقی نماند مگر آنکه در

کوفه باشد یا به آن سو حرکت کند و این را امیر المؤمنین علیه السلام خبر داده است. آنگاه حضرت به اصحابش

فرماید: به سوی این طغیانگر (یعنی سفیانی) حرکت کنید. (۱)

همچنین فرمود: گویا قائم علیه السلام را میبینم که از مکه بسوی نجف کوفه در حرکت است، در حالی که

پنج هزار فرشته با او همراهند. جبرئیل از سمت راست، میکائیل از سمت چپ و مؤمنین در پیش رو قرار

دارند. او سپاهیانش را به تمام کشورها اعزام میکند (۲).

و در روایت دیگر آمده که " شعیب بن صالح پیشاپیش سپاه اوست " او فرمانده سپاه

است.

در بعضی روایات آمده: اولین سپاهی که حضرت گسیل میدارد، برای جنگ با

ترک ها است.

در کتاب خطی ابن حماد ص ۵۸ از ارطاه چنین نقل میکند: سفیانی با ترک ها

میجنگد ولی نابودی ترک ها بدست مهدی علیه السلام است. این اولین پرچمی است که حضرت برای جنگ

برافرازد و به سوی ترکها اعزام نماید. (۳)

۱- ۱. بحار ۵۲ / ۳۳۰.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۳۳۷.

۳- ۳. شبیه این روایت در کتـاب الملاـحم والفتن ابن طـاووس ص ۵۲ آمـده. او حـدود هفتاد صـفحه و یا بیشتر، از کتاب ابن حماد را در کتابش آورده است.

از مجموع روایات چنین برمیآید که امام علیه السلام در عراق به کارهای زیر بنائی نظیر

سر و سامان دادن به اوضاع دولت جدید و تثبیت آن، برقراری امنیت در مرزهای

شرقی از سمت روسیه و چین و آنگاه بسیج عمومی سیاسی و نظامی جهت نبرد

بزرگ آزاد سازی قدس اقدام مینماید.

پیشروی به سوی قدس

احادیث میگویند که حضرت مهدی علیه السلام برای نبرد با رومیان سپاهی به انطاکیه

میفرستد که در میان آنها بعضی از اصحاب امام حضور دارند، آنها از غار انطاکیه

صندوق مقدس را بیرون میآورند صندوقی که در آن نسخه اصلی تورات و انجیل

موجود است. (۱)

پیدا شدن صندوق مقدس برای غربی ها که نیروهایشان را برای جنگ با حضرت

در ساحل انطاکیه آماده کرده اند، نقش بازدارنده خواهد داشت.

بر اساس روایات، این نیروها در پی ندای آسمانی ماه رمضان، در آن منطقه

فرود میآیند و خداوند اصحاب کهف را بعنوان معجزه برای آنان آشکار میسازد.

از امیر مؤمنان علیه السلام منقول است که فرمود:

" رومیان به ساحل دریا نزدیک غار اصحاب کهف روی آورند و خداوند آن جوانان را همراه با سگشان

از غار برانگیزد، دو نفر از آنان به نامهای ملیخا و خملاها، دو شاهد مسلم برای حضرت قائم اند " (۲)

شاید عبارت اخیر به این معنا باشد که ملیخا و خملاها نزد حضرت آمده و

بیعت میکنند و یا میراث هایی که اصحاب کهف با خود دارند، تقدیم حضرت

مینمایند.

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۸.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۲۷۵.

ظهور معجزه امداد غیبی، غربیان را در ورود به جنگ با حضرت و طرفداری از یهودیان و سفیانی دچار تردید میکند.

معجزه اول; ظاهر شدن اصحاب کهف و معجزه دوم استخراج صندوق مقدس و نسخه هایی از تورات و انجیل از غار انطاکیه و استدلال یاران حضرت بوسیله آنها بر غربیهاست. از این رو بعید به نظر میرسد که بین غربی ها و حضرت در انطاکیه درگیری بوجود آید.

همچنانکه پیاده شدن نیروهای غربی در ساحل ترکیه و نه خود ترکیه، حاکی از آن است که این کشور خارج از نفوذ غربی هاست یا اینکه ترکیه در آن برهه با قیام و انقلاب مردم و یا توسط سپاهیان حضرت آزاد گشته است.

اما نیروهای رومی (غربی) که در ساحل فلسطین (رمله) پیاده میشوند همان نیروهایی هستند که در برخی از روایات، به شورشیان روم توصیف شده اند و به نظر میرسد که آنها در نبرد قدس به جانبداری از یهودیان و سفیانی شرکت کنند.

همچنین بعضی روایات بیانگر آن است که حضرت، سپاه خود را برای ورود به نبرد قدس به سوی شام اعزام میکند و احتمال دارد که امام علیه السلام شخصا در آن نبرد شرکت نکند بلکه پس از شکست دشمنان، وارد قدس شود. ولی بیشتر روایات حاکی از آن است که امام علیه السلام به همراه سپاهیان خود رهسپار منطقه شده و در " مرج عذراء " نزدیک دمشق اردو میزند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

" آنگاه (امام) به کوفه میآید و تا زمانی که خدا بخواهد در آنجا میماند تا اینکه بر آنجا سیطره یابد، سپس با همراهان خود به " مرج عذراء " وارد شود و عده زیادی از مردم به او بپیوندند. در آن هنگام سفیانی

در وادی رمله است. آن روز، روز جابجائی (نیروها) است، جمعی از پیروان آل پیامبر صلی الله علیه و آله که با سفیانی همراهند به نیروهای امام علیه السلام ملحق شوند و گروهی از طرفداران سفیانی که در زمره پیروان آل پیامبر خود

را جا زده اند بیرون آمده و به سپاه سفیانی بپیوندند، و هر دسته ای به پرچم و لشکر خود ملحق شوند. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: در آن روز، سفیانی و هر که با او باشد کشته شوند، حتی خبر دهنده ای از آنان باقی نماند و در آن روز زیانکار است کسی که از غنائم فراوان سفیانی محروم بماند " (۱)

از این روایت میتوان فهمید که پشتیبانی افکار عمومی از امام سبب میشود

ورود سپاهیان حضرت به خاک سوریه، بدون هیچ مقاومتی صورت گیرد و حضرت

در سی کیلومتری دمشق اردوگاه خود را مستقر سازند.

نبرد امام علیه السلام با یهود

بر اساس روایات، چهره سیاسی منطقه، قبل از نبرد قدس بدین گونه است:

پیروزی های غیر منتظره یاران حضرت در یمن، حجاز، عراق و احتمالا پیروزی او

بر غربی ها در منطقه خلیج، رومی ها و غربی ها را از رویاروئی با حضرت به شدت

نگران و هراسان میسازد. این هراس با موج خروشان ملت های مسلمان بویژه

مسلمانان منطقه در حمایت از امام علیه السلام قوت میگیرد. پیدایش معجزات و

نشانه های الهی پیش از ظهور یا همزمان با آن نیز تأثیر شگرفی بر ملتهای غربی

خواهد گذاشت و بر آشفتگی وضع حکومتهای آنها خواهد افزود به شکلی که آنها

به کاری غیر از اعزام نیروهای خود به ساحل انطاکیه و رمله در فلسطین و یا مصر

اقدام دیگری نخواهند کرد.

بنابراین نقش غربیها در این نبرد، تنها به پشتیبانی از هم پیمانان یهودی و

سفیانی منحصر خواهد شد.

اما وضع یهودیان بسیار وحشتناک تر و پیچیده تر است، چرا که این جنگ برای

آنان سرنوشت ساز است از این رو یهودیان ترجیح میدهند که از درگیری مستقیم با

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۲۲۴.

سپاه مهدی علیه السلام اجتناب کرده و به جای آن با حمایت از خطوط مشترک دفاع عربی که با سفیانی تشکیل میشود، اهداف خود را پیگیری کنند. این یک اصل کلی و سنت ثابت میان حکومت های طغیانگر است که همواره ترجیح میدهند تا دیگران به نمایندگی از طرف آنها بجنگند و در پس پرده و در خط دوم یا سوم باقی بمانند چنان که امروز این روش را در میان یهودیان بطور عموم مشاهده میکنیم.

در همین حال، افکار عمومی مردم منطقه، در راستای حمایت شدید از امام علیه السلام پیش میرود و این حمایت به حدی است که اگر پشتیبانی نیرومند قدرت های خارجی غربی و یهودی از سفیانی نباشد، میتوانند سفیانی را نابود و سرزمین شام را به حکومت حضرت ملحق کنند.

اما بعید نیست همزمان با عقب نشینی نیروهای سفیانی از مقابل سپاه حضرت، سرزمین شام در حالت خلأ یا شبه خلأ سیاسی قرار گیرد.

ابن حماد، در نسخه خطی کتاب خود، بیست روایت را تحت عنوان " خروج مهدی از مکه به سوی بیت المقدس " آورده که تعدادی از آنها در منابع ما شیعیان نیز وجود دارد. از جمله روایت ابن وزیر غافقی از علی علیه السلام است که میفرماید:

" او با تعداد حداقل دوازده و حداکثر پانزده هزار نفر، خروج کند، ترس و وحشت پیشاپیش او (به دل دشمنان) راه یابد. با هر دشمنی برخورد کند به فرمان خدا از پای درآورد، شعارشان درهم کوبیدن دشمنان است. در راه خدا از سرزنش هیچ ملامتگری نهراسند. سپس هفت لشکر از شام بسوی آنها هجوم آورد که جملگی را شکست داده و آنها را به اسارت خویش درآورند. در آن زمان محبت، نعمت و فضای " قاصه " و " بزاره " به میان مسلمانان باز گردد و پس از آنها جز خروج دجال حادثه ای باقی نماند، پرسیدیم: قاصه و بزاره چیست؟ فرمود: هرگاه امام زمان حکومت را بدست گیرد هر کس هر چه خواهد بگوید و از چیزی

نهراسد " (۱)

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۶.

در همین کتاب آمده است:

" مهدی میرود تا در بیت المقدس فرود آید، خزائن را از همه سو نزد او آورند، عرب، عجم، جنگ افروزان، رومیان (غربی ها) و دیگران جملگی به اطاعت وی درآیند " (۱).

و در جائی دیگر از این منبع آمده که:

" مهدی گوید پسر عموی من (سفیانی) را بیاورید تا با او سخن گویم، او را نزد امام آورند، حضرت با وی گفتگو کند تا تسلیم امر امام شده و با او بیعت نماید، اما همین که سفیانی نزد یارانش از قبیله بنی کلب بازگردد، او را از کرده خود پشیمان سازند، او نزد امام بازگردد و بیعت خود را پس بگیرد، سرانجام بین امام و سفیانی که به هفت گروه و دسته تقسیم شده اند، نبرد سختی واقع شود و فرمانده هر دسته ای خواستار بدست گیری زمام امور به نفع خود باشد. امام علیه السلام همه را شکست دهد " (۲)

و باز در همین مصدر:

" سفیانی بیعت خود را از امام علیه السلام باز پس گیرد و امام بطلان آن را اعلام کند، آنگاه او لشکریان خود را برای مبارزه با حضرت بسیج نماید که امام علیه السلام وی را شکست دهد. خداوند رومیان (غربی ها) را نیز بوسیله آن بزرگوار به شکست کشاند. " (۳)

سفیانی از نظر نسب پسر عموی امام مهدی علیه السلام محسوب میشود، زیرا سفیانی از نسل امیه است و امیه و هاشم چنان که معروف است با هم برادر بوده اند.

اگر این روایت ها صحیح باشند، باید گفت که امام علیه السلام میخواهد با این سیاست حکیمانه و اخلاق نیکو حتی الامکان او را از گمراهی بازگرداند و یا بر او اتمام حجت نماید گرچه سفیانی موقتا از شخصیت حضرت تأثیر میپذیرد، اما بسرعت

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۶.

۲– ۲. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۷.

۳– ۳. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۷.

پشیمان شده و در ظاهر خویشاوندان بنی کلبی و سران ارتش او و در پشت پرده،

اربابان غربی و یهودیش او را از بیعت با امام منصرف میسازند.

از امیر مؤمنان علیه السلام در توصیف این نبرد آمده است که:

" خداوند بر سفیانی غضب کند و بندگان خدا نیز با خشم الهی بر او خشمگین شوند، آنگاه پرندگان با

بالها، کوهها با صخره ها و فرشتگان با فریادشان به سوی آنها نشانه روند و ساعتی نگذرد که خداوند تمام

یاران سفیانی را هلاک سازد و جز او (سفیانی) کسی از دشمنان، در زمین باقی نماند. امام او را دستگیر و

در زیر درختی مشرف بر دریاچه طبریه به قتل رساند " (۱).

علاوه بر آنچه در روایت قبل ذکر شد بعضی روایات، این نبرد را از دیگر

امدادهای غیبی برای مسلمانان دانسته اند، از جمله:

" در آن روز صدایی از آسمان به گوش رسد که ندا کند: آگاه باشید ولی خدا، فلانی یعنی مهدی است و

شکست و تیره روزی از آن یاران سفیانی. سپس جملگی کشته شوند غیر از یک نفر فراری. " (۲)

* *

ظاهرا منظور از نبرد مسلمانان با یهود در آخر الزمان که در منابع شیعه و سنی

آمده، همین نبرد باشد، چرا که شباهت فراوانی در محتوای این روایات با روایاتی

وجود دارد که در تفسیر این آیه از قرآن " بعثنا علیکم عبادا لنا أولی بأس شدید " وارد شده

است. این آیه به امام مهدی علیه السلام و یارانش تعبیر شده و ما قبلا در فصل مربوط به

ایران، به شکل گسترده به بیان آن همراه با دلائل مربوط پرداختیم.

از مشهورترین روایات مربوط به نبرد آخر الزمان در منابع سنی ها روایتی است

که سه محدث معروف یعنی مسلم، احمد و ترمذی آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت

۱- ۱. الملاحم والفتن ص ۱۴۵.

۲- ۲. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۷.

کرده اند که حضرت فرمود:

" قیامت برپا نشود مگر آنگاه که بین مسلمانان و یهود جنگی رخ دهد که مسلمانان همه آنها را به هلاکت رسانند بگونه ای که اگر شخصی یهودی در پشت صخره یا درختی پنهان شود آن سنگ یا درخت به صدا درآید و گوید: ای مسلمان! این یهودی است که در پناه من مخفی شده، او را هلاک کن مگر درخت " غرقد " که از درختان یهود است " (۱)

مشابه این روایت را نیز اهل سنت از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند (۲) که فرمود:

" یهودیان با شما به ستیز برخیزند اما شما بر آنها مسلط شوید "

در منابع شیعه و سنی روایات بسیاری وجود دارد که از بیرون آوردن صندوق مقدس و بخش هایی از کتاب آسمانی تورات توسط حضرت و استدلال بوسیله آن بر یهودیان، حکایت دارد. به نظر میرسد که این ماجراها پس از پیروزی امام علیه السلام بر آنها و ورود حضرت به قدس اتفاق میافتد...

* *

من در روایات، رقم مشخص نیروهایی که در نبرد آزاد سازی قدس شرکت میکنند را نیافتم، چه نیروهای همراه حضرت، چه نیروهای سفیانی، یهودی و غربی. هر چند برخی روایات، تعداد نیروهای سفیانی را که کنار دریاچه طبریه پیاده میشوند، یکصد و هفتاد هزار نفر گفته اند; اما نشانه ها، گویای آن است که نیروهای طرفین از شمار بسیار زیادی شکل میگیرد، از جمله در روایت گذشته که امام باقر علیه السلام فرمود: " تعداد بسیاری از مردم به وی میپیوندند. " بعلاوه گستردگی جبهه جنگ از طبریه تا قدس و بنابر بعضی روایات، امتداد آن تا مرج عکا، صور و دمشق

۱- ۱. التاج الجامع للأصول: ۵ / ۳۵۶ و مسند احمد: ۲ / ۴۱۷.

۲- ۲. مسلم و ترمذی در کتاب الفتن و بخاری در کتاب مناقب ص ۲۵.

نشانگر صحنه عظیم این نبرد است.

اما روایاتی که شمار سپاهیان حضرت را بیش از ده هزار نفر عنوان کرده اند مربوط به لشکری است که حضرت آن را از مکه به مدینه اعزام میدارد. و چه بسا برخی از راویان، این سپاه را با سپاهی که حضرت از عراق به سوی قدس روانه خواهد کرد، اشتباه گرفته اند در حالی که فرمانده این لشکر، شعیب بن صالح، همان فرمانده نیروهای ایرانی است که لشکر آنها از مرز یک میلیون سرباز فراتر میرود چرا که سپاه او شامل نیروهای ایرانی، یمنی، عراقی و نیروهای سایر کشورهای اسلامی است. بعلاوه شماری نیز در طول مسیر از سرزمین شام و احتمالا دیگر نقاط به آن خواهند پیوست.

ابن حماد روایاتی که تعداد لشکریان حضرت را هنگام حرکت به سوی قدس ده هزار نفر عنوان کرده در ص ۹۵ به بعد آورده، اما در ص ۱۰۶ روایتی دیگر نقل کرده که تعداد محافظان حضرت، هنگام ورود به قدس دوازده هزار نفر است.

" مردی از بنی هاشم به بیت المقدس وارد شود که محافظان وی دوازده هزار تن باشند. "

و در روایت دیگری در ص ۱۰۷ میگوید:

" محافظان او سی و شش هزار نفرند که بر سر هر راهی که به بیت المقدس منتهی شود دوازده هزار نفر، حضور دارند "

این نشانگر انبوه لشکریان حضرت است، در ص ۱۱۰ همین مأخذ روایتی دیگر درباره تجدید بنای قدس توسط امام چنین آمده است:

" خلیفه ای از بنی هاشم فرود آید که زمین را از عدل و داد پر کند و عمارت بیت المقدس را به گونه ای بسازد که همانندش ساخته نشده باشد "

طبیعی است که این پیروزی شگفت انگیز و قاطع امام علیه السلام و ورود او به قدس

شریف، همچون صاعقه ای بر سر غربیان فرود آید و با شکست هم پیمانان یهودی

ص: ۳۱۴

و فرو ریختن کیان آنها، گرفتار حالت جنون و وحشت شوند. بر اساس محاسبات سیاسی و شناختی که ما از وضع اروپائیان داریم، آنها باید از طریق دریا و هوا علیه امام علیه السلام و سپاه وی به حمله ای نظامی دست بزنند، و چه بسا استفاده از جنگ افزارهای خطرناک را نیز در سر بپرورانند.

اما آنگونه که از روایات فهمیده میشود، عواملی وجود دارند که فضای خشن و پرتلاطم آن روز را به محیطی امن و آرام تبدیل میکنند، شاید مهم ترین آنها فرود حضرت مسیح علیه السلام در قدس و احساس ترس و اضطراب عمیق غربی ها از رویاروئی با حضرت مهدی علیه السلام باشد. علاوه بر آن، حضرت از امدادهای غیبی نیز برخوردار است و در موارد لازم از آن بهره میگیرد. هر چند تأثیر این امدادها بر حکومتها چندان زیاد نیست اما، آثار فراوان آن بر دل ملت های اروپائی بسیار شگرف و قابل توجه است. ناگفته نماند که حضرت، احتمالا جنگ افزارهای پیشرفته ای نیز در اختیار دارد که میتواند با سلاح های غربی برابری کرده و یا بر آنها برتری داشته باشد.

* *

فرود مسیح از آسمان

فرود آمدن حضرت روح الله عیسی مسیح علیه السلام از آسمان، در آخر الزمان مورد اتفاق تمام مسلمانان است. بیشتر مفسران این آیه را که میفرماید:

" هیچ یک از اهل کتاب (تورات و انجیل) نیست مگر آنکه پیش از مرگ، به او (عیسی) ایمان آورد و او نیز روز قیامت بر آنان گواه باشد " (۱) به همین معنا تفسیر کرده اند. مؤلف کتاب مجمع البیان این تفسیر را از ابن عباس و دیگران نقل نموده و میگوید طبری نیز این تفسیر را پذیرفته است. علامه مجلسی این تفسیر را از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

" پیش از قیامت (عیسی) به دنیا فرود آید و هیچ یک از ملت یهود و مسیح نماند مگر آنکه قبل از مرگ به او ایمان آورد و آن حضرت پشت سر مهدی نماز گزارد. " (۲)

روایات فرود آمدن مسیح در منابع شیعه و سنی فراوان است، از جمله این روایت مشهور از پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود:

" چگونه خواهید بود آنگاه که عیسی بن مریم در میان شما فرود آید و پیشوای شمااز خود شما باشد. " (۳)

این روایت را جمعی از علماء اهل سنت از جمله بخاری و دیگران در باب

" فرود آمدن عیسی " آورده اند. (۴)

ص: ۳۱۷

۱- ۱. نساء / ۱۵۹.

۲- ۲. بحار: ۱۴ / ۵۳۰.

۳- ۳. بحار: ۵۲ / ۳۸۳.

۴- ۴. صحیح بخاری: ۲ / ۲۵۶.

ابن حماد حدود سی روایت را تحت عنوان " فرود عیسی بن مریم علیه السلام و روش او "

و تحت عنوان " مدت حیات مسیح بعد از فرود " آورده است، از جمله روایتی که از

پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است:

" سوگند به آنکه جانم بدست اوست به یقین عیسی بن مریم به عنوان داوری عادل و پیشوایی دادگر در

میان شما فرود آید. او صلیب را بشکند و خوک را بکشد و مالیات را بردارد و اموال مردم به قدری زیاد شود

که دیگر کسی مالی قبول نکند " (۱)

و در همین مأخذ آمده است:

" پیامبران به دلائلی با یکدیگر برادرند. آئین شان یکی و مادرانشان مختلف است، نزدیکترینشان به

من عیسی بن مریم است، چرا که بین من و او پیامبری نیست، او در میان شما فرود خواهد آمد پس او را

بشناسید، مردی چهار شانه و سرخ و سفید گونه است، خوک را میکشد و صلیب را میشکند، و مالیات را

برمیدارد و بجز اسلام آئینی را قبول نمیکند. دعوت او فقط در راستای پروردگار جهانیان است "

در شماری از روایت های ابن حماد به اماکن متعددی به عنوان محل فرود

عیسی علیه السلام اشاره شده است، از جمله قدس شریف، پل سفید بر دروازه دمشق،

کنار مناره ای در محل دروازه شرقی دمشق و دروازه لد در فلسطین.

بر اساس روایات ابن حماد، مسیح پشت سر امام مهدی علیه السلام نماز میگزارد و هر

سال به حج خانه خدا مشرف میشود. مسلمانان به همراه او به نبرد با یهود، روم و

دجال میپردازند. آن بزرگوار پس از چهل سال زندگی به دیار باقی میشتابد و

مسلمانان پیکر او را به خاک میسپارند.

در روایتی از اهل بیت علیهم السلام آمده است که امام زمان علیه السلام مراسم دفن او را بطور

آشکار و در برابر دیدگان مردم برگزار میکند تا دیگر مسیحیان حرفهای گذشته را

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۱۵۹ - ۱۶۲ به نقل از صحاح اهل سنت. همین روایت در کتاب بحار نیز آمده است.

درباره او بر زبان نیاورند و پیکر او را با پارچه ای که دستباف مادرش حضرت مریم علیها السلام است کفن نموده و در قبر مریم در قدس به خاک میسپارد.

با توجه به آیه قرآن که: " هیچکس از اهل کتاب نیست مگر اینکه به او ایمان آورد " میتوان گفت همه ملل مسیحی و یهودی پس از نزول مسیح به او ایمان میآورند. شاید فلسفه عروج او به آسمان و طولانی شدن عمرش برای ایفای نقش بزرگی است که در مرحله حساس و تاریخی ظهور امام زمان علیه السلام بر عهده میگیرد تا مسیحیان عالم که احتمالا بزرگترین قدرت جهانی و جدی ترین مانع برپایی حکومت و تمدن الهی حضرت مهدی علیه السلام اند، از سر راه برداشته شوند.

از این رو طبیعی است که با ظهور مسیح، جهان مسیحیت خرسندی عمیق خود را با برپائی تظاهرات گسترده مردمی ابراز نماید و فرود عیسی علیه السلام را برای خود در برابر ظهور مهدی علیه السلام برای مسلمانان، موهبتی الهی پندارد و طبیعی است که حضرت مسیح علیه السلام از کشورهای مختلف آنان دیدار کند و خداوند نشانه ها و معجزه هایی را بدست او آشکار سازد و جهت هدایت تدریجی مسیحیان به اسلام در دراز مدت اقدام نماید. در نتیجه نخستین نتایج سیاسی فرود مسیح کاهش دشمنی حکومت های غربی نسبت به اسلام و مسلمانان و به گفته روایات، انعقاد پیمان صلح و آتش بس بین آنها و حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.

ممکن است نماز گزاردن مسیح، پشت سر حضرت مهدی علیه السلام پس از نقض قرارداد صلح توسط غربی ها و اقدام آنان به جنگ با لشکری انبوه در منطقه باشد و در پی آن مسیح موضع صریح خود را در طرفداری از مسلمانان اعلام و پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز گزارد.

اما شکستن صلیب و کشتن خوک، بعید نیست که پس از جنگ غربی ها در

منطقه و شکست آنها بدست مهدی علیه السلام باشد. این نکته نیز قابل توجه است که

امواج خروشان حمایت های مردمی از مسیح تأثیر شگرفی بر حکومت های غرب

قبل از نبرد بزرگ آنها با حضرت مهدی علیه السلام خواهد داشت.

ص: ۳۱۹

اما ماجرای ظاهر شدن دجال، با توجه به روایات، به احتمال قوی مدتی نه چندان کوتاه، پس از برپائی حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام و رفاه عمومی ملت های جهان و پیشرفت حیرت انگیز علوم به وقوع خواهد پیوست.

خروج دجال جنبشی بر اساس لاابالی گری و نشأت گرفته از توطئه یهود و همانند جریان " هیپی گری " غربی است که ناشی از عیش و نوش و خوشگذرانی است. البته جنبش دجال یک چشم بسیار پیشرفته و دارای ابعاد عقیدتی و سیاسی گسترده ای است که تمامی ابزارهای علمی روز را در تبلیغات و ترفندهایش به کار میگیرد و یهودیان که در پشت این حرکت قرار دارند، از او پیروی کرده و با فریب دختران و پسران جوان آنان را در راستای اهداف خود قرار میدهند و میتوان گفت که فتنه و آشوب دجال بر مسلمانان فتنه ای سخت و ناگوار خواهد بود.

درباره روایاتی که میگویند: مسیح علیه السلام دجال را میکشد، باید دقت و بررسی به عمل آورد زیرا این عقیده مسیحیان است که در انجیل آنان آمده. در حالی که فرمانروای حکومت جهانی، بنا بر نظر تمام مسلمانان، حضرت مهدی علیه السلام است و مسیح علیه السلام نقش یاور و پشتیبان او را بر عهده خواهد گرفت. در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است که مسلمانان به رهبری حضرت مهدی علیه السلام دجال را به هلاکت میرسانند.

پیمان صلح بین امام علیه السلام و غربی ها

از روایات فراوانی که مربوط به این پیمان است میتوان پی برد که محتوای اصلی پیمان، برقراری صلح، عدم تجاوز و همزیستی مسالمت آمیز است. به نظر میرسد هدف امام علیه السلام، ایجاد بستری مناسب برای فعالیت های خود و برنامه های حضرت مسیح علیه السلام است تا او بتواند به شکل طبیعی در هدایت ملل غربی گام

بردارد و تحولی در عقاید و سیاست های آنها بوجود آورد و انحرافات حکومت ها و

تمدن های غرب را برملا سازد. از روایات مربوط به این قرارداد میتوان فهمید، بین

این صلح و صلح حدیبیه که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله با قریش منعقد کرد شباهت زیادی

ص: ۳۲۰

وجود دارد. در صلح حدیبیه، متارکه جنگ به مدت ده سال مورد توافق طرفین قرار گرفت و خداوند آن را فتح المبین نامید، اما زمامداران ستمگر قریش این عهد و پیمان را یک جانبه شکستند و از نیات پلید خود پرده برداشتند و همین عمل آنها، انگیزه روی آوردن مردم به اسلام و مجوزی برای سرکوبی مشرکان گردید. در این صلح نیز غربیها دست به پیمان شکنی میزنند و از خصلت طغیان و تجاوز خود پرده برمیدارند و به گفته روایات با یک میلیون سرباز، منطقه را به جنگ و آشوب کشانده و پیکار بزرگی بوجود میآورند که بر اساس روایات، این نبرد از نبرد آزادی قدس نیز بزرگتر خواهد بود. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

" بین شما و روم چهار پیمان صلح برقرار گردد که چهارمین آنها بدست مردی از خاندان هرقل است و سالها (یا دو سال) به طول انجامد. مردی از قبیله عبد القیس بنام سؤدد بن غیلان پرسید: در آن روز پیشوای مردم چه کسی خواهد بود؟ فرمود: مهدی از فرزندانم " (۱)

از حذیفه بن یمان منقول است که گفت:

" پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بین شما و بنی اصفر (رومی ها یا اروپائی ها) صلحی برقرار شود ولی آنها در مدت بارداری زنی (یعنی ۹ ماه) به شما خیانت کنند و با هشتاد لشکر از راه زمین و دریا حمله ور شوند. هر لشکر شامل دوازده هزار سرباز است آنها بین یافا و عکا فرود آیند. فرمانروای آنها کشتی هایشان را به آتش کشد و به یاران خود گوید: از سرزمینتان دفاع کنید، آنگاه جنگ و کشتار از دو طرف آغاز شود. سپاهیان به کمک یکدیگر بشتابد. حتی کسانی که در حضرموت یمن هستند به یاری شما آیند. در آن هنگام خداوند با نیزه و شمشیر و تیر خود، بر آنها هجوم آورد و به سبب آن بزرگترین کشتار در میانشان واقع گردد " (۲)

معنای جمله: " خداوند با نیزه... به آنها هجوم آورد " این است که خداوند مسلمانان را

۱- ۱. بحار: ۵۱ / ۸۰.

۲- ۲. نسخه خطی ابن حماد ص ۱۴۱.

به کمک فرشتگان و امداد غیبی علیه دشمنان یاری فرماید.

در ص ۱۴۲ همین کتاب آمده است:

" رومی ها بین صور تا عکا لنگر اندازند، آن هنگام است که فتنه ها آغاز شود "

همچنین در ص ۱۱۵ آمده است:

" خداوند دو کشتار میان مسیحیان مقدر نموده که یکی واقع شده و دیگری باقی مانده است ".

و نیز آمده است:

" آنگاه خداوند باد و پرندگان را بر رومیان مسلط کند. پرندگان بالهای خود را به صورت آنها بکوبند تا چشمانشان از حدقه درآید. زمین آنها را در خود فرو برد. پس از آن دچار صاعقه و زمین لرزه شده و زمین زیر پایشان گود شود. خداوند صبر کنندگان را یاری و آنان را پاداش نیک دهد، همچنانکه یاران محمد صلی الله علیه و آله را پاداش نیک بخشید و دلها و سینه هایشان را مالامال از شجاعت و جرأت گرداند " (۱)

چنین به نظر میرسد که هدف غربی ها از پیاده کردن نیرو بین یافا وعکا یا بین صور و عکا چنانچه در این دو روایت آمد بازگرداندن مجدد فلسطین به یهودیان از یک سو و تعیین قدس بعنوان هدف نظامی جهت توجیه هجوم آنها از سوی دیگر است.

در روایت بعدی میخوانیم که آنان نیروهای خود را در طول سواحل از عریش در مصر تا انطاکیه در ترکیه پیاده میکنند. از حذیفه بن یمان نقل شده که گفت:

" پیامبر خدا را پیروزی و فتحی نصیب گردد که همانند آن از زمان بعثت وی رخ نداده است، عرض کردیم: ای رسول خدا این فتح و پیروزی بر شما مبارک باد، آیا جنگ پایان مییابد؟ فرمود: هرگز، هرگز، سوگند به کسی که جانم بدست اوست، ای حذیفه، پیش از آن شش حادثه واقع شود... حضرت آخرین آنها را فتنه روم یاد کرد که آنها به مسلمانان خیانت کرده و با هشتاد لشکر در فاصله بین انطاکیه تا عریش فرود آیند " (۲)

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۱۲۴.

۲- ۲. نسخه خطی ابن حماد ص ۱۱۸.

در روایات مربوط به فرود عیسی علیه السلام آمده است که جنگ در آن زمان پایان خواهد

یافت و تأیید این مطلب، جنگ های امروز مسلمانان با رومیان (غربی ها) است که

پایان نیافته و نخواهد یافت تا حضرت از پس پرده غیب خارج شده و مسیح علیه السلام از

آسمان فرود آید و خداوند ما را بر آنها در مرحله طغیان جهانیشان پیروز گرداند.

در روایت آمده است که:

" در فلسطین دو درگیری با رومیان اتفاق افتد که یکی از آنها " گل چین " و دیگری " درو " نامیده

شود. " (۱)

یعنی جنگ دوم نابود کننده تر از جنگ اول خواهد بود.

روایت بعدی به این معنا اشاره میکند که نبرد مهدی علیه السلام با غربی ها جنگی

نابرابر است و البته به ظاهر موازنه قدرت به نفع آنهاست، از این رو برخی بزدلان

عرب به آنها میپیوندند و بقیه بی طرف میمانند. ابن حماد به نقل از صفوان در

تفسیر این آیه که فرموده است: " شما به زودی بسوی قومی بسیار قدرتمند فراخوانده شوید "

میگوید: منظور رومیانند در روز نبرد بزرگ. سپس میافزاید: خداوند عرب ها را در

آغاز اسلام به جنگ با کفار دعوت نمود، آنها گفتند: " مال، زن و فرزندان، ما را سرگرم و

مشغول داشته است " خداوند فرمود: " شما به زودی بسوی قومی بسیار نیرومند فراخوانده شوید "،

آنها بار دیگر در جنگ با روم همان گویند که در آغاز اسلام گفتند آنگاه تهدید آخر آیه

درباره آنها تحقق یابد که " خداوند شما را به عذابی دردناک کیفر دهد " (۲)

صفوان میگوید: " استادان ما چنین نقل کرده اند که در آن روز گروهی از عرب ها از دین برگشته و

مرتد شوند و برخی دیگر دچار تردید شده، از نصرت و یاری اسلام روی گردان شوند "

از دین برگشتگان آنانند که از رومیان حمایت میکنند و روی گردانان از یاری

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۱۳۶.

۲- ۲. نسخه خطی ابن حماد ص ۱۲.

اسلام، همان افراد بیطرف اند و بدست حضرت بعد از پیروزی بر رومیان، به

عذابی دردناک گرفتار شوند، روایتی را ابن حماد نقل کرده که اجر شهیدان این

جنگ را معادل پاداش شهدای بدر در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله میداند:

" پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: برترین شهیدان در زیر آسمان از آغاز خلقت عبارتند از: هابیل که بدست قابیل

ملعون، ظالمانه کشته شد، پس از او پیامبرانی که بدست امت های خود شهید شدند در حالی که برای

هدایت آنها مبعوث شده بودند و سخنشان این بود که پروردگار ما خداست و مردم را به سوی او دعوت

میکردند، سپس مؤمن آل فرعون و آنگاه صاحب یاسین و بعد حمزه پسر عبد المطلب، و بعد کشتگان

جنگ بدر و بعد کشتگان جنگ احد، آنگاه کشتگان حدیبیه و پس از آن کشته های جنگ احزاب و سپس

کشتگان حنین و پس از آن کسانی که بعد از من بدست خوارج طغیانگر و نابکار کشته شوند، بعد از اینها

مجاهدان راه خدا... تا آنکه کارزار بزرگ روم اتفاق افتد که کشتگان آن همچون شهدای بدر خواهند بود. " (۱)

شاید عبارت کشتگان حدیبیه که در روایت وارد شده اشتباه و یا اضافه باشد،

زیرا منابع تاریخی وقوع جنگ یا کشته ای را در حدیبیه درج نکرده اند.

ولی در منابع شیعه به نقل از اهل بیت علیهم السلام آمده است که برترین شهیدان در

پیشگاه خدا، یاران سالار شهیدان امام حسین علیه السلام و شهیدانی هستند که در رکاب

امام مهدی علیه السلام به قتل میرسند.

درباره زمان هجوم اروپائیان، به سرزمین های اسلامی باید گفت که بر اساس

روایات، مدت پیمان صلحی که با غربیان منعقد میگردد هفت سال است اما آنان

بعد از گذشت دو سال و به نقل برخی روایات سه سال، خیانت نموده و پیمان

شکنی میکنند، چنان که در روایت ابن حماد به نقل از ارطات آمده است:

" پس از کشته شدن سفیانی و به غنیمت درآمدن اموال قبیله کلب، صلحی بین مهدی و فرمانروای

طغیانگر روم برقرار شود. بگونه ای که بازرگانان شما و آنها به کشورهای یکدیگر رفت و آمد کنند. آنها سه

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۱۳۱.

سال به ساختن کشتی های خود پردازند (نیروی دریائی خود را مجهز سازند) تا آنکه کشتی های رومیان در سواحل صور تا عکا لنگر اندازند و آنجا صحنه کارزار گردد " (۱)

اما در روایتی که قبلا گذشت خیانت و نقض پیمان آنها را پس از مدت بارداری زنی یعنی بعد از نه ماه بازگو کرد. والله العالم.

گرایش غربی ها به اسلام

شکست فاحش غربیها بدست حضرت مهدی علیه السلام در فلسطین و شام تأثیر فراوانی بر ملل غرب و آینده آن خواهد گذاشت و بی تردید نفوذ کلام، در دنیای غرب، متعلق به مسیح، مهدی علیه السلام و موج افکار مردم اروپا که پشتیبان آن دو بزرگوارند، خواهد بود. موجی که عهده دار براندازی حکومت های کفر پیشه و بر پایی حکومت هایی است که با دولت حضرت مهدی علیه السلام اعلام همبستگی نمایند.

به بیان روایات شیعه و سنی، مهدی علیه السلام رهسپار غرب میشود و به اتفاق یارانش شهر بزرگ روم، یا شهرهای روم را فتح میکند، برخی از این روایات میگویند: او به همراه یارانش با گفتن تکبر آنها را فتح مینمایند.

در روایتی چنین آمده است: " او قسطنطنیه، روم و سرزمین چین را میگشاید " (۲)

و نیز آمده است:

" او رهسپار سرزمین روم شود و به اتفاق یارانش شهر بزرگ روم را آزاد کند " (۳)

همچنین آمده است:

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۱۴۲.

۲- ۲. بشاره الاسلام ص ۲۵۸ به نقل از غیبت طوسی.

۳- ۳. الزام الناصب: ۲ / ۲۲۵.

" شهری که مهدی علیه السلام در روم فتح میکند مرکز و کانون سرزمین روم است " (۱)

و از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

" آنگاه رومیان بدست حضرت اسلام آورند و امام علیه السلام برای آنان مسجدی بنا کند و مردی از یارانش را جانشین و نماینده خود قرار دهد و بازگردد " (۲)

از عکرمه و سعید بن جبیر در تفسیر این گفته خداوند که " لهم فی الدنیا خزی " (یعنی: برای آنان در دنیا خفت و خواری است) نقل شده است که گفت:

" مراد شهری در روم است که آزاد گردد " (۳)

و در روایتی دیگر آمده است:

" شهر رومی را با تکبیر هفتاد هزار تن از مسلمانان آزاد سازد " (۴)

* *

ص: ۳۲۶

۱- ۱. ملاحم و فتن ص ۶۴.

۲- ۲. بشاره الاسلام ص ۲۵۱ به نقل از بحار.

۳- ۳. نسخه خطی ابن حماد ص ۱۳۶.

۴- ۴. بشاره الاسلام ص ۲۹۷ به نقل از فتوحات مکیه ابن عربی.

سیمای حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام

اشاره

آیات و روایاتی که نوید بخش ظهور امام زمان علیه السلام است مأموریت الهی آن حضرت را مأموریتی سترگ، با ابعاد گوناگون و اهدافی بسیار و الا توصیف میکنند. این واقعه بزرگ، زندگی را در کره زمین دگرگون و فصل نوینی را به روی بشریت میگشاید.

اگر مأموریت آن حضرت فقط برچیدن ظلم و زنده کردن دوباره اسلام و برپایی تمدن عادلانه الهی و پرتو افشانی آن بر جهان باشد کافی است، اما علاوه بر آن، تکامل شگرف زندگی بشر از نظر مادی نیز با مراحل گذشته، هر چند مترقی و پیشرفته باشد قابل مقایسه نخواهد بود.

این تحول عمیق و سریع، بستری برای راهیابی به ژرفای هستی و دستیابی به اسرار آسمان ها و ساکنان آن ایجاد میکند و این موضوع مقدمه ای خواهد بود برای کشف بزرگترین رازهای عالم یعنی گشودن درهای علوم غیب و باخبر شدن از وقایع جهان پر رمز و راز آخرت.

و اینک گوشه ای از ابعاد این تحول رسالت آسمانی را با توجه به گنجایش کتاب بیان میکنیم.

ص: ۳۲۷

پاکسازی کره زمین از ستم و ستمکاران

در نگاه نخست چنین به نظر میرسد که پاک سازی زمین از ظلم و برچیدن بساط طاغوتها و ستمگران امری ناممکن است. گویا زمین به آه و ناله مظلومان و تحمل ستمگران شوم خو گرفته و فریاد رسی وجود ندارند به گونه ای که ما هیچ دورانی را سراغ نداریم که خالی از وجود ستمگران باشد. چرا که آنان به درخت هرزه و پلیدی شباهت دارند که دارای ریشه های محکم اند. و هرگاه یکی از آنها برکنده شود، ده برابر جایگزین میگردد. و اگر ظالمان در نسلی نابود شوند گروه گروه در جای دیگر به تولید مثل پردازند.

ولی خداوند حکیم که بر اساس مصالح خویش، زندگی انسان را بر اساس قانون جنگ حق و باطل و خیر و شر برقرار نموده، برای هر چیز حد و مرزی و برای هر عصر و زمان سرنوشتی و بالاخره برای ظلم و بیداد هم پایانی تعیین نموده است.

در تفسیر این آیه شریفه میفرماید: " تبهکاران به چهره شان شناخته شوند و از پیشانی و پایشان گرفته شوند " (۱) از امام صادق علیه السلام روایت شده: " خداوند آنها را همیشه میشناسد اما آیه شرائط زمان قائم را بیان میکند که مجرمان را از سیما و صورتشان میشناسد و او و یارانش با شمشیر آنها را تنبیه میکنند تنبیه کردنی " (۲)

و از امیر مؤمنان علیه السلام منقول است که فرمود:

" خداوند، ناگاه بوسیله مردی از ما اهل بیت گشایشی (برای مسلمانان) بوجود آورد، پدرم فدای آن فرزند بهترین کنیزان باد... هم اوست که (دشمنان) در مدت هشت ماه بجز شمشیر و کشتار از او چیزی دریافت نخواهند کرد " (۳)

۱- ۱. الرحمن / ۴۱

۲- ۲. غیبت نعمانی ص ۱۲۷.

۳- ۳. شرح نهج البلاغه: ۲ / ۱۷۸.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

" پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با ملایمت و نیکی در میان امت خود رفتار میکرد و با مردم انس میگرفت و قائم با کشتار (دشمنان) رفتار کند و توبه کسی را نپذیرد، این، فرمانی است که او به همراه دارد. وای بر کسی که با وی دشمنی کند " (۱)

مراد از فرمانی که همراه اوست، همان عهد نامه معروف است که از جد بزرگوارش رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده و چنان که وارد شده در آن فرمان این جمله وجود دارد. " بکش، باز هم بکش و توبه کسی را نپذیر " یعنی توبه هیچ مجرم و جنایتکاری را قبول مکن.

و در حدیثی دیگر از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

" شباهت داشتن مهدی علیه السلام به جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله در قیام و ظهور او با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول و نابودی ستمگران و طاغوت هاست، او با شمشیر و ایجاد ترس در دل دشمنان حمایت شود. لشکریان او به هر مأموریتی اعزام شوند پیروز بازگردند. " (۲)

عبد العظیم حسنی از امام جواد علیه السلام روایت میکند که فرمود:

" وقتی شمار لشکر او (مهدی) به حد نصاب یعنی ده هزار تن برسد به فرمان خدا خروج کند و پیوسته دشمنان خدا را از دم تیغ بگذراند تا آنکه خداوند از او خشنود شود. پرسیدم: چگونه از خشنودی خدا آگاه گردد؟ فرمود: خداوند مهربانی و رحمت را در دل او افکند " (۳)

حتی در برخی روایات آمده که تعدادی از یاران او دچار شک و تردید شده و نسبت به کثرت خونریزی و کشتار ظالمان بدست وی اعتراض میکنند. از امام

۱- ۱. غیبت نعمانی ص ۱۲۱.

۲- ۲. بحار: ۵۱ / ۲۱۸.

۳- ۳. بحار: ۵۱ / ۲۱۸.

باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

" وقتی او (مهدی) به ثعلبیه (نام مکانی در عراق) رسد، مردی از بستگان وی که از لحاظ جسمانی و شجاعت قوی ترین مردم، بعد از حضرت است برخیزد و گوید، ای آقا! چه میکنی؟ به خدا قسم که تو مردم را همچون گوسفندان از جلوی خود میرانی (یعنی همچون شبان و یا گرگ که گله گوسفند را رم میدهد) آیا به فرمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین کنی یا به چیز دیگر؟ در این هنگام شخصی که عهده دار بیعت (یعنی مسئول گرفتن بیعت از مردم برای امام) میگوید: ساکت میشوی یا گردنت را بزنم، آنگاه قائم فرماید: ای فلان خاموش باش، آری به خدا سوگند من منشوری از رسول خدا صلی الله علیه و آله با خود دارم، ای فلان آن صندوقچه را بیاور، صندوق را نزد او آورد و امام منشور پیامبر صلی الله علیه و آله را بخواند، در این هنگام مرد معترض گوید: فدایت شوم اجازه بده سرت را ببوسم، امام سر را جلو میبرد و او بین دو چشم وی را بوسه میدهد و میگوید خدا مرا فدای تو گرداند دوباره با ما تجدید بیعت کن، امام مجددا با آنها بیعت میکند " (۱)

بی تردید نشانه و یا نشانه هائی وجود دارد که یاران امام پی میبرند، آن نامه همان منشور معروف پیامبر صلی الله علیه و آله است اما درخواست مجدد آنها برای تجدید بیعت بدین جهت است که ایراد و اعتراض آنها خود نوعی اخلال در بیعت محسوب میشود.

ممکن است برخی، مجازات و قتل ستمگران از سوی امام علیه السلام را سنگدلی و افراط در کشتار تعبیر کنند اما در واقع آن اقدام امام، مانند یک عمل جراحی است که برای پاکسازی جامعه اسلامی و سایر جوامع جهانی از لوث وجود سرکشان و ستم پیشگان ضرورت دارد و بدون آن هرگز بساط ظلم برچیده نشده و عدالت حاکمیت نخواهد یافت و اگر امام علیه السلام با سیاست ملایمت و گذشت، رفتار نماید هرگز ترفندها و توطئه های جدید مستکبران از بین نخواهد رفت. زیرا ستمگران در

۱- ۱. بحار: ۵۳ / ۳۴۳.

جوامع کنونی همچون شاخه های خشکیده یک درخت، بلکه مانند غده سرطانی اند که برای نجات بیمار چاره ای جز ریشه کنی آن وجود ندارد، هر چند این کار دشوار باشد.

و اما آنچه موجب آرامش خاطر تردید کنندگان در این سیاست میگردد این است که اولا امام عهدنامه معروفی از پیامبر صلی الله علیه و آله با خود دارد و ثانیا خداوند به آن حضرت دانش و آگاهی خاصی نسبت به باطن مردم و شخصیت آنان عنایت میفرماید و حضرت در پرتو این نور الهی به اشخاص مینگرد و هدایت آنها را میشناسد و دوای دردشان را میداند، از این رو بیم آن نمیرود افرادی که امید هدایتشان وجود دارد بدست امام علیه السلام کشته شوند، همچنانکه خداوند در داستان خضر و موسی علیه السلام دلیل کشته شدن آن جوان بدست خضر علیه السلام را جلوگیری از به کفر و طغیان کشاندن والدین جوان بیان کرده است. علاوه بر آن روایات نشانگر این است که خضر علیه السلام با حضرت مهدی علیه السلام ظاهر شده و از یاران و همکاران او خواهد بود و حضرت مهدی علیه السلام قطعا از علم لدنی (علم ناآموخته الهی) که خضر در اختیار دارد نیز برخوردار است. خداوند میفرماید: " ما او را از جانب خود رحمت بخشیدیم و او را علم و الهامی بیواسطه آموختیم " (۱)

آن دو بزرگوار از این نعمتهای الهی در بارور ساختن بذر خوبی ها و دفع شر از مؤمنان و ریشه کنی فساد و تباهی پیش از آنکه درخت پلیدی گردد، استفاده میکنند.. به احتمال قوی فعالیت های خضر علیه السلام و یارانش در حکومت مهدی علیه السلام آشکار و علنی است و آن بزرگواران بر مردم حق ولایت داشته و میتوانند در قوانین، مقررات و اوضاع ظاهری آن حکومت، حق نقض داشته باشند. در روایات آمده

۱- ۱. کهف - ۶۵.

است که حضرت مهدی علیه السلام بین مردم بر اساس احکام واقعی الهی که خداوند به وی ارائه میدهد، داوری میکند، به همین خاطر از هیچکس گواه، دلیل و برهان نمیخواهد، او در کشتن ظالمان و تبهکاران از دانش و بینش واقعی و علم لدنی خود استفاده میکند و گاهی یاران او نیز در قضاوت و داوری بین مردم و به هلاکت رساندن مجرمان همین شیوه را به کار میبرند. اما در سایر کارها بر اساس ظاهر افراد با مردم رفتار مینمایند. البته نباید فراموش کرد که خضر علیه السلام و یارانش دارای شرایط ویژه ای هستند.

احیاء دوباره اسلام و جهان شمولی آن

در تفسیر آیه شریفه ای که میفرماید: " اوست خدائی که رسولش را با وسایل هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر تمام ادیان عالم برتری دهد هر چند مشرکان را ناخوش آید " (۱) از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود:

" آیا این آیه عملی شده است؟ هرگز، سوگند به کسی که جانم بدست اوست، هیچ آبادی نمیماند مگر اینکه هر صبح و شام در آن شهادت به وحدانیت خدا و رسالت محمدی صلی الله علیه و آله بدهند " (۲)

از ابن عباس در همین رابطه نقل شده است که گفت:

" هیچ یهودی، نصرانی و یا پیرو دینی نماند مگر آنکه به اسلام گرود. تا آنکه جزیه گرفتن (مالیات سرانه ای که از پیروان سایر ادیان آسمانی گرفته میشود) برداشته و صلیب شکسته و خوک کشته شود و آن مصداق فرموده خداوند است که " اسلام را بر تمام ادیان جهان پیروز گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید " و این امر در زمان قیام قائم علیه السلام پدیدار گردد " (۳)

۱- ۱. توبه / ۳۳.

۲- ۲. محجه بحرانی ص ۸۶.

۳- ۳. محجه بحرانی ص ۸۷.

معنای این جمله که جزیه برداشته شود این است که از اهل کتاب، چیزی جز

اسلام پذیرفته نخواهد شد. ابو بصیر میگوید: از امام صادق علیه السلام درباره این آیه

سؤال کردم، حضرت فرمود:

سوگند به خدا هنوز تفسیر این آیه تحقق نیافته است، عرض کردم: فدایت شوم، پس چه زمانی

تحقق یابد؟ فرمود: وقتی با اراده خدا، قائم قیام نماید پس چون قائم ظهور کند، کافران و مشرکان از قیام

و ظهور وی ناراضی و نگران شوند، زیرا اگر کافر و مشرکی حتی در پشت صخره ای نهان شود، آن صخره

به صدا درآید و گوید: ای مسلمان، در پناه من کافر و یا مشرکی مخفی شده است، او را به قتل برسان، پس

به سراغش رفته و او را به هلاکت رسانند " (۱)

و از امام باقر علیه السلام منقول است که فرمود:

" قائم، به سبب پیدایش ترس (در دل دشمنان) یاری گردد و با پشتیبانی خدا تأیید شود و زمین در

زیر پایش پیموده شود، گنج های زمینی برایش آشکار و فرمانروائی و سلطنت وی شرق و غرب جهان را

فرا گیرد. خداوند دین خود را بوسیله او پیروز گرداند هر چند مشرکان ناخشنود و مخالف باشند، ویرانی های

زمین آباد گردد و عیسی روح الله علیه السلام به زمین فرود آید و پشت سر او نماز گزارد " (۲)

و نیز از آن حضرت در تفسیر آیه یاد شده آمده:

" چنین خواهد شد که کسی باقی نماند مگر آنکه به رسالت محمد صلی الله علیه و آله اقرار کند " (۳)

و از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

" از پدرم (امام باقر) درباره این دو آیه پرسیدند: " با همه مشرکان مبارزه کنید چنان که آنها با همه شما

مبارزه میکنند... با آنان بجنگید تا در زمین فتنه ای باقی نمانده و دین و آئین تنها از آن خدا باشد " او

۱- ۱. محجه بحرانی ص ۸۶.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۱۹۱.

۳- ۳. تفسیر عیاشی: ۲ / ۸۷.

فرمود: تأویل این آیه هنوز فرا نرسیده، اگر قائم ما قیام کند، کسانی که او را درک کنند تأویل این آیه را خواهند دید و سرانجام آیین محمد صلی الله علیه و آله هر جا که مهتاب بتابد همه را فرا خواهد گرفت و اثری از شرک بر زمین باقی نخواهد ماند، چنان که خداوند فرموده است " (۱)

و نیز در تفسیر آیه شریفه " به زودی نشانه های خود را به آنان در کرانه ها و در جان خودشان نشان دهیم تا برای آنان آشکار شود که او حق است " (۲) از امام باقر علیه السلام منقول است که فرمود:

" خداوند مسخ شدن آنها را (به صورت بوزینه و خوک) به خودشان نشان دهد و در آفاق، فرو ریختن آسمان ها را به آنها بنماید تا قدرت خدا را در خود و در سراسر جهان احساس کنند و مراد از گفته خداوند که فرمود: " تا برای آنان آشکار گردد که او حق است " خروج قائم است که حق است و از جانب خداوند. و این مردم به یقین او را خواهند دید " (۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

" مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه است او بر سیره و سنت من مبارزه کند آنگونه که من بر اساس وحی مبارزه نمودم " (۴)

همچنین فرمود:

" در جهان جز فرمانروائی اسلام وجود نخواهد داشت و زمین چون لوح سیمین خواهد شد " (۵)

یعنی زمین از لوث کفر و نفاق پاک و پیراسته خواهد شد مانند لوح نقره خالص وناب.

از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده که فرمود:

۱- ۱. تفسیر عیاشی: ۲ / ۵۶.

۲- ۲. فصلت - ۵۳

۳- ۳. غیبت نعمانی ص ۱۴۳.

۴- ۴. بیان شافعی ص ۶۳.

۵- ۵. ملاحم و فتن ص ۶۶.

" او (قائم) رأی و نظر را از قرآن گیرد، آنگاه که دیگران قرآن را بر رأی و اندیشه خود بازگردانند، به آنان رفتار عادلانه حاکم را نشان دهد و بخش های متروک کتاب و سنت را زنده کند " (۱)

یعنی حضرت علیه السلام از قرآن پیروی نموده و مانند منحرفان، تفسیر آن را بر اساس خواسته خود دگرگون نمیکند.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

" گویا مشاهده میکنم که دین شما همچون پرنده ای در خون خود دست و پا میزند و کسی آن را نجات نمیدهد مگر مردی از خاندان ما اهل بیت. پس در زمان او در هر سال، دو پاداش و در هر ماه دو روزی به شما دهند. در دولت او به حکمت دست یابید بگونه ای که زن در خانه اش بر اساس کتاب خدا و سنت رسولش صلی الله علیه و آله داوری کند " (۲)

اینکه امام میفرماید: " همچون پرنده ای که در خون خود دست و پا میزند " تشبیه دقیقی از وضع اسلام است که مانند پرنده ای مجروح و بال شکسته در خون خود میتپد یعنی اسلام را تحریف و مسلمانان را از آن دور میسازند تا حضرت آن را نجات بخشیده و زنده کند و دوباره به مسلمانان برگرداند و شاید مراد از اینکه " در سال دو بخشش و در ماه دو روزی به شما میدهد " یعنی هر شش ماه یک پاداش از بیت المال و هر دو هفته یک بار مواد غذائی و لوازم مورد نیاز عمومی در اختیار همه قرار میگیرد.

امام ششم میفرماید:

" خداوند بدعت ها را بوسیله او نابود و گمراهی ها را بدست او محو و سنت ها را زنده خواهد ساخت " (۳)

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

۱- ۱. شرح نهج البلاغه: ۴ / ۳۶.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۳۵۲.

۳- ۳. کافی: ۱ / ۴۱۲.

" در زمین هیچ ویرانه ای نماند مگر آنکه آباد گردد و بجز خدا هیچ معبودی از بت و غیر آن باقی نماند مگر اینکه دچار حریق گردد و بسوزد " (۱)

ابزار هدایت مردم توسط امام زمان عجّل الله فرجه الشّریف

اکنون این سؤال مطرح میشود که چگونه حضرت مهدی علیه السلام خواهد توانست اسلام را در میان ملت های غیر مسلمان گسترش دهد، در حالی که مردم در زندگی مادی غوطه ور و از ایمان و ارزش های معنوی فاصله داشته و نسبت به اسلام و مسلمانان بدبینند؟! در اینجا لازم است به عوامل فراوان اعتقادی، سیاسی و اقتصادی که پاره ای از آنها در بخش نهضت ظهور، گذشت توجه گردد، از جمله آنکه ملت های جهان، زندگی مادی و منهای دین را تجربه نموده و ناهماهنگ بودن بی دینی را با فطرت آدمی با همه وجود لمس کرده اند.

از سوی دیگر باید توجه داشت که ا سلام دینی مطابق با فطرت است و اگر زمامداران طاغوتی بگذارند که نور اسلام توسط علماء و مؤمنان راستین به ملت ها برسد، مردم گروه گروه به اسلام میپیوندند. یکی دیگر از دلایل هدایت مردم، معجزاتی است که توسط حضرت برای ملل جهان نمایان میگردد و از بارزترین آنها ندای آسمانی است که شرح آن قبلا گذشت. گرچه تأثیر این معجزات بر حکام جور، زود گذر، ضعیف و یا نامحسوس است اما آثار آن بر ملت ها عمیق و کارآمد خواهد بود.

شاید یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر ملت ها پیروزی های پی در پی نظامی امام علیه السلام باشد زیرا روح غربی ها دوستدار و ستایشگر نیروهای پیروزمند است.

١- ١. كمال الدين صدوق ص ٣٣١.

اگر چه دشمن آنها باشد مخصوصا اگر این پیروزی با معجزه و کرامت همراه باشد.

فرود آمدن مسیح علیه السلام و معجزاتی که خداوند به دست با کفایت او برای ملت های غرب و مردم دنیا آشکار میسازد، از دیگر عوامل موفقیت امام زمان است. حتی میتوان گفت نقش اصلی حضرت مسیح علیه السلام در میان غربی ها جلوه خواهد کرد.

طبعا ملل غربی و فرمانروایان آنها در آغاز، به سبب حضور مسیح مسرور شده و به او ایمان میآورند. اما همین که وی گرایش و تمایل خود را نسبت به حضرت مهدی علیه السلام و اسلام ابراز نماید، دولت های غربی نسبت به آن حضرت ایجاد تردید و تشویش مینمایند تا بتوانند حمایت عمومی را از او کاهش دهند ولی در همان حال یاران و هوادارانی از ملت های غربی برای او باقی میماند و در دل آنان تحولی اعتقادی و سیاسی بوجود میآید بگونه ای که در سرزمین های اروپائی موجی از حرکت هوادار امام زمان را ایجاد میکنند چنان که قبلا نیز به آن اشاره کردیم.

از دیگر عوامل مؤثر، تحول شگرف اقتصادی است. امکانات رفاهی مردم بدست امام زمان چنان تحول میپذیرد که به گفته روایات، در تاریخ جهان و ملت ها دیگر بی سابقه است. بدیهی است چنین اوضاع و شرائطی تأثیر فراوانی بر روح و جان ملت های غربی خواهد داشت.

دگرگونی زندگی مادی و ایجاد رفاه بدست حضرت

از نکات بارز در روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام پیشرفت تکنولوژی در حکومت جهانی اوست. چرا که شکل زندگی مادی در عصر امام علیه السلام از آنچه در عصر خود میشناسیم و از آنچه بشریت با تلاش خود و تحولات علمی بدان خواهد رسید بسیار پیشرفته تر است. اینک پاره ای از روایات مربوط به آن را مرور

میکنیم:

ص: ۳۳۷

استخراج و تقسیم گنج های زمین بین مردم

در این زمینه روایات فراوانی وجود دارد، از جمله روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: " زمین گنج هایش را برای او خارج سازد و او اموال بی شماری بین مردم تقسیم کند " (۱)

و در روایتی آمده است:

" او گنجها را همچون ستون طلا بیرون میکشد "

و روایتی که میگوید: " او مال و ثروت بی شمار بین مردم تقسیم میکند " در منابع شیعه و سنی مشهور است و نشانگر رفاه اقتصادی بی سابقه و طبع سخاوتمند و محبت آن بزرگوار نسبت به مردم است.

امام باقر علیه السلام میفرماید: " وقتی قائم اهل بیت (امکانات) را بطور مساوی تقسیم نماید و در رعیت عدالت برقرار سازد، هر کس از وی اطاعت کند از خدا اطاعت نموده و هر کس نافرمانی او را کند، نافرمانی خدا را نموده است، او تورات و دیگر کتابهای الهی را از غاری در انطاکیه خارج سازد. بین یهودیان بر اساس تورات و میان مسیحیان طبق انجیل و بین اهل زبور بر پایه دستورات آن و بین مسلمانان بر پایه آیات قرآن داوری کند، اموال و ثروت های دنیا از درون و برون زمین نزد وی جمع آوری شود و به مردم گوید: بیائید بسوی چیزی که بخاطر آن قطع رحم و خویشاوندی نمودید و برای آن خون های حرام ریختید و به علت آن مرتکب محرمات خدا شدید... به اندازه ای مال و ثروت بخشد که قبل از او هیچکس چنان نکرده. زمین را پر از عدل و داد و نور گرداند همچنانکه از ظلم و جور و شر پر شده است " (۲)

فراوانی نعمت و آبادی زمین

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منقول است که فرمود:

" امت من در زمان مهدی از چنان نعمتی برخوردار شوند که مانند آن را هرگز ندیده اند، آسمان پی در

۱- ۱. بحار: ۵۱ / ۶۸.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۳۵۱.

پی باران بارد و زمین با تمام توان، گیاهانش را برویاند " (۱)

و نیز فرمود:

" امت او نزدش پناه جویند همچون زنبورهای عسل که نزد ملکه خود گرد آیند، زمین را از عدل و داد مالامال کند همانگونه که از جور و ستم مالامال شده است، بگونه ای که مردم به (آرامش) جامعه نخستین خود باز گردند، نه خفته ای را بیدار کند و نه خونی ریخته شود " (۲)

به نظر میرسد معنای جمله " همچون جامعه نخستین " این باشد که در جامعه اولیه، تمام مردم یک امت بودند و بر پایه صفا و فطرت انسانی میزیستند و اختلافی در میان آنها نبود، چنان که خداوند در قرآن فرموده است: " مردم یک امت بوده اند " (۳)

این روایت، روایات دیگر را تأیید میکند که میگوید: جامعه انسانی در عصر مهدی علیه السلام جامعه ای ثروتمند و بدون فقر، جامعه ای با محبت و دوستی و بدون اختلاف و کشمکش است که نیازی به دادگاه های قضائی ندارد و در مرحله نهائی به جامعه ای بدون مبادله پول تبدیل میگردد بگونه ای که افراد " قربه إلي الله " به یکدیگر خدمت کرده و نیازها و ما یحتاج خود را با صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله بر طرف میکنند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

" ساکنان آسمان و زمین از او خشنود شوند، آسمان از ریزش باران قطره ای دریغ نکرده و زمین از رویش تمام گیاهانش خودداری نکند بگونه ای که زندگان آرزوی (زنده شدن) مردگان کنند " (۴) یعنی

۱- ۱. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۸.

۲- ۲. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۹.

۳- ۳. بقره / ۲۱۳.

۴- ۴. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۹.

مردم آرزو کنند که ای کاش مردگانشان زنده بودند و همچون آنها از نعمتهای الهی

برخوردار میگشتند.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

" خداوند، دین خود را بوسیله او غالب گرداند، هر چند مشرکان نپسندند، آنگاه همه ویرانی های زمین

آباد گردد " (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود:

" مهدی محبوب دلهای مردم عالم است. خداوند بوسیله او آتش فتنه ناگوار را خاموش گرداند " (۲)

در تفسیر آیه " مدهامتان " (یعنی دو باغی که از شدت سر سبزی سیه فام جلوه

میکند) از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمود:

" میان مکه و مدینه با درختان نخل متصل گردد " (۳)

از سعید بن جبیر نقل شده است که گفت:

" سالی که قائم قیام کند بیست و چهار نوبت بر زمین باران بارد و آثار و برکات آن دیده شود " (۴)

ابن حماد آورده است که:

" نشانه مهدی، سخت گیری به کارگزاران، بخشندگی به مردم و مهربانی با بینوایان است "

در همان کتاب درباره شدت مهر و عطوفت حضرت به بینوایان آمده است:

" گویا مهدی بیش از حد بینوایان را در نعمت و رفاه قرار میدهد ". (۵)

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۱۹۱.

۲- ۲. بشاره الاسلام ص ۱۸۵.

۳- ۳. بحار: ۵۶ / ۴۹.

۴- ۴. کشف الغمه: ۳ / ۲۵۰.

۵- ۵. نسخه خطی ابن حماد ص ۹۸.

دگرگونی علوم طبیعی و وسائل زندگی

روایات مربوط به دوران حضرت مهدی علیه السلام مواردی از پیشرفت علوم و امکانات بشری را ترسیم میکند که برای نسل های گذشته و معاصر غیر قابل تصور است. این تحول در ابعاد گوناگون بوجود خواهد آمد، از جمله در مخابرات، ابزارهای بصری، پژوهشی، جنگ افزارها، سیستم های اقتصادی، حکومتی، قضائی و چیزهای دیگر. به نظر میرسد برخی از این تحولات در سایه کرامات و معجزاتی ست که خداوند بدست حضرت و یارانش جلوه گر میسازد. ولی بسیاری از آنها نتیجه تحول علوم طبیعی و بهره گیری صحیح از قوانین و نعمت های الهی است که مواد و عناصر آن در زمین و آسمان در دسترس انسان قرار دارد. روایات نشانگر آن است که تحولی که در علوم طبیعی توسط حضرت ایجاد میگردد، جهشی همه جانبه در پیشرفت زندگی بشری را در پی دارد. از این رو امام صادق علیه السلام میفرماید:

" دانش بیست و هفت حرف است و آنچه پیامبران آورده اند، دو حرف است و مردم تا امروز بیش از آن دو حرف نمیدانند اما چون قائم قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورد و در میان مردم منتشر سازد و بدین سان مجموع بیست و هفت جزء دانش آشکار گردد " (۱)

این روایت هر چند در نگاه نخست به علوم دینی پیامبران نظر دارد اما باید توجه کرد که علاوه بر علومی همچون توحید، نبوت و معاد، سایر علوم طبیعی مورد نیاز بشر نیز مورد توجه است. زیرا طبق روایات پاره ای از اصول همین دانش ها را نیز پیامبران علیه السلام به انسانها آموخته و مردم را به این علوم راهنمائی کرده و دریچه های آن را به روی مردم گشوده اند. از جمله آموزش خیاطی توسط حضرت ادریس، کشتی سازی و نجاری توسط حضرت نوح علیه السلام و زره سازی بوسیله حضرت داوود و

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۳۶.

سلیمان و... پس مراد از علم در این روایت هم علوم دینی و هم علوم طبیعی است.

و بر این اساس نسبت علومی که در اختیار مردم است با علومی که حضرت

مهدی علیه السلام به آنان میآموزد نسبت ۲ به ۲۵ است.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

" بدانید که ذو القرنین در انتخاب دو ابر رام و سرکش مخیر گردید و او ابر رام را برگزید و ابر سرکش، برای مولای شما (مهدی) ذخیره گردید، راوی گفت: سؤال کردم: ابر سرکش کدام است؟ فرمود: ابری که در آن رعد و صاعقه یا برق وجود دارد و مولای شما بر آن سوار شود. بدانید که او بر ابرها سوار میشود و با این وسائل بالا میرود، وسائل آسمانها و سرزمین های هفتگانه که پنج منطقه آن آباد و دو منطقه آن ویران است " (۱)

و از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمود:

" در زمان قائم، شخص مؤمن در حالی که در مشرق بسر میبرد، برادر خود را در مغرب میبیند و آنکه در مغرب است برادر خویش را در مشرق میبیند " (۲)

و نیز فرمود:

" چون قائم ما قیام نماید، خداوند گوش و چشم شیعیان ما را چنان کند که بین آنها و امام علیه السلام نیازی به پیک نباشد بگونه ای که هرگاه امام سخن بگوید آنان میشنوند و او را میبینند در حالی که امام در جایگاه خود قرار دارد " (۳)

در حدیثی دیگر فرمود:

" وقتی کارها در اختیار صاحب الامر قرار گیرد خداوند متعال پستی های زمین را مرتفع و برجستگی های

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۲۱.

۲- ۲. بحار: ۵۲ / ۳۹۱.

۳- ۳. بحار: ۵۲ / ۲۳۶.

آن را هموار گرداند بگونه ای که دنیا پیش روی او همچون کف دستش باشد. سپس پرسید: کدامیک از شما اگر در کف دستتان مویی باشد آن را نمیبیند؟ " (۱)

و روایت شده است که: " ستونی از نور، از زمین تا آسمان برای او نصب گردد و اعمال بندگان را در آن ببیند و در زیر صخره های اهرام مصر علومی برای وی ذخیره گردیده که دست کسی قبل از او بدان نرسد " (۲)

در این رابطه روایات دیگری نیز وجود دارد که مجال بحث و بررسی کامل آنها نیست.

اما بخشی از آنها درباره تحول دانش بشری و برخی دیگر از تغییر توانائی ها و ابزارهای ویژه مؤمنان و بعضی دیگر از وسائل و کرامات امام عصر علیه السلام و یارانش سخن میگویند از آن جمله در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

" گویا من یاران قائم را میبینم که بر شرق و غرب جهان احاطه پیدا کرده اند و همه چیز تحت فرمان آنهاست، حتی درندگان زمین و پرندگان شکاری آسمان در پی جلب رضایت آنهایند. هر نقطه ای از زمین بر نقطه دیگر آن اظهار فخر و غرور کند و گوید: امروز مردی از یاران قائم بر من گام نهاد " (۳)

و نیز از آن بزرگوار نقل شده است که فرمود:

" چون قائم قیام کند، به هر منطقه ای شخصی را (بعنوان نماینده) اعزام کند و گوید دستور العمل تو در دست توست، چنانچه امری برایت پیش آید که آن را نفهمی و حکمش را ندانی به دست خود بنگر و بر طبق آنچه میبینی عمل کن " (۴)

۱- ۱. کمال الدین صدوق: ۲ / ۶۷۴.

۲- ۲. کمال الدین صدوق ص ۵۶۵.

۳- ۳. بحار: ۵۲ / ۳۲۷.

۴- ۴. غیبت نعمانی ص ۳۱۹.

ممکن است این جریان به صورت اعجاز و کرامت برای آنان اتفاق افتد و یا بر اساس قواعد علمی یا ابزار پیشرفته آن روز انجام پذیرد.

حکومتی گسترده تر از حکومت سلیمان و ذوالقرنین

از روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام استفاده میشود که حکومت جهانی آن حضرت از فرمانروائی سلیمان و ذو القرنین علیه السلام با عظمت تر است. برخی روایات بر این موضوع صراحت دارند، مانند روایتی که از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: " قلمرو فرمانروائی ما از فرمانروائی سلیمان بن داوود و سلطنت ما از سلطنت او بزرگتر است ".

روایت بعدی حاکی از این است که ابزار و وسائلی در اختیار آن حضرت خواهد بود که در اختیار ذو القرنین نبوده است. بعلاوه بر اساس روایات، میراث تمام پیامبران و از جمله میراث سلیمان در اختیار او قرار دارد و دنیا نزد او همچون کف دست او خواهد بود.

قلمرو حکومت حضرت سلیمان علیه السلام از یک طرف شامل فلسطین و سرزمین شام بود اما مصر و ماورای آن یعنی قاره آفریقا را در بر نمیگرفت، از سمت دیگر یمن را در بر میگرفت ولی به هند و چین و سایر کشورهای آن منطقه نمیرسید. حتی طبق روایات شهر استخر واقع در جنوب ایران نیز خارج از حیطه فرمانروائی سلیمان بوده است، در حالی که حکومت حضرت مهدی علیه السلام سراسر جهان را فرا میگیرد بگونه ای که هیچ مکانی نمیماند مگر آنکه در آن شهادت به یگانگی خدا و گواهی به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله داده شود و روی زمین ویرانه ای نماند مگر آنکه آباد گردد.

علاوه بر آن، امکاناتی که در اختیار امام زمان علیه السلام است بیش از امکاناتی است که خدای سبحان در اختیار حضرت سلیمان قرار داد چه آنهائی که معجزه آسا و با

عنایت الهی در اختیار وی قرار میگیرد و چه آنهائی که به خاطر پیشرفت علوم و

بهره برداری از امکانات طبیعی به دست میآید.

ص: ۳۴۴

اما از نظر دوران حکومت، طبق روایات و گفته مورخان فرمانروائی سلیمان علیه السلام حدود نیم قرن طول کشید و پس از وفات او در سال ۹۳۱ قبل از میلاد، حکومتش به انحراف گرائید و دچار دو دستگی شد و بین دو بخش قدس و نابلس جنگ درگرفت.

اما حکومت جهانی حضرت مهدی عجّل الله فرجه الشّریف چه در زمان حیات آن حضرت و چه پس از او تا پایان دنیا استمرار خواهد داشت و دولتی بعد از دولت او برپا نخواهد شد و به احتمال زیاد فرزندان او که ادامه دهندگان راه آن حضرتند به حکومت میرسند، سپس بعضی پیامبران و امامان اهل بیت علیهم السلام به دنیا باز میگردند و تا پایان این جهان حکمرانی میکنند.

راه یافتن امام زمان علیه السلام به سرزمین های هفتگانه

درباره راه یافتن حضرت به سرزمین های هفتگانه عالم احادیث و نشانه های فراوانی وجود دارد و گویاترین آنها حدیثی است که قبلا از امام محمد باقر علیه السلام نقل کردیم:

" ذو القرنین در انتخاب دو ابر رام و سرکش آزاد گذاشته شد و او ابر رام را برگزید و ابر سرکش را برای مولای شما (امام زمان) ذخیره کرد. راوی پرسید: ابر سرکش چیست؟ فرمود: ابری که در آن رعد و صاعقه یا برق وجود دارد و مولایتان بر آن سوار شود، آگاه باشید که او بر ابرها سوار میشود و با وسایل بالا میرود. وسایل آسمان ها و سرزمین های هفتگانه که پنج منطقه آن آباد و دو منطقه آن ویران است " (۱)

و در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود:

" خداوند ذو القرنین را در انتخاب دو ابر رام و سرکش آزاد گذشت و او ابر رام را انتخاب کرد که رعد و

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۲۱.

برقی در آن نبود و اگر ابر سرکش را برمیگزید به او داده نمیشد زیرا خداوند آن را برای قائم ذخیره کرده است " (۱)

این روایت به روشنی بیان میکند که آن حضرت از وسیله های گوناگون و ابزارهای ویژه در بالا رفتن و حرکت بین ستارگان آسمانها و جهان بالا استفاده میکند. ابرهائی که دارای صاعقه و رعد و برق اند در اختیار اوست و با این وسائل بالا میرود، وسایلی برای سفر به آسمانها و زمین. آسمانهای هفتگانه و زمین های ششگانه ای غیر از کره زمین

معنی روایت این نیست که فقط آن حضرت از ابزارهای فضاپیما و سفینه آسمانی استفاده کند بلکه چه بسا در عصر آن حضرت پیشرفت علوم بگونه ای گردد که سفر به کرات آسمانی و سرزمین های دیگر، همچون مسافرت در عصر ما از قاره ای به قاره دیگر باشد.

همچنین کلام امام به این نکته اشاره میکند که پنج کره زمین و یا پنج سرزمین و آسمان آباد و مسکونی وجود دارد و ارتباط با جوامع آنها به زودی انجام خواهد گرفت. بر اساس روایات متعدد، کرات زیادی در آسمانها وجود دارد که آباد و دارای جوامعی از مخلوقاتی غیر از انسان، فرشته و یا جن هستند. علامه مجلسی مجموعه ای از این روایات را در بحار الانوار آورده است، همچنانکه شماری از آیات قرآن نیز بر امکان حیات در کرات دیگر دلالت دارد از آن جمله آیه شریفه ای است که میفرماید:

" ای گروه جن و انس، اگر میتوانید به اعماق آسمانها و زمین راه یابید، پس اقدام کنید ولی موفق به این نفوذ نمیشوید مگر با قدرت " (۲)

۱- ۱. بحار: ۵۲ / ۳۲۱.

۲- ۲. رحمان / ۲۳ - ۲۴.

آری به زودی زندگی روی زمین در دوران حضرت مهدی علیه السلام وارد مرحله جدیدی میشود که به کلی با گذشته ها متفاوت است. و در اینجا فرصت توضیح بیشتر پیرامون آن وجود ندارد.

راه یافتن به جهان آخرت و بهشت

از عمیق ترین حرکت هایی که جهان ما در زمان، مکان و اشیائش با آن روبروست، حرکت جهان ماده به سوی عالم غیب و یا بر عکس آن است که قرآن و اسلام از آن پرده برمیدارد و بر اهمیت و هماهنگی آن تأکید میورزد و این حرکت را بازگشت انسان به سوی خدا و رویاروئی با قدرت او و یا رفتن به سوی ملأ اعلی و آخرت مینامد و نسبت به ما، آن را فرا رسیدن قیامت و رستاخیز میخواند زیرا با کشف عالم آخرت، بین جهان ما و جهان گسترده غیب که از دید ما پنهان است، وحدت و یکپارچگی بوجود میآید; و این مجموعه برای ما تبدیل به عالم واحد میگردد.

نقطه اوج این حرکت نسبت به انسان، مرگ است. مرگ از دیدگاه اسلام ورود به زندگی گسترده تر است نه فنا و نیستی، آنچنانکه برخی تصور میکنند. و اوج آن نسبت به جهان هستی، قیامت است و اتحاد دو جهان ماده و غیب.

در قرآن و سنت آمده است که رستاخیز و قیامت دارای مقدمات و نشانه هایی پی در پی است که در زمین و آسمان و جامعه بشری پدید میآید و حکومت مهدی علیه السلام آخرین و بزرگترین مرحله حرکت جهان مادی قبل از برپائی رستاخیز الهی است. اکنون ببینیم رستاخیز چگونه آغاز میگردد؟

به نظر میرسد که دستیابی به جهان بالایی که روایات، از آن سخن میگویند و در زمان حضرت مهدی علیه السلام عملی میگردد، مقدمه ای بر راهیابی به سوی جهان

آخرت و بهشت است. بنابراین روایاتی که درباره رجعت و بازگشت عده ای از

ص: ۳۴۷

پیامبران و امامان علیهم السلام به زمین و حکمرانی آنها بعد از مهدی علیه السلام سخن گفته و نیز

آنچه در آیات متعدد، تفسیر به " رجعت " شده، مراد، همین مرحله است و اعتقاد

به رجعت هر چند از ضروریات اسلام نیست اما روایات مربوط به آن به حدی زیاد

و مورد وثوق است که اعتقاد به آن را ضروری میکند.

طبق برخی روایات، رجعت، پس از حکومت حضرت مهدی علیه السلام و پس از

حکومت یازده مهدی دیگر، آغاز میگردد، امام صادق علیه السلام فرمود:

" همانا بعد از قائم، یازده مهدی از فرزندان حسین علیه السلام از ما اهل بیت اند " (۱)

اینک به چند نمونه از روایات مربوط به رجعت اشاره میکنیم:

در تفسیر این آیه که میفرماید " آن خدایی که (ابلاغ) قرآن را بر تو واجب کرد، البته تو را به

وعده گاه بازگرداند " (۲) امام زین العابدین علیه السلام فرمود: " پیامبر شما به سوی شما بازمیگردد " (۳)

ابو بصیر گفت: امام باقر علیه السلام به من فرمود:

" آیا اهل عراق منکر رجعت اند؟ گفتم: آری، فرمود: مگر قرآن نمیخوانند؟! (۴)

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام درباره این آیه سؤال کردند که میفرماید

" روزی که از هر امتی، گروهی را از خاک برانگیزیم... " حضرت فرمود:

" مردم درباره آن چه میگویند؟ عرض کردم میگویند آیه راجع به قیامت است، فرمود: آیا خداوند در

قیامت از هر امتی دسته ای را زنده میکند و بقیه را به حال خود رها میسازد؟! این آیه قطعا در مورد رجعت

است و آیه مربوط به قیامت این است: جملگی آنها را محشور گردانیدم بی آنکه کسی را فرو گذاریم و... " (۵)

۱- ۱. غیبت طوسی ص ۲۲۹.

۲- ۲. قصص: ۸۵.

۳- ۳. بحار: ۵۳ / ۵۶.

۴- ۴. بحار: ۵۳ / ۴۰.

۵- ۵. بحار: ۵۳ / ۵۰.

زراره میگوید: از امام صادق درباره مسائل مهمی چون رجعت سؤال کردم

حضرت فرمود:

" زمان آنچه میپرسید هنوز فرا نرسیده، سپس این آیه را تلاوت فرمود: (بلکه آنها تکذیب کردند

آنچه را که احاطه علمی به آن نداشتند و تأویل آن برایشان نیامده) (۱) "

برخی روایات میگویند: رجعت پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از رجعت امامان علیهم السلام است و

نخستین کسی که به دنیا بازمیگردد امام حسین علیه السلام است، چنان که امام صادق علیه السلام

فرمود:

" نخستین کسی که به دنیا بازگردد، حسین بن علی علیه السلام است، او آنقدر فرمانروائی کند که (در اثر

پیری) ابروانش روی چشمانش فرو افتد " (۲)

و در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده که فرمود:

" رجعت، همگانی نیست بلکه مربوط به افراد خاصی است، زیرا بازگشت نمیکنند (به دنیا) مگر

مؤمنان محض و یا مشرکان محض " (۳)

* *

۱- ۱. بحار: ۵۳ / ۴۰ و آیه مذکور: یونس / ۳۹.

۲- ۲. بحار: ۵۳ / ۴۶.

۳- ۳. بحار: ۵۳ / ۳۹.

حضرت مهدی علیه السلام از نگاه شیعه

اشاره

اعتقاد به امامت امامان دوازده گانه اهل بیت علیهم السلام از اصول مذهب و از محورهای اساسی عقاید ما شمرده میشود و بدین سبب است که مذهب ما بنام " امامیه، تشیع و مذهب اهل بیت " خوانده میشود و پیروان آن را " دوازده امامی یا شیعیان اهل بیت " مینامند.

به اعتقاد ما نخستین امام معصوم جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آنان حضرت مهدی علیه السلام امام منتظر محمد بن حسن عسکری علیه السلام است که در سال ۲۵۵ هجری در سامرا، دیده به جهان گشود. آنگاه خداوند عمر او را طولانی گرداند و از دیده ها پنهان داشت تا روزی که وعده خود را قطعی نموده و آن بزرگوار را ظاهر و بوسیله او آئین اسلام را به تمام ادیان پیروز و غالب و جهان را پر از عدل و داد سازد همچنانکه از ظلم و جور پر شود.

بنابراین، اعتقاد به اینکه مهدی موعود علیه السلام امام دوازدهم، زنده و غایب است، جزئی از مذهب ما شمرده میشود و بدون آن نمیتواند یک مسلمان، شیعه دوازده امامی محسوب شود بلکه جزو یکی از فرقه های سنی یا زیدی و یا اسماعیلی به حساب خواهد آمد.

البته برخی از برادران مسلمان، عقیده ما به امامت پیشوایان و عصمت آنان و

غیبت حضرت مهدی را کمی دور از واقع میپندارند، حال آنکه معیار صحت یک عقیده در امور ممکن، بعید شمردن و یا نیکو شمردن آن نیست، بلکه معیار، وجود دلیلی روشن و یا روایتی از ناحیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای اثبات چنین مواردی است. بر اساس مدارک موجود نزد شیعیان، روایاتی که روشنگر امامت و غیبت حضرت مهدی علیه السلام است، بسیار فراوان و از نظر سند قطعی و صحیحند. و هر گاه مطلبی با دلیل محکم یا روایت صریح و صحیحی ثابت شد شخص مسلمان مکلف است آن را بپذیرد و نسبت به آن تسلیم باشد و این وظیفه دیگران است که یا سخن او را بپذیرند و یا او را قانع سازند، چه خوب گفته گوینده این عبارت:

ما پیرو دلیلیم * به هر سوئی گراید میگرائیم

برادران سنی ما هر چند در تطبیق مهدی موعود بر امام محمد بن حسن عسکری علیه السلام با ما وحدت نظر ندارند، اما تقریبا در تمام روایاتی که درباره وی آمده با ما هم عقیده اند، نظیر بشارت به قیام او و حرکت ظهور و تجدید بنای اسلام به دست آن بزرگوار و جهانی بودن حکومتش. اکنون بسیاری از روایات مربوط به امام زمان عجّل الله فرجه الشّریف در منابع شیعه و سنی یکسان و یا شبیه به یکدیگر است همچنانکه در فصل های گذشته ملاحظه کردید و بخشی از آن در فصل بعد از نظرتان خواهد گذشت.

در عین حال عده ای از علمای سنی مانند ابن عربی، شعرانی و دیگران با ما هم عقیده اند که حضرت مهدی علیه السلام همان امام محمد بن حسن عسکری علیه السلام است. این گروه از علماء سنی به نام و نسب آن حضرت تصریح کرده و او را زنده و غایب میدانند. نویسنده کتاب " مهدی موعود " اسامی جمعی از این علما را نقل کرده

است.

دانشمندان و دست اندرکاران جنبش های اسلامی، باید از این اشتراک عقیده

ص: ۳۵۲

درباره مهدی علیه السلام که میان تمام مسلمانان وجود دارد بنحو شایسته ای استفاده کنند، چرا که این باور تأثیری حیات بخش در بالا بردن سطح ایمان توده های مسلمان، به غیب و به وعده نصرت الهی خواهد داشت و روح استقامت و سازش ناپذیری آنان را در برابر دشمن بالا برده و برای یاری پیشوای موعودشان مهیا خواهد ساخت.

مسأله انطباق مهدی موعود علیه السلام بر امام محمد بن حسن عسکری علیه السلام که نزد جمعی از برادران سنی ما هنوز به اثبات نرسیده، نباید سبب انتقاد آنان از کسانی شود که قائل به این عقیده اند.

البته هدف ما در اینجا مطرح ساختن بحث کلامی در اعتقاد شیعیان به حضرت مهدی علیه السلام نیست. بلکه هدف ارائه تصویری از روح پر احساسی است که مجامع و محافل شیعی با آن مأنوس اند، اندیشه ای که در دل و جان شیعیان و با تربیت پدران و مادران در خلال نسل ها توانسته است گنجینه عظیمی از محبت، احترام و انتظار ظهور آن امام موعود را بوجود آورد.

از این رو به اعتقاد ما حضرت مهدی ارواحنا فداه بقیه الله در زمین و برخاسته از خاندان نبوت و خاتم اوصیاء و امامان علیهم السلام و امانتدار الهی قرآن و وحی و پرتو افشان نور خدا در زمین محسوب میگردد. تمام ارزش ها و الگوهای اسلام در شخصیت وی تبلور یافته و امتداد شعاع و پرتو نور رسالت است.

غیبت او دارای مفاهیم بلندی از اسرار و حکمت الهی و نشانگر مظلومیت پیامبران، امامان اهل بیت علیهم السلام، اولیاء و مؤمنینی است که توسط حاکمان ستمگر و سلاطین جور از حقوق مسلم خود محروم گشتند. تمام آمال و آرزوهای مؤمنان عالم با وعده پیامبر صلی الله علیه و آله به ظهور مقدس آن حضرت جوانه میزند و دل های غمزده

آنان به شور و نشاط میگراید و درفش اسلام همواره با دستانشان در اهتزاز میماند، هر چند تندبادهای مخالف بوزند و راه طولانی باشد. چرا که آنان با صاحب آن

پرچم، عهد و میثاقی جاودانه بسته اند.

اگر چه شیعه به خاطر وابستگی به پیامبر و اهل بیت، از سرمایه ای معنوی، غنی و سرشار بهره مند است; اما شخصیت امام زمان و ظهور موعود او با تمام جاذبه های ویژه اش نقشی حیات بخش در ایجاد روح امید، مهر و عاطفه شیعی ایفا میکند.

گروهی از اینکه شیعه نسبت به علمای خود احترام فراوان قائل است انتقاد میکنند. در حالی که گروهی دیگر آن را مورد تقدیر قرار میدهند، شگفتی و انتقاد زمانی افزایش مییابد که میبینند شیعه به مرجع تقلید خود بعنوان نائب امام مهدی علیه السلام احترام و تعظیم نموده و مقید به فتوای اوست. اما هنگامی که این رابطه به امامان معصوم علیهم السلام میرسد، عده ای ما را به غلو و گزافه گوئی متهم میسازند و حتی برخی راه افراط در پیش گرفته و به شیعیان چنین نسبت میدهند که آنان، پیامبر صلی الله علیه و آله، امامان علیهم السلام و مراجع را به درجه خدائی رسانده و آنها را میپرستند. به خدا پناه میبریم از این اتهامهای ناروا!

ولی مشکل، تنها احترام شدید شیعه و تقدیس و اطاعت آنان از علمای ربانی و پیشوایان معصوم نیست، بلکه مشکل اصلی این است که همه ما واقعا از دیدگاه اسلام نسبت به انسان فاصله داریم، برای روشن شدن موضوع، به سراغ قرآن میرویم تا نگاهی به ارزیابی این کتاب آسمانی از شخصیت انسان داشته باشیم:

قرآن کریم در این راستا سه دیدگاه در مقابل ما قرار میدهد: نخست دیدگاه جاهلی است که در آیات مربوط به افراد بی تمدن و کسانی که پیامبر را از پشت دیوار صدا میزدند مطرح شده است. دیدگاه دوم که یک نگاه کاملا مادی است. در آیات

مربوط به دشمنان پیامبران و صاحبان تمدن های الحادی، مورد ارزیابی قرار گرفته و

دیدگاه سوم دیدگاه اسلامی است که در آیات مربوط به احترام انسان و رهنمونی او

ص: ۳۵۴

به عالم خرد، معنویت و عمل، مورد توجه قرار گرفته است.

به اعتقاد من، جهان اسلام هم اکنون تحت تأثیر فرهنگ جاهلی از یک سو و فرهنگ مادی غربی از سوی دیگر قرار دارد و تسلط این دو فرهنگ، نگاهی انحرافی در وجود ما نسبت به انبیاء، پیشوایان، اولیاء، شهیدان، مؤمنان و نسبت به توده ها و ملت های اسلامی و حتی نسبت به خود ما ایجاد کرده است.

به راستی انحطاط فرهنگی و تسلط فرهنگ غرب بر جوامع ما، شرائط دشواری از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایجاد کرده است، فرهنگی که بر اساس آن، حتی خود انسان مسلمان، از احترامی برخوردار نیست. پس چگونه میتوان به حفظ حرمت سایر ابعاد وجودی وی امیدوار بود؟!

همچنانکه این فرهنگ، اندیشه ما را نیز به سوی اندیشه دوران جاهلیت سوق داده و پیوسته ما را به طرف سطحی نگری و جدا دیدن اشیاء و وقایع عالم از یکدیگر کشانده و با هرگونه تفکر عمیق و پیوستگی عوامل عالم دشمنی دارد. از این رو نگاه ما به مسائل پیرامون خود، نگاهی تک بعدی شده و همه چیز را به شکل سفید یا سیاه میبینیم و حاضر نیستیم در لحظه واحد حالت های ترکیبی و نسبی را مشاهده کنیم، یا در دل خود نوعی خاص از مهر و عاطفه را میپسندیم و اجازه نمیدهیم سینه ای مالامال از عواطف و احساسات گوناگون را به همراه داشته باشیم به همین خاطر در مورد پیشوایان و پیامبران الهی نیز تنها ظاهر حال آنان را ملاحظه میکنیم و از درک کمالات والای معنوی و جهان عقلانی متعالی آنان غافلیم. حال اگر کسی بخواهد دیدگاه انحرافی خود را اصلاح کرده و برای آن همه فضیلت و بزرگی احترام قائل شود او را افراطی مینامیم و اگر عقل و دلش به خاطر درک آن ابعاد گوناگون

معنوی و عقلانی بتپد، او را دیوانه و منحرف میخوانیم.

این ماجرا وقتی به اوج حساسیت خود نزدیک میشود که بخواهیم به این

احترام و قداست لباس مذهب بپوشانیم چرا که با دیدگاه انحرافی، چنین به نظر میرسد که تقدیس و احترام اولیاء، امامان و پیامبران با تقدیس و احترام ذات مقدس خداوند و توحید او منافات دارد. چرا که از نظر این افراد، امامان و پیامبران هم فقط بشرند و نه چیز دیگر. آری اگر با دیدگاه خشک و جاهلی به دنیای پیرامون خود بنگریم، همه انسانها از جمله انبیاء و اولیاء خدا را نیز باید همچون مشتی خاک بیابان ببینیم. گویا در این عالم دو چیز بیشتر نباید باشد یا ریگهای بیابان یا آسمان، با این دیدگاه سخن گفتن از باغ ها، رودها، دره ها و کوهها سخنی بیهوده است، چرا که جهان یا زمینی زمینی ست که خاک است و یا آسمانی آسمانی، که خداوند است! گویا مثل نور الهی که قرآن برای ما بیان کرده " مثل نوره کمشکاه فیها مصباح " (یعنی: مثل نور خدا همچون چراغدانی است که درون آن چراغی قرار دارد...) در کره زمین وجود ندارد و مربوط به این اولیاء الهی نیست!

من معتقدم هر چه آگاهی فلاسفه، متفکران و دانشمندان بیشتر شود، ابعاد جدیدی از کلمات پیامبر و اهل بیت کشف و ارزش کلام و شخصیت این بزرگان بیشتر آشکار شده و معلوم میشود که شخصیت معصوم را باید تنها با کلام معصوم شناخت. این نکته صحیح است که خداوند به پیامبرش میفرماید: بگو من هم مانند شما بشر هستم " قل إنما أنا بشر مثلكم يوحى إلى إنما إلهكم إله واحد " یعنی بگو من هم مثل شما بشرم – ولی – بر من وحی میشود که خدای شما خدایی واحد است) اما با این بیان قرآن، مطلب دیگری نیز روشن میشود و آن اینکه پیامبر خود، از یک نظر، مثل ما بشر است و از یک نظر مثل ما نیست یعنی شخصیت او مرکب از دو ویژگی ست یکی ویژگی بشری که با آن میتواند با مردم معاشرت کند و دیگری

ویژگی غیبی که بوسیله آن علم و وحی را از خداوند جهان دریافت میکند.

حال، آیا جز با کلام معصوم که پنجره ای از غیب به رویش گشوده است،

ص: ۳۵۶

میتوان به ویژگی غیبی شخصیت پیامبر دست یافت؟ اگر خداوند در قرآن، پیامبر را مثل سایر افراد بشر معرفی کرده یعنی او مثل شما در محیط زندگی شما حضور دارد، با افکار و احساسات شما آشناست و مشکلات شما را به صورت کامل درک میکند. نه اینکه او هم انسانی ست در سطح فکر و احساس ما. چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله از افق فکری و احساسی بسیار عمیق و دقیقی برخوردار است که دستیابی به آن برای سایر افراد بشر امکان پذیر نیست، همانگونه که شخصیت وجودی او نیز به هیچ وجه در حد افراد مادی جامعه ما قرار ندارد. بنابراین، پیامبر خدا به جهت برخورداری از دقت فوق العاده فکر و احساس و به جهت ارتباط مستقیم با عالم غیب، هرگز مثل ما نیست.

پس هیچ بعدی از ابعاد شخصیت ما، مثل شخصیت پیامبر خدا نیست تا بتوانیم بوسیله آن، به حقیقت شخصیت آن حضرت پیببریم. برای ما همین نکته در ارتباط با شخصیت امامان معصوم اهل بیت نیز مطرح است.

از اینجا درمییابیم که چرا خداوند در آیه مزبور لفظ بشر را برای مثل بودن به کار برد و از لفظ انسان، بهره نگرفت.

به اعتقاد من، اکنون زمان آن رسیده که ما، هویت اسلامی و انسانی خود را بعنوان یک مسلمان بازشناسی کنیم و از نو پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام خود را دریابیم و دیدگاه خشک، سطحی و جاهلانه ای را که گروه های وهابی نما در شناخت پیامبر و آل او صلوات الله علیهم اجمعین ترویج مینمایند، رها نماییم و به گونه ای به این خاندان پاک بنگریم که سزاوار شخصیت الهی و مقامات عالیه آنهاست تا دلهای ما بار دیگر معدن و مخزن محبت عشق مقدس آنان گردد و راه عشق و محبت بزرگتر

نسبت به مولای آنان و مولای ما یعنی خداوند در دلها باز شود.

کسی که به خاطر وجود درختان از دیدن جنگل بازمانده نباید آن را که درخت،

جنگل، کوه ها و آسمان ها را با هم میبیند تخطئه نماید!

کسی که تقدیس و تکریم انبیاء و ائمه علیهم السلام و حرکت در فضای معنوی آنان را با

تقدیس و توحید خداوند در تضاد میبیند نباید بزرگداشت آنان را بگونه ای که شرع

اجازه فرموده، تخطئه کند، چرا که تعظیم انبیاء و اولیاء راهی برای تنظیم زندگی و

هموار ساختن راه تعظیم، تقدیس و تسبیح خداوندی است که مثل و مانند نداشته

و بلند مرتبه است.

مقام حضرت مهدی علیه السلام در پیشگاه پروردگار

پیش از طرح روایت ها، دعاها و زیارتهایی که بیانگر اعتقاد و احساس ما نسبت

به امام زمان است، جا دارد برخی روایات را که نشانگر مقام و مرتبه آن بزرگوار در

پیشگاه خداوند است یادآور شویم. در منابع شیعه و سنی آمده که مقام و منزلت

امام زمان عجّل الله فرجه الشّریف در پیشگاه خداوند بس بزرگ و رفیع است، او از سروران اهل

بهشت و طاووس بهشتیان است. برخوردار از نور الهی و الهام گیرنده و هدایت شده

از سوی خداوند است، هر چند که پیامبر نیست، خدای سبحان کرامت ها

و معجزات فراوانی بدست او جاری میسازد.

حدیث معروفی که علماء شیعه و سنی آن را معتبر و صحیح دانسته اند،

میگوید که آن حضرت در صفوف پیامبران و رسولان صلوات الله علیهم جای دارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

" ما فرزندان عبد المطلب، سروران اهل بهشتیم، من، حمزه، علی، حسن، حسین و مهدی " (۱)

در منابع ما روایات مشروحی در فضائل امامان دوازده گانه علیهم السلام و مقام والای آنان

۱- ۱. غیبت طوسی ص ۱۳ و صواعق ابن حجر ص ۱۵۸.

نزد پروردگار و از جمله روایت هایی ویژه مقام حضرت مهدی منتظر ارواحنا فداه

وارد شده که بیانگر این صفات حضرت است: او نور خدا روی زمین، حجت خدا

بر خلق، قائم به حق، جانشین خدا در زمین، شریک قرآن در لزوم اطاعت، معدن

علم الهی و گنجینه سر خداوند است. علماء در کتب عقاید، تفسیر و حدیث

صفات دیگری برای حضرت بیان کرده اند و بیشتر آنان معتقدند که او بر سایر امامان

بعد از امیر مؤمنان و حسن و حسین علیهم السلام فضیلت دارد، که در این باره روایتی نیز

آمده است.

نزد سنی ها نیز برتری آن حضرت بر ابوبکر و عمر مورد تأکید قرار گرفته. در

همین رابطه از ابن سیرین سؤال کردند:

" مهدی بهتر است یا ابوبکر و عمر؟ گفت: (مهدی) از آن دو بهتر و با نبی همطراز است " (۱)

دیدگاه امامان علیهم السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام

جالب است بدانیم که امامان علیهم السلام ما پیشگام در بیان عواطف و اشتیاقشان نسبت

به حضرت مهدی علیه السلام هستند، چرا که آنان با ایمان به وعده پیامبر و قبل از ولادت

مهدی علیه السلام نسبت به فرزند موعود خود و آنچه در آینده بدست او انجام خواهد گرفت

آگاهی داشتند. اینک به ذکر سخنانی از امیر مؤمنان و امام صادق (علیهما السلام) توجه کنید.

حضرت علی علیه السلام فرمود:

" هان آگاه باشید که مثل اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله بسان ستارگان آسمان است که هرگاه ستاره ای غروب کند

ستاره ای دیگر طلوع نماید. گویا میبینم نعمت های الهی بر شما تمام شده و شما به آرزوهای خود دست

یافته اید " (۲)

۱- ۱. ابن حماد ص ۹۸.

۲- ۲. نهج البلاغه خطبه ۱۰۰.

" به اهل بیت پیامبر خود بنگرید، اگر سکوت کردند سکوت کنید و اگر از شما یاری خواستند یاریشان کنید تا خداوند ناگاه بواسطه مردی از ما اهل بیت علیهم السلام گشایشی بوجود آورد. پدرم فدای آن فرزند بهترین کنیزان که جز شمشیر به آنها (دشمنان) چیزی عطا نکند و به کشتار و نابودی آنان پردازد و هشت ماه سلاح بر دوش (مبارزه کند) تا جائی که قریش گویند اگر این شخص از فرزندان فاطمه میبود به ما رحم میکرد ".

" او هدایت الهی را بر خواسته های خود حاکم گرداند، آنگاه که دیگران هوای نفس خود را بر هدایت الهی ترجیح دهند و قرآن را ملاک و معیار اندیشه و عمل قرار دهد، آنجا که دیگران قرآن را به رأی و نظر خویش تفسیر کنند. زمین پاره های دل خود (معادن و ذخائر) را برای او خارج سازد و کلیدهایش را تسلیم او نماید. آنگاه وی شیوه عدالت و راه و رسم پیامبر را به شما نشان دهد و کتاب و سنت را که پیش از او متروک و فراموش گردیده زنده نماید " (۱)

" ردای حکمت بر تن کند زیرا حکمت را با همه آداب و با توجه و عنایت قلبی فرا گرفته. حکمت گمشده اوست و او در طلب حکمت و جویای آن. هنگامی که اسلام غریب شود و همچون شتری خسته، گردن خود را بر زمین بگذارد، امام احساس غربت و دلتنگی کند. او حجت باقی مانده خداوند و جانشینی از جانشینان پیامبران اوست " (۲)

از سدیر صیرفی نقل شده که گفت: من و مفضل بن عمر و ابو بصیر و ابان بن

تغلب حضور امام صادق علیه السلام رسیدیم، حضرت با ردای خیبری طوق دار بی یقه و

آستین روی خاک نشسته بود و با حالتی پریشان و دلی سوزان میگریست، غم و

اندوه در چهره اش نمایان و دگرگونی در سیمایش هویدا و اشک در دیدگان مبارکش

حلقه زده و میگوید: ای سرور من، غیبت تو، خواب از من ربوده و بستر زمین را بر من تنگ کرده و

آرامش قلبم را از دستم گرفته. سرور من، غیبت تو مصیبتهایم را جاودان ساخته و از دست دادن یک یک

۱- ۱. نهج البلاغه خطبه ۱۳۸.

۲- ۲. نهج البلاغه خطبه ۱۸۲.

(امامان) جمع ما را از میان برده. گمان نمیکنم اشکهای چشمم خشک و ناله سینه ام آرام گیرد...

سدیر گفت: با مشاهده این سخنان هولناک و صحنه ناگوار حیران و مبهوت

شدیم و قلبمان بیقرار و پریشان گشت و گمان بردیم که به آن حضرت بلائی

خطرناک یا آفتی ناگوار رسیده، عرض کردیم: ای فرزند بهترین خلق خدا، دیدگان

شما هرگز اشکبار نگردد، کدام حادثه این گونه دیدگانتان را گریان ساخته و چه

پیشامدی شما را بدین ماتم نشانده؟

امام علیه السلام آهی دردناک همراه با نگرانی از سینه برآورد و فرمود:

" وای بر شما، صبح امروز به کتاب جفر نظر کردم و آن کتابی است در بر دارنده مرگها، بلاها و

مصیبت ها و علم بر گذشته و آینده تا روز قیامت که خداوند این علم را به محمد صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام بعد از او

اختصاص داده است، در این کتاب ولادت قائم ما اهل بیت و غیبت او و طولانی شدن آن و طول عمر وی و

گرفتاری مؤمنان در آن زمان و پیدایش شک و تردید از طولانی شدن غیبت قائم و برگشتن بیشتر آنان از

دین و دست کشیدن از دیانت اسلام را مشاهده کردم، در حالی که خداوند سبحان میفرماید: " ما مقدرات

و نتیجه کردار نیک و بد هر انسانی را به گردنش افکندیم " ناگاه دلم شکست و غم و اندوه بر من چیره

گشت. "

عرض کردیم: ای فرزند رسول خدا! تقاضا داریم شمه ای از آنچه میدانید بر ما

بازگوئید. فرمود: " خداوند در قائم ما سه ویژگی قرار داده که قبلا در سه پیامبر قرار داده بود: ولادت او

را همچون ولادت موسی علیه السلام مخفی کرده و غیبت او را چون غیبت عیسی علیه السلام مقدر ساخته و پیروزی او بر

مخالفان را همچون پیروزی نوح به تأخیر انداخته و پس از آن عمر بنده شایسته خود یعنی خضر علیه السلام را

دلیلی بر امکان طول عمر او قرار داده است ".

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله این مطالب را برای ما بیشتر باز کنید.

فرمود: " اما ولادت موسی، وقتی فرعون پی برد که فرمانروائی او بدست موسی علیه السلام نابود خواهد شد، کاهنان را احضار کرد. آنها نسب و نژاد حضرت را برای فرعون مشخص کرده و گفتند: او از بنی اسرائیل

است. فرعون دستور داد شکم زنان باردار بنی اسرائیل را بشکافند (تا مانع تولد او گردند) تا آنکه بیش از بیست هزار نوزاد را بدین سان سربریدند ولی هرگز به او دست نیافتند، چرا که خداوند حفاظت او را اراده کرده بود ". همچنین بنی امیه و بنی عباس وقتی فهمیدند زوال حکومت و نابودی فرمانروایان و جباران آنها بدست قائم علیه السلام ما است به دشمنی با ما برخاستند و به روی اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله شمشیر کشیدند و به امید دست یا بی بر قائم علیه السلام کمر به نابودی ذریه پیامبر بستند. ولی خداوند اجازه نداد که ماجرای او بر ظالمی آشکار شود تا آنکه نور خود را کامل گرداند هر چند بر مشرکان ناگوار آید.

اما در ماجرای غیبت عیسی علیه السلام، یهود و نصاری جملگی بر آنند که وی کشته شده ولی خداوند آنان را در قرآن تکذیب نمود آنجا که میفرماید: " آنها نه او را کشتند و نه بر دار زدند بلکه در این امر به اشتباه افتادند " (۱) غیبت قائم علیه السلام نیز بدینگونه است زیرا امت به سبب طولانی شدن غیبت، آن را انکار نمایند...

و اما داستان طولانی شدن عمر حضرت نوح علیه السلام. وقتی آن حضرت درخواست عذاب از آسمان برای قوم خود کرد، خداوند جبرئیل را با هفت هسته خرما نزد وی فرستاد و گفت: ای پیامبر، خداوند میفرماید: این مردم آفریده ها و بندگان من هستند و من آنها را بوسیله صاعقه آسمانی از بین نمیبرم مگر بعد از ابلاغ دعوت و اتمام حجت، بنابراین دوباره برای دعوت آنها تلاش کن که من بخاطر آن به تو پاداش دهم. این هسته های خرما را به کار که برای تو در روئیدن، رشد کردن و بارور شدن آنها، گشایش و نجات است. پیروان با ایمان خود را نیز به این امر بشارت ده.

درختان خرما روئیدند و مراحل مختلف رشد را سپری کردند و پس از مدتی طولانی به میوه نشستند، نوح علیه السلام از خدا درخواست نمود که به وعده خود وفا کند، اما خداوند (بار دیگر) او را مأمور کرد از هسته های همان نخل ها بکارد و باز صبر و تلاش پیشه سازد و دلیل و حجت را بر قوم خود تمام گرداند. در این هنگام پیروان نوح که به او ایمان آورده بودند از جریان باخبر شدند و سیصد نفر از آنان دست از نوح کشیدند و گفتند: اگر ادعا و دعوت نوح حق بود نباید پروردگارش از وعده خود تخلف میکرد.

۱- ۱. نساء / ۱۵۶.

اما خداوند هفت بار پی در پی او را مأمور کاشتن و بارور ساختن نخل ها نمود و هر بار گروهی از پیروان نوح از دین برگشتند تا آنکه طرفداران او به هفتاد و چند تن رسیدند، در آن هنگام خداوند به او وحی کرد که: ای نوح اینک ظلمت شب به صبح روشن تبدیل گردید و حق و حقیقت آشکار شد و با ارتداد ناپاکان زلال ایمان از کدورت کفر، بازشناخته شد... "

سپس امام صادق علیه السلام افزود: " دوران غیبت قائم بدین گونه طولانی شود تا حق کاملا روشن و صفای ایمان از تیرگی و ناخالصی پاک و جدا گردد " (۱)

امام زمان عجّل الله فرجه الشّریف در دعاها و زیارت ها

" اللهم کن لولیک الحجه بن الحسن، صلواتک علیه و علی آبائه، فی هذه الساعه وفی کل ساعه، ولیا و حافظا وقائدا وناصرا ودلیلا وعینا... حتی تسکنه أرضک طوعا، وتمتعه فیها طویلا "

" اللهم صل علی ولی أمرک، القائم المؤمل، والعدل المنتظر، وحقه بملائکتک المقربین، وأیده منک بروح القدس یا رب العالمین.

اللهم اجعله الداعی إلی کتابک، والقائم بدینک، استخلفه فی الأرض کما استخلفت الذین من قبله. مکن له دینه الذی ارتضیته له. ابدله من بعد خوفه أمنا یعبدک لا یشرک بک شیئا.

اللهم اعزه اعزز به، وانصره وانتصر به، وافتح له فتحا یسیرا، واجعل له من لدنک سلطانا نصیرا.

اللهم أظهر به دینک وسنه نبیک حتی لا یستخفی بشیء من الحق مخافه أحد من الخلق.

اللهم إنا نرغب إلیک فی دوله کریمه، تعز بها الاسلام وأهله، وتذل بها (الکفر) والنفاق وأهله، وتجعلنا فیها من الدعاه إلی طاعتک، والقاده إلی سبیلک، وترزقنا بها کرامه الدنیا والاخره.

اللهم المم به شعثنا، واشعب به صدعنا، وارتق به فتقنا، وکثر به قلتنا، واعزز به ذلتنا، واغن به عائلنا، واقض به عن مغرمنا، واجبر به فقرنا، وسد به خلتنا، ویسر به عسرنا، وبیض به وجوهنا، وفک به اسرنا،

۱– ۱. بحار: ۵۱ / ۲۱۹ – ۲۲۲.

وانجح به طلبتنا، وانجز به مواعيدنا، واستجب به دعوتنا، واعطنا به سؤلنا، وبلغنا به من الدنياوالاخره آمالنا، وأعطنا به فوق رغبتنا.

يا خبر المسؤولين وأوسع المعطين، إشف به صدورنا، واذهب به غيظ قلوبنا، واهدنا بهلما اختلف فيه من الحق بإذنک، إنک تهدى من تشاء إلى صراط مستقيم، وانصرنا به على عدوک وعدونا إله الحق آمين.

اللهم إنا نشكو إليک فقد نبينا صلوات الله عليه وآله، وغيبه ولينا، وكثره عدونا، وقله عددنا، وشده الفتن بنا، وتظاهر الزمان علينا، فصل على محمد وآل محمد، وأعنا على ذلک كله بفتح منک تعجله، وضر تكشفه ونصر تعزه، وسلطان حق تظهره، ورحمه منک تجللناها، وعافيه منک تلبسناها، برحمتک يا ارحم الراحمين.

"... اللهم صل على محمد وعليهم صلاه كثيره دائمه طيبه، لا يحيط بها إلا أنت، ولا يسعها إلا علمک، ولا يحصيها أحد غيرک.

اللهم صل على وليک المحيى سنتک، القائم بأمرک، الداعى اليک، الدليل عليک، وحجتک على خلقک، وخليفتک فى أمرک، وشاهدک على عبادک.

اللهم أعز نصره، ومد عمره، وزين الأرض بطول بقائه.

اللهم اكفه بغى الحاسدين، وأعذه من شر الكائدين، وازجر عنه إراده الظالمين، وخلصه من أيدى الجبارين.

اللهم أعطه فى نفسه، وذريته، وشيعته، ورعيته، وخاصته، وعامته، وعدوه وجميع اهل الدنيا ما تقر به عينه، وتسر به نفسه، وبلغه أفضل أمله فى الدنيا والاخره. انک على كل شیء قدير.

اللهم جذد به ما محى من دينک، وأحى به ما بدل من كتابک، وأظهر به ما غير من حكمک، حتى يعود دينک به وعلى يديه عضا جديدا خالصا مخلصا، لا شک فيه ولا شبهه معه، ولا باطل عنده ولا بدعه لديه.

اللهم نور بنوره كل ظلمه، وهد بركنه كل بدعه، واهدم بعزته كل ضلاله، واقصم به كل جبار، وأخمد بسيفه

كل نار، وأهلك بعد له كل جبار، وأجر حكمه على كل حكم، واذل لسلطانه كل سلطان.

اللهم أذل كل من ناواه، وأهلك كل من عاداه، وامكر بمن كاده، واستأصل من جحد حقه واستهان بأمره،

ص: ٣٦٤

وسعى فى إطفاء نوره، وأراد إخماد ذكره "

"... اللهم لك الحمد على ما جرى به قضاؤك فى أوليائك، الذين استخلصتهم لنفسكودينك، إذ اخترت لهم جزيل ما عند من النعيم المقيم، الذى لا زوال ولا اضمحلال، بعد أن شرطت عليهم الزهد فى درجات هذه الدنيا الدنيه وزخرفها وزبرجها، فشرطوا لك ذلك، وعلمت منهم الوفاء به، فقبلتهم وقربتهم، وقدمت لهم الذكر العلى، والثناء الجلى، واهبطت عليهم ملائكتك وأكرمتهم بوحيك، ورفدتهم بعلمك، وجعلتهم الذرائع إليك، والوسيله الى رضوانك.

فبعض أسكنته جنتك إلى أن أخرجته منها. وبعض حملته فى فلكك ونجيته ومن آمن معه من الهلكه برحمتك. و بعض اتخذته خليلا، وسألك لسان صدق فى الاخرين فأجبته، وجعلت ذلك عليا. وبعض كلمته من شجره تكليما، وجعلت له من أخيه ردءا ووزيرا. وبعض أولدته من غير أب، وآتيته البينات، وأيدته بروح القدس.

وكلا شرعت له شريعه، ونهجت له منهاجا، وتخيرت له أوصياء، مستحفظا بعد مستحفظ، من مده إلى مده، إقامه لدينك، وحجه على عبادك، ولئلا يزول الحق عن مقره، ويغلب الباطل على أهله، ولا يقول أحد: لولا أرسلت الينا رسولا منذرا، وأقمت لنا علما هاديا، فنتبع آياتك من قبل أن نذل ونخرى...

الى أن انتهيت بالامر إلى حبيبك ونجيبك محمد صلى الله عليه و آله فكان كما انتجبته، سيد من خلقته، وصفوه من اصطفيته، وأفضل من اجتبيته، وأكرم من اعتمدته، قدمته على أنبيائك، وبعثته إلى الثقلين من عبادك، واوطأته مشارقك ومغاربك وسخرت له البراق وعرجت به الى سمائك، واودعته علم ما كان وما يكون إلى انقضاء خلقك...

فعلى الأطائب من أهل بيت محمد وعلى صلى الله عليهما وآلهما فليبك الباكون، وإياهم فليندب النادبون، ولمثلهم فلتذرف الدموع، وليصرح الصارخون، ويضج الضاجون، ويعج العاجون.

أين الحسن، أين الحسين، أين أبناء الحسين، صالح بعد صالح، وصادق بعد صادق... أين السبيل بعد

السبيل، أين الخيره بعد الخيره، أين الشموس الطالعه، أين الأقمار المنيره، أين الأنجم الزاهره، أين أعلام الدين، وقواعد العلم...

ص: ٣۶۵

أين بقيه الله التى لا تخلو من العتره الهاديه، أين المعد لقطع دابر الظلمه، أين المنتظر لاقامه الامت والعوج، أين المرتجى لازاله الجور والعدوان، أين المدخر لتجديثد الفرائض والسنن، أين المتخير لاعاده المله والشرعيه، أين المؤمل لاحياء الكتاب وحدوده، أين محيى معالم الدين وأهله، أين قاصم شوكه المعتدين، أين هادم أبنيه الشرك والنفاق.

أين معز الأولياء، ومذل الأعداء، أين جامع الكلم على التقوى، أين السبب المتصل بين أهل الأرض والسماء، أين صاحب يوم الفتح، وناشر رايه الهدى...، أين مؤلف شمل الصلاح والرضا، أين الطالب بدخول الأنبياء وأبناء الأنبياء، أين الطالب بدم المقتول بكربلاء.

بأبى أنت وأمى، ونفسى لك الوقاء والحمى، يابن الساده المقربين، يابن النجباء الأكرمين، يابن الهداه المهتدين يابن الخيره المهذبين...

عزيز على أن أرى الخلق ولا ترى، ولا أسمع لك حسيسا ولا نجوى، عزيز على أن لا تحيط بى دونك البلوى، ولا ينالك منى ضجيج ولا شكوى... بنفسى أنت من مغيب لم يخل منا، بنفسى أنت من نازح لم ينزح عنا...

إلى متى أحار فيك يا مولاى والى متى. وأى خطاب أصف فيك وأى نجوى. عزيز على أن أجاب دونك وأناغى. عزيز على أن أبكيك ويخذلك الورى عزيز على أن يجرى عليك دونهم ما جرى. هل من معين فأطيل معه العويل والبكاء. هل من جزوع فأساعد جزعه إذا خلا. هل قذيت عين فساعدتها عينى على القذى. هل إليك يابن أحمد سبيل فتلقى هل يتصل يومنا منك بعده فنحظى... ترى أترانا نخف بك وأنت تام الملا، وقد ملأت الأرض عدلا، وأذقت أعداءك هوانا وعقابا... واجتثث اصول الظالمين، ونحن نقول الحمد لله رب العالمين.

اللهم أنت كشاف الكرب والبلوى، واليك استعدى فعندك العدوى، وأنت رب الأخره والاولى.

... اللهم ونحن عبيدك التائقون الى وليك، المذكر بك وبنبيك، الذى خلقته لنا عصمه وملاذا، وأقمته لنا

قواما ومعاذا، وجعلته للمؤمنين منا إماما، فبلغه منا تحيه وسلاما.

... اللهم وأقم به الحق، وادحض به الباطل، وأدل به أولياءك، وأذلل به أعداءك، وصل اللهم بيننا وبينه

ص: ٣٦٦

وصله تؤدی إلی مرافقه سلفه، واجعلنا ممن یأخذ بحجزتهم، ویمکث فی ظلهم، وأعنا علی تأدیه حقوقه إلیه، والاجتهاد فی طاعته، والاجتناب عن معصیته، وامنن علینا برضاه، وهب لنا رأفته ورحمته ودعاءه، وخیر ما ننال به سعه من رحمتک، وفوزا عندک، واجعل صلواتنا به مقبوله، وذنوبنا به مغفوره، ودعاءنا به مستجابا، واجعل أرزاقنا به مبسوطه، وهمومنا به مکفیه، وحوائجنا به مقضیه، وأقبل الینا بوجهک الکریم، واقبل تقربنا إلیک، وانظر إلینا نظره رحیمه، نستکمل بها الکرامه عندک، ثم لا تصرفها عنا بجودک. واسقنا من حوض جده صلی الله علیه وآله، بکأسه وبیده، ریا رویا، هنیئا سائغا، لا ظمأ بعده... یا أرحم الراحمین ".

این نمائی از احترام و ادب شیعیان به پیشگاه حضرت امام مهدی موعود

ارواحنا فداه است.

* *

حضرت مهدی از نگاه سنی ها

اشاره

برخی تصور میکنند که اعتقاد به مهدی منتظر علیه السلام از باورهای خاص شیعیان است در حالی که این اعتقاد نزد سنی ها از همان اصالتی برخوردار است که شیعیان بدان معتقدند. از نگاه تمام مسلمانان بشارت های پیامبر صلی الله علیه و آله به ظهور آن حضرت و مأموریت جهانی و شخصیت برجسته و مقدس او و حتی نشانه های ظهور و ویژگی های انقلاب او، نکات مورد اتفاق است. تنها تفاوت موجود، این است که ما شیعیان او را امام دوازدهم و بنام محمد بن حسن عسکری علیه السلام و متولد سال ۲۵۵ هجری میدانیم و بر این عقیده ایم که خداوند عمر او را همچون عمر خضر علیه السلام طولانی نموده و او اکنون زنده و غایب است، تا خداوند هر زمان اراده فرماید، اجازه ظهورش را صادر فرماید. در حالی که اغلب دانشمندان سنی میگویند تولد و غیبت او ثابت نیست بلکه در آینده متولد و به آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله بشارت داده جامه عمل خواهد پوشاند.

اصیل بودن اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه سنی ها را میتوان از فراوانی روایاتی یافت که در کتابها و منابع روائی و اعتقادی آنها وجود دارد و در خلال فتواها و آراء دانشمندان اهل سنت در طول نسل های گذشته به چشم میخورد.

بنابراین، حرکت هایی مانند جنبش مهدی سودانی در قرن گذشته و حرکتی که

در آغاز این قرن در مسجد الحرام اتفاق افتاد و " جنبش جهاد و هجرت " در مصر و حرکت های مشابهی که از سوی مدعیان مهدویت در جوامع سنی ها رخ داده، بر خلاف آنچه بعضی تصور میکنند، حرکت هایی بی ریشه نبوده و به هیچ وجه تحت تأثیر تفکرات شیعه، درباره حضرت مهدی علیه السلام هم پدید نیامده است.

شمار راویان سنی که احادیث حضرت مهدی علیه السلام را از صحابه و تابعین نقل کرده اند کمتر از راویان شیعه نیست همچنین علماء سنی که در مراحل بعد روایات یاد شده را در کتاب ها و دایره المعارف های حدیثی تدوین نموده و یا دارای تألیفات ویژه ای در این زمینه اند، دست کمی از شیعیان ندارد.

شاید کهن ترین کتابی که از سنی ها درباره مهدی علیه السلام بدست ما رسیده، کتاب " الفتن والملاحم " اثر حافظ نعیم بن حماد مروزی (متوفای سال ۲۲۷ ه) باشد که مؤلف آن از اساتید " بخاری " و سایر افرادی است که از نویسندگان کتاب های صحاح ششگانه اهل سنت بشمار میروند، نسخه ای از این کتاب در کتابخانه دائره المعارف عثمانی در حیدر آباد هند با شماره ۳۱۸۷ - ۸۳ و نسخه ای در کتابخانه ظاهریه دمشق به شماره ۶۲ - أ د ب، و نسخه ای در کتابخانه موزه انگلستان است که حدود دویست صفحه پشت و رو دارد و تاریخ نسخه برداری آن سال ۷۰۶ هجری میباشد و روی پاره ای از صفحات آن عبارت " وقف حسین افندی " دیده میشود و نشانگر این است که از موقوفات ترکیه گرفته شده و در سال ۱۹۲۴ م. در کتابخانه بریتانیا ثبت گردیده است. و یکی از منابعی که ما در این کتاب از آن روایت نقل کرده ایم، همین نسخه است. اما سایر منابع روائی و اعتقادی سنی ها که از حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته و یا بخشی از کتاب خود را به این موضوع اختصاص

داده اند به بیش از پنجاه مأخذ میرسد که از جمله آنها، کتاب های صحاح اهل

سنت است. و اما شمار تألیفات، رساله ها و پژوهش های مستقل این موضوع نیز در

ص: ۳۷۰

حدود پنجاه مورد است.

و اما قدیمیترین اثر شیعی درباره امام زمان علیه السلام که بدست ما رسیده کتاب

" غیبت " و یا کتاب " قائم " از فضل بن شاذان نیشابوری است که معاصر نعیم بن

حماد بوده است وی کتاب خویش را قبل از ولادت حضرت مهدی علیه السلام و غیبت او

تألیف نموده است!

نسخه های این کتاب در قرون گذشته در دسترس علمای ما بوده ولی متأسفانه در

حال حاضر از آن خبری نیست، ولی بخش هائی از این اثر در ضمن تألیفات و

کتابهای دانشمندانی که از آن استفاده کرده اند بر جای مانده است، از جمله علامه

مجلسی که روایاتی از آن را در دائره المعارف خود " بحار الانوار " نقل کرده است.

در طول تاریخ، عقیده به حضرت مهدی علیه السلام از عقائد ثابت اسلامی نزد علما و

عموم مردم سنی مذهب بوده و بر این عقیده چنان هماهنگی و توافق عمومی

وجود داشته که اگر مخالفی پیدا میشد با انکار همگان روبرو میگشت و

دانشمندان و محققان با او به مقابله میپرداختند، چرا که انکار چنین موضوعی،

انکار یکی از عقائد مسلم اسلام به شمار میرود که با روایات فراوانی از رسول

خدا صلی الله علیه و آله بدست ما رسیده است.

اینک دو نمونه از کسانی که در این عقیده تردید نموده و دانشمندان سنی به آنان

پاسخ داده اند، از نظرتان میگذرد:

الف: ابن خلدون، از دانشمندان قرن هشتم سنی در مقدمه کتاب معروف تاریخ

خود میگوید (۱):

" بدان که بین همه مسلمانان در طول دوران گذشته چنین معروف بوده و هست که باید در آخر زمان

۱- ۱. چاپ، دار احیاء التراث العربی ص ۳۱۱.

مردی از اهل بیت ظهور کند و دین را یاری و عدالت را آشکار سازد و مسلمانان از او پیروی کنند، وی بر ممالک اسلامی استیلا یابد و مهدی نامیده شود. و خروج دجال و حوادث پس از آن که از نشانه های مسلم قیامت در روایات است بعد از ظهور وی اتفاق افتد و عیسی بعد از او فرود آید و دجال را از بین برد. یا همزمان با ظهور مهدی فرود آید و او را در کشتن دجال یاری نماید و در نماز به مهدی اقتدا کند " (۱)

آنگاه ابن خلدون بیست و هشت روایت را که درباره مهدی علیه السلام آمده بررسی میکند و به برخی از راویان آنها ایراد میگیرد و چنین میگوید:

" این مجموعه روایاتی ست که بزرگان در شأن مهدی علیه السلام و ظهور وی در آخر زمان آورده اند، و چنان که ملاحظه نمودی بجز اندکی، بقیه خالی از نقد نیست " (۲)

سپس برخی از آراء اهل تصوف درباره مهدی منتظر را مورد نقد و بررسی قرار داده و آنگاه بحث خود را با این گفتار پایان میدهد:

" باید به این حقیقت توجه داشت که هیچ دعوتی به دین و حکومت کامل نمیشود مگر با نیروئی مصمم که از آن پشتیبانی و دفاع کند تا امر خدا در آن آشکار گردد. این مطلب را قبلا با دلائل قطعی ثابت کردیم و گفتیم که تلاش شدید دولت فاطمیها و حتی قریش در سراسر جهان متلاشی شد و امت های دیگری جایگزین آنان گردیدند که سعی و تلاش بالاتری از تلاش قریش داشتند مگر گروهی از طالبیین از بنی حسن، بنی حسین و بنی جعفر که در سرزمین حجاز در مکه و ینبع در مدینه باقی مانده و در آن شهرها پراکنده و بر آن نقاط غالب اند، آنها دسته هایی هستند که از لحاظ وطن و حکومت و رأی و عقیده به صورت متفرق و پراکنده بسر میبرند و شمار آنان به هزاران تن میرسد. بنابراین چنانچه ظهور این مهدی صحیح باشد

۱– ۱. مقدمه ابن خلدون ص ۳۱۱.

۲– ۲. مقدمه ابن خلدون ص ۳۲۲.

توجیه قابل قبولی برای آن وجود ندارد مگر اینکه از همین افراد باشد و خداوند دلهای آنان را در پیروی از وی به یکدیگر پیوند دهد تا با قدرت و عظمت تمام دعوت خود را آغاز کند و مردم را به پذیرش آن وادار سازد. اما به غیر این روش، مانند اینکه فردی از افراد فاطمی در گوشه ای از جهان بدون حمایت قدرت و صرفا به خاطر انتساب به اهل بیت بخواهد دست به چنین دعوتی بزند، نمیتواند موفق باشد " (۱)

با آنکه ابن خلدون اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام را به شکل جدی رد نکرده اما آن را بعید دانسته و در تعدادی از روایاتش تردید کرده است. ا ز همین رو دانشمندان، نظرات وی را نسبت به یک عقیده اسلامی که روایات فراوانی بر اثبات آن وجود دارد، ناروا و انحرافی دانسته و او را مورد سرزنش قرار داده و گفته اند که او یک مورخ است و تخصصی در شناخت روایت ندارد تا بتواند به تحلیل و اجتهاد آن پردازد. بزرگترین نقدی که در رد ابن خلدون دیده ام کتاب " الوهم المکنون من کلام ابن خلدون " است که توسط دانشمند محدث احمد بن صدیق مغربی در بیش از یکصد و پنجاه صفحه به رشته تحریر درآمده و در مقدمه آن نظریات دانشمندان علم حدیث را در صحت و تواتر روایات حضرت مهدی علیه السلام بیان کرده و سپس اشکالات ابن خلدون به اسناد روایات را یک به یک پاسخ گفته و آنها را بی اساس و ضعیف دانسته و روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را تا یکصد روایت کامل کرده است.

ب: کتابی به نام " لا مهدی ینتظر بعد الرسول خیر البشر " (بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله مهدی ای نیست که انتظارش رود) توسط شیخ عبد الله محمود رئیس دادگاه های

۱- ۱. مقدمه ابن خلدون ص ۳۲۷.

شرع امارات قطر نوشته شد. این کتاب در پی شورشی منتشر شد که اخیرا در مسجد الحرام اتفاق افتاد و طی آن فرمانده شورشیان یعنی محمد بن عبد الله قرشی ادعا کرد که او مهدی منتظر است. پس از چاپ کتاب مذکور عده ای از علمای حجاز با نظرات وی مخالفت کردند، از جمله دانشمند محدث شیخ عبد المحسن عباد استاد دانشگاه اسلامی مدینه منوره که در پاسخ وی پژوهشی کامل تحت عنوان " الرد علی من کذب بالأحادیث الصحیحه الوارده فی المهدی " در بیش از پنجاه صفحه در مجله " الجامعه الاسلامیه " شماره ۴۵ محرم ۱۴۰۰ ه منتشر ساخت. در مقدمه این بحث در همان مجله چنین آمده است:

" بدنبال وقوع این حادثه (حادثه شورش در مسجد الحرام در سال ۱۴۰۰) که دل هر مسلمانی را میآزارد... پرسش هائی درباره ظهور مهدی علیه السلام در آخر الزمان مطرح گردید، از جمله اینکه آیا در این باره روایات نبوی صحیح وجود دارد یا خیر؟ از این رو برخی دانشمندان در رادیو و روزنامه ها صحت موضوع مهدی منتظر را با بسیاری از روایاتی که در این باره از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده، توضیح دادند، از جمله شیخ عبد العزیز بن عبد الله بن باز رئیس اداره پژوهش های علمی و تبلیغ و ارشاد که بیحرمتی و تجاوز احمقانه آن گروه منحرف نسبت به بیت الحرام را تقبیح کرد و همچنین شیخ عبد العزیز بن صالح، پیشوا و خطیب مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله در یکی از خطبه های نماز جمعه، تجاوز این گروه خاطی و ستمگر را به زشتی و بدی یاد کرد و خاطر نشان ساخت که آنها و کسانی که او را مهدی پنداشتند در یک سو و مهدی منتظر که در روایات مطرح شده در سویی دیگر قرار داد و این دو با یکدیگر بسیار متفاوتند.

در پاسخ به حرکت این گروه در مسجد الحرام بود که شیخ عبد الله بن زید محمود

رئیس دادگاه های شرع دولت قطر به تقلید از پاره ای نویسندگان قرن چهاردهم که

هیچگونه شناخت و تخصصی درباره روایت نبوی و صحیح و سقیم آن نداشتند،

ص: ۳۷۴

دست به انتشار جزوه ای بنام " لا مهدی ینتظر بعد الرسول خیر البشر " زد و در آن با

تکیه به شبهه های عقلی، تمام روایاتی را که درباره مهدی علیه السلام آمده تکذیب و همان

مطالب بی پایه گذشتگان را تکرار کرد و اعتقاد به ظهور مهدی موعود را خرافات

دانست...

و من مصلحت دیدم که این مطالب را نگاشته و خطاها و خیال بافیهای نویسنده

این جزوه را بر ملا سازم و توضیح دهم که عقیده به ظهور مهدی علیه السلام در آخر الزمان بر

اساس روایات صحیح بنا شده و علمای سنی و پیروان حدیث در گذشته و حال به

استثنای افرادی اندک بر آن اتفاق نظر دارند.

بجاست در اینجا اشاره کنم که من سابقا پژوهشی تحت عنوان " عقیده اهل

السنه والاثر فی المهدی المنتظر " نگاشتم و در مجله " الجامعه الاسلامیه " شماره ۳

سال اول، ذی قعده ۱۳۸۸ ه در مدینه منوره چاپ و منتشر گردید که این مقاله

مشتمل بر ده قسمت بدین ترتیب است:

۱ - نام صحابه ای که روایات مهدی علیه السلام را از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده اند.

۲ - اسامی پیشوایان سنی که روایات و اخبار وارده درباره مهدی را در کتاب های

خود آورده اند.

۳ - دانشمندانی که درباره مهدی علیه السلام تألیف مستقلی دارند.

۴ - دانشمندانی که معتقد به تواتر (۱) احادیث مهدی اند و نقل کلام آنان.

۵ - بیان برخی از روایاتی که در صحیح بخاری و مسلم (۲) آمده و به موضوع

۱- ۱. حدیث متواتر به حدیثی گفته میشود که تعداد اسناد راویان آن بقدری زیاد باشد که امکان هماهنگی آنان بر ساختگی

بودن حدیث محال باشد. مترجم

۲– ۲. صحیح مسلم و صحیح بخاری، دو کتاب از کتاب های معروف و معتبر حدیث اهل سنت است.

مهدی ارتباط دارد.

۶ - بیان پاره ای از روایاتی که درباره مهدی علیه السلام در غیر دو کتاب یاد شده آمده، همراه با ذکر سندهای بعضی از آنها.

۷ - معرفی دانشمندانی که به روایات مربوط به مهدی استدلال کرده و به محتوای آن معتقد بودند.

۸ - معرفی کسانی که روایات مربوط به مهدی را انکار و یا در آن تردید نموده اند همراه با پاسخ به نظرات آنها.

۹ - بیان مطالبی که تصور میشود با روایات مربوط به مهدی علیه السلام تعارض دارد و پاسخ مطالب مذکور.

۱۰ - گفتار پایانی درباره این نکته که اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام در آخر زمان ناشی از ایمان به غیب است و اعتقاد سنی ها به مهدی علیه السلام ارتباطی به عقیده شیعه ندارد ".

در حقیقت نقد و بررسی ابن صدیق مغربی در پاسخ ابن خلدون و دو پژوهش یاد شده از شیخ عباد، از غنیترین پژوهش های روائی و اعتقادی سنی ها درباره مهدی منتظر علیه السلام است.

من مایل بودم قسمت هایی از این مطالب را نقل کنم، اما بیان آراء دانشمندان دیگر، از کتاب " الإمام المهدی عند أهل السنه " را سودمندتر دیدم، این کتاب اخیرا از سوی " کتابخانه امیر المؤمنین علیه السلام " در اصفهان چاپ و منتشر گردیده و سحاوی فصل هایی از کتب حدیث و رساله های مستقل و پژوهش هایی پیرامون مهدی علیه السلام است که به قلم بیش از پنجاه تن از دانشمندان و پیشوایان سنی نوشته شده است.

اکنون به دیدگاه تعدادی از این دانشمندان توجه فرمائید:

ابن قیم جوزی دمشقی

ابن قیم در کتابش " المنار المنیف فی الصحیح والضعیف " پس از نقل تعدادی از روایات مربوط به مهدی منتظر علیه السلام میگوید:

" اولا خود این روایات از نظر اعتبار سند به چهار درجه تقسیم میشوند. ثانیا مردم در مورد مهدی علیه السلام دارای چهار دیدگاه متفاوت اند:

الف: کسانی که معتقدند عیسی بن مریم در حقیقت همان مهدی است. طرفداران این گفته به روایت محمد بن خالد جندی (لا مهدی إلا عیسی) استدلال کرده اند و ما گفتیم که این روایت درست نیست و اگر درست هم باشد حداکثر، بیانگر آن است که مقام عیسی بالاتر از مقام مهدی است.

ب: کسانی که معتقدند مهدی همان مهدی خلیفه عباسی است که به خلافت رسید و حکومتش منقرض شد، پیروان این گفته به این روایت احمد در کتاب " مسند " استناد میکنند:

" وقتی درفش های سیاه را مشاهده کردید که از سوی خراسان روی آورند به سمت آنها بشتابید اگر چه با خزیدن روی برف، زیرا مهدی خلیفه خدا در میان آنهاست... "

... این روایت در کتاب سنن ابن ماجه از عبد الله بن مسعود نقل شده که میگوید:

" روزی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که جوانانی از بنی هاشم وارد شدند، چون پیامبر آنها را دید، اشک از چشمانش جاری و رنگ رخسارش دگرگون شد، عرض کردم: حالتی را در سیمای شما میبینیم که آن را دوست نداریم! فرمود: ما خاندانی هستیم که خداوند آخرت را در برابر دنیا بر ایمان برگزیده است. به زودی اهل بیت من به بلا، مصیبت و آوارگی گرفتار شوند تا آنکه قومی از اهل مشرق بیاید در حالی که درفش های

سیاه با خود دارند، حق را مطالبه کنند و به آنها داده نشود، آنگاه به نبرد و مبارزه پردازند تا پیروز شوند،

پس خواسته آنها را عملی کنند ولی آنها نپذیرند تا آنکه درفش را بدست مردی از خاندان من بسپارند، او زمین را پر از عدل و داد کند آنگونه که قبلا از ظلم و ستم پر شده است، پس هر کس آن زمان را دریابد باید به نزد ایشان بشتابد گرچه با خزیدن روی برف باشد ".

... این مورد و مورد قبلی اگر صحیح باشد. در آن دلیلی وجود ندارد که مهدی خلیفه عباسی همان مهدی منتظر است که در آخر زمان ظهور کند بلکه او یک مهدی است مانند مهدی های دیگر. همچنانکه عمر بن عبد العزیز نیز مهدی بود بلکه میتوان گفت وی به این نام سزاوارتر از مهدی عباسی بود.

... اما مهدی موعود علیه السلام همواره در جهت خیر و هدایت است همچنانکه نقطه مقابل دجال است که پیوسته در جهت شر و گمراهی است. و همانگونه که قبل از دجال بزرگ که دارای کارهای خارق العاده ای است دجالهای دروغین ظاهر میشوند همینطور پیش از مهدی موعود علیه السلام نیز مهدی های هدایتگر و صالح ظاهر خواهد شد.

ج: کسانی که معتقدند او مردی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و از فرزندان حسن بن علی است و در آخر زمان ظهور خواهد کرد. زمانی که زمین آکنده از ظلم وجور باشد، آن را سرشار از عدل و داد گرداند. اکثر روایات بر این نظر دلالت دارد... " (۱)

ابن حجر هیثمی

ابن حجر در کتاب خود " الصواعق المحرقه " گوید:

" مقاتل بن سلیمان و مفسران پیرو او گفته اند که آیه شصت و یکم سوره زخرف که فرموده " وانه لعلم الساعه " درباره مهدی علیه السلام نازل گردیده است. و روایاتی که به صراحت وی را از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله میداند خواهد آمد در این صورت آیه شریفه

۱- ۱. الامام المهدی عند أهل السنه: ۱ / ۲۸۹.

میفهماند که ذریه فاطمه وعلی رضی الله عنهما با برکت خواهد بود و خداوند از آن

دو، فرزندان پاک و شایسته بسیاری برآورد و نسل آن ها را کلید حکمت و معدن

رحمت قرار دهد و سر آن این است که پیامبر، فاطمه و ذریه او را از شر شیطان، در

پناه خداوند قرار داد و برای علی نیز چنین دعایی نمود که شرح کامل آن از سیاق

روایات مربوطه استفاده میشود " (۱)

ابن کثیر

ابن کثیر در کتاب نهایه فصل مستقلی به این موضوع اختصاص داده و نام آن

فصل را چنین گذاشته است:

" مهدی که در آخر زمان ظهور میکند " سپس میگوید: " او یکی از جانشینان

راستین (پیامبر) و پیشوایان هدایت شده است که احادیث نبوی درباره او سخن

می گویند و بیان میدارند که (ظهور) وی در آخر زمان خواهد بود... "

و به دنبال این روایت که " درفش های سیاهی از خراسان خروج مینمایند و هیچ

چیز مانع بازگشت آنها نمیشود تا اینکه در ایلیاء نصب گردند " میگوید:

" این پرچم ها آنهایی نیستند که ابو مسلم خراسانی آنها را به اهتزاز درآورد و به وسیله آن دولت بنی

امیه را در سال ۱۳۲ ه منقرض کرد. بلکه درفش های دیگری است که همراه مهدی خواهد آمد و او، محمد

بن عبد الله علوی فاطمی حسنی است که خداوند وی را در یک شب شایستگی بخشد یعنی توبه او را

پذیرفته و او را موفق کند و به او الهام نموده و به راه راست هدایت کند و حکومت او را بر پا داشته و ارکان

دولت وی را استوار سازد. پرچم های آنان سیاه است چرا که رنگ سیاه نشانه ای از وقار است. زیرا درفش

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز سیاه بود و عقاب نامیده میشد " (۲)

١- ١. الامام المهدی عند أهل السنه: ١ / ٤٢٠.
٢- ٢. الامام المهدی عند أهل السنه: ١ / ٢٩٦ و ٣٠١ و ٣٠٢.

جلال الدین سیوطی

سیوطی در کتاب " الحاوی للفتاوی " میگوید: " ابن جریر در تفسیر خود به نقل از سدی درباره این آیه: " و من أظلم ممن منع مساجد الله أن یذکر فیها اسمه وسعی فی خرابها " (۱) آورده است که: منظور، رومیان هستند که در خراب کردن بیت المقدس از بخت النصر پشتیبانی کردند و درباره این کلام خدا: " اولئک ما کان لهم أن یدخلوها إلا خائفین " (۲) گفت: روی زمین هیچ رومی وجود ندارد که داخل آن شود مگر آنکه بیمناک است که مبادا گردنش را بزنند و از او جزیه بگیرند. و در مورد این جمله: " لهم فی الدنیا خزی " (۳) گفت: اما خواری و ذلت این جهان وقتی است که مهدی علیه السلام قیام نماید و قسطنطنیه آزاد گردد و آنها را از دم شمشیر بگذراند. (۴)

سپس در توضیح روایت " لا مهدی إلا عیسی بن مریم " میگوید: قرطبی در تذکره گفته است: سند این روایت ضعیف است در حالی که احادیث نبوی وجود دارد که به روشنی درباره خروج مهدی است و بیانگر آن است که او از عترت و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و از فرزندان فاطمه است. و سند این احادیث از آن روایت صحیح تر است بنابراین باید بر اساس آن روایات حکم جاری کرد نه بر پایه این حدیث ضعیف.

ابو الحسن محمد بن حسین بن ابراهیم بن عاصم سجزی میگوید: روایات پیامبر صلی الله علیه و آله درباره آمدن مهدی متواتر و فراوان است و همه آنها نشان میدهد که

۱- ۱. یعنی: چه کسی ستمگرتر از آن است که در تخریب مساجد خدا تلاش کرد و از یاد خدا در آنها جلوگیری نمود (سوره بقره آیه ۱۱۴)

۲- ۲. یعنی: آنها را سزاوار نیست که در آن وارد شوند مگر بیمناک. (ادامه همان آیه)

۳- ۳. یعنی: خواری و ذلت در دنیا بر آنها باد (ادامه آیه قبل)

۴- ۴. الامام المهدی عند أهل السنه: ۱ / ۳۵۴.

مهدی از اهل بیت است، هفت سال حکمرانی خواهد نمود و زمین را پر از عدل و داد خواهد ساخت. عیسی همزمان با او ظهور نموده و در کشتن دجال در دروازه لد در سرزمین فلسطین وی را یاری خواهد کرد. او بر این امت، امامت کند و عیسی پشت سر او در تمام مدت فرمانروائی وی نماز بگزارد " (۱)

ابن أبی الحدید معتزلی

ابن أبی الحدید در شرح نهج البلاغه در بیان این سخن امیر المؤمنین علیه السلام که میفرماید: " و بنا یختم لابکم " میگوید:

" این گفته اشاره به مهدی است که در آخر زمان ظهور کند. بیشتر محدثان برآنند که وی از فرزندان فاطمه است و پیروان مذهب معتزله این نظر را انکار نمیکنند بلکه در کتاب های خود به بیان آن تصریح کرده و اساتید و بزرگانشان به این امر اعتراف نموده اند. با این تفاوت که به اعتقاد ما او هنوز آفریده نشده و بعدا آفریده خواهد شد. و اصحاب حدیث (۲) نیز به این نظر گرایش دارند " (۳)

و در شرح این سخن امام علیه السلام که فرمود: " لتعطفن الدنیا علینا بعد شماسها عطف الضروس علی ولدها " (۴) و در پی آن این آیه را تلاوت نمود: " ونرید أن نمن علی الذین استضعفوا فی الأرض ونجعلهم أئمه ونجعلهم الوارثین " میگوید:

" شیعیان بر این عقیده اند که این وعده به امام غایب مربوط است که در آخر

۱- ۱. الامام المهدی عند أهل السنه: ۱ / ۳۶۹.

۲- ۲. منظور ابن ابی الحدید از اصحاب حدیث بخشی از پیروان مذهب حنبلی هستند که امروز به نام سلفی یا وهابی شناخته میشوند. مترجم

۳- ۳. الامام المهدی عند أهل السنه: ۱ / ۱۶۴.

۴- ۴. یعنی: دنیا پس از سرکشی با مهر و عاطفه فراوان همچون مهر ماده شتر پیر به فرزندش به سوی ما بازمیگردد. مترجم

زمان بر زمین حکمرانی خواهد کرد. و هم فکران ما (معتزله) میگویند: مسلما این

وعده مربوط به امامی است که بر زمین فرمانروائی و بر ممالک استیلا مییابد ولی

لازم نیست او حتما اکنون وجود داشته باشد... و پیروان فرقه زیدیه میگویند:

بی تردید کسی که بر زمین حکمرانی خواهد کرد شخصی فاطمی است و جماعتی

از فاطمیها که بر مذهب زیدیه اند به دنبال او خواهند آمد، هر چند اکنون کسی از

آنان وجود نداشته باشد " (۱)

سپس در شرح این گفته حضرت علی علیه السلام " پدرم فدای فرزند بهترین کنیزان " میگوید:

" شیعیان بر این باورند که امام دوازدهم آنان فرزند کنیزی است بنام نرجس ولی

معتزله میگویند او فاطمی است و در زمان آینده از کنیزی متولد خواهد شد و اکنون

وجود خارجی ندارد. او زمین را همانگونه که از ستم انباشته شده، از عدل و داد پر

کند و از ستمکاران انتقام گیرد و با سخت ترین مجازات آنان را کیفر دهد " (۲)

حال باید ابن ابی الحدید و سایر دانشمندان اهل سنت که معتقدند مهدی،

فرزند بهترین کنیزان عالم است به این سؤال پاسخ دهند که اگر مهدی علیه السلام فرزند امام

حسن عسکری علیه السلام نباشد و قرار باشد در عصر ما تولد یابد، پس موضوع کنیز و

فرزند کنیز و فرزند بهترین کنیزان عالم چگونه ممکن خواهد بود؟

ابن ابی الحدید در جای دیگر و در شرح این جمله نهج البلاغه که در ارتباط با

امام زمان فرموده است " فی ستر من الناس " " او از دیده مردم پنهان است " میگوید:

" این سخن، اشاره به مخفی بودن امام دارد، اما نکته مذکور سودی برای

شیعیان ندارد هر چند تصور کنند که امام مورد نظر آنها را بیان کرده است. زیرا

١- ١. الامام المهدى عند أهل السنه: ١ / ١٧۴.
٢- ٢. الامام المهدى عند أهل السنه: ١ / ١۵٢.

ممکن است خداوند این امام را در آخر زمان بیافریند و مدتی میان مردم پنهان دارد و دارای مبلغانی باشد که مردم را به سوی او فرا خوانند، و فرمان او را اجرا کنند و پس از مدتی اختفاء، ظهور نماید و بر کشورها فرمانروائی و بر دولت ها استیلا یابد و مالك زمین گردد "

مناوی صاحب کتاب فیض القدیر

مناوی در شرح این روایت که " مهدی مردی از فرزندان من و چهره اش چون ستاره ای درخشان است " میگوید: در کتاب مطامح آمده است:

" گفته شده که در میان این امت خلیفه ای خواهد بود که ابوبکر بر او فضیلت ندارد. سپس میافزاید: روایات مربوط به مهدی فراوان و مشهور است که آنها را بسیاری از علما به صورت جداگانه گردآوری نموده اند ".

از جمله سمهودی گفته است:

" از اخباری که درباره او ثبت شده، معلوم میشود که وی از فرزندان فاطمه است و بر اساس آنچه در کتاب سنن ابو داود آمده او از فرزندان حسن است ".

سپس میگوید:

" روایت " لا مهدی إلا عیسی بن مریم " هیچگونه تعارضی با روایات مهدی موعود ندارد زیرا منظور از آن، چنان که قرطبی گفته یعنی مهدی کامل و معصوم، کسی غیر از عیسی نیست. اما ابن جوزی به نقل از ابن احمد رازی میگوید: این روایت (یعنی روایت لا مهدی إلا...) روایتی است باطل، زیرا راوی آن محمد بن ابراهیم صوری است سپس رازی از کتاب " میزان الاعتدال " همین روایت را با سند ابن جلاب از رواد نقل کرده. در آن کتاب میگویند که این حدیث، حدیث باطل و

غیر قابل قبولی درباره مهدی است ".

ص: ۳۸۳

خیر الدین آلوسی

آلوسی در کتاب " غالیه المواعظ " میگوید:

" بر اساس صحیح ترین نظریه اکثر اندیشمندان، ظهور مهدی، از جمله نشانه های قیامت است و نظر برخی علما که آمدن وی را انکار نموده اند، فاقد ارزش و اعتبار است... "

وی پس از آنکه بخشی از روایات مربوط به مهدی علیه السلام را مورد بررسی و تحقیق قرار داده، میگوید:

" آنچه درباره مهدی بیان کردیم، اعتقادی است صحیح و مبتنی بر اقوال اهل سنت و جماعت " (۱)

شیخ محمد خضر حسین مفتی اعظم الأزهر

(۲)

شیخ محمد خضر در گفتاری با مجله تمدن اسلامی تحت عنوان " نگرشی بر روایات مهدی " میگوید: " مواردی در دین وجود دارد که همچون احکام شرعی، پایبندی به آن در صورت وجود یک روایت معتبر کافی است. یکی از این موارد احادیث مهدی موعود است، بیان این مسائل در احادیث برای آگاهی مردم است اما درستی یا نادرستی ایمان افراد وابسته به شناخت محتوای این روایات نیست. حال اگر در روایتی صحیح از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شود که در آخر زمان چنین خواهد شد، برای ما علم و آگاهی لازم بدست میآید و پایبندی به محتوای آن لازم میشود و دیگر نیازی به کثرت راویان آن حدیث تا حد تواتر نخواهد بود. در کتاب صحیح " امام بخاری " روایتی درباره مهدی علیه السلام نیامده، اما در " کتاب صحیح مسلم " روایتی

۱- ۱. الامام المهدی عند أهل السنه: ۲ / ۱۵۸ و ۱۶۰.

۲- ۲. " شیخ الازهر " بالاترین مقام علمی الازهر مصر و مفتی اعظم مذاهب چهارگانه اهل سنت به شمار میرود. مترجم

وارد شده که نام مهدی در آن صریحا نیامده ولی بعضی از علما میگویند منظور از

آن مهدی است یا به برخی صفات آن حضرت اشاره شده است، اما صاحبان سایر

کتاب های حدیث مانند امام احمد بن حنبل، ابو داود، ترمذی، ابن ماجه، طبرانی،

ابو نعیم، ابن أبی شیبه، ابو یعلی، دار قطنی، بیهقی، نعیم بن حماد و دیگران این

روایات را نقل کرده اند و برخی آنها را در رساله های جداگانه ای گردآوری نموده اند،

مانند " العرف الوردی فی حقیقه المهدی " اثر ملا علی قاری و " التوضح فی تواتر ما

جاء فی المنتظر والدجال والمسیح " از شوکانی.

شوکانی در همین رساله، معتقد است که این روایات به حد تواتر رسیده و

میگوید: " روایاتی که (درباره مهدی) در دست ماست پنجاه حدیث است که

شامل حدیث صحیح، حسن و ضعیف قابل جبران (۱) است بنابراین احادیث

مذکور، بر پایه معیارهای علم اصول، متواتر محسوب میگردند. زیرا احادیثی که

حتی از این مقدار استحکام هم برخوردار نباشند، متواترند (۲).

بعضی از منکران روایات مهدی میگویند: " این روایات بی تردید از ساخته های

شیعیان است، ولی این نظر مردود است زیرا تمام این روایتها دارای سند است و ما

اسناد آنها را نیز تحقیق و بررسی نمودیم و راویان آنها را از کسانی یافتیم که به

عدالت و دقت در نقل حدیث معروفند و حتی یک نفر از کارشناسان علم رجال که

---

۱ - ۱. حدیث ضعیف قابل جبران به حدیثی گفته میشود که از نظر سند ضعیف است اما به خاطر تأیید محتوای آن توسط احادیث یا ادله دیگر، ضعف یاد شده جبران میگردد و در نتیجه حدیث قابل اعتماد محسوب میشود. مترجم

۲ - ۲. حدیث متواتر به حدیثی گفته میشود که اسناد راویان آن به قدری زیاد باشد که امکان ساختگی بودن حدیث غیر ممکن باشد. چنین حدیثی از بالاتر درجه اعتبار برخوردار است. مترجم

متخصص در شناسائی راویان حدیثند، راویان این احادیث را به شیعه بودن متهم نساخته اند.

آری، بسیاری از بنیانگذاران دولت ها، مسأله مهدی علیه السلام را وسیله رسیدن به اهداف خود قرار داده اند و ادعای مهدویت کرده اند تا مردم را بدین وسیله گرد خود جمع کنند، از جمله دولت فاطمیها (در مصر) که بر اساس این دعوت به پا گردید و مؤسس آن عبیدالله، خود را مهدی خواند. و دولت موحدین (در مغرب) بر پایه این ادعا شکل گرفت، و بنیانگذار آن محمد بن تومرت، حکومت خود را بر این دعوت استوار نمود.

همچنین مردی به نام عباس به سال ۶۹۰ ه، در مناطق کوهستانی ریف در کشور مغرب قیام کرد و خود را مهدی خواند و جماعتی از او پیروی کردند ولی سرانجام به قتل رسید و دعوتش پایان یافت.

و همینطور پس از شورش "عرابی باشا " در مصر، مردی به نام محمد احمد در سودان پیدا شد و ادعای مهدویت کرد و قبیله بقاره وابسته به قبیله جهینه در سال ۱۳۰۰ با این پندار که او مهدی است از وی پیروی کردند. تعایشی، یکی از سران قبیله بقاره بعد از احمد جانشین او شد.

حال اگر مردم، روایت پیامبر را بدرستی نفهمند یا آن را به شکل نامناسب تطبیق دهند و در پی آن خطائی رخ دهد هرگز نباید در صحت روایت تردید نمود یا حدیث مذکور را انکار کرد، چرا که نبوت پیامبر هم حقیقت و واقعیتی بود بی تردید، اما افرادی به دروغ و افتراء ادعای نبوت کرده و جماعت بسیاری از مردم را به ورطه گمراهی کشاندند. مانند طایفه قادیانیه که امروز چنین ادعایی دارند.

همچنین است پرستش خدا که مانند آفتاب موضوعی روشن است اما عده ای

معتقد بودند که خداوند در وجود رهبرانشان حلول کرده، مانند فرقه بهائیت در

ص: ۳۸۶

زمان ما، پس شایسته نیست آدمی حق را به خاطر اندیشه های باطلی که به آن افزوده اند انکار کند ". (۱)

شیخ ناصر البانی

البانی در گفتاری تحت عنوان " پیرامون مهدی " در مجله تمدن اسلامی، میگوید: " باید توجه داشت که درباره ظهور مهدی موعود روایات فراوان و صحیحی وجود دارد که بسیاری از آنها دارای اسناد صحیح است. و من در اینجا نمونه هایی از آنها را میآورم و سپس به پاسخ شبهه خرده گیران و منتقدان میپردازم " آنگاه البانی با بیان نمونه هائی از احادیث مذکور و دیدگاه علما درباره متواتر بودن آنها پرداخته و میگوید:

" براستی (افرادی مانند) رشید رضا و دیگران (که در روایات مهدی آخر زمان تردید دارند) در مورد تک تک روایات مهدی تحقیق و بررسی نکرده و تلاش لازم به کار نبرده اند و اگر نه در میبافتند که برخی از این روایات، حجت را بر ما تمام میکنند و قابل اعتماد و استنادند، حتی در امور غیب که بعضی تصور میکنند جز با روایت متواتر قابل اثبات نیست میتوان از این روایت ها استفاده کرد. آقای رشید رضا مدعی است که چون در میان راویان احادیث حضرت مهدی افرادی از شیعیان دیده میشود. بنابراین احادیث مذکور فاقد اعتبارند. در پاسخ باید گفت که اولا: این موضوع درست نیست و ثانیا در میان راویان احادیث چهارگانه ای که ذکر کردم شخصی که معروف به تشیع باشد دیده نمیشود، اگر این ادعای رشید رضا صحیح هم بود خدشه ای به صحت احادیث وارد نمیساخت، زیرا معیار صحت روایت، صداقت و دقت راوی است و همانگونه که در علم حدیث بیان شده، اختلاف

۱- ۱. الامام المهدی عند أهل السنه: ۲ / ۲۱۰ - ۲۱۴.

مذهب راوی در حدیث نقشی ندارد، از این رو " مسلم و بخاری " (۱) در کتاب های

خود از بسیاری شیعیان و دیگر فرقه های مخالف، روایاتی نقل نموده و حتی به

این گونه روایات، استدلال کرده اند.

آقای رشید رضا دلیل دیگر تردید خود را وجود تعارض در محتوای روایات

مهدی بیان کرده اما این دلیل نیز مردود است، زیرا تعارض دو روایت در شرایطی

درست است که هر دو حدیث از نظر سند با هم برابر باشند اما تعارض بین روایت

قوی و ضعیف را هیچ خردمند منصفی جایز نمیداند، و تعارض مورد نظر ایشان از

همین قبیل است.

کوتاه سخن اینکه، عقیده به ظهور مهدی عقیده ای است ثابت که بطور متواتر از

پیامبر صلی الله علیه و آله بدست ما رسیده و از امور غیبی است که ایمان به آن واجب و اعتقاد به

آن از صفات متقین شمرده میشود، چنان که خداوند در قرآن میفرماید:

" الم ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین، الذین یؤمنون بالغیب " (۲) (یعنی: آن کتاب که شک

در آن نیست، مایه هدایت پرهیزکاران است کسانی که به غیبت ایمان میآورند.)

انکار این موضوع جز از جاهل و یا لجوج سر نمیزند. از خداوند مسألت دارم ما

را با ایمان به آن و به تمام آنچه به درستی در کتاب و سنت آمده، بمیراند " (۳)

عدوی مصری

عدوی در کتاب " مشارق الأنوار " میگوید: " در برخی روایات آمده که هنگام

---

۱ - ۱. مسلم و بخاری هر دو از مؤلفان معروف و معتبر اهل سنتند و کتاب های آنها به کتاب صحیح مسلم و صحیح بخاری شهرت دارد. مترجم

۲ - ۲. بقره / ۱ - ۳.

٣- ٣. الامام المهدى عند أهل السنه: ٢ / ٢٨٨ - ٣٩١.

ظهور او (مهدی) فرشته ای بالای سرش ندا کند که: " این مهدی خلیفه خداست، از او پیروی کنید، پس مردم به او روی آورند و عشق و محبت وی در دلها جایگزین شود، وی بر شرق و غرب زمین فرمانروائی کند و کسانی که نخستین بار بین رکن و مقام (کنار کعبه) با او بیعت کنند به تعداد اهل بدر باشند، پس از آن مؤمنین واقعی شام و افراد شایسته ای از مصر و گروه هایی از مشرق زمین نزد او آیند. و خداوند برای یاری او سپاهی با درفش های سیاه از خراسان برانگیزد، سپس به شام و در روایتی به کوفه روی آورند که جمع بین هر دو روایت ممکن است و خداوند او را با سه هزار فرشته یاری فرماید و اصحاب کهف از یاران آن حضرت باشند، استاد سیوطی میگوید: " راز تأخیر اصحاب کهف تا این زمان بدین جهت است که خداوند این عزت و شرف را به آنان عطا فرماید که در این امت داخل شده و خلیفه خدا را یاری نمایند، طلایه دار سپاه مهدی جبرئیل و در انتهای آن میکائیل قرار دارد " (۱)

سعد الدین تفتازانی

تفتازانی در کتاب " شرح المقاصد " مینویسد: " خروج مهدی و فرود آمدن عیسی از موضوعاتی است که به مبحث امامت مربوط است و هر دو از نشانه های قیامت است ". سپس میگوید:

"... از ابو سعید خدری نقل شده که: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود " بر این امت بلا و مصیبتی برسد که از ظلم و بیداد، کسی ملجأ و پناهگاهی نیابد، آنگاه خداوند مردی از خاندان مرا برانگیزد تا زمین را پر از عدل و داد سازد همانگونه که از ظلم و جور آکنده گردد " علماء بر آنند که او پیشوایی عادل از فرزندان فاطمه است که خداوند هر وقت اراده کند او را خواهد آفرید و برای یاری دین خود برخواهد انگیخت و شیعه معتقد است که او محمد بن حسن عسگری است که از

۱- ۱. الامام المهدی عند أهل السنه: ۲ / ۶۲.

بیم دشمنان، پنهان شده و طول عمر او امری محال و غیر ممکن نیست همچون نوح، لقمان و خضر. ولی سایر فرقه ها این مطلب را انکار کرده و آن را امری بسیار بعید شمرده اند زیرا چنین عمرهای طولانی بدون دلیل و قرینه در این امت بی سابقه است. (۱)

قرمانی دمشقی

او در کتاب خود " اخبار الدول وآثار الأول " میگوید: " دانشمندان بر این عقیده اتفاق دارند که مهدی همان قائم آخر الزمان است و روایات فراوانی ظهور او را تأیید و پرتو افشانی او را گواهی میدهند. ظلمت و تاریکی روزگاران با ظهور او به روشنائی بدل خواهد شد و با جلوه جمال او، ظلمت شب های تار جای خود را به صبح راستین خواهد داد و نور پرتو عدالتش سراسر جهان را همچون ماه، تابناک خواهد نمود " (۲)

محی الدین بن عربی

محی الدین در کتاب " الفتوحات المکیه " چنین میگوید: " آگاه باش، خداوند ما را با خلیفه ای از طرف خویش یاری کرده که ظهور خواهد کرد در حالی که زمین مملو از ظلم و بیداد شود و او از عدل و داد سرشار سازد و اگر از عمر جهان تنها یک روز مانده باشد خدای سبحان آن روز را به حدی طولانی نماید تا آن خلیفه خدا که از خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله و از فرزندان فاطمه و همنام با پیامبر صلی الله علیه و آله است ظهور کند.

"... او در کارزار بزرگی که مهمانی خداست، در مرج عکا حاضر شود، ستم و

۱- ۱. الامام المهدی عند أهل السنه: ۱ / ۲۱۴.

۲– ۲. الامام المهدی عند أهل السنه: ۱ / ۴۶۳.

ستم پیشگان را نابود و دین را بر پا و جان تازه در کالبد اسلام بدمد، اسلام بعد از خواری، بدست او عزیز و ارجمند گردد و پس از انزوا دوباره زنده شود، مالیات و جزیه را بردارد (دشمنان را) با شمشیر، دعوت به خدا نماید، هر کس نپذیرد کشته شود و هر که با او در افتد خوار و بیچاره گردد، در احکام و مسائل دین بگونه ای عمل کند که اگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود همان گونه عمل میکرد، مذاهب باطل را از روی زمین براندازد و جز دین پاک و ناب، آئینی باقی نماند.

دشمنان او پیروان فقیهان صاحب اجتهادند (یعنی فقهاء چهارگانه اهل سنت) و چون حکم او را بر خلاف احکام پیشوایان خود میبینند به ناچار از ترس شمشیر و هیبت او و یا از شوق مزایایی که در اختیار دارد، تحت فرمان وی در میآیند.

عامه مسلمانان بیش از خواص، به وجود او شاد گردند و عارفان اهل حقیقت که به سبب معرفت الهی به کشف و شهود حقائق نائل شده اند با وی بیعت کنند.

او از پشتیبانی مردانی الهی برخوردار است که دولت وی را برپا داشته و او را یاری کنند، آنان وزیران و معاونان او محسوب میشوند که بار مسئولیت سنگین مملکت را به دوش کشیده و او را در مأموریت الهی اش همراهی کنند.

... شهدای راه او بهترین شهیدان و امانت داران او برترین امانت دارانند. همانا خداوند گروهی را که در پس پرده غیب خود ذخیره ساخته به یاری او برگزیند و آنها را از طریق کشف و شهود بر حقایق عالم و بر آنچه فرمان خدا بر بندگان است آگاه سازد. مهدی با مشورت آنان امور را فیصله دهد و آنها عارفان واقعیاند و از آنچه در عالم غیب و معنا وجود دارد، آگاهند "

اما خود او صاحب شمشیر حق و سیاستی مدنی است. آگاهی و علم او از

جانب خداوند به اندازه شأن و منزلت او است، زیرا وی خلیفه ای راستین و به حق

است، زبان حیوانات را میداند و عدالتش بر جن و انس جاری گردد، وزیران او

اهل سر خدایند و آنان را مصداق این آیه قرآن قرار داده که میفرماید: " یاری مؤمنان بر ما فرض است " آنان، هم ردیف بزرگان صحابه پیامبرند که بر سر پیمان خویش با خدا باقی ماندند، جملگی عجم اند و در میانشان عربی وجود ندارد ولی جز به زبان عربی سخن نمی گویند، نگهبانانی دارند ولی نه از جنس خودشان، او هرگز نافرمانی خدا را نکرده و وزیر مخصوص و برترین امانتدار خداوند است. (۱)

شریف برزنگی

شریف در کتاب خود " الاشاعه فی اشراط الساعه " میگوید: " بدان که روایات مربوط به مهدی با وجود اختلاف آن منحصر و محدود نیست. محمد بن حسن دستوری در کتاب " مناقب شافعی " میگوید: روایاتی که از رسول الله درباره مهدی آمده و او را از خاندان آن حضرت دانسته، در حد تواتر است (۲)... از ابن سیرین نقل شده که مهدی از ابوبکر و عمر افضل است. سؤال شد: آیا از ابوبکر و عمر افضل است؟! پاسخ داد: چه بسا از بعضی پیامبران نیز برتر باشد. و از او روایت شده که گفت: ابوبکر و عمر بر او فضیلت ندارند. سیوطی در کتاب " العرف الوردی فی أخبار المهدی " میگوید: سند برتری مهدی سندی صحیح و حدیث دوم از حدیث اول قابل تحمل تر است.

سپس میافزاید: به نظر من، باید عبارتهای این حدیث را توجیه کنیم چرا که بر اساس روایتی که میگوید " اجر و پاداش یاران مهدی به اندازه پاداش پنجاه نفر از شماست "، روشن میگردد که فتنه ها و مشکلات زمان مهدی شرایط بسیار دشواری را ایجاد خواهد کرد.

۱- ۱. الامام المهدی عند أهل السنه: ۱ / ۱۰۶ - ۱۰۷.

۲- ۲. معنی تواتر در حدیث قبلا گفته شد.

به عقیده من (شریف برزنگی)، حق این است که جهات برتری و فضیلت،

متفاوت است و روا نیست فردی را بر فرد دیگر بطور کلی، ترجیح دهیم مگر آنکه

پیامبر صلی الله علیه و آله او را برتری داده باشد. زیرا ممکن است در فرد پائین تر امتیازی وجود

داشته باشد که در شخص برتر نباشد.

در فتوحات مکیه از شیخ محی الدین عربی نقل شده که آن حضرت در صدور

احکام و دستورات خود معصوم است و به سنت و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کرده و

هرگز خطا نمیکند، بی تردید این خصلت در ابوبکر و عمر وجود نداشته است.

ویژگیهای نه گانه ای که درباره او بیان شده در وجود هیچ یک از پیشوایان دینی

گذشته وجود نداشته، با توجه به این جهات میتوان او را از ابوبکر و عمر برتر

دانست هر چند آنها از امتیاز مجالست با رسول خدا صلی الله علیه و آله و مشاهده وحی و سابقه در

ایمان و امثال آن برخوردار بوده اند. والله العالم.

شیخ علی قاری در کتاب " المشرب الوردی فی مذهب المهدی " میگوید: از

جمله چیزهایی که میتواند دلیل برتری حضرت مهدی علیه السلام باشد این است که

شخص پیامبر صلی الله علیه و آله او را " خلیفه خدا " نامیده ولی به ابوبکر جز " خلیفه رسول خدا "

گفته نشده است " (۱)

* *

اکنون روشن میگردد که اعتقاد به امام زمان عجّل الله فرجه الشّریف یعنی اعتقاد به کسی که دین

پاک خدا را بر جهانیان غالب و زمین را از عدل و داد سرشار خواهد نمود، اعتقادی

اسلامی و پذیرفته شده از سوی تمام گروه های اعتقادی است، چرا که ظهور او،

بشارت قطعی رسول خدا صلی الله علیه و آله و عهد بی تردید پروردگار عالمیان است و اختلاف بر

١- ١. الامام المهدی عند أهل السنه: ١ / ٤٨٠ - ٥٠٦.

سر تولد یا عدم تولد او هیچ تأثیری در اساس این اعتقاد ایجاد نمیکند. پس بر تمام مسلمانان فرض است که با همه وجود، دل و دیده خود را به راه پر نور آن رهبر موعود آسمانی بسپارند. رهبری که به زودی از کنار خانه کعبه، جهانیان را ندا خواهد داد و از آنجا رهسپار مدینه الرسول و عراق و شام و قدس و سپس متوجه جای جای عالم خواهد شد. خداوندا، ظهورش را نزدیک فرما و ما را از یاران و همراهانش قرار ده. آمین

* *

ص: ۳۹۴

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹